

باشگاه

مسجد

ماهنامه فرهنگی، آموزشی و ترویجی
شماره ۱۹۰ - ذی‌الحجه ۱۴۳۷ -

صاحب امتیاز: مرکز رسیدگی به امور مساجد
تهیه: معاونت فرهنگی اجتماعی
مدیر مسئول: سعید کرمی
قائم مقام مدیر مسئول و سردبیر: محمد
صادق منتظری

دبیر تحریریه: مهدی منتظری
پیشخوان: مهدی رزاقی

مسجد: مهدی منتظری
منبر: یاسر شریعتی

نگاه: حسن علی آبادی
همکاران این شماره: رضا احمی، علی بانسی
گروه هنری

طراح و گرافیک: احسان حسینی
طراح اینفوگراف: حسین علی آبادی

گروه ویراستاری: جعفر مروچی، علیرضا
سالوند، محسن صابری

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان
سعدی شمالی، پایین تراز بیمارستان امیراعلم، کوچه
شهید صفامنش، پلاک ۱، مجتمع محراب، معاونت
فرهنگی اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد

تلفن: ۶۶۳۴۶۹۲۴

پست الکترونیکی: farhangi@masjed.ir

پیشخوان ۴-۱۸

روش مدیریت رهبر معظم انقلاب در مسجد کرامت | ۴ |
ویژگی های مسجد غیر سکولار | ۸ |
من امام جماعت ... | ۱۲ |
مسجدها هم تاریخ دارند | ۱۴ |



مسجد ۱۹-۴۸

جای خالی یک امام جماعت | ۲۰ |
از شبستان علم تا رواق فرهنگ | ۳۰ |
درس خواندن در خانه خدا | ۳۶ |
مسجد در کتب درسی شش سال اول ابتدایی | ۴۰ |



منبر ۴۹-۶۴

دنیای حلال | ۵۲ |
سر بلندی در آرمایش الهی راز رسیدن به عبودیت حقیقی | ۵۴ |
خانه ای سرمست از رایحه مهدوی | ۵۶ |
ایده های تبلیغی در دهه ولایت | ۶۱ |



نگاه ۶۵-۸۰

مشاوره خوب، مشورت است نه دخالت | ۶۶ |
رگ رگ است این آب شیرین و آب شور | ۶۹ |
برای مردم، دلسوز باش ... | ۷۵ |
تشخیص درست دستاورد مصاحبه | ۷۷ |



آیا این موضوع نیاز به گفتمان سازی دارد؟!



یادداشت سردبیر

۱ اینکه یک نیاز مهم حکومتی از حالت صرفاً علمی و پرداخت‌های کلیشه‌ای، درآمده و به مسئله روز مردم تبدیل شود، بسیار اهمیت دارد. طی سال‌های اخیر در بسیاری از موارد به مطالبات رهبر فرزانه انقلاب نگاه شعاری شده است. سازمان‌های مسئول، سعی وافر نموده‌اند با یک بنر تبلیغاتی بی‌رنگ و آب یا حداکثر برگزاری همایش و نشست‌های تکراری و بدون برون‌داد، سر و ته قضیه را هم آورند و آخر سال گزارشی پر و پیمان به مقامات بالا ارائه دهند. غافل از اینکه حاکمیت در مقام شعار نیست، بلکه خط و مشی آینده را مشخص می‌کند.

۲ اقتصاد مقاومتی از آن دست مطالباتی است که نباید به دام شعارزدگی بیفتد. تأکید رهبری انقلاب در چند ساله اخیر و تبیین ابعاد مختلف این راهبرد اقتصادی نشان از نگاه جدی حاکمیت به این مقوله دارد. اقتصاد درون‌زا بر ظرفیت‌ها و استعدادها داخلی، احیاء و ظرفیت‌سازی اقتصادی، مدیریت سرمایه‌های انسانی، رشد علم و فناوری در راستای اقتصاد درون‌زا، کنترل سرمایه‌های مالی و... تکیه دارد.

۳ اقتصاد درون‌زا به گفتمان سازی نیاز دارد. گفتمان زمانی در جامعه محقق می‌شود که تک‌تک اعضای امت نیاز به موضوع را درک کنند، مجامع علمی نیاز را بفهمند و دولتیان به اولویت نیاز واقف باشند. شناخت این نیاز مشترک زمینه‌های گفتمان را در بین طبقات مختلف جامعه فراهم می‌آورد. در سال‌های جنگ، مردم، مسئولان و فعالان علمی و فرهنگی، نیاز به دفاع مقدس را فهمیدند. آنگاه گفتمان جهاد و شهادت در رگ‌های ایران اسلامی جریان یافت و شمیم جان‌بخش حیات طیبه بر کالبد نظام دمیده شد.

۴ در طول این چند سال همه خانواده‌های ایرانی مزه تلخ رکود اقتصادی را چشیدند، مجامع صنعتی از تولید بیم‌ناک‌اند، کارگران هر روز اضطراب عدم تمدید قراردادشان را دارند، فعالان عرصه علم و فرهنگ نشانه‌های اقتصاد تک‌محصولی و سست‌بنیان را در آسیب‌های اجتماعی می‌بینند. اکنون زمان گفتگو درباره اقتصاد مقاومتی است تا این موضوع به یک مسئله فرهنگی اجتماعی تبدیل شود؛ اما این گفتمان زمانی به قله‌های پیروزی می‌رسد که موارد زیر در آن رعایت شود:

- زنگ خطر این گفتمان از جایی زده می‌شود که تئوری پردازی، ایجاد راهبرد و ارائه راهکار را بیرون از مجامع علمی دنبال کنیم. این گفتمان نباید دچار محافل غیرعلمی و عوام‌زدگی شود.
- این گفتمان نیازمند است تا با سیاست و تدبیر پیش رود و دچار

سیاست‌زدگی و مستمسکی برای دعوای سیاسی نشود.

- این گفتمان دچار شعارزدگی نشود و در دام همایش‌زدگی و... نیفتد.
- این گفتمان دچار بیماری علم‌زدگی و تئوری پردازی نشود؛ بلکه با توجه به ظرفیت‌های موجود به دنبال راهکار باشد.
- گفتمان مقدمه ایجاد تفکر در جهت پیدا کردن راهکار است؛ پس نباید در گفتمان ماند که خود آسیب‌زا می‌باشد.

۵ ائمه جماعات در ایجاد و تقویت گفتمان اقتصاد مقاومتی در بین امت و تقویت روحیه مطالبه‌گری از کارگزاران حکومتی، نقش شایسته‌ای دارند که در ذیل به آن اشاره می‌شود:

- ایجاد گفتمان قناعت، تعادل در مصرف، سودرسانی به هموعان و... در بین مأمومین و همسایگان مسجد در قالب منبر و خطابه، بر امامان جماعت و مرکز رسیدگی به امور مساجد است تا با غور در منابع معرفتی و علمی از جهت محتوایی به منظومه‌ای از سرفصل‌های مرتبط با اقتصاد مقاومتی دست یابند و آن را در قالب‌های مختلف به جامعه پیرامون مسجد انتقال دهند.

- تقویت روحیه تولید در بین خانواده‌ها از جمله مواردی است که می‌تواند سرلوحه برنامه‌های محتوایی و فرهنگی مساجد قرار گیرد. تولید در منزل از جمله سنت‌های دیرباز در تمدن اسلامی - ایرانی بوده است. بسیاری از صنایع دستی در بستر همین سنت به رشد و بالندگی رسیدند. خیاطی، قالی‌بافی، حصیربافی، گلیم‌بافی و... از جمله صنایع زودبازده هستند که ترویج آنها می‌تواند از مسجد و تشکل‌های مسجدی و هیئات محلی شروع شود. برون‌داد این فعالیت اقتصادی تشکیل بازارچه‌ای در سایه مسجد است. چنانچه در تهران به عنوان پایتخت ایران هر ماه یا هر هفته در روز خاصی بازارچه‌هایی در جهت تقویت اقتصاد خانواده با مدیریت مساجد تشکیل شود، می‌تواند در گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی و حتی فرهنگ سازی اقتصاد درون‌زا اهمیت وافر داشته باشد.

- تشکیل جلسات آموزشی با محوریت راهکارهای تقویت اقتصاد مقاومتی در مدیریت اقتصادی خانه و خانواده، از جمله پیشنهادها به همسایگان مسجد است.

- تبادل تجربیات اقتصادی در بین خانواده‌های همسایه مسجد با حضور کارشناسان، موجب تقویت مهارت‌های اقتصادی خانواده با رویکرد اقتصاد مقاومتی می‌شود.

- اگر خرید احتیاجات مساجد مثل لامپ‌ها، شیرآلات، وسایل گرمایشی و سرمایشی، چای، برنج و خواروبار، در جهت اقتصاد درون‌زا صورت پذیرد، خود قدم قابل توجهی در این راستا خواهد بود. پیشنهاد شما در جهت ایجاد گفتمان مسجدمحور در موضوع اقتصاد مقاومتی چیست؟

پیشخوان

سنگراول و آخر

بیانات ارزشمند مقام معظم رهبری در دیدار اخیر ایشان با ائمه جماعات استان تهران، نشان از اشتباهاتی چند، در

مهدی رزاقی طالقانی
دبیر سرویس پیشخوان

جهت گیری حرکت مساجد داشت. غفلت از جریان سازی فرهنگی در مسجد گویا ابییدمی این روزهای مساجد در کشور شده است، مسئولیت ایفای نقش در محیط فرهنگی، مسئولیتی ست که همه مساجد به صورت ذاتی بر عهده دارند؛ و در این میان، مساجدی که در مناطق و شهرهایی که پیشتر در معرض آسیب های فرهنگی هستند، وظیفه بزرگتری را باید بر دوش بکشند..

هر چند آسیب شناسی فضای صرفاً عبادی مسجد دشوار نیست اما خلأ چنین آسیب شناسی هایی موجب حضور مستقیم رهبری در این موضوع شده است؛ اگر به طیف سنی نمازگزاران در مساجد دقت کنیم، اگر به حضور کم رنگ مسجد در واکنش ها و کنش های فرهنگی مطرحه در جامعه دقت کنیم، اگر به پر کاری نهادهای غیر دینی در وانقسای فرهنگی جامعه دقت کنیم! دلایل حضور رهبری در موضوع هسته های مقاومت فرهنگی در مسجد پی می بریم. همه این نکاتی که بر شمردیم به معنی نادیده گرفتن تلاش های مساجدی چند در جامعه و تلاشهای اهالی مسجد و ائمه جماعات فعال نیست، اما چه کنیم که توقع ما، از ایستادگی اولین و آخرین سنگر دینداری جامعه، یعنی مسجد زیاد است.



مسجد ارتباط شما با مقام معظم رهبری از چه تاریخی آغاز شد و شما چگونه با ایشان آشنا شدید؟

بنده در گناباد طلبه بودم که از آنجا به مشهد هجرت کردم. فکر می‌کنم که از سال ۱۳۴۶ با ایشان مأنوس شدم. این انس و ارتباط، به واسطه کسوت طلبگی و ایام انقلاب، شکل خاصی پیدا کرد و این سعادت را داشتم که از محضر ایشان استفاده کنم و تا امروز هم ارتباط مان با ایشان الحمدلله حفظ شده است.

مسجد برای مخاطبین نشریه مسجد، از فضای جلسات ایشان در آن روزها بگوئید.

در آن روزها، مسجد اصلی ترین پایگاه و جایگاه برای نشر افکار امام (ره) و فرهنگ و اندیشه انقلاب بود؛ چرا که هم اعتبار کافی را داشت و هم مؤمنین به آن اقبال نشان می‌دادند و البته نسل جوان در امور آن نقش زیادی ایفا می‌کرد. از این حیث، مسجد کرامت برای افکار مقام معظم رهبری، فرصت ویژه‌ای بود که ایشان به طور طبیعی با مردم صحبت کنند و شعله‌های انقلابی مردم را روشن تر نمایند.

این مسجد، خانه فردی بود به نام حاج محمود کرامت، که دوست‌داران انقلاب و مقام معظم رهبری آنجا را به مسجد تبدیل کردند، که بعدها به مسجد کرامت مشهور شد.

مردم در این مسجد با ایشان ارتباط ویژه‌ای داشتند؛ زیرا ایشان در مسجد هم پیش‌نماز بودند، هم تفسیر می‌گفتند و هم جلسات آشنایی با نهج‌البلاغه را برگزار می‌کردند. درس اخلاقشان هم شهره خاص و عام بود و مسائل سیاسی را در کنار این جلسات و به صورت ویژه مطرح می‌کردند.

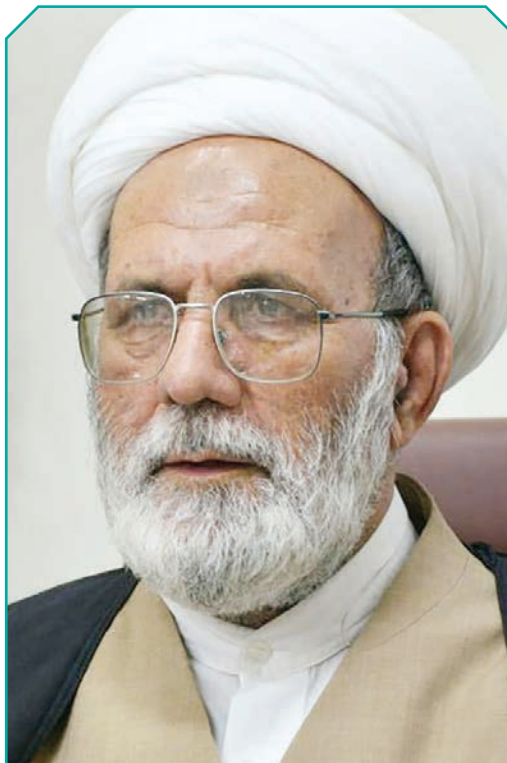
شیوه‌های بیان و ارتباط با مردم ایشان خیلی دلپذیر و زیبا بود و مجلس‌شان خیلی شلوغ می‌شد و جمعیت زیادی از همه قشرها می‌آمدند؛ زن، مرد، بازاری، دانشگاهی، طلبه، دانشجو، همه این‌ها در مسجد کرامت حضور فعال داشتند و از این جلسات بهره می‌بردند.

مسجد آیا مسجد کرامت پیش از حضور مقام معظم رهبری، دارای اقبال عمومی بود یا حضور ایشان شعله‌های اقبال مردم به این مسجد را روشن کرد؟

آبروی هر مسجدی را خدا می‌دهد؛ اما به راستی آنچه ما دیدیم این بود که همه شخصیت مسجد کرامت به وجود مقام معظم رهبری بود. قبلاً که گفتم یک خانه شخصی بود، اعتباری از این جهت نداشت. اعتبار را ایشان به آن مسجد بخشیدند.

مسجد آیا ایشان در همان دوران، در جامعه انقلابیون مشهد فردی با نفوذ اجتماعی بالا به شمار می‌رفتند؟

بله، مقام معظم رهبری هم از ناحیه پدر بزرگوارشان که از یک خانواده اصیل بودند، مورد توجه قرار می‌گرفتند و هم خودشان آن ویژگی‌هایی که برای نفوذ اجتماعی لازم بود، در وجودشان داشتند. کافی بود کسی یک بار با ایشان بنشینند و تفاوت‌ها را میان ایشان و دیگر روحانیون بزرگوار احساس کند. همین امر باعث می‌شد که افراد به طور طبیعی جذب ایشان شوند و آن زمانی که ایشان در مسجد کرامت بودند، در بین حوزه و نخبگان، شخص مطرحی بودند.



جذب حداکثری در دوران حداقل‌ها

روش مدیریت رهبر معظم انقلاب در مسجد کرامت

شاید حجت الاسلام والمسلمین محمد باقر فرزانه، امام جمعه موقت مشهد و رییس دانشگاه رضوی و امام جماعت مسجد کرامت مشهد، تنها فردی باشند که از ویژگی‌ها و

به کوشش: احمد میسری

شاخصه‌های مقام معظم رهبری در مقام امام جماعت، تحلیل طلبگی و جامعه‌شناختی داشته باشد. چرا که هم از نزدیکان ایشان به شمار می‌آمدند و هم، سال‌ها امام جماعت همان مسجد هستند. مسجد کرامت مشهد مقدس از مساجد مبارزاتی رهبر معظم انقلاب بوده است.

در ادامه، گفت‌وگویی کوتاه درباره ویژگی‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مقام امام جماعتی مسجد کرامت، با ایشان داشته‌ایم که می‌خوانید.



پیشخوان

مسجد انقلابی

🔸 ابزار، توانایی و روش ایشان در تعامل با اهالی مسجد چگونه بود و اگر نکاتی از مدیریت ایشان در مسجد در خاطر تان هست برای ما بفرمایید.

شخصیت ایشان به نحوی بود که هیئت امنای مسجد، همواره در مقابل ایشان حالت خضوع و فرمان‌بری داشتند و مقام معظم رهبری با آن شخصیت شناخته شده‌ای که داشتند، استعداد‌های یک مجموعه را به طرز عجیبی کشف می‌کردند و پس از آن استعداد و توانایی را در مجموعه جذب و مدیریت می‌کردند، برای جوانان کار تعریف می‌کردند و از آنها مسئولیت می‌خواستند و حتی زمانی که در مسجد حاضر نبودند، فکر، ذهن و توانشان را برای مسجد می‌گذاشتند. به یاد دارم که از منزل هم تلفن می‌زدند که اگر مانعی در کارها پیش آمد به من خبر بدهید و هیئت امنای مسجد با ایشان به خوبی همکاری می‌کردند.

🔸 با توجه به معضلی که در مساجد ما وجود دارد و ائمه جماعات برای مسجد زمان کافی را نمی‌گذارند، شما بفرمایید که ایشان چه مقدار زمان را برای امورات مسجد اختصاص می‌دادند؟

بله، اولاً ایشان قبل از وقت نماز در مسجد حاضر می‌شدند و بسیاری از کارهای فکری، مطالعاتی و یا ملاقات‌های خودشان را در مسجد انجام می‌دادند. وقت مناسبی هم برای این کارها اختصاص می‌دادند. برای نماز هم مرتب حضور داشتند و بعد از نماز هم مقداری با مردم صحبت می‌کردند؛ جواب سؤالات مردم را می‌دادند و حتی در و دیوار مسجد، کاملاً احساس می‌کردند که امام جماعت اینجافعال است و پاسخگوی خوبی برای همه است.

🔸 بر خورد ایشان با جوانان چگونه بود که مسجد از حضور این قشر تأثیرگذار اجتماعی سرشار می‌شد؟

من خاطره‌ای را که در یادم هست خدمتتان در پاسخ به این سؤال عرض می‌کنم. یک روز جوانی با موهای بلند - که آن زمان به تیپ هیپی مشهور بود - پشت سر ایشان در صف اول نشسته بود. ایشان نماز را که شروع کردند، گویا یکی از نمازگزاران به آن جوان می‌گوید: شما عقب‌تر بروید. بر خورد خوبی نبود و باعث شد بعد از نماز آن جوان آمد پیش آقای خامنه‌ای و گفت: من در صف اول بودم؛ اما یکی از این آقایان به من گفتند که برو صف آخر. آقا هم با صلابت و رک‌گویی مشهورشان گفت: بی خود گفتند. چه اشکالی دارد که شما صف اول باشید. و به ایشان خیلی برخورد، به نحوی که منقلب شده بودند و سراغ آن نمازگزار رفتند و به او تذکر دادند.

🔸 آیا در نحوه برخورد ایشان با جوانان که منجر به جذب آنها می‌شد، خاطره دیگری در ذهن دارید؟

بله، در جلساتی که ایشان در مسجد داشتند، گاهی مسئله‌ای را مطرح می‌کردند و در طرح آن، جوانان، دانشجویان و طلاب جوان را به اظهار نظر تشویق می‌کردند. گاهی هم ایشان نکته‌ای را یادداشت می‌کردند. یعنی به آن جوان می‌فهماندند که شما هم می‌توانید حرفی که برای من مفید باشد، داشته باشید و این نکته برای آن جوان‌ها جالب بود. یادم هست نسبت به برداشت از ذبح حضرت اسماعیل، یکی از جوانان ما مطلبی گفت که ایشان فوراً یادداشت کردند. یکی از بزرگواران گفت: «آقا

برداشت خوبی بود؟» ایشان گفتند: «بله، جوان‌ها برداشت‌های خیلی خوبی دارند که ما از آنها استفاده می‌کنیم». ایشان این‌گونه برخورد می‌کردند و طبیعی بود که جوان‌ها هم جذب می‌شدند.

🔸 مباحث استکبارستیزی ایشان هم، گویا از جوانی در بیانات و تفکر ایشان وجود داشته است. از بروز این تفکر در دوران امام جماعتی ایشان در مسجد کرامت نکته‌ای در ذهن شما هست؟ اصولاً مباحث مهمی که ایشان در مسجد مطرح می‌کردند، چه بود؟

مهم‌ترین آنها اهمیت دادن به نماز بود؛ مفهوم نماز را خیلی بزرگ می‌دانستند، لذا گاهی اوقات، بعد از نماز به بحث ترجمه نماز با توضیح و تفسیری زیبا می‌پرداختند که هنوز در خاطر من به عنوان الگوی بیان مسائل دینی مانده است. با این نوع بیان، احساس می‌شد که شخصیت نماز در ذهن ما به جایگاه حقیقی‌اش نزدیک می‌شود.

موضوع مهم دیگر، بحث صبر بود؛ صبر در آن دوران، جور خاصی معنا می‌شد که مثلاً همه این مصائب در جامعه را باید تحمل کرد و باید منتظر بود و... اما آیت‌الله خامنه‌ای، آن روزها صبر را جور دیگری معنا می‌کرد و من امروز متوجه می‌شوم که منظورشان همان مقاومتی بود که امروز هم از آن سخن می‌گویند. همان مقاومت در برابر فشار جاذبه‌های معصیت، مقاومت در برابر فشار انجام تکالیف، فشار و مقاومت در برابر عناصری که می‌خواهند انسان را به ذلت بکشانند و سلطه خود را بر انسان حاکم کنند. ایشان به شکل ملموسی، بین نماز و مقاومت ارتباط ایجاد می‌کرد. جالب بود که گویا ایشان منبع انرژی مقاومت را از نماز می‌دانست؛ یعنی آن منبعی که به انسان انرژی می‌دهد، آدم را محکم می‌کند، استوار می‌کند، نماز است. جزوات «ژرفای نماز» و «صبر و مقاومت»، از آن دوران به یادگار مانده است.

🔸 به عنوان سخن آخر، اگر نکته‌ای از دوران حضور مقام معظم رهبری در مسجد کرامت به خاطر دارید، بفرمایید.

شاخصه مهم مقام معظم رهبری در آن دوران این بود که ایشان در آزاد کردن پتانسیل و هدایت افراد، هنرمند بود. نمونه این روش تربیتی را ما در زندگی امام خمینی (ره) به خوبی دیده‌ایم که چگونه ملت ایران را از شر خیلی از مسائل آزاد کرد و هدایت نمود.

بعضی‌ها انرژی‌ها را در جامعه و فرد آزاد می‌کنند، اما پس از آن، او را رها می‌کنند؛ اما ایشان این‌گونه نبود. نمی‌خواهم بگویم غیر از ایشان کسی این شیوه تربیتی را نداشت؛ اما به علت اینکه با ایشان مراوده بیشتری داشتم، این مسئله را به خوبی درک کردم. از بزرگان دیگر، مرحوم

شهید بهشتی و یا شهید مطهری نیز چنین قدرتی داشتند. شاخصه بعدی ایشان این بود که هرگز ایشان را از کار برای انقلاب خسته ندیدم. یعنی از همان سال‌های ۱۳۴۶ که من به حلقه نزدیکان مقام معظم رهبری در مشهد، وارد شدم، ایشان همیشه با یک نشاط و انرژی خاصی کارهای انقلاب را پیگیری می‌کردند. باز هم اشاره می‌کنم که در این موضوع، علامه مطهری و شهید دکتر بهشتی نیز این‌گونه بودند.

به هر صورت از خداوند منان می‌خواهم ایشان را در همه مراحل موفق و منصور بدارد که حقیقتاً نعمت بزرگی برای انقلاب هستند.

“
شاخصه مهم
مقام معظم
رهبری در آن
دوران این بود
که ایشان در آزاد
کردن پتانسیل
و هدایت
افراد،
هنرمند بود
”

مسجد پایگاه بزرگ بسبب فرهنگی و حرکت فرهنگی

مسجد پایگاه بزرگ بسبب فرهنگی و حرکت فرهنگی است؛ شیوهی کار را باید در مسجد آموخت که چه کار کنیم. حرفی که شما با مأمومین خودتان و مسجدی‌های خودتان می‌زنید، از نطق تلویزیونی و مانند این‌ها بر مراتب کارآمدتر و مؤثرتر است؛ نگاه چشم‌در‌چشم و جلسه‌ی نزدیک که نفس‌گوینده به شنونده می‌خورد، یک چیز دیگری است؛ این فقط هم در اجتماعات ما تجلی دارد؛ این مجالس روضه‌خوانی، مجالس وعظ و خطابه، مجالس گوناگون خیلی چیزهای مهمی است؛ این‌ها را دست کم نباید گرفت، هم از فضای مجازی مؤثرتر است، هم از صداوسیما مؤثرتر است.

مسجد بر محور امام جماعت

پیش‌نمایی مسجد تنها وظیفه‌ی امام جماعت نیست؛ پیش‌نمایی هم یکی از کارها است. اقامه‌ی نماز، اقامه‌ی حق و عدل، اقامه‌ی دین، ابلاغ احکام دینی، وظیفه‌ی ما به‌عنوان پیش‌نماز و به‌عنوان امام جماعت است. یعنی محور مسجد امام جماعت است، مسجد بر محور امام جماعت است. این را باید یک شغل مهم و اساسی به حساب آورد. لکن حق مسجد باید ادا بشود.



پیشخوان

مسجد
انقلابی

مسجد کانون ذکر و نماز

آفات چارواداری نماز

نماز ما [باید] از این آفات چارواداری مصون و محفوظ بماند؛ یعنی آفت غفلت در حال نماز، بی‌توجهی به مفاهیم نماز و به مخاطب نماز که ذات اقدس الهی است؛ این یکی از آفات است. این یکی از آن آفات به تعبیر بنده چارواداری است. از یک آفت دیگر که ریا است [«وَ اَبْرَأْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَ السَّمْعَةِ وَ الشَّكِّ فِي دِينِكَ» (۶) که در دعا هست - توانستیم خودمان را نجات بدهیم، تازه نماز ما می‌شود یک نماز عادی و معمولی؛ عمق نماز باز محفوظ نیست.

باید جامعه‌ی ما این جور باشد که مثل یک امر محبوب و مطلوب دنبال نماز برویم؛ نه به‌عنوان یک تکلیف از سر باز کردنی؛ به‌عنوان یک چیز شوق‌انگیز، یک چیز جذاب.

قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ

نماز به معنای واقعی کلمه عمود دین است؛ معنای عمود این است که اگر نبود، سقف فرو می‌ریزد؛ بنا شکل بنایی خود را از دست می‌دهد؛ نماز

این است. بنابراین بیکره‌ی عظیم دین متوقف است به نماز. کدام نماز می‌تواند این بیکره را حفظ کند؟ آن نمازی که دارای خصوصیات مطلوب خود باشد: قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ، ناهی از فحشا و منکر، نمازی که با ذکر همراه باشد؛ وَ لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ (۵) این ذکر را که در درون نماز است، هم باید ترویج کنیم.

مسجد هسته مقاومت

یک مسئله‌ی دیگر در مورد مسجد عبارت است از هسته‌ی مقاومت، مقاومت وقتی گفته می‌شود، فوراً ذهن می‌رود به مقاومت نظامی و امنیتی و امثال این‌ها. خوب بله، آن هم قطعاً مقاومت است، اما بالاتر از آن، مقاومت فرهنگی است. حصار فرهنگی، خاکریز فرهنگی در کشور اگر سست باشد، همه چیز از دست خواهد رفت.

مسجد محل دمیدن فکرها

مسجد پایگاه انواع و اقسام فعالیت‌های اجتماعی است؛ یعنی وقتی ما مردم را گرد این محور جمع کردیم، از آنها چه می‌خواهیم. یکی از چیزهایی که می‌خواهیم این است که به فعالیت‌های اجتماعی بپردازند. در جامعه‌ی اسلامی همه‌ی آحاد وظیفه دارند، مسئولیت دارند، باید کار انجام بدهند؛ کار برای پیشرفت جامعه، کار برای امت، بنابراین اینجا محل پمپاژ فکرها و پراکندن وظایف مختلف و کشاندن مردم به کارهای گوناگون است. مسجد برای انجام فعالیت‌های اجتماعی و پایگاه فعالیت‌های اجتماعی است.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران

مسجد پایگاه عزیمت جوانان

این آماري که جناب آقای آقاي حاج‌علي اکبري گفتند، خیلی آمار مهمی است؛ اینکه ایشان گفتند که ۹۷ درصد از شهدای ما مسجدی بوده‌اند - اگر تحقیق بشود - این خیلی حرف مهمی است. این جوان‌ها از مسجد رفته‌اند و جان خودشان را در راه خدا داده‌اند؛ نقطه‌ی عزیمت عبارت است از مسجد؛ خیلی حرف بزرگی است، حرف مهمی است. بنابراین مسجد، [هم] پایگاه مقاومت است، هم [پایگاه] رشد فعالیت‌های فرهنگی و هدایت فرهنگی و بصیرت فرهنگی است.

کارهای مهم ائمه‌ی محترم جماعات در مساجد

- برگزاری جلسات رودررو با مأمومین
- برقراری نماز جماعت در اوقات سه‌گانه نماز
- پرهیز از سکولار شدن مسجد
- ایجاد جایگاه خاص برای جوانان در مسجد
- حفظ و تبیین تاریخ و سرگذشت مساجد



سکولاریزه کردن مسجد

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ائمه جماعات استان تهران

بعضی‌ها مسجد را ... از مسائل سیاسی می‌خواهند به کلی برکنار بدارند. آمی گویند! آقا شما وارد سیاست نشوید، کار خودتان را بکنید. کار خودتان یعنی چه؟ یعنی بیایید همان نمازتان را بخوانید و بروید؛ فقط پیش‌نمازی محض. این همان سکولاریسم است. سکولاریسم به معنای بی‌دینی نیست، سکولاریسم به معنای این است که دین در غیر عمل شخصی، هیچ بروز و ظهوری نداشته باشد. نظام اجتماعی کاری به دین ندارد. بله، هر کسی در داخل نظام اجتماعی متنوع غربی و شرقی و امثال این‌ها خودش برای خودش، در دل خودش، در عمل خودش یک ارتباطی با خدا داشته باشد؛ سکولاریسم یعنی این. این همان چیزی است که دشمنان می‌خواهند؛ دشمنان همین را می‌خواهند. آن دینی که با آن مخالفاند، آن ایمانی که با آن می‌جنگند، آن ایمانی است که به ایجاد نظام اسلامی می‌انجامد و اسلام را قدرتمند می‌کند؛ با آن مخالفاند. از اسلام می‌ترسند؛ کدام اسلام؟ اسلامی که دارای قدرت است، دارای نظامات است، دارای سیاست است، دارای حکومت است، دارای ارتش است، دارای نیروی مسلح است، دارای توانایی‌های علمی است، دارای توانایی‌های بین‌المللی است. از این جور اسلامی می‌ترسند و آلاز اسلامی که ولو یک میلیون طرف‌دار هم فلان جریان یا فلان حزب یک گوشه‌ای در یک کشور یا در سراسر دنیا داشته باشد، اما قدرتی در اختیار ندارد، واهم‌های ندارند؛ کاری آدر برابر آن نمی‌کنند. آن اسلامی که با آن مقابل‌اند، با آن مخالف‌اند، با آن دشمن‌اند، کینه آن را در دل می‌پروراند، اسلام مقتدر است. آن وقت ما بیاییم اسلام را در کانون‌های اصلی خود یعنی مساجد، از مسائل جامعه، از مسائل سیاست، از مسیر جامعه، از مسیر جامعه به کلی منصرف کنیم؟ این جفای بزرگی است در حق مسجد.



پیشخوان

مسجد انقلابی

چرخه اجتماعی فعال

ویژگی‌های مسجد غیر سکولار

باید بدانیم که مسجد به عنوان یک ظرف، به خودی خود سکولار نیست و مدیریت حاکم بر آن است که به عنوان یک روح کلی، مسجد را از رسالت و کارکرد اصلی دور می‌کند، راندمان کارکردی آن را به حداقل می‌رساند و خروجی آن صرفاً در یک رابطه انسان با خدا به عنوان یک حرکت عبادی تعریف می‌شود که این تمام حقیقت مسجد نیست.



حجت الاسلام والمسلمین
احمد بصیری
امام جماعت مسجد امام
حسین قلهک

نقش مسجد از زمان تأسیس آن در دوره حیات نبی مکرم تنها نقش عبادی نبوده است.



“
مسجد
غیر سکولار
مسجدی است
که نسبت به
وضعیت محیطی
و اجتماعی خود
بی تفاوت نیست
”

مساجد می‌تواند نشان‌دهنده مسئولیت جامعه مؤمنین نسبت به معضلات معیشتی مردم باشد.

مسجد غیر سکولار، براساس این روایت پیامبر (صل‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة»، خودش را در برابر جامعه از جهت اخلاقی و شرعی مسئول می‌داند. مسجد غیر سکولار در مباحث آموزشی و تربیتی برای سطوح و سنین مختلف برنامه‌ریزی می‌کند؛ در وهله اول جذب کودکان، نوجوانان، جوانان و در کنار آن، برای مسائل مربوط به جنسیت‌ها در جامعه حساس است و آموزش‌هایی را برای دختران - مادران فردای جامعه - در نظر می‌گیرد. در منبر نیز، امام جماعت برای مردان آینده طرح و بحث دارد.

به‌طور کلی، مسجد این‌گونه به ایفای نقش در جامعه و زندگی فرد فرد آن می‌پردازد.

مسجد غیر سکولار، در بحث ازدواج، مشاوره و تأمین جهیزیه نیز فعال است؛ فرزند حاصل از این‌گونه ازدواج‌ها، به مسجد باز می‌گردد، پدر و مادر، فرزندشان را برای اذان و اقامه، نزد روحانی مسجد می‌آورند. این رفتارها، ارتباط حداقلی خانواده‌ها با مسجد را شکل می‌دهد و این یعنی «سیکل ایمانی و غیر سکولار مسجد». چنین مسجدی دفتر خیریه و صندوق خیریه در آن تعریف می‌شود و ستاد جهیزیه دارد، برای رفع مشکلات دارویی مردم برنامه تعریف می‌کند و... شاید از جهت ذاتی، به نظر بیاید که مسجد ارتباطی با این موضوعات ندارد، اما مسجد وارد چنین موضوعی می‌شود تا با ایفای نقش خود، نسبت به سرنوشت افراد و جامعه مسلمین، بی‌تفاوت نباشد.

ما در دنیای ارتباطات مان چهار نوع ارتباط داریم؛

۱. ارتباط انسان با خدا؛

۲. ارتباط انسان با خود؛

۳. ارتباط انسان با جامعه؛

۴. ارتباط انسان با جهان هستی.

دقیقاً کارکرد مسجد در این چهار حوزه به صورت توأمان است که خودش را نشان می‌دهد؛ یعنی صرفاً ارتباط انسان با خدا که در قالب نماز و عبادت صوری باشد، نیست. مسجد در عصر پیامبر اکرم، محور بسیاری از فعالیت‌ها بوده است؛ محل حل مشکلات درون اجتماعی، مرکز تجمع مردم برای تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان جامعه، محل قضاوت و... این کارکردها، روح کلی مسجد پویا را از دیدگاه اسلام - که در تقابل با مسجد سکولار است - نشان می‌دهد. مسجد سکولار یعنی «آقا آهسته برو، آهسته بیا، کاری به هیچ چیز نداشته باش، فقط دو رکعت نمازت را بخوان و به امورات اجتماعی کاری نداشته باش». که این حقیقت مسجد نیست.

مسجد غیر سکولار مسجدی است که نسبت به وضعیت محیطی و اجتماعی خود بی‌تفاوت نیست، و در عین‌رصد آسیب‌ها، با هدف‌گذاری‌های آموزشی و تربیتی، خودش را در دل جامعه و محیط جا می‌دهد و این آفت‌ها و آسیب‌ها را در جامعه به حداقل می‌رساند. به‌عنوان نمونه، یکی از کارکردهای اجتماعی مسجد، می‌تواند مکانیزم‌هایی باشد که در بحث مشاوره وجود دارد؛ مشاوره در محیط مسجد، در حقیقت آسیب‌های احتمالی یا آسیب‌های پیش‌آمده را به حداقل می‌رساند. یا وجود دفاتر خیریه که در

بررسی هسته‌های مقاومت فرهنگی در مساجد

مختصات حرکت



حجت‌الاسلام والمسلمین
علی‌نعمری
ایام‌جماعت مسجد
انصارالحسین شهرک
محلایی

مقام معظم رهبری در حالی از مسجد به عنوان هسته مقاومت فرهنگی نام می‌برد که اهالی مسجد، قصورهایی در این زمینه داشته‌اند و بیان این موضوع توسط معظم‌له، امروز هم وظیفه متولیان امور مساجد را بالا می‌برد و هم وظیفه نمازگزاران و مؤمنین را که به مسجد اقبال دارند، دو چندان می‌کند.

نام بردن از مسجد به عنوان هسته مقاومت فرهنگی، جایگاهی را که مسجد در صدر اسلام داشته و امروز باید به آن برگردد را متذکر می‌شود و تصویری که مسجد را تنها جای عبادت، نماز، بندگی و تهجد می‌داند، نشانه می‌گیرد. بیان مقام معظم رهبری، خط و مرز مشخصی بین این دیدگاه و دیدگاه مسجد تحت عنوان هسته مقاومت فرهنگی، برای ائمه جماعات ایجاد می‌کند.



پیشخوان

مسجد
انقلابی

“متأسفانه پیش از نیمی از مساجد، مساجد تراز اسلامی نیستند؛ از نظر نور، صوت، فرش، بهداشت و نظافت، هوا و فضای که در داخل مسجد است
6

تعبیری که امام دارند این است که مسجد سنگر است، سنگرها را باید حفظ کرد و مقام معظم رهبری هم می‌فرماید: «عمران مساجد و پرداختن به آرایه‌های معنوی و ظاهری آن، وظیفه همگان است.» این دو عبارت یعنی چه؟ یعنی دو تا وظیفه وجود دارد که اگر ما به آنها دقت داشته باشیم، به بهبود وضعیت مساجد کمک کرده‌ایم؛ اول حفظ آرایه‌های معنوی و دوم، حفظ آرایه‌های ظاهری؛ این دو، وظیفه همگان است و هر کس به اندازه توانش باید در بلندگی مساجد سهیم باشد. شهرداری‌ها و دولتی‌ها هر یک موظف‌اند که یک سهمی را در این میان داشته باشند و از همه مهم‌تر این عین تعبیر مقام معظم رهبری است «و روحانی دانا و مسئولیت‌پذیر و پرهیزکار می‌تواند و باید محور این منظومه تلاش مقدس باشد».

آن چیزی که امروز به عنوان مطالبه رهبری از سنگر مسجد به عنوان هسته مقاومت فرهنگی مطرح شده است یک رکن رکن دارد و آن، روحانی مسجد است؛ یعنی کسی که در این میدان باید حضور پیدا کند و هسته مقاومت را به همراه نسل جوان تشکیل دهد، امام جماعت مسجد است. تا همان طور که در دوران طاغوت مساجد ما به عنوان سنگرهای حفظ ارزش‌های دینی برای جوان‌های ما پناهگاه بود، امروز هم این اتفاق بیفتد. خلاف نظریه‌ای که بعضی از مسئولین دارند و معتقدند که کار آمدی منبر، خطابه، نشست و صحبت کردن و... از دست رفته و دیگر راه تبلیغی مناسبی نیست، مقام معظم رهبری به نقش صحبت کردن و روبرو شدن با نسل جوان و ارتباط برقرار کردن از این طریق، تأکید کردند این‌ها من جمله نکات ظریف و لطیفی است که هم تکلیف را بر مسئولین عزیز و بزرگوار و هم خصوصاً وظیفه ائمه محترم جماعات را سنگین می‌کند. بنابراین، با جلساتی که گذاشته می‌شود، این هسته‌های مقاومت باید شکل بگیرد.

امروز طرح صالحین به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی، داخل مساجد و با همکاری سپاه و بسیج و مردم در حال اجراست. این مسئله می‌تواند هسته‌های مقاومت در زمینه‌های مختلف را شکل دهد. با تشکیل هسته‌های مقاومت در فضای مسجد، عناصری تربیت می‌شود که می‌توانند به عنوان هسته‌های مقاومت در برابر جریان‌های حساب شده و تعریف شده‌ای که دشمن برای براندازی نظام، کم‌ارزش نشان دادن جلوه‌های دینی و مورد حمله و خدشه قرار دادن باورهای دینی جوان‌ها دارد، بایستند. این هسته‌ها در رفت‌وآمد به مسجد، باید از برنامه‌های عمومی مساجد تحت عنوان تفسیر، حدیث، آشنایی با فقه آل محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و... که وظایف اولیه مساجد هم هست، بهره ببرند.

یکی از کارهای مهمی که بایستی در مساجد انجام شود، این است که با تشکیل جلسات پرسش و پاسخ، سخنرانی و جلسات بصیرت‌افزایی، شبهه‌هایی را که دشمنان هر روز به شکلی در ذهن جوان‌ها مطرح می‌کنند، پاسخ دهند. بنده در این زمینه پیشنهاد می‌کنم که کار گروهی تشکیل شود و کانون‌های فرهنگی مساجد و هسته‌های معنوی صالحین، مورد بازبینی قرار گیرد، تا این هسته مقاومت، برنامه‌ریزی‌تر شده و جدی‌تر شکل



پایگاه‌سازی در دل مسجد

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نهمه جماعات
استان تهران

مسجد پایگاه انواع و اقسام فعالیت‌های اجتماعی است؛ یعنی وقتی ما مردم را گرد این محور جمع کردیم، از آنها چه می‌خواهیم؛ یکی از چیزهایی که می‌خواهیم این است که به فعالیت‌های اجتماعی بپردازند. در جامعه اسلامی همه‌آحاد وظیفه دارند، مسئولیت دارند، باید کار انجام بدهند؛ کار برای پیشرفت جامعه، کار برای امت. بنابراین، اینجا محل پمپاژ فکرها و پراکندن وظایف مختلف و کشاندن مردم به کارهای گوناگون است. مسجد برای انجام فعالیت‌های اجتماعی و پایگاه فعالیت‌های اجتماعی است.

مسجد پایگاه بزرگ بسیج فرهنگی و حرکت فرهنگی است؛ شیوه کار را باید در مسجد آموخت که چه کار کنیم، اولاً به شما عرض بکنم حرفی که شما با مأمومین خودتان و مسجدی‌های خودتان می‌زنید، از نطق تلویزیونی و مانند این‌ها به مراتب کارآمدتر و مؤثرتر است؛ بارها این را عرض کرده‌ایم که نگاه چشم‌درچشم و جلسه نزدیک که نفس‌گوینده به شنونده می‌خورد، یک چیز دیگری است؛... این‌ها را دست‌کم نباید گرفت، هم از فضای مجازی مؤثرتر است، هم از صداوسیما مؤثرتر است، منتها خوب دایره‌اش محدود است... می‌توانید شما این جوان‌را، این مخاطب‌را به معنای واقعی کلمه مصونیت ببخشید و می‌توانید او را در مقابل این میکروب‌ها و این ویروس‌هایی که به‌طور دائم دارد سرازیر می‌شود به‌طرف این کشور و طرف این نظام، واکنش‌ده کنید. بنابراین، [مسجد] هسته مقاومت است، منتها مقاومت بانواع؛ مقاومت فرهنگی، مقاومت سیاسی، و در جای خود هم مقاومت امنیتی و نظامی؛ کم‌اینکه در مساجد این‌گونه است.

بنابراین مسجد، [هم] پایگاه مقاومت است، هم [پایگاه] رشد فعالیت‌های فرهنگی و هدایت فرهنگی و بصیرت‌فرهنگی [است]؛ در دل فرهنگ، سیاست هم هست. این‌را هم عرض بکنیم که معنای سیاست فقط این نیست که انسان طرف‌دار زید و مخالف عمر و باشد یا بعکس؛ سیاست یعنی نگاه به حرکت عمومی جامعه که کدام طرف داریم می‌رویم؛ آیا به سمت هدف‌ها داریم حرکت می‌کنیم یا زاویه گرفته‌ایم و داریم از هدف‌ها دور می‌شویم؟ معنای واقعی سیاست این است.

بگیرد. تا این‌ها بتوانند متبحرتر کاری که ما تجربه آن را در دوران امام صادق (علیه‌السلام) داریم، مجدداً تکرار کنند.

امام صادق (علیه‌السلام) این هسته‌های مقاومت فرهنگی را از درون مسجدالنبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شروع کردند و در علوم مختلف، انسان‌هایی را آموزش دادند تا در برابر هجمه‌ای که نقطه اوجش در همان دوره حیات امام بود - در زمینه‌های مختلف چه در علوم غریبه، چه در اصطلاحات و علمی که آن روز رایج بود مثل فقه، کلام، فلسفه و عرفان - مدافع اسلام حقیقی باشند. امام (علیه‌السلام) در تمام عرصه‌ها، افراد تربیت شده داشتند.

برای این کار اولاً باید اقبال مردم را به مساجد بیشتر کرد و ثانیاً جذابیت مساجد را بالا برد.

آقامی فرمایند آرایه‌های معنوی و ظاهری؛ یعنی مسجد باید علاوه بر جاذبه‌های معنوی، جاذبه‌های طبیعی و مادی هم داشته باشد. دلیلش هم اقبال بیشتر مردم به مسجد است. وقتی حالت نشاط و شور در مسجد باشد، جوان، احساس آرامش و امنیت دارد و آن وقت است که می‌تواند از فضایی که برای او تدارک دیده شده، استفاده کند.

متأسفانه بیش از نیمی از مساجد، مسجد تراز اسلامی نیستند؛ از نظر نور، صوت، فرش، بهداشت و نظافت، هوا و فضایی که در داخل مسجد است.

یکی از کارهای این کارگروهی که پیشنهاد می‌کنم تشکیل شود، افزایش جاذبه‌های مادی است؛ گاهی اوقات با یک نورپردازی، کلی‌کدورت و کسالت از مسجد بیرون می‌رود، با یک تغییر، تعمیر و جابه‌جایی باندهای صوتی، صوت مسجد از یک صوت دلخراش و اعصاب‌خردکن، به یک صوت دلنشین و دلچسب تبدیل می‌شود. یا رعایت برخی نکات در پوشش ظاهری، -هم نمازگزاران و هم امام جماعت- می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد.

در بحث پوشش ظاهری هم، بعضی از دوستان باید تجدید نظر جدی داشته باشند. متأسفانه برخی این اصل را مراعات نمی‌کنند. قیافه ظاهری امام جماعت در جذب جوان به مسجد خیلی مهم است؛ نوع لباسی که می‌پوشد، نوع رنگی که انتخاب می‌کند، نوع مدلی که برای محاسنش اختیار می‌کند، باید برای جوان‌ها خوشایند و جالب باشد. برای اینکه مسجد، هسته مقاومت شود، باید کارهای زیادی انجام داد؛ باید در مساجد تفسیر، مباحث کلامی، معارف اهل بیت با محوریت صحیفه سجادیه و نهج‌البلاغه، برنامه ثابت و همیشگی باشد.

یکی دیگر از کارهایی که می‌شود در مسجد صورت بگیرد، برگزاری نشست‌های عمومی، با سرفصل‌های مورد نیاز امروز جامعه است. مردم خصوصاً جوان‌ها با آغوش باز از این‌گونه برنامه‌ها استقبال می‌کنند و به سمت مسجد می‌آیند.

ضمن دعوت از افراد صاحب‌نظر، می‌توان در مسجد یک هسته مشاوره خانواده دایر کرد. این هسته می‌تواند با برگزاری جلسات مشاوره‌ای عمومی و خصوصی، در رابطه با مشکلاتی که گریبان‌گیر جامعه و خانواده‌ها است، کمک و ویژه‌ای داشته باشد.

به نظر من شرایط کنونی کانون فرهنگی مساجد، قابل قبول نیست. با فرمایشاتی که حضرت آقا در دیدار نهمه جماعات داشتند، می‌طلبند که مسئولین عزیز، در آنچه که در مراکز فرهنگی مساجد دارد اتفاق می‌افتد، بازبینی کنند و آنها را به هدف و مسیر اصلی بازگردانند.

«مسجد غیر سکولار،
بر اساس این روایت
پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)
«کَلِمَةُ رَاعٍ وَ كَلِمَةُ
مَسْئُولٍ عَنْ رَعِيَّتِهِ»،
خودش را در برابر
جامعه از جهت اخلاقی
و شرعی مسئول
می‌داند»

من امام جماعت...

مشخصات حرکت مسجد به سوی اصلاح آموزشی و بینشی جامعه

زندگی و عمرشان که رسیدند، آمدند پیش پیامبر و به همین علت تأثیر پذیری شان نسبت به وجود امیر المؤمنین (علیه السلام) بسیار کمتر است.

من امام جماعت باید دل را تسخیر کنم، دل جامعه را تسخیر کنم، به آن بینش بدهم؛ چرا که قلب جای بینش و نگرش است.

من امام جماعت نمی توانم توقع داشته باشم در جامعه ای که در کف دستش موبایل هست و هر ثانیه با همه عالم و آدم در حال برقراری ارتباط است، منتظر یک مناسبت عاشورا یا ماه رمضان در سال بمانم که - آیا به مسجد بیاید یا نیاید - دل و جان و قلب او را از روایات و احادیث و سیره سرشار کنم... من امام جماعت باید از روش دیگری استفاده کنم.

من مناسبت ها را نفی نمی کنم، مناسبت ها لازم است، اما برای افراد مناسبتی، اگر بخواهیم جوان غیر مناسبتی را به مسجد بیاوریم، این حرکت، راه خودش را دارد، جذب جوان، راه خودش را دارد.

به نظرم باید نسق کار را از دوران کودکی بگیریم و روایت هم می گوید: «علیکم بالأحداث». این گونه باغتان را مراقبت کنید، از همین جا هم باید مراقبت کرد.

من نمی گویم همه مساجد، می گویم مساجدی که قابلیت و امکانش

من امام جماعت وقتی سرگذشت و سرنوشت مردم برایم مهم باشد، برای آنها در مسجد وقت می گذارم، پای درد دل شان می نشینم.

من اگر، دارای یک محتوای صحیح فکری باشم، مردم به من اعتماد و رجوع می کنند.

من دغدغه ام این است که مردم از مشکلات شان، چه مشکلات روحی و روانی، چه مشکلات شخصیتی، چه مشکلات اجتماعی، چه مشکلات خانوادگی، برایم بگویند و تا آنجایی که از دستم برمی آید، برای شان کاری بکنم.

من برای مردم کار اجتماعی و کاریابی نمی توانم بکنم، اما حداقلش این است که اگر نتوانستم کاری برایشان کنم، سنگ زیرین آسیاب بوده ام؛ یعنی حرف شان را گوش کردم.

من امام جماعت باید به جوان بینش بدهم. جوان برای بینش، نیاز به آموزش دارد.

شما می دانید فرق علی بن ابی طالب (علیه السلام) با سایر اصحاب پیغمبر چیست؟ این است که امیر المؤمنین از دوران طفولیت در دامن پیغمبر بوده و بقیه رفتند زندگی شان را کردند، به کمر کش



حجت الاسلام والمسلمین
علی قاسبی
امام جماعت مسجد
امیر المؤمنین خبایان کارگر



پیشخوان

مسجد
انقلابی

مسجد را جوان کنیم

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ائمه جماعات استان تهران

بایستی برای جوان ها جایگاه خاص در مسجد ایجاد کرد؛ یعنی واقعاً باید

برای جذب جوان برنامه ریزی کرد. نه اینکه ما با حضور میان سال و پیر مرد در مسجد مخالفت کنیم؛

نه، مؤمنین همه باید بیایند به مسجد و استفاده کنند، اما جوان ها را باید جذب مسجد بکنیم.

اینکه جوان مسجد را خانه خود و جایگاه خود بشناسد و به آن انس پیدا کند... خیلی برکات دارد. کار را در جامعه جوان ها انجام می دهند،

پیشران حرکت های اجتماعی جوان ها هستند،... بعضی خیال می کنند برای اینکه جوان ها را جذب کنیم به مسجد، وسایل سرگرمی فراهم

بکنیم... راه جذب جوان ها تصرف دل جوان است. دل جوان یک قیامتی است، اوضاعی است. گرایش جوان به معنویت یکی از آن رازهای بزرگ الهی

است. یک حرف معنوی را برای امثال بنده که بگویند، خب گوش می کنم، حداکثر اندکی تأثیر پیدا می کنم، [اما] همان حرف را به یک جوان بزنند،

منقلب می شود، از این رو به آن رو می شود. دل جوان حقیقت پذیر است، دل جوان به فطرت الهی نزدیک است؛ «فَطَرَتَ اللّٰهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» دل

جوان با نسیح و مطالب معنوی و سلوکی و عرفانی انس پیدا می کند، زود انس پیدا می کند، زود دلباخته و دل بسته می شود؛ جاذبه جوان ها اینها است.

شما سخن را، حرف را، اقدام را با معنویت، با عرفان واقعی، نه عرفان های تخیلی و توهمی و صوری، یک مقداری آمیخته بکنید، خواهید دید جوان

چطور مجذوب می شود و می آید. جاذبه جوان در مسجد اینها است.

را دارند، به سوی تأسیس مدارس نظام جدید بروند.

با وجود همه مشکلات، مردم هنوز به روحانیت اعتماد دارند، حتی آن خانم‌هایی که به نظر شما موهای شان بیرون است، خودشان شاید در محیط درستی تربیت دینی نشدند، اما آنها هم دل شان می‌خواهد بچه‌های شان در محیط سالم بزرگ شوند. آنها هنوز هم به یک روحانی اعتماد دارند، منتهی از من روحانی بستر ظهور نمی‌بیند، از من فقط مسجد و یک نماز یومیه می‌بیند؛ یعنی اگر از من یک مدرسه و مهد کودک ببیند، بچه‌اش را در مهد کودک به من می‌سپارد و آن زمان است که نتیجه‌ای که در تربیت فرزندش دنبال می‌کند، برایش بروز می‌کند و این اعتماد هر لحظه بیشتر می‌شود.

در جهان مسیحیت کلیساها صاحب مدرسه هستند، اما چرا مساجد صاحب مدرسه نیستند؟

مطهری، یک روحانی بود و این همه تحولات ایجاد کرده، حالا شما حساب کنید که ده پانزده تا مسجد در سطح تهران، مجتمع آموزشی داشته باشند.

وقتی یک عالم بالای سر یک مدرسه ایستاد، این بچه اگر رییس جمهور شد، مراقب دین مردم هم هست. اگر شهردار شد، مراقب محیط زندگی مردم است. اگر پزشک شد، زیر میزی نمی‌گیرد. اگر کارمند شد، رشوه نمی‌گیرد. اگر کاسب شد، غش در معامله نمی‌کند.

تمام فجایعی که در جامعه ما در حال رخ دادن است، به‌خاطر این است که بیشتر مردم صدای دین، صدای من امام جماعت را نشنیده‌اند و بهتر بگویم ما به گوششان نرسانده‌ایم.

من امام جماعت اگر نمی‌توانم یک برنامه در حد عالی و رسمی برای

مسجد، مثل ایجاد مدرسه نظام جدید طراحی کنم، می‌توانم در ایجاد طرح‌های فوق برنامه، برنامه‌ریزی و تلاش کنم.

به آن آقا گفتند که چرا در جنگ شکست خوردی؟ گفت به هزار و یک دلیل. گفت یکی را بگو؟ گفت باروت نداشتیم، گفت خب اگر این جوری است که هیچی.

برای برنامه‌هایی چون ایجاد مهد کودک و مدرسه، مساجد بودجه می‌خواهند، هم از نظر سازمانی پول می‌خواهند، هم از نظر فیزیکی ساختمان می‌خواهند که در این مورد شهرداری‌ها می‌توانند کمک کنند، دولت می‌تواند کمک کند، که باید این کار را انجام دهند.

متأسفانه مساجد در ردیف بودجه هیچ کس نیستند؛ نه شهرداری‌ها، نه دولت، نه سازمان تبلیغات، نه سازمان امور مساجد. توان مالی مردم هم بسیار کم شده و ذائقه‌های خیرین هم عوض شده است؛ ذائقه خیرین به طرف ساختن مدرسه، کمک به بیماری‌های نادر و... رفته است.

دولت باید به خیرینی که کارهای مساجد را انجام می‌دهند، معافیت مالیاتی بدهد؛ یعنی اگر خیرری یک فرش برای مسجد تهیه کرد و برای خریدش معافیت مالیاتی خواست، دولت باید به او این معافیت را بدهد.

چرا ما مساجدمان در مقابل کلیساها آنقدر باید از نظر معماری، از نظر ساختمانی، از نظر سازمانی و... ضعیف باشد و حتی در مقابل مساجد اهل سنت؟ چون ما بودجه نداریم، ما بودجه نگهداری نداریم و آنها دارند.

من امام جماعت باید بخواهم، دولت باید بخواهد تا خدا هم بخواهد...

۶۶
من نمی‌گویم
همه مساجد،
می‌گویم
مساجدی
که قابلیت و
امکانش را
دارند، به سوی
تأسیس مدارس
نظام جدید
بروند



کلاس درس سیصد نفره

مقام معظم رهبری

قبل از انقلاب، بعضی از روحانیون، از جمله بنده حقیر، با دانشجویها

ارتباطاتی داشتیم. این ارتباطات، ارتباطات سازمانی نبود، ارتباطات تشکیلاتی نبود، ارتباطات

در مسائل مبارزاتی تند نبود؛ ارتباط فکری و تبیینی بود؛ یعنی جلساتی داشته باشیم که دانشجویها در آنجا شرکت کنند، یا

ما احیاناً در جلسه‌ای از جلسات دانشجویی در دانشگاه شرکت کنیم. در آن اوقات، بنده در مشهد جلسه‌ای داشتم که بین نماز مغرب و

عشا برگزار می‌شد. پای تخته می‌ایستادم و به قدر بیست دقیقه یا نیم ساعت صحبت می‌کردم. مستمعین هم نود درصد جوان بودند؛ جوان‌ها هم غالباً دانشجو و بعضاً دبیرستانی. یک شب مرحوم شهید باهنر (رحمة الله علیه) مشهد بود، با من آمد مسجد ما، وضعیت را که دید، شگفت‌زده شد.

حالا آقای باهنر کسی بود که در تهران با مجامع جوان و دانشجویی هم مرتبط بود. ایشان گفت که من به عمرم اینقدر جمعیت دانشجویی و جوان در یک مسجد ندیده‌ام. حالا توی مسجد ما مگر چقدر جوان بود؟ حداکثر مثلاً سیصد و چهل پنجاه نفر. در عین حال، برای یک روحانی روشنفکر مرتبط با جوان‌ها، مثل آقای باهنر، که خودش هم دانشگاهی بود و دوره‌های دانشگاهی را دیده بود و محیط‌های دانشجویی را می‌شناخت و از فعالیت‌های مذهبی به‌روز و متجددانه هم مطلع بود، جمع شدن حدود سیصد یا سیصد و پنجاه نفر جوان - که شاید از این تعداد، مثلاً دویست نفرش دانشجو بودند - چیز عجیبی بود و ایشان را دهشت‌زده و تعجب‌زده کرده بود؛ دویست تا دانشجو یک جا جمع بشوند و یک روحانی برایشان صحبت کند!

۱۳۸۹/۰۴/۲۰

مسجدها هم تاریخ دارند

ضرورت مستندسازی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مساجد

شد که امروزه به چه میزان محققین و مطلعین، از گذشته‌های یک مسجد می‌نویسند؟ آیا برای تاریخ‌نویسی از یک مسجد، باید منتظر یک اتفاق و رخداد بزرگ اجتماعی و نظامی همچون جنگ و غیره بود؟ آیا تاریخ اجتماعی یک محله، از لحظه‌های برگزاری یک انتخابات در یک مسجد، تا تشییع و تدفین یک شهید گمنام در آن، قابلیت ثبت در تاریخ ندارند؟ آیا ظهور افراد موفق، نخبه و مؤمن از مسجد فلان محله دور افتاده، که در عرصه‌های مختلف اجتماعی به جایگاه والایی رسیده‌اند، قابلیت ثبت تاریخی ندارند؟ نکته مثبتی نیست که آیندگان بدانند که فلان شخصی که نامش در تاریخ به نیکی یاد شده است، محل ظهورش مسجد و عرصه بروز توانایی‌هایش ابتدا در مسجد بوده است؟ آیا برای عظمت مسجد چنین دلایل کوچکی در آینده مورد نیاز نیست؟ تاریخ‌نویسی مساجد، دفاع از مفهوم مسجد در غبار تحریف، تشکیک و تخفیف این مفهوم مقدس در آینده است.

این اشتباه است که همچون نگاه منسوخ شده قدیمی به وقایع، تنها به دنبال ثبت کلان اتفاقات تاریخی باشیم. امروز محور اصلی تاریخ، ثبت چگونه زندگی کردن و حیات روزمره بشر است. در دل همین ثبت ساده وقایع به ظاهر کوچک است که تحلیل‌های عمیق به وجود می‌آید؛ تحلیل‌های کلانی که جهت و سرعت و اصالت یک جامعه ولو کوچک را به آیندگان و برنامه‌ریزان نشان می‌دهد.

تاریخ‌نویسی از مساجد، می‌تواند بایدها و نبایدهای آینده مسجد را برای نسل‌های آتی آشکار کند، اصالت اجتماعی آن را برای آنها هویدا سازد و منبعی برای تقویت وجود مسجد در جوامع مختلف باشد.

اگر در جزئیات مسائل مربوط به مساجد امروز، تاریخی مستدل و تحلیلی را در اختیار داشتیم، می‌توانستیم از معماری اشتباه مساجد این روزها جلوگیری کنیم. می‌توانستیم بدانیم که مسجد تنها جای نماز خواندن نیست، از جدایی آن از مدرسه جلوگیری می‌کردیم و... هر چند تاریخ معطل هیچ تاریخ‌نگاری برای ثبت وقایع نمی‌ماند، اما تاریخ‌نگاری مساجد کوچک و بزرگ می‌تواند یک حرکت در تقویت بنیان‌های وجود مسجد در آینده باشد؛ حرکتی که قطعاً مایه‌های خیر را برای فرد، جامعه، مسجد و اسلام، به عنوان مهم‌ترین ارکان زندگی یک مسلمان، در پی خواهد داشت.

تاریخ مایه تشویق و عبرت است و نباید نهادی چون مسجد را با فراموشی در سطور تاریخی، از اصالت و حرکت‌افزایی انداخت؛ که این غفلت، از آن غفلت‌هایی است که نسل آینده را دچار خسران فراوانی خواهد کرد و ظلم آشکار در حق خانه خداست.

مسجدها نامشان در تاریخ با دو عنوان می‌ماند؛ یکی از منظر هویت فیزیکی و معماری آنهاست و دیگری از منظر هویت معنوی و فرهنگی آنها در

مهدی
رزاقی طالقانی

تحرک و ایفای نقش در حوادث تاریخی است.

هر کدام از این دو ثبت تاریخی به نحوی اعجاز‌گر، برای فردای جوامع اسلامی و حتی غیر اسلامی مایه حرکت، رشد و گام‌ها عبرت‌اند. مسجد در تاریخ اسلام، همواره نقشی به یادماندنی داشته است و شاید به نسبت ایفای نقش کلیسا در تاریخ مسیحیت، بتوان نقش برجسته‌تری را به مسجد در تاریخ اسلام و جوامع اسلامی در ۱۴ قرن گذشته داد. تاریخی که مسجد را در خود جای داده و از آن سطورش را پر کرده است، انکار نخواهد کرد که مسجد، در همه دوران، مایه‌های حرکت داشته است. هم تحرکاتی چون انحراف مسجد ضارها و هم مایه‌های ایستادگی و بالندگی چون مسجد الاقصی در برابر صهیونیست‌ترین یهود تاریخ.

از منظر هویت فیزیکی و معماری هم این مایه‌های تحرک برقرار است. کدام جهانگرد و معمار مسلمان و غیر مسلمانی است که در پی کشف راز معماری مسجد شیخ لطف‌الله بر نیامده باشد و در پی کسب اطلاع از آن، به کتب تاریخی و معماری مراجعه نکرده باشد؟ مسجدی که یک اصفهانی اصالت می‌گیرد از آن و این نکته کمی نیست که هنوز هم مایه حرکت میلیون‌ها گردشگر به ایران و اصفهان است. به این شاهکار معماری، مسجد میرچخماق در یزد، مسجد جامع عتیق شیراز، مسجد سید زنجان، مسجد جامع یزد، مسجد سلطان احمد استانبول و... را اگر بیافزاییم، به اینکه این امکان تاریخی و مذهبی تا چه حد مایه تحرک مخاطبان تاریخ می‌شوند، قطعاً پی خواهیم برد.

اما از منظر هویت معنوی و فرهنگی، یعنی آنچه مسجد در زمان‌های حساس تاریخی موجب شده است، تاریخ‌نگاری مسجد را دارای اهمیت فوق‌العاده‌تری می‌کند. مثال این تحرک می‌شود مقاومت در حیاتی‌ترین روز تاریخ خرمشهر در مسجد جامع این شهر، می‌شود دفاع مقدس و اعزام به جبهه از ساده‌ترین ساختمان یک محله قدیمی، می‌شود مسجد هدایت تهران و جلسات تفسیر انقلابی قرآن آیت‌الله طالقانی.

این‌گونه است که مسجد هر چه که باشد؛ از مسجد جامع و مسجد محله، مایه‌های تحرک را دارد و چه کسی است که نداند تاریخ سرشار است از سمبل‌های تحرک. قطعاً مسجد عنصری محرک در تمام طول تاریخ بوده، هست و خواهد بود و تحت همین مایه درونی، قابلیت ثبت می‌یابد.

لزوم تاریخ‌نویسی مسجد

با این مقدمه و ذکر پتانسیل تاریخ‌نویسی و تاریخ‌نگاری مسجد، می‌توان وارد این بحث



پیشخوان

مسجد
انقلابی

66

از منظر هویت
معنوی و
فرهنگی، یعنی
آنچه مسجد
در زمان‌های
حساس
تاریخی موجب
شده است،
تاریخ‌نگاری
مسجد را
دارای اهمیت
فوق‌العاده‌تری
می‌کند

6



میثاق نامه مسجد

بخش‌هایی از سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین حاج علی اکبری در دیدار ائمه جماعات استان تهران با مقام معظم رهبری

تهیه و تنظیم:
حسین علوی

جمع عزیز حاضر این توفیق را پیدا کردند تا به نام مسجد و برای مسجد، در روزی که به نام روز جهانی مسجد معرفی شده، در کنار یکدیگر برای تجدید پیمان به محضر شریف رهبر عظیم‌الشان و عالیقدرمان شرفیاب بشوند. صمیمانه از مقام معظم رهبری تشکر می‌کنم به خاطر اذن دیدار. در جمع ما کسانی هستند که افزون از چهار دهه در مسجد مشغول خدمت هستند، عاشقانه، صبورانه، بردبارانه، مهربانانه و بسیار جدی فرصت خدمت‌گزاری در خانه خدا را غنیمت شمرده‌اند.

در میهمان‌داری در خانه خدا [این عزیزان] اول خودشان میهمان هستند که [به اصطلاح] «ضیفک بیابک» می‌گویند. بعد هم به رسم پدری، به رسم آنچه که از ابراهیم (علیه‌السلام) آموختند، آیین میهمان‌داری را به‌جا می‌آورند. سفره‌آرایی می‌کنند، مسجد را مهیا می‌کنند، به ظاهر مسجد، به آراستگی مسجد، به پاکیزگی و زیبایی مسجد، ... می‌اندیشند ... سفره‌های گوناگونی از اخوت، از صفا، از علم، از دانش، از حکمت، از قرآن، از حدیث مهیا می‌کنند. هم فرصت امامت را برای تقویت بنیه دینی و ایمانی مؤمنان غنیمت می‌شمرند و با عمل و بیان‌شان، با استفاده از فرصت منبر، زمینه را برای ارتقاء بصیرت سیاسی فراهم می‌کنند تا مردم حاضر در مسجد، نسبت به مسائل روز کاملاً توجیه باشند، روزآمد باشند و برای انجام وظایف انقلابی خودشان مهیا باشند.

خیلی از عزیزان ما، مسیر رشد چند نسل را در حضور خودشان دیدند و در همین مساجد محاسن‌شان سفید شده. عزیزانی که موفق شدند شهدای بزرگی را تربیت کنند. بیش از ۹۷ درصد از شهدای عزیز ما، پرورش یافتگان مسجد هستند.

قرآن کریم در باب مسجد تقوا که «لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رَبِّ جَالٍ يُجِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» (توبه، ۸۰) آنجا طهارت و قداست و پاکی را تمرین می‌کنند و آن‌گاه «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ» (توبه، ۱۱۱)

مساجد ما مرکز تربیت مؤمن تراز و مؤمن مجاهد و برگزیده است. بهترین‌های ما در مساجد هستند.

خدا را شاکریم که امروز جمع عزیز ائمه جماعات استان تهران به نمایندگی از ائمه جماعات کشور عزیزمان در این محفل دوباره تجدید پیمان می‌کنند.

جوانان عزیز ما در بین ائمه جماعات مهیا می‌شوند تا با تکیه بر میراث ارجمند تجارب بزرگ‌ترها و شیوه سلف صالح مهیا بشوند برای ایفای نقش خودشان در مساجد. بزرگ‌ترهای ما با بکارگیری نسل جوان از روحانیت به عنوان دستیار در کنار خودشان، تلاش می‌کنند فضای مسجد را برای حضور جوانان مهیا کنند.

[این عزیزان ما بحمدالله] مصمم شده‌اند برای جوان‌سازی مسجد،

استقبال از کودکان، نوجوانان، بکارگیری جوانان در حلقه اول اداره مسجد، [این عزیزان] مصمم هستند که مسجد را با حداکثر مشارکت مردم اداره کنند.

در حضور حضر تعالی، در حضور امام مسلمین، از تک تک عزیزان صمیمانه تشکر می‌کنم به خاطر حضور باطراوت، با نشاط، آماده در محراب و در منبر. به خاطر همت‌شان، به خاطر حضورشان، قدرشناسی کنیم از خانواده‌های عزیزشان، همسران بزرگوارشان که در انجام این وظیفه بزرگ آنها را کمک می‌کنند و نیمه پنهان این موفقیت‌ها هستند بحمدالله.

اخیراً و طی سه چهار سال گذشته، تعداد مساجدی که نماز صبح به جماعت در آن برگزار می‌شود، خوشبختانه افزایش پیدا کرده. بیش از دو برابر شده. این هم بشارت می‌دهد که ان‌شاءالله به زودی ما شاهد توسعه بیشتر نماز صبح باشیم.

خدا امام راحل عظیم‌الشان را رحمت کند و بر درجات او بیفزاید که احیا کرد مساجد را در روزگار ما و شهدای عزیز ما و شهدای محراب، شهدای عزیز روحانیت که از سنگر مسجد به شرف شهادت نائل آمدند. خدا رحمت کند حضرت آیت‌الله مهدوی کنی عزیز ما را و حضرت آیت‌الله انواری عزیز ما را که یادشان همیشه در محافل روحانیت هست.

جمع عزیز حاضر در چنین روزی، فرصت را برای دشمن‌شناسی غنیمت می‌شمارد و می‌داند که توطئه صهیونیسم جهانی منحصر به تخریب و آتش زدن مساجد و به تولید و باز تولید مساجد ضرار نیست، بلکه توطئه اصلی صهیونیسم جهانی در ترویج سکولاریسم پنهان و تقلیل نقش مساجد به اندازه یک معبد معزول حاشیه‌نشین است.

این جماعت بزرگ و سرافراز و بیدار، مصمم هستند به مسجد تمدن‌ساز فکر کنند، امیدواریم مسئولین محترم نظام هم [اینگونه] فکر کنند، و

مسجد را در دکتورین عالی مدیریتی نظام ببینند.

امیدوارم خداوند تبارک و تعالی، این مجلس ما را در مسیر عمران و آبادانی

مساجد قرار بدهد که اگر

مساجد ما آباد بشوند، ان‌شاءالله شهرهای ما آباد خواهند شد.

بمّنه و کرمه و السلام علیکم ورحمه‌الله.

«
اخیراً و طی
سه چهار سال
گذشته، تعداد
مساجدی که
نماز صبح به
جماعت در آن
برگزار می‌شود،
خوشبختانه
افزایش پیدا
کرده. بیش از دو
برابر شده»



در ذی الحجه ۱۳۹۴ جهان شاهد بی کفایتی حکام عربستان بود. در آن سال -در خوش بینانه ترین نگاه- صدها نفر از زائران خانه خدا اسیر سوء مدیریت حکام آل سعود شده و مظلومانه به شهادت رسیدند. در تحلیل ماه این شماره نشر به، ضمن بررسی واقعه جانگداز شهادت حاجیان بیت الله، تحلیل می کنیم فرصت هایی را که عدم حضور حجاج ایرانی پیش پای جمهوری اسلامی قرار می دهد. در تحلیل دوم این ماه، به مناسبت هفته دفاع مقدس، انعکاس حمله عراق به ایران را در آینه اخبار رسانه های جهان مرور می کنیم.

رییس پژوهشکده حج و زیارت مطرح کرد:

فرصتی طلایی برای تبیین جنایات عربستان

پس از چند دور مذاکرات هیئت های ایرانی و سعودی، نهایتاً رژیم آل سعود حاضر به پذیرفتن شرایط ایران در تأمین امنیت زائران نشد، تا امسال صحرای عرفات از صدای مناجات زائران ایرانی خالی باشد. به این بهانه و جهت تبیین دیپلماسی فعال متقابل در برابر این کارشکنی، با حجت الاسلام والمسلمین عزیززاده موسوی، رییس پژوهشکده حج و زیارت و از روحانیون با سابقه کاروان های حج، به گفتگو نشستیم که تقدیم خوانندگان ارجمند می شود.

از حج به عنوان یک ابزار سیاسی استفاده می کند. استمرار این شرایط، عربستان را به جایی خواهد رساند که مشروعیت خود را برای مدیریت حریم شریفین از دست بدهد.

فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بین حجاج سایر کشورهای اسلامی دارد؟

چون هر ساله حضور زائران ایرانی بر جسته بود، و تبلور حج ابراهیمی را تا حدودی زائران ایرانی در حج نشان می دادند، این مسئله مشهود خواهد بود. بارها در مسجد الحرام، وقتی افراد من را با لباس می دیدند، کنار من می نشستند و نسبت به انزوی اتمی، مواضع ایران نسبت به اسرائیل و آمریکا و درباره شبهات وهابیت سؤال می کردند. مراسم برائت برای این ها به شدت جذاب بود که چگونه در آنجا «الموت لامریکا و الموت لإسرائيل» گفته می شود. بنابراین، امسال این عدم حضور، خودش را در فضای عربستان نشان خواهد داد. امسال حاجیان جهان اسلام با یک پرسش اساسی روبرو هستند، اینکه: چرا زائران ایرانی در حج حضور ندارند؟! جوابی که عربستان می دهد این است که ایران می خواهد حج را سیاسی کند. سیاسی کردن حج فی ذاته مشکلی ندارد، سیاسی کردن حج، هنگامی بد است که به اختلاف بین مسلمان ها دامن بزند. در حالی که آن چیزی که ایران از حج توقع داشت، مقابله با اسرائیلی بود که قبله اول مسلمین را اشغال کرده، و مقابله با آمریکایی بود که تمام مشکلات جهان اسلام، از اوست.

زائرانی که سال های قبل سرسفره فرهنگی و مذهبی ایران می نشستند، امسال این تأمین محتوا برای آنها چگونه صورت می پذیرد؟

به برکت شبکه های مجازی، تقریباً مرزها برداشته شده است. طبق بررسی اجمالی که من در فضای مجازی داشتم، مسلمانان دنیا نسبت به عدم حضور ایرانی ها در حج دغدغه دارند. ما اینجا چه جوابی می دهیم؟ می گوئیم به خاطر اینکه مسائل حیثیتی ما باید تأمین شود، تا واقعه جده

پس از کارشکنی مقامات سعودی، امسال امکان حضور در مراسم سیاسی عبادی حج برای زائران ایرانی فراهم نشد. آیا می شود به این قضیه به عنوان یک ظرفیت نگاه کرد و این عدم حضور، بتواند ظرفیت هایی را برای ما ایجاد کند و به عبارت دیگر جای خالی ایران حس شود؟

واقعه منا و قبل از آن واقعه جده، از جمله موارد نادری بود که در حقیقت تأثیرات بسیار بدی بر جهان اسلام به جا گذاشت. یک بُعد بین المللی هم داشت و آن بحث اسلام هراسی این قضیه و اسلام بستیزی بود که گفته شد چگونه در کنار یک عمل عبادی مسلمانان، مسائل شیعی می مانند واقعه فرودگاه جده صورت می گیرد. مسئله منا هم همین دو بُعد را کاملاً نشان داد؛ اولاً عدم شایستگی و ناکارآمدی آل سعود که فریضه ای مانند حج را نتوانستند اداره کنند. ثانیاً نسبت به حج هم به شدت موضع گیری شد که واقعاً جفا و بی مهری بود. کسی هم در کنار این حادثه، حادثه ای مثل اربعین که بیست میلیون شیعه در آن شرکت می کنند را ندید که بدون به وجود آمدن کوچک ترین مسئله ای، هر سال برگزار می شود، آن هم در کشوری که با بحرانی مانند داعش روبرو است.

اگر بخواهیم نگاه جامعی به این واقعه داشته باشیم، اصل عدم حضور زائران ایرانی در مراسمی مثل حج، از یک نظر به ضرر ما است و آن اینکه حج، زمینه رابطه ما و جهان اسلام بود. شبکه های وهابی و ضد شیعه، چه در حوزه سیاست و چه در حوزه عقاید، شبهاتی را به شیعه نسبت می دهند که واقعاً تهمت است و هنگامی که زائران کشورهای دیگر اعمال، مناسک و رفتار ایرانی ها را می دیدند، بسیاری از این شبهات به صورت عملی از بین می رفت. همچنین حج یک فریضه و تکلیف شرعی است و مسلمانان ایران نمی توانند حج را تعطیل کنند، مگر اینکه مشکلاتی مثل الان به وجود بیاید که به حق باید تعطیل شود. وظیفه ما این است که نشان دهیم چرا حاجی ایرانی به حج نرفت؟ علتش این بود که اولاً عربستان قدرت تأمین امنیت را برای زائران نداشت. ثانیاً عربستان به عنوان میزبان زائران ایرانی، احترام و عزتی برای آنها قائل نیست.

سال گذشته سوری ها، یمنی ها و بحرینی ها از حج محروم شدند و تمامی کشورهای اسلامی نگران این واقعیت هستند که عربستان سعودی دارد



تحلیل ماه

“ جوابی که عربستان می دهد این است که ایران می خواهد حج را سیاسی کند. سیاسی کردن حج فی ذاته مشکلی ندارد، سیاسی کردن حج، هنگامی بد است که به اختلاف بین مسلمان ها دامن بزند ”

6



تا وقتی امنیت زائران تأمین نمی‌شد، پیامبر گرامی اسلام حج را برگزار نکردند؛ چون یکی از موارد استطاعت، امنیت طریقی است. استطاعت طریقی امروز وجود ندارد.

دورانی که پیامبر گرامی اسلام حج را به‌جا نمی‌آوردند؛ به دنبال این بودند که جامعه اسلامی را تقویت کنند و بعد حج را به‌جا بیاورند. تا اینکه در سال دهم هجری، هنگامی که فتح مکه صورت گرفت، تمامی زیرساخت‌ها برای حضور حجاج مسلمان در حج فراهم شد.

دوباره اتفاق نیفتد؛ این خیلی برای حاجی خارجی عجیب است که در بیت‌الله الحرام این اتفاق افتاده است. به شدت دارد این کار انجام می‌شود، چه در حوزه خصوصی و چه در حوزه حاکمیتی که پیام مظلومیت مردم ایران به گوش سایرین برسد و کارشکنی‌های عربستان کاملاً تبیین شود. ما امسال بر نامه‌ها را تعطیل نکردیم، با مراجع در طول سال مکاتبه‌هایی داریم، استفتائات جدید را ارائه می‌دهیم و در حقیقت مناسک محشی یا مناسک همراه را برای زائرین تهیه می‌کنیم. امسال هم همین کار به صورت دیجیتال انجام شده. تمام این جزوات به زبان‌های مختلف مثل اردو، انگلیسی، عربی، ترکی و... برای بعثه‌های مراجع در کشورهای سال می‌شود.

وضعیت کاروان‌های ایرانیان مقیم خارج چگونه است؟ وظیفه شرعی‌شان را چه کار کنند؟

به نظر ما زائران ایرانی کاروان‌های اروپایی هم امسال حج را به دلیل نبود امنیت تحریم کنند. سال‌های گذشته هم نسبت به حجاج ایرانی خیلی بی‌حرمتی و بی‌ادبی می‌شد. به نظر می‌رسد همین حکمی که در مورد زائران داخل ایران پیاده می‌شود، در مورد زائران ایرانی خارج از کشور هم، وجود دارد.

ما این تجربه را یک بار دیگر هم داشتیم. در زمان حضرت امام که ایشان پیام شدید صادر کردند و چند سالی بر نامه حج تعطیل بود. مقایسه‌ای بین دیدگاه مقام معظم رهبری و امام در این زمینه داشته باشید.

در این قضیه، یک خط فکری واحد مشاهده می‌شود. امام و مقام معظم رهبری، قائل به این بودند که حج دارای یک ظرفیت‌هایی است که متأسفانه امروز عملیاتی نمی‌شود. حج هم سیاسی است؛ یعنی باید زمینه‌ساز تقریب جهان اسلام باشد، در دشمن‌شناسی مؤثر باشد، پیام اسلام را جهانی کند و... هم یک عمل عبادی انسان‌ساز؛ یعنی کسی که حج می‌رود، باید یک تغییر اساسی در او به وجود بیاید که امروز عملیاتی نمی‌شود.

حتی در دوران حیات پیامبر گرامی اسلام، امکان به جا آوردن حج وجود نداشت. ما چه الگو برداری می‌توانیم از آن دوران کنیم، استراتژی پیامبر در آن دوران چطور بوده است؟

جمعه جماعات مساجد، روحانی‌های کاروان حج که امسال مشرف نمی‌شوند، جهت تبیین عدم حضور ایرانی‌ها در این صحنه بین‌المللی، بیشتر روی چه نکاتی متمرکز باشند؟

به نظرم می‌رسد آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» (حج، ۲۵) تقریباً خط را به ما نشان داده است. کسانی که «صاد عن مسجد الحرام» هستند و «صاد عن مسیر خدا» هستند، مورد لعن قرآن و خدا قرار گرفتند. ما باید در این شرایط، ابعاد اقدامات دولت عربستان در صد عن مسجد الحرام را برای مردم بیان کنیم. بگوییم که عربستان در این قضیه، چقدر مشکل‌آفرین بوده. کما اینکه عربستان امروز دارد توپ را در زمین ما می‌اندازد، این وظیفه ماست که در این حوزه فعال باشیم و ارتباط عربستان با آمریکا و اسرائیل را نشان دهیم، نسل‌کشی و مسلمان‌کشی عربستان در یمن و بحرین، باید کاملاً تبیین شود.

فکر می‌کنید عدم حضور ما می‌تواند اهرم فشاری بر رژیم سعودی باشد که در سالی آینده ظرفیت را برای حضور جمهوری اسلامی فراهم کند؟

شکی نیست. وقتی ۶۴ هزار حاجی که واجب‌الحج هستند را از حج محروم می‌کنند، مسلمانین کار در دنیا صدا خواهد کرد. مثل این می‌ماند که کسی بگوید این تعداد از مسلمان‌ها حق ندارند نماز بخوانند. چه حالتی در دنیا به وجود می‌آید؟ من پارسال در ایام حج، کاملاً احساس کردم که مردم نسبت به عدم حضور زائران سوری در عربستان به شدت حساس بودند. بارها نظر افراد مختلف را پرسیدم، وقتی در اخبار و جراید می‌خوانند که سوری‌ها نیامدند، به شدت مخالف بودند و آل سعود را لعن می‌کردند.

“
به نظر ما
زائران ایرانی
کاروان‌های
اروپایی هم
امسال حج را به
دلیل نبود امنیت
تحریم کنند.
سال‌های گذشته
هم نسبت به
حجاج ایرانی
خیلی بی‌حرمتی
و بی‌ادبی می‌شد
”

نقش رسانه‌های جهان در هشت سال دفاع مقدس

انتظار باز تاب مطلوب و حقیقت‌مدار از رسانه‌های جمعی جهان در هر موقعیتی، یک انتظار بی‌هوده است؛ چه برسد به جنگ تحمیلی علیه کشورمان که داستان مبارزه و تحمیل جنگی خانمان سوز از سوی دنیای استکبار در میان دو کشور اسلامی بود. با این حال پس از سال‌ها، نگاهی اجمالی به نوع خبررسانی این بنگاه‌های خبری از جنگ، عبرت آموز است. در این نوشتار به نقش رسانه و بازتاب‌های آن در دوران جنگ تحمیلی می‌پردازیم.

بازتاب جنگ در رسانه‌ها

در پی پیدایش وضعیت جدید در جنگ و رکود حاکم بر جبهه‌ها، از نیمه‌آبان ۱۳۵۹، رسانه‌های خارجی و صاحب‌نظران محافل سیاسی و نظامی، درباره‌ی اهداف عراق و علل ناکامی این کشور، به ارائه‌ی تحلیل پرداختند. روزنامه‌ی گاردین در مورد محاسبات غلط عراق نوشت: «نیروهای عراقی مجبورند خود را برای یک جنگ بلندمدت آماده سازند؛ ولی این موضوع قسمتی از برنامه‌ی اولیه‌ی آنها نبوده است. آنچه می‌توان از برنامه‌های عراقی‌ها حدس زد، نادرستی محاسبه‌ی آنها توأم با نوعی فریب‌خوردگی است. به تدریج سرعت پیشروی عراق کاهش یافت و در باره‌ی موارد، متوقف ماند. صدام به اشتباه مبنای استراتژی خود را شورش اعراب خوزستان قرار داده بود، در حالی که هیچ‌گونه طغیانی از جانب آنها مشاهده نشد. سؤالی که باقی می‌ماند این است که آیا رئیس‌جمهور عراق می‌تواند بهانه‌ای منطقی برای توجیه شکست برنامه‌هایش ارائه کند؟»

رادو بلندن نیز طی تفسیری از نتایج ناکامی عراق، گفت: «اینکه عراق موفق نشد به یک پیروزی سریع نائل گردد، بسیاری از ناظران را به این نتیجه رسانده است که دولت صدام با مشکلات سیاسی بزرگی روبه‌رو خواهد شد. کارشناسان غربی معتقدند جنگ بسیار کند بوده و ارتش عراق کفایت و کارایی چندانی از خود نشان نداده است.»

روزنامه‌ی ستاره‌ی سرخ مسکو در مورد پیش‌فرض‌های غلط عراق نوشت: «هیران عراقی - که تهاجم رادر سطح وسیعی آغاز نمودند - فکر می‌کردند که ارتش این کشور به سرعت پیشروی خواهد کرد. این محاسبات ظاهراً بر اساس تصویری که از ارتش ایران، به سبب نداشتن فرماندهی و نزول انضباط و نداشتن قطعات یدکی سلاح‌های آمریکایی، برای مقاومت ندارد، پایه‌گذاری شده بود. آنها هم چنین تصور می‌کردند با شکست نظامی، رژیم ایران نیز دوام نیافته و قطعه‌قطعه خواهد شد. از نحوه‌ی پیشرفت در جبهه‌ها کاملاً روشن می‌گردد که نیروهای ایرانی هم‌چنان به مقاومت سرسختانه، بدون توجه به صدمات روزهای اول جنگ، ادامه می‌دهند. هدف اعلام شده جنگ نیز در حال تغییر است؛ ابتدا عراق مدعی بخش کوچکی از اراضی قسمت شرقی رودخانه‌ی شط‌العرب بود، ولی اکنون مطبوعات عراق نقشه‌ای چاپ می‌کنند که در آن استان خوزستان - که در بغداد، عربستان نام داده‌اند - جزء سرزمین عراق محسوب می‌شود.

انور سادات، رئیس‌جمهور مصر نیز در مصاحبه‌ای با مجله‌ی اشپیگل در مورد علت و اهداف تهاجم عراق به ایران، گفت:

«جنگ ایران و عراق را صدام به دلیل سوء استفاده از روش تدافعی آمریکا آغاز کرده است. انگیزه‌ی صدام تسلط کامل بر شط‌العرب و رهبری کامل منطقه بود؛ ولی تصور می‌کرد که ارتش ایران از بین رفته و ارتش

عراق می‌تواند ظرف یک هفته پیروز شود، ولی امروز متوجه شده که در لجن فرو رفته و سال‌ها از آن بیرون نخواهد آمد. توازن خاور نزدیک بیش از پیش در مخاطره افتاده است.»

رادو یو آمریکایی تحلیلی درباره‌ی تأثیرات ناشی از پیروزی احتمالی عراق، گفت: «محافل سیاسی، اتفاق نظر دارند که اگر عراق به سرعت بر ایران پیروز می‌شد، صدام تقویت شده و رؤیاهای او - که رهبری جهان عرب است - محقق می‌گردد؛ ولی اکنون احتمال پیروزی کم‌تر از پیش است و هر چه زمان بیشتر می‌گذرد، احتمال وقوع فاجعه در عراق، بیش از پیش افزایش می‌یابد.»

خبرگزاری رویتر نیز با بیان اهداف اعلام نشده‌ی عراق، مبنی بر سقوط حکومت جمهوری اسلامی و تصرف منطقه‌ی نفتی خوزستان به عنوان مقدمه‌ی اهداف درازمدت این کشور برای تسلط بر منطقه‌ی خلیج فارس، گزارش داد: «پس از دوازده روز جنگ و در گل ماندن ارتش عراق در خوزستان، ایلام و کرمانشاه، احتمال به دست آوردن این اهداف بعید به نظر می‌رسد.»

خبرگزاری آسوشیتدپرس نیز به نقل از روزنامه‌ی گاردین گزارش داد: «به نظر می‌رسد حمله‌ی عراق به ایران، بر محاسبات غلط پایه‌گذاری شده است. یک مبارزه‌ی کوتاه و شدید می‌توانست بخشی از مشکلات عراق را فوراً حل کند؛ ولی درگیری طولانی، مشکلات این کشور را بیش از پیش بر ملا خواهد کرد.»

در رسانه‌های خارجی و تحلیل‌های اظهار شده از سوی صاحب‌نظران و کارشناسان امور جنگ ایران و عراق، هیچ‌امیدی به کسب برتری نظامی ایران بر عراق، به لحاظ اوضاع سیاسی نظامی کشور، وجود نداشت. با این حال قابلیت نظامی عراق نیز برای ایجاد تحولی نظامی، زیر سؤال رفته بود و همین امر، آینده‌ی روند تحولات نظامی را تا اندازه‌ای در پرده‌ای از ابهام قرار می‌داد.

نکته پایانی

جنگ از هر منظری برای ایران - که آغازگر آن نبود - با حفظ استقلال و از دست ندادن حتی یک وجب از خاک مقدس، پیروزی محسوب می‌شد و حقیقت در اذهان مردم آزاده‌ی دنیا، با همه‌ی امتناع رسانه‌ها از بیان آن، راه یافت و اگر هم در همین مقدار بیان نمی‌شد، تاریخ قطعاً آن را ثبت می‌کرد؛ اما پردازش اخبار رسانه‌های وابسته به قدرت‌های جهانی و واکنش آنها در برابر واضحات دنیای واقعی و حقیقی جنگ، نشان می‌دهد که هنوز هم نمی‌توان به این رسانه‌ها به عنوان منابع خبری نگرست و تحریف و وارونه‌گویی تاریخی آنها، هیچ‌گاه نباید از حافظه‌ی جامعه، زده شده.

* برگرفته از خبرگزاری فارس.



تحلیل ماه

“ در رسانه‌های خارجی و تحلیل‌های اظهار شده از سوی صاحب‌نظران و کارشناسان امور جنگ ایران و عراق، هیچ‌امیدی به کسب برتری نظامی ایران بر عراق، به لحاظ اوضاع سیاسی نظامی کشور، وجود نداشت

6

مسجد

امام جماعت بودن سخت است. هر معمم و طلبه‌ای که تجربه حتی یک روز حضور در مسجد و اجتماع را داشته باشد هم این موضوع را می‌داند. امام جماعت بودن سخت است، چون باید حواسش را به همه چیز بدهد، به مأموم تنگ‌دستش تا دوست خیرش! باید نیم‌نگاهی هم به مهر دختر و شغل پسر نمازگزاران داشته باشد. خودش که دیگر هیچ، باید بداند چشم همه عالم به کردار و منش و رفتار اوست، به گرم و صفای اوست! این‌گونه که باشد، حواسش که جمع باشد، مردم او را می‌پذیرند، برای دوست‌داران او نمی‌توان طبقه اجتماعی تعیین کرد، بلکه فقیر و غنی، باسواد و بی‌سواد، جوان و پیر، همه او را دوست خواهند داشت. مردم به لباسش احترام می‌گذارند و برای دین او هر آنچه باید انجام می‌دهند. مرگ پایان کبوتر عمر و تلاش او نیست... همان‌طور که برای مرحوم حجت الاسلام والمسلمین زین‌العابدین نصیری چنین نبود. او که عمری را در تلاش و کوشش در راه خدا سپری کرد، نمونه کاملی از امام جماعت بود. نمی‌توان گفت امام کدام جماعت، امام جماعت مسجد یا امام جماعت مردم روستای ورنکش، امام جماعت خیرین مسجدساز و مدرسه‌ساز یا امام جماعت تنگدستان و مستمندان. هر چه هست ایشان حتی در خانه و برای اهالی باصفای خانه هم امام جماعت بود. به عنوان امام جماعت تراز، یادی کرده‌ایم از حجت الاسلام والمسلمین زین‌العابدین نصیری، امام جماعت مسجد باب‌الحوائج تهران و در برونده‌ای کوچک‌نگاهی به کارنامه او در مسجد و خانواده و جامعه انداخته‌ایم؛ به امید آنکه خلوص و صفا و دینداری و جامعه‌دوستی ایشان شعله راه پریچ و خم زندگی معنوی و مادی مان باشد.



جای خالی یک امام جماعت

گزارشی از حال و هوای مسجد باب الحوائج و اهالی آن، سه سال پس از درگذشت حجت الاسلام والمسلمین زیدالله (زین العابدین) نصیری

در یکی از عصرهای گرم تابستانی، برای تهیه گزارشی از مرحوم حاج آقای نصیری، به سمت محل زندگی و عبادت این روحانی بزرگوار رفتیم. از خیابان قزوین - که یکی از خیابانهای مشهور تهران است - به سمت خیابان امامزاده حسن حرکت کردیم؛ خیابانی که به دلیل حضور امامزاده حسن - که از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) و پسر عموی شاه عبدالعظیم حسنی است - رونق بسیاری دارد و سالهاست که به یکی از خیابانهای شلوغ تهران تبدیل شده است. خیابانی با مغازه‌ها و پاساژهای فراوان که جمعیت زیادی را برای زیارت و خرید راهی این منطقه می‌کند. از هیاهوی این خیابان با پرسیدن چند باره آدرس مسجد، به خیابان خلوت و بی سر و صدای «شهید ولی عبادی» رسیدیم و بعداً متوجه شدیم که این خیابان، همان یکی از شهدای روستای ورنکش در دفاع مقدس است. همین‌طور که در خیابان شهید عبادی به دنبال مسجد می‌گشتیم، صدای اذان مغرب از انتهای خیابان ما را به مسجد باب الحوائج راهنمایی کرد. چون وقت نماز بود، سریع به وضو خانه مسجد - که در زیر زمین قرار داشت - رفتیم و وضو را تجدید کردیم و سریع خود را به مسجد رساندیم تا از نماز جماعت عقب نیافتیم. چند صفت نسبتاً طولانی در مسجد نه چندان بزرگ، اما با صفای باب الحوائج تشکیل شده بود. روحانی جوانی هم وارد مسجد شد که انگار بعد از حاج آقای نصیری، مسئولیت امام جماعت این مسجد را بر عهده او نهاده بودند. دو سه سالی می‌شد که در خدمت مردم، فعالیت‌هایی را انجام می‌داد. بعد از اتمام نماز جماعت عشا، خودم را به متولی مسجد (آقای نوروزی) رساندم و داستان تهیه گزارشی را برای او تعریف کردم و با چند نفر از قدیمی‌ها و جوانان مسجد، به گفت‌وگو نشستیم.



مرحوم نصیری به دلیل تسلط و احاطه بر فقه و علوم دینی، در حوزه علمیه تهران مشغول تدریس می‌شوند و پس از چند سال، به دلیل مشغله‌های دیگر، تدریس کم‌رنگ‌تر می‌شود و برنامه‌های دیگری جای آن را می‌گیرد؛ برنامه‌هایی مثل: برگزاری کلاس‌های مختلف قرآن و احکام در مسجد، کمک به فقرا، توسعه و آبادانی روستای ورنکش و...

■ نقش مرحوم نصیری در توسعه روستا

به گفته اهالی مسجد، مرحوم نصیری محبوب دل همه آنهاست. ایشان در سال‌های پیش از انقلاب و به طور جدی‌تر - پس از انقلاب، با تلاش و پشتکار فراوان، به توسعه و آبادانی روستا پرداخت. ایشان با استفاده از کمک خیرین و حضور ادارات مختلف در روستای ورنکش، منشأ خیر بوده است؛ ساخت چندین مدرسه و مسجد و ساخت و تکمیل راه‌های روستا از جمله آنهاست. حاج آقای نصیری با حضور در روستا و صحبت با مردم، تمامی آنها را به کار خیر و نیک تشویق می‌کرد، به طوری که بسیاری از اهالی روستا، زمین‌های مرغوب و مشجر خود را در اختیار ایشان قرار می‌دادند تا برای ساخت

■ اول تکیه، بعد مسجد

در گفت‌وگو با آقای سلطانی - از قدیمی‌های مسجد - مشخص شد که این مسجد، ابتدا در اواخر دهه چهل، یک تکیه کوچک برای ورنکشی‌های مقیم تهران بوده است و بعدها با حضور حاج آقای نصیری و کمک خیرین ورنکشی، قسمت دیگری از زمین‌ها خریده شده و کم‌کم شروع به ساخت مسجد می‌کنند. به گفته آقای سلطانی، شخص مرحوم نصیری به سراغ خیرین می‌رفت و کمک‌های آنها را جمع می‌کرد. در روزهای پایانی ساخت مسجد هم گویا منابع مالی تمام شده بود و مرحوم نصیری و چند تن از اهالی محل، به سختی و با زحمت، خودشان ساخت مسجد را به اتمام رساندند. به این ترتیب به همت حاج آقای نصیری و کمک ورنکشی‌ها، این مسجد ساخته می‌شود و از همان روز اول، محل و منشأ خیر برای این محل و مردم آن می‌شود. به گفته قدیمی‌های مسجد، حاج آقای نصیری از روستای خودشان، به دلیل هوش و علاقه به علوم دینی، برای تحصیل و کسب فیض ابتدا به حوزه علمیه تبریز و سپس قم می‌رود و با حضور ورنکشی‌ها در این منطقه از تهران، ایشان هم به تهران و این مسجد می‌آیند و با تلاش فراوان، پایه‌های ساخت و توسعه آن را می‌گذارند.

یادبود
امام
جماعت

66

به گفته اهالی

مسجد،

مرحوم نصیری

محبوب دل همه

آنهاست.

6

ورنکش کجاست؟

ورنکش، زادگاه مرحوم حجت الاسلام و المسلمین نصیری یکی از روستاهای بخش ترکمانچای شهرستان میانه در آذربایجان شرقی است.

در مورد نام این روستا چند روایت وجود دارد؛ در روایتی این روستا محل رنگریزی بوده و در دیگری مکانی که محصولات باغی دیررس دارد، یعنی محصولات این منطقه دیرتر از مناطق دیگر به ثمر می‌نشینند. از طرفی روستای ورنکش دارای بیش از ۱۵۰۰ نفر جمعیت دائمی است که با توجه به فصول کاری، ده الی پانزده درصد به این جمعیت افزوده می‌شود و شغل بیشتر اهالی کشاورزی و دامداری است. از محصولات عمده آن می‌توان به گندم و جو، و از میوه‌های سردرختی می‌توان به سیب و زردآلو اشاره کرد و در کنار اینها، عسل طبیعی را هم می‌توان به عنوان یک محصول مهم نام برد. این روستا دارای دهیاری، مرکز بهداشت و درمانگاه، مدارس ابتدایی و راهنمایی، دبیرستان شبانه‌روزی پسرانه است. داستان احداث تعدادی از این مراکز به کمک مرحوم نصیری را در ادامه همین صفحات خواننده اید. فاصله ورنکش از مرکز بخش ترکمانچای، حدود ۲۳ کیلومتر و از مرکز شهرستان، حدود ۶۰ کیلومتر است. برای رسیدن به این روستا از جاده مواصلاتی بین میانه و تبریز، از سه راهی عجمی و روستاهای چبقلو، صومعه پایین، چناق بلاغ و صومعه بالا عبور کرده و در دامنه سبز بزغوش باید به این روستا رسید. روستای ورنکش دارای مزارع و باغات سرسبز بوده و با وجود خشکسالی، به لطف داشتن چندین حلقه چاه عمیق پر آب، طراوت خود را حفظ کرده است. مردم این روستا به حسن شهرت و مذهبی بودن زبان‌زد منطقه هستند. مرحوم حاج آقا نصیری یکی از بزرگان مذهبی این منطقه می‌باشد که اسم او با روستای ورنکش گره خورده است. روستای ورنکش در جریان جنگ تحمیلی، بیش از ۲۰ نفر شهید و جانباز تقدیم وطن نموده است و به دلیل بافت مذهبی، دارای شش مسجد و حسینیه و چهار هیئت عزاداری است.

مسجد و مدرسه، مورد استفاده قرار گیرد. با وجود اینکه ایشان در تهران زندگی می‌کرد، هیچ‌وقت از روستای اجدادی خود غافل نشد و تا آخرین روزهای زندگی، مشغول خدمت‌رسانی به مردم و توسعه روستا بود.

■ شیخ در مسجد

مرحوم نصیری در مسجد، کلاس‌های بسیاری را برای اهالی دایر کرده بود و مردم محل، به ویژه جوانان، از آن بسیار استقبال می‌کردند. یکی از کلاس‌های شلوغ این مسجد، کلاس آموزش قرائت قرآن بود که تعداد کثیری از اهالی محل در آن شرکت می‌کردند. از دل این کلاس، قاری‌های بسیاری به جامعه معرفی شدند. برای خانم‌ها نیز کلاس‌های قرآن و احکام برقرار بوده و مورد استقبال اهالی محل قرار گرفته است. پس از هر نماز نیز قرائت و تفسیر قرآن در این مسجد انجام می‌شود.

■ شیرینی کارهای خیر

یکی از کارهایی که مورد تأکید مرحوم نصیری، کمک به فقرا بود. مرحوم نصیری و اهالی مسجد، با شناسایی همسایگان ضعیف و فقیر محل، همواره در تهیه مایحتاج این قشر از جامعه، فعال بودند. یکی از کارهایی که در این مسجد و بانظر حاج آقا نصیری انجام می‌شد و هنوز هم ادامه دارد، تهیه ژتون‌هایی برای نیازمندان است که این افراد با دادن این ژتون‌ها به نانوائی یا کسبه دیگر، می‌توانستند خرید روزانه مایحتاج خود را انجام دهند. این کمک محدود به ماه‌ها و اعیاد خاص نبود و این کمک‌ها در تمام سال به دست نیازمندان می‌رسید.

■ مرحوم نصیری و محرم

بر اساس شنیده‌ها و گفته‌های محلی‌ها و همسایه‌های مسجد، مرحوم نصیری و تمامی اهل محل در برگزاری مراسم‌های عزاداری، سنگ تمام می‌گذاشتند و چون مسجد باب‌الحوائج در محل یک تکیه بنا شده است، سال‌هاست که هم مسجد محل است و هم هیئت محل. در روزهای عزاداری، به خصوص در دهه محرم و فاطمیه، مراسم عزاداری باشکوهی برگزار می‌شود که ورنکشی‌های مقیم تهران و اطراف، از همه جا خودشان را به مسجد می‌رسانند تا در عزاداری شرکت کنند و هر ساله نذوراتی را هم بین مردم محل پخش می‌کنند.

■ وداع با مرحوم نصیری

در واپسین روزهای ماه شعبان، مردم خداجو و دین‌مدار روستای ورنکش و محله امامزاده حسن تهران، عزیز گرانقدر و مراد همیشگی خود را از دست دادند. مرحوم حاج شیخ زین‌العابدین نصیری، عالم برجسته و فعال این منطقه، پس از سال‌ها تلاش و کوشش برای آبادانی منطقه و خدمت به خلق خدا، در دهه هشتاد عمر پر برکت خود به دیدار معبود شتافت و پیکرش در جوار حرم ملکوتی حضرت فاطمه معصومه (س) آرام گرفت. نام و یادش تا ابد در بین تمام مردمان این روستا و مردم این منطقه جاودان خواهد ماند و باقیات‌الصالحات این روحانی برجسته، برای مردم، منشأ خیر و برکت خواهد بود.

“
یکی از کارهایی که
مورد تأکید مرحوم
نصیری، کمک به فقرا
بود. مرحوم نصیری
و اهالی مسجد، با
شناسایی همسایگان
ضعیف و فقیر محل،
همواره در تهیه
مایحتاج این قشر از
جامعه، فعال بودند
”

قدم‌های خیر زیر سقف مسجد

روایت یک دیدار با خانواده‌ی امام جماعت مرحوم مسجد باب الحوائج ورنکشی‌های تهران

گفت و گو از کسی که در میان ما نیست و در میان ما هست، از کسی که نه برای نقش امام جماعت و نه برای نقش یک روحانی، که برای نقش انسانی افراد در جامعه الگو است، هم سخت است و هم دلپذیر... سخت از آن رو که دیگر در میان ما نیست و دلپذیر از آن جهت که نقش ماندگار او را بازگو کردن، خاطره‌گویی خوبی‌ها و نیکی‌ها است.

برای گفت و گو با خانواده‌ی مرحوم حجت الاسلام و المسلمین زیدالله (زین العابدین) نصیری، امام جماعت مسجد باب الحوائج ورنکشی‌ها در شهر تهران، چند هفته‌ای انتظار کشیدیم تا احوالات همسر ایشان - که در بستر بیماری بودند - بهتر شود و لباس عافیت بر تن کند که به لطف خدا این گونه شد و با حضور ایشان گفت و گو و مارتنگ و بوی خاصی گرفت.

به کوشش: مهدی
رزافی طالقانی



مسجد

یادبود
امام
جماعت

در آن زمان بسیار بی بضاعت، مادر ایشان و البته پدرشان، حاج آقا را در عین نداری، از راه حلال بزرگ کردند. همین موضوع هم ایشان را بسیار قناعت کار و حلال وار بار آورده بود. پادم می آید تکه نانی را که خشک شده بود در حیاط انداخته بودم. ایشان از راه رسید و آن نان را آورد داخل و آب زد و گذاشت در سفره تا هنگام غذا میل کند و رو به من کرد و گفت: «خانم این کار را نکن، ما نمی توانیم در آن دنیا پاسخگو باشیم!» روزی نشد در زندگی با ایشان که غذای اضافه یا مواد غذایی اضافه وارد خانه ما بشود. ایشان می گفت: «حاج خانم موقع خرید یاد بیچارگان و فقرا باش که این دنیا خیلی زود می گذرد با کم و زیادی که خوردیم و... آن دنیا را چسب».

رابطه‌ی ایشان با مردم هم از همین جهت خوب بود؟ از جهتی که مردم را دوست داشتند و...

بله! واقعا همین است. چند روز پیش روی همین تخت به یاد ایشان گریه می کردم، عروسم از من پرسید: «چرا گریه می کنی مادر؟» گفتم: «حاج آقا حالش بد شده بود و روی زمین افتاده بود. دیدم چهار جوان که به کمک او آمده بودند، مدام او را می بوسیدند و گریه می کردند و من نمی دانستم که چقدر با مردم عجبین است و برای مردم کار می کند. ایشان هیچ وقت مسائلی که با مردم داشتند را به ما نمی گفتند. این ندانستن جایگاه ایشان برای من، بعد فوت ایشان بسیار غم انگیز است. مردم دم در خانه می آمدند، می رفتم آنجا به حاج آقا می گفتم: «این آقا چه کسی هستند؟» ایشان می گفت: «هیچ کس حاج خانوم!» بعد خود آن آقا از پشت در می گفت: «ایشان بزرگ ما و پدر و همه کس ما هستند؛ ما زن نداشتیم، ایشان برای ما زن گرفت. خانه نداشتیم، برای ما خانه ساخت و...» گفتم: «حاج آقا چرا توی خانه این حرف‌ها را نمی زنی؟» گفت: «در مقابل لطف خدا من از این کم‌ها چه بگویم؟»

حاج آقا که به رحمت خدا رفته بود، من رفتم مسجد. یک خانمی آمده بود و آن قدر گریه می کرد که حد نداشت. رفتم پهلوی او گفتم: «حاج خانم! چرا گریه می کنی؟» گفت: «یک آقا بود چند سال خرجی خانواده‌ی من را می داد. دو ماه است نیست. گفتند حاج آقا فوت شده است.» آن خانم آن قدر گریه کرد که هنگام فوت حاج

برای شروع گفت و گو از ایشان پرسیدم مهم ترین مشخصه‌ی حاج آقای نصیری چه بود. همسر مرحوم نصیری، با لهجه ترکی شیرینش، گفت و گوی ما را این گونه آغاز کرد:

من از یازده سالگی وارد منزل حاج آقا نصیری شدم. دختر بچه کوچکی بودم. چهار سال ابتدایی زندگی من را در روستا بودیم. بعد از آن آمدیم قم. حاج آقا از همان ابتدای زندگی ما، دائم در سفر بود و چهار ماه به چهار ماه خانه نمی آمد و برای روستاها دنبال ساخت مسجد و مدرسه و... می رفت. به او می گفتم که «چرا این قدر خودت را اذیت می کنی؟ چرا من را راه می کنی و می روی؟»، می گفت «برای خدا باید همواره در راه بود و دوید؛ آسایش و آرامش مؤمن، آسایش و آرامش بندگان خداست.» یک شب به او خیلی اصرار کردم که نرو و شب، خواب عجیبی دیدم که جمعی نورانی به دنبال حاج آقا آمدند تا ایشان را همراه خودشان به زیارت خانه‌ی خدا - مکه - ببرند. ایشان گفت که لباس‌های من را بده. من که تعجب کرده بودم، گفتم: کجا؟ مگر قرار نبود با هم به مکه برویم؟ یک نفر از آن جمع گفت: حاج خانم! شما از قلم افتادی! گفتم آخر چرا؟ جوابی ندادند.

از خواب پریدم. این قدر گریه کردم! گفتم خدایا غلط کردم! و بعد به حاج آقا گفتم هر کجا می خواهی بروی به خاطر خدا، برو و هر کاری که می خواهی برای خدا بکنی، بکن. من فرزندانم را به مصیبت بزرگ کردم، تک و تنها و در شهر غریب! اما دلیل آن همه سختی را از بعد از همان خواب می دانستم.

مشخصه‌ی خانواده‌ی مرحوم نصیری هم باید در شکل گیری شخصیت ایشان، نقش مهمی داشته باشند؟

بله! خانواده‌ی ایشان کشاورز بودند و



آقا، بچه‌های من آن قدر گریه نکردند. در آن روز در مسجد آنها گریه می‌کردند، مردم گریه می‌کردند... آن موقع فهمیدم که این حاج آقا چه کسی بود.

یک خَیر می‌آمد و مقداری نان و برنج و روغن و این‌ها می‌گذاشت و می‌رفت و بعد از آن خانواده‌های نیازمند می‌آمدند و وسایل را می‌بردند. من آن وقت این‌ها را می‌دیدم و نمی‌دانستم حاج آقا چه انسان بزرگی است!

حاج خانم با یادآوری خاطرات، اندکی منقلب می‌شود و این بهانه‌ای است تا گفت‌وگو را با دکتر احمد نصیری فرزند حاج آقا ادامه دهد. از ایشان خواستیم که از خصلت‌های مردمی پدرشان بگویند.

حاج آقا یک خصلت خوبی داشتند که خیلی خوش بر خورد بودند. خیلی سخت می‌شد ایشان ناراحت بشوند. مثلاً اگر یک کسی با ایشان بدی می‌کرد، زود گذشت می‌کردند. کینه به دل نمی‌گرفتند. در کار مردم بسیار صبور بودند. هر وقت در خانه بودند، سر ظهر یا نیمه شب، اهالی مسجد یا مراجعان‌شان که می‌آمدند، اصلاً نمی‌گفتند دیر وقت است، یا... یا... یا مثلاً وقتی کاری داشتند و به حاج آقا زنگ می‌زدند، اگر کاری از دست‌شان برمی‌آمد، انجام می‌دادند و گر نه از دیگران کمک می‌گرفتند. کار مردم هیچ وقت روی زمین نمی‌ماند.

از نکات برجسته اعتقادی اخلاقی ایشان، این بود که به حرام و حلال بودن مال، خیلی اهمیت می‌دادند. به مردم می‌گفتند خمس تان را حتماً بدهید. به دیگران زیاد می‌گفتند و برای خانواده‌اش بیشتر دقت می‌کردند. به طوری که اگر یک جایی ما را دعوت می‌کردند و ایشان می‌دانستند طرف خمس نمی‌دهد و مجبور بودیم برویم - چون صلّه رحم بود - وقتی برمی‌گشتیم، می‌گفتند: «یک پنجم آن را رد مظالم بدهید. نگذارید این غذایی که خوردید، برای شما مشکل درست کند.» خیلی به غذا اهمیت می‌دادند؛ می‌گفتند: «غذایی که می‌خورید، حتماً پاک باشد.»

حاج آقا اجازه می‌خواهم بحث را وارد فضای فعالیت مرحوم حجت الاسلام نصیری در مسجد کنیم و از تاریخ ورود ایشان به امام جماعتی مسجد باب الحوائج می‌پرسم.

ایشان از سال ۱۳۷۵، به اصرار بسیار زیاد مردم، امام جماعتی مسجد باب الحوائج را بر عهده گرفتند؛ اما منزل خود را از قم به تهران منتقل نکردند و تنها در روزهای پنج‌شنبه و جمعه به تهران می‌رفتند. بعد از مدتی که سن‌شان بالا رفت و رفت و آمد برایشان مشکل شد، در خانه قدیمی پنجاه شصت متری خودشان در تهران - که پیش از انقلاب خریده بودند - مستقر شدند. بعد از گذشت مدتی از حضور دائم ایشان و با ارتباطات اجتماعی فراوان ایشان، دیگر فضای مسجد کفاف امورات مردم را نمی‌داد و ایشان تصمیم گرفتند مسجد را گسترش دهند. با کمک مردم و خیرین، یک قسمت از خانه‌هایی که اطراف مسجد بود را خریدند و مسجد را گسترش دادند و دیگر اکثر وقت خود را در مسجد و درگیر امورات مسجد - از جمله ازدواج، تهیه جهیزیه و... - بودند.

حاج آقا رفتار ایشان در مسجد چگونه بود که برای مردم این همه جاذبه ایجاد می‌کرد؟

جناب آقای بهروز سلطانیور، داماد خانواده نصیری: مهم‌ترین وجه رفتاری ایشان در مسجد، وقت گذاشتن ایشان برای مردم بود. شما خودتان حتماً دیده‌اید که عموم ائمه جماعات، بعد از نماز به سرعت از مسجد خارج می‌شوند. اما تعاملات اجتماعی حاج آقا دقیقاً بعد از نماز آغاز می‌شد. ایشان به سریدار مسجد می‌گفتند که چایی را آماده کند و بعد خودشان از احوالات خانواده‌های اهالی مسجد و حتی آنها که مسجد نمی‌آمدند، خبرگیری می‌کردند و در جریان مشکلاتشان قرار می‌گرفتند. در حقیقت آن اقدام عملی حاج آقا در بر طرف کردن مشکلات مردم، از همین گدعه‌های بعد از نماز نشأت می‌گرفت.

بعد از این مرحله بود که ایشان افرادی را برای تأیید صحت مشکلات خانواده‌هایی که به گوش‌شان رسیده بود مشکل دارند یا آنها که خودشان به حاج آقا مراجعه کرده بودند، می‌فرستادند و در صورت صحیح بودن آن، از طریق روابطشان، به رفع مشکلات می‌پرداختند. حالا یا آن مشکل مسئله مالی بود یا حتی در نظر گرفتن دختر یا پسری برای ازدواج، یا ساختن مسجد و درمانگاه و...

همسر مرحوم نصیری: حدود سی خانوار بودند که حاج آقا خرج آنها را ماهانه تا رفع مشکلات و یافتن کار برای مرد خانواده می‌دادند، که حتی در وصیت‌نامه خود آوردند که بچه‌ها تا جایی که می‌توانند، این کار را پس از ایشان ادامه دهند که امروز هم ده خانوار هستند که فرزندان ایشان خرج آنها را می‌دهند. منطقه ۱۷ تهران از مناطق زیر متوسط تهران است. منطقه امامزاده حسن، منطقه محرومی است و حاج آقا سعی می‌کردند پلی میان افراد متمکن و فقرا باشند. به خصوص در مسئله ازدواج، ایشان اهتمام زیادی داشتند. حتی من می‌شنیدم که حاج آقا به بعضی جوان‌ها می‌گفت که شما نترسید از مشکلات و ازدواج نکنید، من چند سال اول زندگی تان کرایه خانه شما را سعی می‌کنم پرداخت کنم.

حاج آقا چطور این ارتباط میان ایشان و افراد متمکن شکل می‌گرفت؟

داماد خانواده نصیری: چون ایشان با صداقت برخورد می‌کرد و مردم می‌دانستند که حاج آقا این پول را کجا می‌خواهد خرج کند، اعتماد داشتند. وقتی آدم به طرف مقابل اعتماد داشته باشد، این کار را می‌کند دیگر.

دختر بزرگ مرحوم نصیری: حاج آقا در مسئله مالی بسیار شفاف بودند و ریز خرج کرد را به خیرین ارائه می‌کردند و اصولاً غیر از خانواده - که خیلی از امورات خیر حاج آقا خبر نداشتند - اهالی مسجد، خیرین و مردم مستضعف، به صورت کامل در جریان امورات بودند. بعد از فوت ایشان خیرین به ما می‌گفتند که ایشان به مردم فاکتورهایش را هم نشان می‌داد. مثلاً نام کسانی که پول دادند را یادداشت می‌کرد، خرج‌ها را هم می‌نوشت. می‌گفت بروید ببینید. بروید ساختمان را ببینید. وقتی چند بار این کار را کرد، مردم دیدند به حرفی که می‌زند، عمل می‌کند، دیگر به او اعتماد پیدا می‌کردند. اما پدرم در خانواده، واقعاً فقط پدر بودند و موضوعیت کارهایشان کاملاً متفاوت بود.

“
یکی از کارهایی
که مورد تأکید
مرحوم نصیری،
کمک به فقرا بود.
مرحوم نصیری
واهالی مسجد،
با شناسایی
همسایگان
ضعیف و فقیر
محل، همواره در
تهیه مایحتاج
این قشر از
جامعه، فعال
بودند
”



مسجد

يادبود
امام
جماعت

وقتي که همسرش بیمار بود...

همسرشان چند سالی بیمار بود و نمی توانست از جایش تکان بخورد. حواسش را کاملاً به همسر داده بود و نمی گذاشت حتی فرزندانش کار مادر را انجام دهند. یک روز از همسرشان اجازه گرفتند و به مسجد رفتند؛ هنگامی که آمدند، دیدند همسرشان در تقلاي روشن کردن چراغ، به ناراحتی افتاده است. بغض گلویش را گرفت و گفت: «من در آن دنیا جواب شما را چه بدهم...» پس از آن، تارفع بیماری همسر، حتی یک لحظه او را تنها نگذاشت.

به نقل از: آقای پهلوی داماد مرحوم نصیری

مدرسه‌ای که تعطیل نشد

یک دبیرستان شبانه‌روزی را با همت خیرین و آموزش و پرورش ساخته بود که چند سالی سر پا بود و خوب فعالیت می کرد. یک وقت زنگ زدند که «آقا تشریف بیاورید که مدرسه دارد تعطیل می شود.» گویا دلیل تعطیل شدن مدرسه هم کمبود دانش آموز و مسائلی مثل خراب شدن رایانه‌های مدرسه و خلاصه استهلاک وسائل بود. ایشان به سرعت راهی آن منطقه شدند و ابتدا مسائل داخلی مدرسه را رسیدگی کردند و سیستم‌ها را به‌روز کردند و بعد اطلاع دادند به روستاهای اطراف که برای کودکان، سرویس رایگان تهیه دیده شده است تا در این مدرسه بیایند و درس بخوانند. تمام تلاشش را می کرد که مدرسه تعطیل نشود و این‌گونه هم شد و مدرسه با سرویس رایگان پا گرفت و مردم و کودکان روستاهای اطراف، از نعمت این مدرسه محروم نشدند.

بساط عروسی در بیمارستان

حالشان خیلی خوب نبود و روی تخت بیمارستان بودند. پرستارها با حاج آقا خوش و بش می کردند و ایشان از احوالات زندگی آنها پرس و جو می کرد. یکی از آنها گفته بود: «حاج آقا! یکی دو ساله نامزد کردم، اما پول ندارم جشن عروسی بگیرم و با همسرم زندگی مشترک را شروع کنم.» حاج آقا خیلی حال خوشی نداشتند. به آن پرستار گفتند: «شما دعا کنید من از این تخت بیمارستان رها شوم، مطمئن باش عروسی شما را خودم می گیرم و هزینه‌اش را تقبل می کنم.» یک ماه و خرده‌ای مریضی ایشان طول کشید.

یک بار که در بیمارستان بودیم، گفت: «دخترم! من به برادرت هم گفته‌ام، من به این پرستاری که پهلوی من است، قول داده‌ام شام جشن او را بدهم. امکان دارد من زنده از این بیمارستان بیرون بروم. این قول من حقیقی است به گردن من؛ اگر اتفاقی افتاد و من نبودم، شما حتماً هزینه شام جشن او را که به او قول داده‌ام، بدهید.»

حال ایشان خوب شد و مراسم عروسی آن پرستار هم سر گرفت. به همین سادگی...

به خانه همه سر می‌زد

خیلی سخت از کسی ناراحت می شد و به خاطر همین، با هر کسی می توانست ارتباط داشته باشد؛ مخصوصاً با فامیل. به صلۀ رحم خیلی اهمیت می داد و به هیچ وجه راضی به قطع ارتباط نمی شد. یکی از آشنایان نزدیک با ایشان اختلافی داشت و در پی آن اختلاف، دیگر خانه ما نمی آمد. حاج آقا اما این ارتباط را رها نمی کرد و هر زمان که فرصت می کرد، به خانه ایشان سر می زد.

عده‌ای به او می گفتند: «حاج آقا! برای چی خودت را کوچک می کنی؟ می روی آنجا که آن آقا که به شما بی احترامی کند؟» می گفت: «من باید صلۀ رحم بکنم. باید آن قدر به دیدار او بروم تا او این کینه را از دلش دور کند.»

و آن قدر به این روال ادامه داد تا آن بنده خدا متوجه شد و به منزل حاج آقا می آمد و همه چیز شکل عادی و حتی صمیمانه به خود گرفت، به نحوی که هر سال عید او اولین نفری بود که برای دیدار حاج آقا به منزل ایشان می آمد.

به نقل از: دکتر احمد نصیری

هر عقد ازدواجی را نمی خواند

برای آنها که مهریه بالا می‌زدند، عقد نمی‌خواند. پیش آمده بود که چند بار مراسم عقد را به خاطر همین مهریه بالا ترک کرده بود. مهریه دخترش را هم نگذاشت بیشتر از چهارده سکه بزنند. می‌گفت این دین مرد است به زن و نمی‌شود آن را سرسری گرفت. به او می‌گفتند: «حاج آقا! بگذر از این موضوع!» می‌گفت: «نمی‌توانم شرمندگی جوانی را که پول ندارد و نمی‌تواند این مهریه‌های بالا را برای دختری بزند، ببینم.»

نوشابه‌ای که کار خیر را به تعویق انداخته بود

یک روز داغ تابستانی در جریان ساخت مسجد - که ما همگی عمله و بنای ساخت آن بودیم - یک بنده‌ خدایی از دوستان و همشهری‌ها آمد ما را شمرد که چند نفریم، کار می‌کنیم. دید حدود بیست نفر هستیم و رفت یک جعبه نوشابه خرید و به دست هر نفر از ما یک نوشابه داد. حاج آقا آن بالا نشستند بود و داشت ما را تماشا می‌کرد. یک دفعه متوجه شد که دست هر کدام از ما، یک شیشه نوشابه است و ایستاده‌ایم و تکیه داده‌ایم به چیزی و داریم نوشابه می‌خوریم. بالحن شوخ طبع خودش گفت: «آن نوشابه را کی خرید؟» گفتیم: «آقای فلائی.»

او را صدا کرد که بیا اینجا و آن مرد آمد. حاج آقا گفت: «مرد حسابی! تو رفتی یک هزینه‌ای کردی برای کار خیر و کلاً کارگرهای ما را بیکار کردی که... جای این می‌رفتی دو پاکت سیمان می‌خریدی، هم خودت کار خیر می‌کردی و هم این‌ها به کار خیرشان می‌رسیدند، هم کار مسجد جلو می‌رفت. تو رفتی نوشابه خریدی حالا این‌ها تازه نیاز به قضاء حاجت دارند!» حاج آقا دست بر شانه‌ی مرد گذاشته بود و می‌گفت: «این کار بود که تو انجام دادی برای من مرد حسابی...؟!» با ایشان همواره فضا برای ما این گونه پر از حس تلاش، انگیزه و شادی بود.

به نقل از زیدالله جلیلی از هیئت اماناء مسجد بابا الحوائج

آخرین کار خیر حاج آقا

قرار بود کوچه‌های روستای ورنکش را تعریض کنند تا در آنها جدول کشی و آسفالت انجام شود. تعدادی از اهالی روستا - بنا به دلایلی - از مرزهای باغچه‌ها و خانه‌هایشان عقب‌نشینی نمی‌کردند و کار روی زمین مانده بود. در روستا آثار اختلاف آشکار شده بود و فضای خوبی نبود. بزرگان روستا به حاج آقا زنگ زدند که «آقا! بیا این مشکل به وجود آمده و شما یک جور راست و ریزش کن!»

حاج آقا فهمیدند که احتمالاً مشکل مالی است و به روستا که رفت، سراغ صاحب خانه‌ها رفت و گفت: «شما عقب‌نشینی بکنید تا این جاده‌های روستا مرتب و تمیز بشود، ماشین رفت و آمد بکند، من تمام هزینه آن متر از زمین را به شما می‌دهم و یا برایتان درب نو و دیوار خوب می‌کشم.»

حاج آقا پای کار ماند و جاده‌های روستا را به سر و سامان رساند و اختلافات در روستا فروکش کرد و ایشان به تهران بازگشتند. یک ماه بعد، بر اثر تشدید بیماری قند، فوت شدند و این شد کار خیر آخر... .

به نقل از: دکتر احمد نصیری

پول نان فقرا با من

ماه‌یانه سیصد هزار تومان به دو نانوایی در همان محل امامزاده حسن می‌داد تا برای خانواده‌هایی که وسعشان اندک بود و از قبل شناخته و شناسایی شده بودند، نان رایگان طبخ کند و وصیت ایشان بود که حتی پس از مرگشان هم این هزینه پرداخت شود.

پس از فوت ایشان، آن نانوای می‌گفت که این فرهنگ در میان مردم جا افتاده و پول نان خیلی از فقرا را خود مردم می‌دهند و فرهنگی که حاج آقا به آن اصرار داشتند، فراگیر شد.

فهرستی از مجاهدت‌های حجت‌الاسلام والمسلمین زیدالله نصیری

- کمک به ساخت حسینیه در خرم‌دشت کرج
- مشارکت در ساخت حسینیه مسجد در مهدی‌آباد کرج
- جلب مشارکت و ساخت مسجد در تهران
- ساخت درمانگاه و مرکز بهداشتی در مانای در روستای ورنکش
- ساخت غسل‌خانه روستای ورنکش
- ساخت ساختمان مرکز مخابرات (تلفن‌خانه) روستا
- مشارکت در ساخت منبع آب و لوله‌کشی آب آشامیدنی در روستا
- ساخت مسجد جامع روستا
- ساخت حمام عمومی بهداشتی در روستا
- اصلاح جوی آب کشاورزی و آبیاری روستا
- ساخت دبیرستان شبانه‌روزی در روستا
- ساخت سالن ورزشی چند منظوره در روستا



همراه عشق

یادداشت شفاهی از آقای زیدالله جلیلی
از اعضای هیئت امنای مسجد باب الحوائج

حجت‌الاسلام نصیری را از سال ۱۳۵۶-۱۳۵۷ می‌شناختم و با ایشان رفت و آمد داشتم. ایشان هم از نظر علمی و هم از منظر انسانی، فرد خیلی خوب و وارسته‌ای بود. ایشان از ابتدا به عنوان یک مجتهد در میان ما شناخته شده بود.

داستان حضور حاج آقا در مسجد این گونه بود که در زمانی که ایشان در قم تدریس می‌کردند، هم ولایتی‌های مادر تهران، از ایشان درخواست کردند که به مسجد باب الحوائج ورنکشی‌ها بیایند و امورات مسجد را در اختیار بگیرند و ایشان هم پذیرفتند. در ابتدا فقط آخر هفته‌ها می‌آمدند و بعداً به صورت کامل به تهران منتقل شدند. بنده هم به خاطر حضور حاج آقا در مسجد باب الحوائج، به همان محله نقل مکان کردم و آنجا منزل کوچکی خریدم.

از اینجا بود که ارتباط ما بالا گرفت و ما شدیداً مأموم همیشگی و پشت سر ایشان و پای منبر سخنرانی‌هایشان نشستیم تا زمانی که به رحمت خدا رفتند.

در همان زمانی که در آن محله مستقر شدم، حاج آقای نصیری به خاطر تسلط بنده به قرآن، از من خواستند کلاس آموزش قرآن را در مسجد برگزار کنم. بنده هم اطاعت امر کردم و به همراه یکی از دوستان، کلاس را دایر کردیم. بعد از مدتی کوتاه، نزدیک شصت هفتاد قرآن‌آموز از بچه هفت ساله گرفته تا جوان بیست ساله، در قسمت‌های مختلف قرائت و ترتیل قرآن، در مسجد گرد آمدند و مشغول فراگیری شدند.

پس از مدت کوتاهی تصمیم گرفتیم مسجد را -که به علت قدیمی بودن و فضای کوچک آن گرداندن امور را دشوار کرده بود- توسعه دهیم. حاج آقا نصیری در این وقت بنده را به عنوان نماینده خودشان برای پیگیری امور شهرداری، اوقاف، اداره گاز و... معرفی کردند و با همکاری خیرین و همسایه‌های مسجد، موفق شدیم خانه‌های اطراف مسجد را بخریم و مسجد را در زمینی بزرگ‌تر احداث کنیم. از همان زمان بود که حاج آقا در تهران ساکن و امام جماعت ثابت مسجد شدند.

سال‌ها مصاحبت بنده با ایشان، سرشار از خاطرات و نکته‌های آموزنده اخلاقی و دینی است که بازگویی‌اش مجال زیادی می‌طلبد. آنچه بیش از هر چیزی در وجود ایشان نمایان بود، اخلاص و ادب ایشان در میان مردم بود. ایشان هیچ‌گاه مردم را باز بچه‌هواهای نفسانی خود قرار ندادند، هیچ‌گاه به دنیا دل بسته نشدند. وجه تمایز حاج آقای نصیری با روحانیون نظیر خود، در تلاش و همت ایشان در راه خدا بود. بنده شهادت می‌دهم که ایشان لحظه‌ای از پای ننشست، لحظه‌ای به فقر و سختی و درد کودکی آرام نگرفت، از ازدواج تا وفات آدم‌ها با آنها بود.



مسجد



“

آنچه بیش از هر چیزی در وجود ایشان نمایان بود، اخلاص و ادب ایشان در میان مردم بود. ایشان هیچ‌گاه مردم را باز بچه‌هواهای نفسانی خود قرار ندادند، هیچ‌گاه به دنیا دل بسته نشدند

”



دریچه

شاید بتوان آن را خجسته‌ترین و پربرکت‌ترین و خاطره‌انگیزترین پیوندها در دنیای اسلام خواند. مسجد و مدرسه هر دو در معنایی جدا از مدرسه و معبد، پیش از آن دوران، محصول اسلام‌اند. مدرسه یعنی محل تحصیل علم نافع و مسجد به معنای محل نافع‌ترین افعال انسانی، یعنی عبادت. پیوند مسجد و مدرسه به طرز خارق‌العاده‌ای، هم‌افزایی این دو معناست. در این پیوند نه مسجد معنای عبادی خود را از دست می‌دهد و نه علم معنای واقع‌نگر و نافع بودن خود را؛ اما این هر دو معنا به طرز شگفت‌آوری یکدیگر را در ادامه، جامعه را بارور می‌کنند. مسجد به علم، معنویت می‌دهد و علم به معنویت، تعقل و تدبیر اعطا می‌کند و اسلام در همین نقطه بلوغ حقیقی خود را می‌یابد: عقلانی‌ترین و عاقلانه‌ترین ادیان در تاریخ. پاسخ به اینکه چرا در طول قرون اخیر، دنیای اسلام دچار غفلت شد و این پیوند دچار گسست، مجال فراوانی را می‌طلبد؛ اما آنچه از این پیوند در جامعه ما باقی مانده، در قالب معرفی «مسجد موسی بن جعفر» و تحلیل‌ها و پیشنهادهایی در مورد آنچه باید در این زمینه صورت پذیرد، به علاوه آسیب‌شناسی وضعیت موجود مساجد و مدارس، در غالب پرونده‌ای کوتاه گرد آورده‌ایم به امید گشایش گرهی در این باب، که تقدیم شما بزرگواران می‌کنیم.

من این مجموعه را می‌پسندم

نگاهی به فعالیت پایگاه مسجد محور

مجموعه را اداره می‌کنند - به عنوان معلم، مسئول، مشاور و... - همیشه در ایثار کردن پیش قدم‌اند و بدون هیچ چشم‌داشتی، دست کم برای سه-چهار سال، خودشان را وقف مجموعه می‌کنند. همین روحیه هم نسل به نسل به بچه‌ها منتقل می‌شود.

■ جذابیت کار و فضا

سرمایه‌گذاری مجموعه بر روی منطقه محروم و جنوب شهری منطقه ۱۷ تهران است. این منطقه هم پرتراکم‌ترین منطقه، هم ضعیف‌ترین منطقه به لحاظ مالی و هم پرشهرت‌ترین منطقه تهران است. در این منطقه اصلاً مدرسه شناخته‌شده و خوبی که جواب‌گوی نیاز دانش‌آموز باشد، وجود ندارد. پس این تشنگی و این ظرفیت در منطقه وجود دارد که یک مجموعه خوب راه‌اندازی کند. وقتی مجموعه‌ای بتواند به خوبی مباحث علمی و فرهنگی را برای دانش‌آموز اجرا کند، ضمن اینکه تمام خدمات آن رایگان است، یقیناً برای دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان خوشایند و جذاب خواهد بود.

به دلیل اینکه پایگاه انصارالحسین (علیه‌السلام) از لحاظ امکانات و مباحث مالی، از پایگاه‌های منطقه ضعیف‌تر است، جذابیت علمی را در دستور کار خود قرار داده است.

■ برنامه‌های آموزشی

در فصل تابستان، فضای علمی کم‌رنگ می‌شود و بچه‌ها در کلاس احکام، تفسیر، روخوانی قرآن، شنا، مسابقات پینگ‌پنگ و فوتبال دستی و... شرکت می‌کنند. برنامه‌های اردویی نیز در نظر گرفته شده است؛ یعنی سعی کردیم بیشتر فضای غیرعلمی را برای بچه‌ها بر جسته کنیم؛ اما در کنار آن... این چیه؟ آهان؟ اما در کنار آن‌ها بحث‌های پنجشنبه هم هست که در حلقه‌های صالحین و هیئت است. چند کلاس علمی هم دارند، بسته به پایه‌ای که مد نظر است؛ مثلاً بچه‌های پایه دهم چند تا کلاس بیشتر دارند و بچه‌های پایه نهم کلاس‌هایشان مقداری کم‌تر است. بسته به نیاز پایه و سطح علمی پایه، کلاس‌های محدود علمی هم برگزار می‌شود؛ منتها در تابستان تمرکز بیشتر بر برنامه‌های تفریحی و فرهنگی است.

■ همراهی والدین با مجموعه

بهترین راه معرفی مجموعه به والدین، نشان دادن عملکرد چندساله است. وارد مجموعه که می‌شوید، مدال‌ها و لوح تقدیرهایی که دانش‌آموزان کسب کرده‌اند، به دیوار نصب شده‌اند و خودنمایی می‌کنند. والدین با دیدن فضای مجموعه و آگاهی از موفقیت‌های بچه‌ها و مهم‌تر از همه، دیدن فضای معنوی مسجد، به راحتی به مجموعه اعتماد می‌کنند.

■ تاریخچه

اسماعیل ابوفاضلی
مسئول پایگاه علمی-فرهنگی
انصارالحسین

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، امام خمینی (ره) جوانان را به جهادی علمی و فرهنگی دعوت کردند. مسئولان امروز مجموعه پایگاه علمی فرهنگی انصارالحسین (علیه‌السلام) که آن روزها جزو رزمندگان بودند، تصمیم گرفتند پایگاه بسیج را با رویکرد علمی-فرهنگی راه‌اندازی کنند. از سال ۱۳۷۰ با جذب تعدادی دانش‌آموز از مدارس محروم منطقه ۱۷، با هدف رشد علمی و فرهنگی آنان، فعالیت مجموعه رسماً آغاز شد. پس از چند سال، اولین خروجی‌های مجموعه که دانش‌آموزانی از مدارس عادی مناطق جنوب تهران بودند، وارد دانشگاه‌های معتبری مثل دانشگاه تهران و دانشگاه شریف شدند. همین دوستان، معلم دانش‌آموزان ورودی سال ۱۳۷۴ شدند.

غیر از بحث ورود به دانشگاه، در المپیادهای علمی نیز موفقیت‌های چشم‌گیری کسب شد؛ در درس‌های ریاضی، فیزیک، شیمی و کامپیوتر، مدال‌های کشوری کسب شد و در رقابت‌های جهانی، آقای صفا در المپیاد ریاضی در رومانی و آقای سیامک احمدپور در کشور آمریکا مدال آوردند.

این چرخه، به صورت خودگردان ادامه پیدا کرد، به گونه‌ای که فارغ‌التحصیلان مجموعه، در سمت استاد و مسئول پایگاه، مشغول به فعالیت می‌شدند.

■ شروع کار از مسجد

وقتی شروع کاری با برکت باشد، یقیناً آن کار منشأ اثر خواهد بود. به همین دلیل فعالیت این مجموعه از مسجد رقم خورد تا هم برای بچه‌ها جذابیت داشته باشد و هم مشکلات به صورت‌های خاص از مسیر برداشته شود. وقتی کسی به طور مداوم به مسجد رفت‌وآمد کند، مسجد اثر خود را می‌گذارد و شخص را تربیت می‌کند.

■ امکانات

چنین مجموعه‌ای همیشه در بحث سخت‌افزاری با مشکل مواجهه بوده است. هنگامی که تعدادی دانش‌آموز در حال مطالعه‌اند، همزمان کلاس‌های دیگری در حال برگزاری است. در همان زمان ممکن است برخی دیگر برنامه تفریحی داشته باشند. این برنامه‌ها تقریباً همه به صورت موازی‌اند؛ چون هر کدام از پایه‌های نهم تا دوازدهم، برنامه‌های ویژه خود را دارند و فضای مجموعه جوابگوی کار نبود. از سال گذشته که فضای مسجد موسی بن جعفر (علیهما السلام) در اختیار مجموعه قرار گرفت، بیشتر مشکلات سخت‌افزاری از بین رفت.

در بحث نرم‌افزاری، تمرکز بر ایثار است؛ یعنی دانشجو‌هایی که



مسجد

پیوند
مسجد
مدرسه

“

رمز موفقیت در چنین مجموعه‌هایی، از خودگذشتگی است؛ یعنی نمی‌شود توقع مادی داشت و چنین مجموعه‌ای را اداره کرد

”

خدمات منطقه‌ای

مجموعه در کنار فعالیت‌های علمی و فرهنگی خود، به امور خیریه نیز می‌پردازد و قریب به چهل خانواده را تحت حمایت خود دارد. در ماه‌ها و مناسبت‌های مختلف، بسته‌هایی برای این خانواده‌ها تهیه و تدارک می‌شود. یکی از ورودی‌های سال ۱۳۷۸ که دكترای تخصصی دارد و تحصیل کرده فرانسه و بلژیک است، توجه ویژه‌ای به مجموعه و منطقه دارد. دوستان دیگری نیز هستند که با وجود مشغله زیاد، با توجه به تخصص‌شان، به مجموعه و منطقه خدمت می‌کنند.

بازتاب فعالیت‌های مجموعه

هنگام تأسیس مجموعه با نام علمی و فرهنگی، بسیج مخالفت‌های زیادی کرد. می‌گفتند چون پایگاه بسیج هستید، نباید از نام علمی و فرهنگی استفاده کنید. در صورتی که تأکید بر «پایگاه بسیج علمی و فرهنگی انصارالحسین» بود. این مشکل تا سال ۱۳۸۲، گریبان‌گیر مجموعه بود و در تمامی برنامه‌ها به این پایگاه بی‌مهری می‌شد؛ اما بعد از ملاقاتی که به صورت خصوصی (حدوداً پنجاه نفر از اعضای پایگاه) با حضرت آقا صورت گرفت، ایشان کار را تأیید کردند و فرمودند: «جنبه‌های فرهنگی کارتان را بیشتر کنید. من این مجموعه را می‌پسندم». در همین روزها بود که ساختار بسیج از حالت نظامی به بسیج مستضعفین تغییر کرد. پس این اتفاقات، فضا برای کار مجموعه بازتر و راحت‌تر شد.

مشکلات مسیر

ورود به سیستم آموزش و پرورش و جذب نیرو بسیار سخت است. مدارس و آموزش و پرورش به سختی با مجموعه همکاری می‌کنند. اگر برای جذب نیرو شبکه ارتباطی وجود نداشته باشد، هر قدر هم مجموعه قوی باشد، کار به بن‌بست می‌رسد.

نهادهای همسو نیز نتوانستند در این سال‌ها کمک شایانی به مجموعه برای رفع این معضل بکنند. متأسفانه مدیران برخی مدارس، وقتی متوجه حضور دانش‌آموزان در پایگاه بسیج یا مسجد می‌شوند، در مدرسه برای او مشکل ایجاد می‌کنند و دانش‌آموز توبیخ می‌شود. با همین شرایط دانش‌آموز را تحت فشار می‌گذارند و باعث می‌شوند دانش‌آموز ترس ورود به این مجموعه را داشته باشد یا اگر رفت‌وآمد داشته‌اند، این ارتباط را قطع کنند.

پیشنهاد برای شروع

اولاً رمز موفقیت در چنین مجموعه‌هایی، از خودگذشتگی است؛ یعنی نمی‌شود توقع مادی داشت و چنین مجموعه‌ای را اداره کرد؛ ثانیاً استفاده از تجربه و مشورت و تخصص فعالان این عرصه. حسن نیت و از خودگذشتگی خوب است، ولی بدون استفاده از تجربه و تخصص دیگران، راهگشا نیست. باید از مشورت، تجربه و اتفاق‌های خوبی که در مجموعه‌های مشابه افتاده است، درس گرفت.

سخن پایانی

در دلد زیاد است. این مجموعه سختی‌های زیادی را تا به امروز پشت سر گذاشته است، از بی‌پولی گرفته تا کارشکنی‌ها و نامهربانی‌های دوستان و دشمنان. همه این‌ها برای خدا تحمل می‌شوند؛ ولی آنجایی که خودی‌ها در مسیر سنگ‌اندازی می‌کنند، دیگر تاب تحمل از کف می‌رود؛

از دشمنان برند شکایت به دوستان چون دوست دشمن است، شکایت کجا بریم

تنها دلخوشی و دلگرمی این مجموعه، سخنان آقا است که فرمودند: «من می‌بینم و می‌شنوم که گوشه و کنار این کشور جوان‌هایی جمع شدند که دارند کار فرهنگی انجام می‌دهند با سختی و مشکلات. من به آنها می‌گویم که شما این کارتان را با قوت ببرید جلو و چشم‌داشت هم به هیچ کجا نداشته باشید که فکر کنید کسی قرار است به شما کمک کند. همین شماها هستید که دارید کار فرهنگی را توی مملکت جلو می‌برید.»

۶۶
استفاده از تجربه
و مشورت و
تخصص فعالان
این عرصه.
حسن نیت و
از خودگذشتگی
خوب است، ولی
بدون استفاده
از تجربه و
تخصص
دیگران، راهگشا
نیست
۶





مسجد

پيوند
مسجد و
مدرسه

از شبستان علم تا رواق فرهنگ

نیم‌نگاهی به ساختار پایگاه علمی انصارالحسین (ع)

پایگاه علمی فرهنگی انصارالحسین، در دو بخش علمی و فرهنگی فعالیت‌های منسجمی دارد. در بخش علمی، برنامه‌ریزی‌های خوب و مناسبی وجود دارد و ظرفیت‌های این بخش، به چند دسته تقسیم می‌شود: اول اینکه بچه‌ها برای حضورشان در مدارس نمونه دولتی، برنامه‌ریزی می‌کنند. یعنی جوری کار و فعالیت دارند که بتوانند در مدارس نمونه دولتی قبول شوند. دوم در بحث کنکور برنامه‌ریزی‌ها به گونه‌ای است که بچه‌ها بتوانند با رتبه‌های خوب، در دانشگاه‌های برتر، پذیرش شوند.

محمد جواد امیری
مسئول دفتر آموزی پایگاه
انصارالحسین (ع)

سوم بحث المپیادهای علمی است. یعنی در این سه سطح، بچه‌ها برای کسب بهترین‌های علمی تلاش می‌کنند. در بخش فرهنگی نیز، چند سرفصل مورد توجه است. مهم‌ترین آنها، دارا بودن حداقل‌های فرهنگی اعتقادی، برای خروجی‌های پایگاه است. هدف، تربیت مدیری مسئولیت‌پذیر، دین‌دار، مسلح به اعتقادات و توانمند برای دفاع از انقلاب است. رهبر انقلاب فرمودند: «شما جوان‌ها مدیران آینده هستید، مملکت در آینده برای شما جوان‌ها است». پس برنامه‌ریزی‌ها باید در جهت تربیت نسلی توانمند و مسئولیت‌پذیر صورت بگیرد. دفاع از انقلاب، قطعاً فرع بر فهم انقلاب است. باید انقلاب را فهمید، خطوط قرمز و مبانی کلی را فهمید. برای فهم انقلاب نیز باید به بیانات و مواضع امام راحل و رهبر انقلاب رجوع کرد؛ باید اصول انقلاب را از آنها گرفت.

■ جذب

در این پایگاه، مراحل برای جذب و گزینش دانش‌آموزان وجود دارد. در مرحله اول، در مدارسی که سطح علمی نسبتاً خوبی دارند، تبلیغ و معرفی مجموعه صورت می‌پذیرد. گام دوم، برگزاری جلسه توجیهی برای دانش‌آموزان است. پس از این مراحل، نوبت به مصاحبه می‌رسد که حداقل‌هایی برای پذیرش در نظر گرفته شده است. در صورت قبولی در این بخش، پذیرفته‌شدگان وارد مرحله تثبیت و پرورش می‌شوند.

■ اساتید

اساتید این مجموعه در دو قالب علمی و فرهنگی همکاری دارند. اساتید علمی عمدتاً اساتید برتر مدارس تهران هستند؛ مدارس تیزهوشان، علامه حلی، مفید، رشد و... برخی از اساتید نیز تخصص‌شان در بحث المپیاد است که دانش‌آموزان را برای المپیادهای علمی آماده می‌کنند. در بخش فرهنگی، عمده اساتید روحانی هستند.

■ اولیای دانش‌آموزان

در میان برنامه‌ریزی‌های پایگاه، نگاهی ویژه به والدین دانش‌آموزان شده است. در جلسه توجیهی دانش‌آموزان، والدین آنها نیز دعوت شده و برنامه‌ها به‌طور مفصل شرح و تفصیل می‌شود. در مراحل بعد، برنامه‌ای با عنوان جلسات خانواده طراحی شده است که مسائل مربوط به آموزش، توجیه و رشد خانواده‌ها در آن گنجانده شده است. این آموزش‌ها به سه بخش تقسیم می‌شود: روابط همسران (والدین) باهم، روابط والدین و فرزندان، و روابط فرزندان باهم.

■ جذاب‌سازی فضا

در عرصه علمی، چند شاخصه برای جذابیت فضا وجود دارد. مهم‌ترین آنها، استفاده از اساتید مجرب و مسلط به کار است. البته در این بخش، فقط علمیت اساتید مدنظر نیست؛ بلکه علاوه بر تسلط علمی، شاخصه‌های فرهنگی نیز مهم است: انقلابی بودن، تعهد داشتن، ایمان. همین شاخصه‌ها، جذاب است؛ یعنی استادی که مسلط بر مسائل علمی است، انسانی متعهد و معتقد به مبانی انقلاب نیز هست.

شاخصه دیگر، بحث محتوایی است. در این بخش نیز، مهم‌ترین عامل استاد است که محتوا را ساده، شیوا و مطابق با مباحث علمی روز، به دانش‌آموزان منتقل نماید.

در مباحث فرهنگی، مهم‌ترین عامل ایجاد جذابیت، آموزش مسائل کاربردی است. تناسب محتوا با سن و سال و فهم مخاطب خیلی مهم است. در حال حاضر طرح‌های مانند: طرح مطالعاتی کتب شهید مطهری در دستور کار مجموعه است.

■ سطح‌بندی

دانش‌آموزان این پایگاه، هر کدام در یک سطح‌بندی علمی قرار دارند؛ برخی برای کنکور آماده می‌شوند، بعضی‌ها که توان و استعداد بالاتری دارند، برای المپیادها آموزش می‌بینند. عده‌ای دانش‌آموزان در مدارس نمونه دولتی هستند و بعضی‌ها هم در مدارس عادی تحصیل می‌کنند که برای هر کدام، برنامه‌ای خاص در نظر گرفته شده است.

■ مزیت پایگاه‌های مسجدمحور

حضرت آقا در دیدار با قس‌ر‌ر‌گ‌اه فرهنگی خاتم‌ال‌اوصیاء فرمودند: «شما تا می‌توانید کار صف را کم نکنید و کار ستاد نکنید. و در کار ستاد، یکی از مسائل خیلی مهم و اساسی، مسئله پشتیبانی مالی است. اگر چه مسئله سطح اول نیست، ولی پشتیبانی مالی خیلی مؤثر است. تا می‌توانید آن چیزهایی را که با مسئله مالی حل می‌شود، یعنی نیاز به پول دارد را حل نکنید.»

تمامی خدمات این مجموعه، رایگان است و توانسته است که قسمت مالی را از دوش مردم و خانواده‌ها بردارد. با در نظر گرفتن حیطة فعالیت پایگاه انصارالحسین (منطقه ۱۷ تهران که یکی از ضعیف‌ترین مناطق تهران از نظر اقتصادی و معیشتی است)، مسئله مالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و خانواده‌ها از جهت تأمین هزینه‌های جانبی تحصیل فرزندان، در مضیقه هستند.

مزیت دیگر این مجموعه، تقویت روحیه ایثار است؛ همه چیز را نمی‌توان با گفت‌وگو و تدریس به دیگران یاد داد. وقتی دانش‌آموز می‌بیند که مجموعه‌ای حاضر است از خودش هزینه کند، عوامل و اساتیدی که برای مجموعه تلاش می‌کنند، نه تنها هزینه‌ای دریافت نمی‌کنند، بلکه از نظر مالی نیز حامی مجموعه هستند. این روحیه ایثار به آنها نیز انتقال می‌یابد. این نکات، مزیت اساسی این مجموعه، نسبت به دیگر مجموعه‌ها است.

■ سخن پایانی

إن شاء الله کسانی که متصدی مسئله تربیت جوان و نوجوان هستند، نگاهی بهتر و وسیع‌تر نسبت به این مسائل داشته باشند و از چنین حرکت‌های خودجوشی که باعث خیر و برکت دنیا و آخرت همه است، حمایت کنند.

۶۶

شاخصه دیگر، بحث محتوایی است. در این بخش نیز، مهم‌ترین عامل استاد است که محتوا را ساده، شیوا و مطابق با مباحث علمی روز، به دانش‌آموزان منتقل نماید

۶



مسجد

پیوند

مسجدو

مدرسه



مسجد؛ پایگاه تربیت افسران جنگ نرم

مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین اسلامی
امام جماعت مسجد موسی بن جعفر، منطقه ۱۷

به کوشش:
مهدی کریمی

«امروز کشور به جوان‌هایی نیاز دارد که بتوانند بازوان پُر قدرتی باشند برای پیشرفت کشور، سرشار از انگیزهٔ ایمانی، بصیرت دینی، همت بلند، جرئت اقدام،

اعتماد به نفس، اعتقاد به اینکه ما می‌توانیم...» (۱۳/۰۴/۱۳۹۴). این نکات، تنها گوشه‌ای از توصیه‌های رهبر انقلاب به جوانان این مرز و بوم است؛ جوان‌هایی که آینده‌دار این کشور و رزم سربلندی آن هستند. تربیت جوانان انقلابی هزینه دارد؛ باید عده‌ای عمر، وقت و زندگی خود را صرف کنند تا چنین جوان‌هایی تربیت شوند. در این شماره، پای صحبت‌ها و درد دل‌های حضرت حجت الاسلام والمسلمین اسلامی، خادم نام‌آشنای جوانان منطقهٔ ۱۷ تهران نشستیم. از ثمرات سه‌دهه تلاش بی‌وقفه برای بمان بگوید.

مسجد شما از چه سالی و به چه صورتی فعالیت خود را در مسجد شروع کردید؟

بنده از مهرماه سال ۱۳۶۷، به مسجد موسی بن جعفر (ع) در منطقهٔ ۱۷ تهران (۲۰ متری ابوذر، خیابان شهید اکبر سوری، کوچه شهید مجید تاجیک) آمدم. در ابتدای حضورم در مسجد، می‌دیدم که دوستان نوجوان با عنوان پایگاه بسیج، به مسجد می‌آمدند؛ اما بیشتر وقت‌شان تلف می‌شد و ساعت‌ها با کارهای فرعی مشغول می‌شدند. ما همان موقع به دوستان گفتیم که وقتی مسجد تشریف می‌آورند، با کیف و کتاب و دفتر مدرسه‌شان بیایند. هر شب بعد از نماز، بچه‌ها دور تادور مسجد می‌نشستند و یکی از دوستانی که کارشناسی ارشد داشت، برای آنها رفع اشکال می‌کرد. دوستان بعد از نماز مغرب و عشاء، باید دو ساعت درس‌هایشان را می‌خواندند و هر کجا هم سؤال و یا اشکالی داشتند، رفع اشکال می‌کردند.

البته همه‌اش درس نبود، ورزش، فعالیت‌های نظامی، اردو، تفریحات سالم و... هم بود. این موضوع انگیزه شد که ما خانه‌های اطراف را خریداری کنیم و اینجا یک مجموعه بسازیم. بنابراین، مجتمعی در شش طبقه با زیربنای ۱۵۵۰ متر - در فاز اول - بنا شد و مسجد و مجتمع فرهنگی موسی بن جعفر (ع) در تاریخ ۸/۰۸/۸۸؛ سالروز ولادت با سعادت امام هشتم، افتتاح گردید. برای فازهای بعدی هم خانه‌هایی را خریداری کرده‌ایم که این شاء الله بنای مجموعه، به بالغ بر ۵۷۰۰ متر زیربنا خواهد رسید.

یک کتابخانهٔ مفصل و مجلل هم در مجموعه ساخته شد که بهترین جا را برای سالن مطالعه قرار دادیم. به دلیل اینکه بچه‌ها ساعت‌های زیادی را در کتابخانه - نسبت به مسجد - صرف می‌کنند، لذا کتابخانه را زیباتر از شبستان طراحی کردیم و از جهت رنگ، معماری، روشنایی و... کتابخانه را مجهز کردیم.

در این مجموعه با نام پایگاه علمی انصارالحسین، در حال حاضر بالغ بر ۱۳۰ دانش‌پژوه در حال آموزش هستند. اساتید مجموعه هم فارغ‌التحصیلان پایگاه علمی هستند که خودشان را مدیون این پایگاه می‌دانند؛ با وجود گرفتاری زندگی، تحصیل، تدریس و... خود را مقید می‌دانند که برای تدریس بیایند.

در ایام عید و نزدیک امتحانات کنکور، اردوی شبانه‌روزی داریم و بچه‌ها شبانه‌روز اینجا هستند. چند نفر از این اساتید هم به صورت شیفتی در کنار بچه‌ها هستند.

مسجد دلیل انتخاب مسجد به عنوان پایگاه چیست و به نظر شما بزرگ‌ترین مزیت استفادهٔ آموزشی از مسجد چیست؟

شاید در آموزشگاه‌ها هم بشود فیزیک، ریاضی، شیمی و... را به بچه‌ها آموزش داد، اما وقتی که بچه‌ها همین فیزیک، شیمی و ریاضی را در مسجد و در پایگاه علمی که منتسب به مسجد است، می‌خوانند، تأثیر معنوی دارد. اصلاً خود این فضا در روحیهٔ بچه‌ها تأثیر می‌گذارد. اساتیدی که در این مجموعه تدریس می‌کنند، خودشان بچهٔ متدین و پایبند به احکام دین و شرایع هستند و وقتی که دانش‌آموز رفتار و عملکرد دینی از مرئی خود می‌بیند، به طور اتوماتیک این خصلت‌ها

به او منتقل می‌شود. این‌ها می‌توانند الگوهای خوبی برای بچه‌ها باشند. لذا بچه‌هایی که در مسجد آموزش می‌بینند، چه بخواهیم و چه نخواهیم این مکان، این زمان و این اساتید، در آن‌ها تأثیر می‌گذارند و بچه‌های متدینی بار می‌آیند. این تأثیر گذاری، در نماز جماعت‌ها، دعای کمیل، دعای توسل، قرائت قرآن، هیئت و... قابل مشاهده است.

🔹 این کار را با چه هدفی راه‌اندازی کردید و دورنمای ذهنی‌تان چه بود؟

بالآخره ما جنگ را تجربه کردیم. تقریباً زمان قبل از انقلاب را هم مقداری درک کردیم. ما می‌دانستیم که یک روزی جنگ تمام می‌شود و این مملکت نیاز به مدیران متعهد و متخصص دارد. ما احتمالاً می‌بایست که مساجد و پایگاه‌هایمان را آماده می‌کردیم که سربازان و افسرانی تربیت شوند که برای آینده این جامعه مفید باشند و امورات اداری و مسائل دیگر این جامعه را اداره کنند. بنابراین، سعی کردیم بچه‌های توانمند و بارآده را جذب و تربیت کنیم که این‌شاء‌الله برای آینده این جامعه و این نظام مدیران لایق و شایسته‌ای باشند.

🔹 طرح این مجموعه ابتدا تا به ذهن خودتان رسید یا اینکه نمونه‌ای سراغ داشتید؟

بنده که سال ۱۳۶۷ به عنوان امام جماعت به این مسجد آمدم، دو کار را انجام دادیم: اول عمران و آبادی فیزیکی مسجد، بعد هم بچه‌های بسیجی که وقتشان تلف می‌شد را با این بهانه که درس‌های مدرسه‌تان را در مسجد مرور کنید و مشق‌هایتان را اینجا بنویسید، وارد مسجد کردیم و این حرکت، پایه‌گذار چنین کار خوبی شد.

🔹 برای شروع هر نوع فعالیتی، باید زیرساخت‌های آن فراهم شود؛ اول بحث سخت‌افزاری و زیربنایی مثل مکان، وسائل آموزشی، امکانات فیزیکی و... دوم بحث نرم‌افزاری، مثل فرهنگ‌سازی. چه فرآیندی طی شد که توانستید به این دو اصل دست پیدا کنید؟

از جهت سخت‌افزاری، بنای مسجد قدیمی که فضای کوچکی بود، توسعه پیدا کرد و مجتمعی را در کنار مسجد احداث کردیم. با توجه به اهمیت مقوله تربیت در جامعه - که عموماً به دست زنان و مادران صورت می‌پذیرد - در نظر داریم در آینده نزدیک، حوزه علمیه خواهران را راه‌اندازی کنیم تا دخترانی که فردا می‌خواهند مادران این جامعه شوند و مربی نسل آینده ما باشند، تربیت شوند. اگر این‌ها را ما با تربیت دینی بزرگ کنیم و با معارف آشنا کنیم، قطعاً و یقیناً نسل بعد ما نسل خوبی خواهد بود.

متأسفانه اکثر کارهای ما بی‌برنامه است و کار دشمن، با برنامه. ما حاضر نیستیم برای فرهنگ‌مان هزینه کنیم؛ ولی آنها حاضر هستند برای فرهنگ باطل خود هزینه کنند. وضعیتی که متأسفانه از جهت فرهنگی گریبان‌گیر جامعه است، وضعیت مناسبی نیست. این شرایط، شایسته این نظام و این مکتب نیست. بر خوردهای فیزیکی که گاهی اوقات هم صورت می‌گیرد، مثل برخورد با ماهواره، یا مبارزه با بدحجابی و این‌ها، جواب‌گو نیست. الان کار اساسی این است که صورت باشیم. باید با یک برنامه درست بتوانیم مربیان، پدران و مادران آینده را تربیت کنیم که امیدواریم در آینده نه چندان دور، با تأسیس حوزه علمیه خواهران در این منطقه، این دختر خانم‌هایی که مادران آینده هستند را تربیت کنیم.

اما از جهت نرم‌افزاری، یک مقدار کار سخت‌تر از کار سخت‌افزاری است. با اینکه - با وجود بی‌پولی و نبود امکانات - برای ساختن این مجموعه بسیار تلاش کردیم، ولی به نظر من، این کار راحت‌تر از این است که بخواهیم فرهنگ مردم را تغییر بدهیم. خب حرف‌ها شنیدیم، ناسزها گفتند، مقاومت‌ها بوده، ولی استقامت کردیم، مقاومت کردیم تا توانستیم کار را تا اینجا پیش ببریم.

🔹 کار شما عموماً با نوجوان‌ها و جوان‌ها است. برای جذب آنها هم باید در زمینه جذاب‌سازی سرمایه‌گذاری کرد. در بحث جذاب‌سازی فضا، چه فعالیت‌هایی صورت گرفته است؟

از جهت فضای فیزیکی، یک فضای زیبا، آرام و با رعایت همه اصول

“
با توجه به اهمیت
مقوله تربیت در
جامعه - که عموماً
به دست زنان و
مادران صورت
می‌پذیرد - در
نظر داریم در
آینده نزدیک،
حوزه علمیه
خواهران را
راه‌اندازی کنیم
”





مسجد

پیوند
مسجد و
مدرسه

“

متأسفانه اکثر کارهای ما بی برنامہ است و کار دشمن، با برنامہ، ما حاضر نیستیم برای فرهنگ مان هزینہ کنیم؛ ولی آنها حاضر هستند برای فرهنگ باطل خود هزینہ کنند

”

فنی ساخته شده است. از جهت نوع معماری، خیلی فکر کردیم، مشورت کردیم که یک مسجد و پایگاه مناسب بسازیم؛ چون بیشتر مخاطبان ما جوان هستند. ما باید با این جوان ها راه بیابیم؛ جوان همیشه جنب و جوش دارد، باید فضایی را ایجاد کنیم که انرژی اش تخلیه شود. باید با جوان ها همراه شویم و در کنارشان باشیم. اگر در کنارشان ماندیم و با آنها همراه شدیم، می توانیم آنها را به مسیری که مد نظرمان است، ببریم. اما اگر در مقابلشان قرار گرفتیم، آنها هم مقابله می کنند و با ما همراه نمی شوند.

مسجد تعامل سازمان های همسو در این زمینه، چگونه است؟

یک زمانی آموزش و پرورش خیلی استقبال می کرد، کمک می کرد و تشویق می کرد که دست شما درد نکند؛ شما آمدید یک باری را از دوش ما برداشتید. اما وقتی که مدارس غیردولتی و نمونه دولتی و غیرانتفاعی و آموزشگاه ها را راه انداختند، بهانه ای شد تا مدارس به کسب درآمد بپردازند؛ کلاس برگزار می کنند و به بچه ها هم می گویند که شما مسجد نروید، پایگاه نروید و... آن مراکز هزینہ دارد، در حالی که ما پول که نمی گیریم هیچ، بچه های بی بضاعتی هم داریم که برای تهیه کتاب و مایحتاج عمومی شان مشکل دارند، همه این هزینہ ها را هم ما متقبل می شویم. متأسفانه الان نه تنها تقریباً همکاری ای با ما صورت نمی گیرد، بلکه بچه ها را هم از آمدن به این مجموعه منع می کنند و به بهانه های مختلف کارشکنی می کنند؛ حتی یکی از دبیرستان ها، بچه ها را از یک سری خدمات محروم کرد، فقط به جرم اینکه در این پایگاه رفت و آمد می کنند.

مسجد چگونه موفق شدید اولیای دانش آموزان را با خودتان همراه کنید؟ آنها چگونه شما را پذیرفتند؟

بهترین تبلیغ، گزارش کار و نتیجه ای بود که می دیدند. دیدند که ما در اینجا در سال های گذشته درصد قبولی مان در مدارس نمونه دولتی، تیزهوشان، در دانشگاه های دولتی و... در حد بسیار خوبی است. بچه های اینجا در المپیادهای جهانی و کشوری مدال آوردند. این کار خودش عاملی بود که اولیا تشویق شوند و فرزندان شان را به ما بسپارند.

مسجد شیوه گزینش اساتید و دانش آموزان به چه صورت است؟

اساتیدمان که خودشان فارغ التحصیلان همین مجموعه هستند. پولی که نمی گیرند هیچ، حتی مقداری از هزینہ های مجموعه را این اساتید تأمین می کنند. در بخش دانش آموزی، با اعلام شرط معدل، عده ای را شناسایی و جذب کردیم. بعد از جذب، در دوره اختبار و تثبیت، دانش آموزان را محک می زنیم. پس از این دوره، دوستان وارد مجموعه می شوند و از جهت تحصیلی و تربیتی کاملاً تحت کنترل هستند و مراقبت می شوند.

مسجد شما تا الان، به جز تربیت دانش آموزان، چه خدماتی به محله داده اید؟

ما در این مجموعه، یک واحد را برای جذب و به کارگیری تعدادی از زنان بدسرپرست یا بی سرپرست منطقه، اختصاص داده ایم؛ آنان به اموری مثل خیاطی می پردازند و حقوق دریافت می کنند. هم شأن آنها حفظ می شود، هم فرزندان شان. این یعنی حفظ شأن، منزلت و کرامت انسانی. زیرزمین را هم به عنوان باشگاه ورزشی احداث کردیم که هم اهل محل و هم جوان های مسجدمان استفاده کنند. طبقه بالای مجموعه را به عنوان در مانگه پیش بینی کردیم و ساخت آن تمام شده است. مجوز و کارهای مقدماتی اداری هم انجام شده که اگر هزینہ آن تأمین شود، با ساخت آسانسور و پارکینگ آمبولانس، در مانگهش هم افتتاح خواهد شد.

مسجد چه مشکلاتی در این مسیر داشته اید؟

کسی که پا به این عرصه می گذارد، باید پی همه مشکلات را به تنش بمالد. بارها شد که کسی برای کمک نبود و تک و تنها در هوای گرم تیر و مرداد اینجا کارهای بنایی و... را خودمان انجام دادیم. حرف هایی هم گاهی شنیده می شد که فعلاً سودشان در این است که این همه به خودشان زحمت می دهند. من در این رابطه منزل شخصی ام را هم فروختم و اینجا هزینہ کردم و زیرزمینی را برای زندگی اجاره کردم. بعضی ها هم می گویند پول ها را می برند و می خورند و از این جور حرف ها که گاهی آدم را خیلی خسته می کند. ما هم ظرفیت مان کم است و گاهی اوقات ناراحت می شویم. اما آن چیزی که بالاخره دلگرمی می دهد، این است که «آن کسی که باید ببیند و بداند، هم می بیند و هم می داند». حالا دیگران می خواهند بدانند یا ندانند.

مسجد چه حرفی برای کسانی که می خواهند چنین کاری را شروع کنند دارید؛ یعنی اگر یک نکته طلایی بخواهید بگویید، آن چیست؟

انبیای الهی که مبعوث می شدند، می دانستند که در این مسیر چه مشکلاتی وجود دارد؛ ولی در عین حال برای ابلاغ رسالت، چه خون دل ها خوردند و چه حرف ها شنیدند. نبی مکرم اسلام و ائمه معصومین نیز حرف ها و شکنجه های روحی و جسمی زیادی را تحمل کردند. غرض اینکه دوستان و رفقای می که می خواهند خدمت کنند، باید بدانند که حتماً آدم های مغرض و مریضی هستند که با شایعه پراکنی و حرف هایی که واقعاً از نیش عقرب هم گزنده تر است، آنها را آزار می دهند. اما باید کار برای رضای خدا باشد، آن کسی که شاهد است، حاکم است؛ بالاخره فردای قیامت آن شاهد حاکم بین ما قضاوت خواهد کرد و نتیجه اش را هم خواهند دید. یعنی اگر یک مقدار مقاومت کنند و صبوری به خرج بدهند، همان افراد مغرض هم یک روزی به عذرخواهی پیش آنها می آیند - همان طور که این اتفاق برای ما افتاد.

مسجد به عنوان پایان سخن اگر نکته ای هست، بفرمایید.

اینجا جای گله کردن از مسئولین نیست؛ ولی مسئولین به این موضوع توجه داشته باشند که کسی خواست خدمتی بکند، به او کمک کنند، اگر هم نتوانستند دست او را بگیرند، لاقلاً برای او مانع تراشی نکنند.

هادیان گمنام

نگاهی به فضای آموزشی تربیتی پایگاه انصارالحسین (علیه‌السلام)

منوچهر کلاتری
پدر دانش‌آموز
پایگاه علمی فرهنگی
انصارالحسین (ع)

از آن جایی که طبق وظیفه شرعی، به مسجد موسی بن جعفر (علیه‌السلام) رفت و آمد داشتیم، متوجه شدم که مجموعه خوبی در مسجد تشکیل شده است؛ مجموعه‌ای با مدیریت قوی و متشکل از جوانان مقتید به مبانی اسلامی. با توجه به صحبت‌هایی که راجع به مجموعه شنیده بودم، علاقه‌مند شدم که مجموعه را از نزدیک ببینم و با آن ارتباط ایجاد کنم، و فرزندانم نیز با این مجموعه ارتباط برقرار کنند.

با برقراری ارتباط با مجموعه و شرکت در مراسمات عمومی آن مانند مراسمات ماه مبارک رمضان، اقامه عزای سیدالشهدا (علیه‌السلام) و...، کاملاً به مجموعه اطمینان پیدا کردم.

برنامه‌ریزی‌های منظم و به موقع، اخلاق و منش مؤمنانه، تواضع، ایثار و فداکاری همیشگی دست‌اندرکاران مجموعه، والدین محله را بر این داشت تا فرزندان خود را به این مجموعه بسپارند و در واقع، آنان متولی قسمتی از تربیت فرزندان مان باشند. چون اطمینان داشتیم که خروجی‌های مجموعه، حتماً بچه‌هایی خواهند بود در اخلاق، زندگی، علم و تقوا، نمونه خواهند بود.

در این میان، مجموعه نیز با برگزاری جلسات توجیهی و مشاوره‌ای، کمک شایانی به آشنایی افراد با کار و فعالیت‌شان داشت؛ در این جلسات، دیدگاه‌ها، برنامه‌ها و اهداف به خوبی تبیین می‌شد و با توجه به سابقه علمی پایگاه، خانواده‌ها روز به روز به فضا علاقه‌مند می‌شدند.

خروجی‌های قدیمی پایگاه نیز در موفقیت این مجموعه بسیار مؤثر هستند. جمعی با سوابق علمی و اخلاقی درخشان که پس

از فارغ‌التحصیلی، به‌عنوان استاد، مسئول و خادم به دانش‌آموزان خدمت می‌کنند.

از نظر علمی، خیلی خوب با دانش‌آموزان کار می‌شود. بچه‌ها چه از نظر مباحث کامپیوتر و اینترنت، و چه از نظر درسی پیشرفت‌های قابل توجهی داشته‌اند.

از لحاظ بحث‌های فرهنگی و اخلاقی هم که بچه‌ها مقتید به نماز اول وقت، مقتید به آرامش روحی، مقتید به آرامش اخلاقی و... هستند. در مجموع یک توازن روحی در بچه‌ها به وجود آمده است.

در بخش جذاب‌سازی، یکی از ویژگی‌های این مجموعه و پایگاه، هویت دادن به بچه‌ها است؛ به بچه‌ها بهاء دادند، برای آنها ارزش قائل شدند، به آنها مسئولیت دادند. کارها و وظایفی را به عهده دانش‌آموزان گذاشتند و این ریسک را می‌کردند که خود بچه‌ها برخی فضاها را مدیریت کنند. به نظر بنده، مهم‌ترین ویژگی مدیریت این پایگاه، بهاء دادن به جوان‌ها است.

خلاصه سخن اینکه فعالیت‌های خوب و خداپسندانه‌ای در این مجموعه و پایگاه صورت می‌گیرد. البته نباید به همین هم قانع بود و برای تقویت و تربیت بهتر خروجی‌ها باید تلاش کرد. و مطمئناً با توجه به روحیه ایثار و از خودگذشتگی و کرامت‌نفسی که از این عزیزان سراغ دارم، به یقین می‌توانند روز به روز، مجموعه را سربلندتر و موفق‌تر نمایند.

در آخر هم تنها چیزی که می‌توانم به‌عنوان یک پدر بگویم، تشکر و قدردانی از این عزیزان است که عهده‌دار تربیت نسل جوان و انقلابی منطقه شده‌اند و بخشی از بار سنگین تربیت را به دوش می‌کشند.

۶۶

در بخش
جذاب‌سازی،
یکی از

ویژگی‌های
این مجموعه و
پایگاه، هویت
دادن به بچه‌ها
است؛ به بچه‌ها
بهاء دادند، برای
آنها ارزش قائل
شدند، به آنها
مسئولیت دادند

۶





مسجد

پیوند
مسجدو
مدرسه

درس خواندن در خانه خدا

اهمیت تحصیل علم در مسجد

فلسفه

یاسر صابری

پی نوشت ها:

- (۱) رضایی، علی: «جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی»، بخش دوم.
- (۲) ر.ک: صدر: «تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام»، انتشارات الاعلمی، تهران و نجاشی، الرجال، بمبئی، ج ۷، ص ۱۳.
- (۳) رضایی، پیشین.
- (۴) تاریخ بغداد، ج ۴، صص ۲۱۲-۲۳۸.
- (۵) غنیمه: «تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی»، صص ۷۵-۷۷.
- (۶) تاریخ بیهقی، ص ۱۷۲.

می خواندند و عده‌ای می شنیدند. پس پیام آور وحی می بایست سکنان دار دانش آموختن نیز باشد. او نخستین کسی بود که نومسلمانان عرب را برای کسب دانش گردآورد و مسجد را ببنای ساده و ابتدایی اش، کانون دانش اندوزی نمود. روزی پیامبر وارد مسجد شد و جمعی را سرگرم علم آموزی و جمعی را مشغول راز و نیاز با معبود دید، هر دو نشست را با خیر و سعادت خواند؛ اما در میان گروه دوم نشست. همو که توصیه می کرد برای فراگیری علم تا دورترین سرزمین ها نیز باید رفت. در دوره خلفای راشدین، مساجد نوبنیاد کوفه، بصره، حیره و مدائن، عرصه‌ای برای آموزش زبان عربی، به منظور فهم آیات الهی به نومسلمانان غیرعرب شد. نشست‌های علمی در مسجد النبی و مسجد جامع بصره نیز با شکوه خاصی برگزار می شد. (۱) پس از خلافت امام علی (ع) در کوفه، مسجد جامع این شهر به مرکزی علمی بدل شد که در دوران امام صادق (ع) اوج شکوفایی خویش را تجربه کرد. (۲) ارتباط مسلمانیان با ممل غیر عرب ایرانی، رومی، بربر و... باعث شد علوم جدید هم جای خود را برای تدریس در مساجد باز کنند. (۳) آغاز سده دوم تا پایان سده سوم هجری، درخشان ترین دوره‌های تعلیمات مسجدی بود. دستاوردهای علمی مسلمانیان و ترقی فکری آنان پس از استیلای عباسیان، به جنبش علمی در مساجد جانی تازه بخشید. پس از آن، جلسات علمی و اجتماعات با شرکت متفکران در مساجد بزرگی مانند مسجد نبوی، جامع فسطاط، جامع کوفه، مسجد سوق العتیق و جامع منصور در بغداد (۴)، جامع دمشق، جامع زیتونه در تونس، جامع الازهر و جامع قرویین رونق داشت. (۵)

■ سرانجام

افزایش شمار طالبان علم، درگیری‌های مداوم میان طرفداران فرقه‌های مذهبی، ورود کودکان خردسال که توانا به اجرای احکام طهارت و پاکیزگی نبودند و تدریس علوم طبیعی، فلسفه، ستاره‌شناسی، پزشکی و... در مساجد، مخالفت‌های برخی فقها و مجتهدان را برانگیخت و نتیجه آن شد که مکان‌هایی دیگر برای آموزش دانش پدید آید. از قرن چهارم به بعد، تعلیم علوم از صحن مساجد به مدارس مستقل انتقال یافت. اما هم چنان مدارس ماهیت تربیتی خود را در کنار مساجد حفظ نمودند. مدرسه بیهقیه نیشابور (۶) و مدارس نظامیه از این دست مدارس مستقل بودند که ارتباط خود با مساجد را نیز حفظ کردند. در جوار مدارس نظامیه، مسجد، مجلس وعظ، کتابخانه و بیمارستان نیز قرار داشت. به تدریج مدارس هر چه نوین تر شدند و مساجد هر چه سنتی تر ماندند، فاصله بیشتری از هم گرفتند. گویی جسم و جان را نیز دیگر ارتباطی با هم نبود. تبدیل شدن مساجد به معبدی هم چون عبادتگاه‌های سایر ادیان و جریان یافتن این فکر که دانش اندوزی مسیری جدا از عبادت خداوند است، فلسفه دین و دانش را زیر سؤال می برد.

دین و علم، هر دو راه و رسم زندگی بهتر را روشن می کنند. می شود مساجد و مدارس را در یک بنیان معماری طراحی کرد، همان گونه که خداوند انسان را با دو بعد مادی و معنوی طراحی کرده است. می شود راهنمایان دین را در کنار آموزگاران علم، مربیان زندگی معرفی نمود و جاده‌های علم و دین را به بزرگراهی واحد برای دستیابی به سعادت دنیا و آخرت تبدیل کرد.

■ تاریخ

محمد (ص) رسالتش را باید در عصر جاهلیت ابلاغ می کرد. در سرزمینی که تنها گردهمایی متفاوتش این بود که معدودی شعر

چگونه در دل‌ها بنشینیم؟

درباره چگونگی ارتباط ائمه جماعات بانوجوانان در مسجد

محمد میری

بادی به غیغ داشت؛ تکبری هم در سکناات و رفتارش می دیدی! جذاب و گیرا صحبت می کرد. موضوع صحبتش هم البته، دل می بود. از پیام آور وحی و خلق زیبایش می گفت. ناگهان پسرک باز یگوشی، بلند شد و نامربوط پرسید: «حاج آقا! عمامه شما چند متره؟» چشمکی هم به دوستانش زد. جعبه دستمال کاغذی رو به روی حاج آقا، به سرعت پهنه گرم فضای بالای سرمان را شکافت و برکتف پسرک نشست! فریاد: «برو بیرون!» هم ضمیمه شد. پسرک یکه‌ای خورد و از مسجد بیرون رفت، دیگر هم دوروبر مسجد دیده نشد. اتو کشیده، خوشبو، خندان، خون گرم و مهربان بود. هم نشینی اش نه تنها خستگی‌ای در پی نداشت، که لذت می آفرید. ظرفیت بالایی هم داشت. یک شب هنگام شام در مسجد، جوانک بی ادبی، غذایش را عمدتاً روی عمامه او ریخت. چیزی که دید تنها لبخند بود و عطفوت. او هم از فردا همانند ما، از مردبان حاج آقا شده بود.

مقدمه

داستان‌های بالا دو نمونه متضاد از عمل امام جماعت و روحانی مسجد است. روشن است که تنها تعامل امام جماعت داستان دوم، با وظیفه رهبری‌اش در مسجد سازگار است. روحانی مسجد، رهبری است که وظیفه‌اش هدایت مردمان است. دست‌یابی به این مهم نیز تنها با تأثیرگذاری امکان‌پذیر است.

تأثیرگذاری و توانایی نفوذ، به خصوص در مورد نوجوانان و جوانان، هدفی است که امام مسجد، دائماً باید به آن توجه کند. این تأثیر و نفوذ بستر و زمینه‌ای لازم دارد که امام جماعت داستان دوم از آن برخوردار است؛ تواضع و سعه صدر. حتماً شنیده‌اید عرب جاهلی در مسجدالنبی، مقابل چشم رسول اکرم (ص) و همه نمازگزاران، مسجد را با پیش‌آب خود نجس کرد. اصحاب خواستند او را حسابی گوش‌مالی دهند؛ اما رسول گرامی با اشاره به اینکه با یک سطل آب پاک می‌شود، اجازه ندادند. این یعنی سعه صدر که امام جماعت داستان اول از آن بی‌بهره بود. تواضع و سعه صدر، توان مدارا و نرمش را به آدمی هدیه می‌دهد. نرمش، رفق و مدارا هم به جذب، نفوذ و تأثیر منتهی می‌شود.

با این حساب، روحانی و امام جماعت مسجد برای ارتباط و تأثیرگذاری، به خصوص در نسل جوان، لازم است شاخصه‌های نرمش و مدارا را در خود به وجود بیاورد و تقویت کند.

شاخص‌ها

تو البته خود خریط فنی و عالم به راه و چاه؛ اما از باب یادآوری، بدنیست پاره‌ای از این شاخصه‌ها ذکر شود:
۱. علاقه‌مندی و ابراز آن به همراه تفقد و رسیدگی

حتماً این را می‌دانی که امام جماعت اگر صمیمانه مردم و به خصوص نسل جوان را دوست بدارد و محبت خود را به آنان اظهار کند، با ایشان پیوند خواهد خورد. اگر در مواقع مناسب از حال و احوال ایشان سؤال کند، در جریان گرفتاری و مشکلات آنان قرار می‌گیرد و اگر به اندازه توان خود برای رفع آنها تلاش کند، حاکم قلب ایشان می‌شود. بنابراین راحت می‌توانی به هدف تعلیم و تزکیه ایشان نایل شوی و به خیر و هدایت رهنمون‌شان سازی.

۲. عدم سرزنش مستقیم به همراه تغافل و نادیده گرفتن لغزش‌ها
پروردگار در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، به رسول گرامی می‌فرماید: «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ» یعنی از او می‌خواهد نسبت به امور ریز و بی‌اهمیت، تغافل نشان دهد.
نادیده گرفتن اشتباه و لغزش و سرزنش کردن به صورت غیرمستقیم، به خصوص درباره نوجوان و جوان، از اهمیت بیشتری برخوردار است. حال تویی و رعایت صحیح این اصل و شاخص که می‌تواند به «آقایی کردن» برساند و نفوذ کلامت را بالا ببرد.

۳. شنونده خوب بودن

از آیه ۶۱ سوره توبه که می‌فرماید: «می‌گویند او «گوش» است. بگو گوش بودن برای شما خیر و برکت است»، دانسته می‌شود که پیامبر (ص)، مستمع خوبی برای مردم بود.

اگر امام مسجد این معنی را به مردمان منتقل کند که شنونده خوبی است، آنها به راحتی افکار و احساسات خود را به او منتقل می‌کنند و به ایجاد ارتباط با او اقدام می‌نمایند. این شاخص، مقبولیت و محبوبیت می‌آورد و تأثیرگذاری را عمیق می‌کند. این را هم می‌دانی که به عنوان امام جماعت برای بهبود استماع، می‌توانی از مهارت‌های زیر بهره‌گیری:
الف. پرهیز از قضاوت سریع.
ب. قطع نکردن کلام گوینده.

ج. کنترل عواملی که موجب عدم تمرکز حواس می‌شوند.

د. توجه کامل به نشانه‌های غیرکلامی و زبان بدن گوینده.

شاید اگر از تو بخواهند موارد دیگری از شاخص‌های نرمش و مدارا را بیان کنی، مواردی که تأثیر گذارند به عنوان امام جماعت را افزایش می‌دهد، این چنین بگویی:

- انعطاف و انتقادپذیری که به جلب همکاری و همدلی می‌انجامد.

- رفتار منصفانه و مطلوب. یعنی آنچه را از ایشان نسبت به خود توقع داریم، درباره ایشان، همان را انجام دهیم.

- پرهیز از احتجاج طولانی. یعنی کمی زودتر از نماز به مسجد آمدن و دیرتر رفتن تا به راحتی در دسترس قرار بگیریم.

و حتماً خواهی گفت: بالحاظ این شاخص‌ها، رابطه امام، رهبر و روحانی مسجد با همگان و از آن جمله نوجوانان و جوانان، تقویت می‌شود. نرمش و مدارا سر نفوذ است. گنجی است که با آن می‌توان دل معامله کرد. پس بایبیم همگی با هم در دل‌ها بنشینیم!

“

اگر امام مسجد این معنی را به مردمان منتقل کند که شنونده خوبی است، آنها به راحتی افکار و احساسات خود را به او منتقل می‌کنند و به ایجاد ارتباط با او اقدام می‌نمایند

”



مسجد

پیوند
مسجد و
مدرسه

معمار خدایی

در باب معماری مسجد

مقدمه

حجت الاسلام
والمسلمین
نصرالله رزاقی

در اسلام رابطه انسان با هستی و خداوند هستی، رابطه معرفتی است و از همین حیث، مسجد علاوه بر منبر، مدرسه را نیز کنار خود داشت تا معرفت و

شناخت هستی و خداوند را توأمان برای اهل ایمان فراهم کند. یکی از اهداف اسلام که شاید بتوان گفت اصلی ترین هدف در این مکتب به شمار می‌رود، دانش‌اندوزی و پیوند مستحکم دین، معرفت و دانش بوده است. برای این امر در آغازین روزهای رشد اسلام در مدینه، مسجد نخستین مکانی بود که برای آموزش در نظر گرفته شد و تا زمانی که مدارس به صورت مستقل پدید نیامد، مساجد کاربرد دوگانه آموزش و نیایش داشتند که نشانه چنین پیوندی در معماری اسلامی مساجد در سده‌های اولیه اسلام، به خوبی انعکاس یافته است.

نمونه چنین پیوندی مسجد-مدرسه «چهارباغ» اصفهان، یکی از شاهکارهای معماری دوره صفوی و مسجد-مدرسه «سید»، یکی از

مهم‌ترین بناهای ساخته شده در ابتدای دوره قاجار در شهر اصفهان است. به طور مثال در مسجد چهارباغ، گنبد، مناره، گلدسته، محراب و منبر، شبستان‌ها و ایوان‌ها، همگی گواه بر مسجد بودن این مکان و حجرات اطراف ایوان‌ها در دو طبقه، کتابخانه، سالن مطالعه و...، بیان‌گر مدرسه بودن این بنا هستند.

مانند این بناها، بیشتر در دوره‌های صفویه و قاجاریه پدید آمده‌اند و نمونه‌های آنها در قم، تهران، سبزووار، مشهد و... نیز به وفور یافت می‌شود. این پیوند به قدری در معماری ایرانی، اصالت یافته است که مدرسه، به عنوان یکی از شاخصه‌های معماری اسلامی، در حیطة معماری مساجد مورد مطالعه قرار می‌گرفت.

نیایش - آموزش

پیوند نیایش و آموزش در اسلام، پیوندی ناگسستنی است. در هر دوره تاریخی که این دوازدهم جداگشته‌اند، انحرافات دینی و عقیدتی رخ نموده است و با همین استدلال است که مساجد، جایگاه ویژه‌ای در ساختار بنیان‌های فکری و تعمیق تفکرات اسلامی داشته است، به طوری که شخصیت‌های برجسته‌ای چون ابن‌هشام، خواجه نصیرالدین طوسی و... از دل همین مساجد و در کنار حوزه‌های علمیه متولد شده‌اند که توانستند جهان را تحت تأثیر اندیشه‌های خویش قرار دهند.

اما آنچه بازوی این پیوند است، ساختمان و معماری مسجد-مدرسه است. با نگاهی دقیق به مساجد در گذشته، درمی‌یابیم که معماری مساجد تنها برای مناسک و عبادات خاص نبوده است، بلکه



منابع

آملی، سیدحیدر: «جامع الاسرار و منبع الانوار»، ترجمه محمد رضا جوزی. بلر، شیلا و جانان، ام. بلوم: «هنر و معماری اسلامی ایران»، ترجمه غلامحسین معماریان. بورکهارت، تیتوس: «هنر اسلامی زبان و بیان»، ترجمه مسعود رجب‌نیا، سروش، تهران، ۱۳۶۵. پیرنیا، محمد کریم: «آشنایی با معماری اسلامی ایران»، دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۷۱. عبدالبطی، محمدفواد: «المعجم المفهرس الفاظ القرآن الکریم».

امروزه اشکال کار در آن است که ما تعریف جامع و کاملی از مسجد نداریم و آن را با سایر ساختمان‌ها یکسان می‌بینیم. معماری و ساخت مسجد در ایران، علی‌رغم احترام به تمام خیرین و معماران و بناهای جدید مساجد، موضوعی ساده و هم‌چون معماری ساختمان‌های دیگر نیست. ساخت مسجد نیازمند مطالعه تاریخی و دانش لازم در این زمینه است؛ سازنده مسجد باید هم معمار باشد، هم بینش صحیح اسلامی داشته باشد. معماری مسجد در کاشی‌ها، پرداخت شبستان‌ها، محراب، گنبد و... باید به گونه‌ای باشد که مؤمن در میان مسجد، به تعمقی همراه با آرامش دست یابد و در نهایت، به همراه معنویتی اصیل از آن خارج شده و در انتظار حضور مجدد در مسجد باشد، تا باز تعمق خود را به مسجد بیاورد و درگیر دریافت‌های معنوی و علمی شود. این چنین که شد، می‌توان باز از مسجد ندای مباحثات علمی را شنید، می‌توان تعقل همراه معنویت را در مسجد مشاهده کرد. سرّ معماری مسجد در گذشته، همین بارور کردن تعقل و خرد انسانی و سازندگی هوش بود که در طرح‌های اصیل، دقیق و هنرمندانه در حال آفرینش معنا بود. آنچه امروز در مهجوریت مسجد عاملی غیر قابل کتمان است، همین معماری فاقد شاخصه‌های اصیل مسجد است؛ اما می‌توان چنین مانعی را از میان برداشت اگر خواهان تغییر باشیم. آگاهی از وقایع گذشته در تاریخ مسجد، سبب تغییر و حرکت خواهد بود. اگر سنت گذشتگان در ساخت مساجد و مراکز فرهنگی مدنظر قرار گیرد، چه بسا بسیاری از مشکلات و نابسامانی‌ها را در آینده شاهد نباشیم.

مجموعه‌ای به هم پیوسته بود که همه نیازهای جامعه را در خود داشته است. با نگاهی گذرا به ورود اسلام به ایران، می‌بینیم که همزمان با شکوفایی علم و دانش و گسترش مراکز علمی و آموزشی، همانند سده اول اسلام، حلقه‌های آموزشی مختلف، مانند حلقه فقه، حلقه حدیث، حلقه تفسیر و... در مساجد برپا می‌گردد. وقتی به معماری مساجد در مصر و به ویژه در قاهره و الازهر نگاه می‌اندازیم، شاهد حلقه‌های متعدد و تدریس در جامع الازهر در قاهره هستیم که «مقدسی»، جغرافی دان معروف دهه چهارم قمری، این حلقه‌ها را تا ۱۲۰ حلقه دانسته است. اما با کمال تأسف در سده‌های بعد، مخصوصاً در دوره‌های اخیر، این پیوند در اثر تقلید کورکورانه از معماری کلیسای غربی و معابد ادیان دیگر، دچار گسست گردید و ساختار معماری مساجد، تغییر اساسی نمود و آن ترکیب میمون و مبارک آموزش و نیایش، از میان رفت، به گونه‌ای که ساختاری بی‌روح از تجلی‌گاه روح آدمی در ساحت شهرهای اسلامی، به عنوان مسجد جلوه یافت. معماری سنتی مساجد در واقع تبلور روح اجتماعی و نماد و جلوه‌ای از نگرش یک جامعه معنوی و فرهیخته است. معماران و متولیان مساجد در تاریخ ایران، رسالت دینی و اجتماعی خود را به درستی درک کرده بودند و مسجد را منعکس کننده نوع اندیشه و تفکر اسلامی و بارور کننده تعقل و خرد انسانی و دینی می‌داشتند.

■ آسیب‌شناسی معماری مساجد نوین

مساجد در گذشته، نشان‌دهنده هویت کشور و جامعه بوده است.



یادداشت شفاهی

مسجد در کتب درسی شش سال اول ابتدایی

است که فرد برود نمازی بخواند و تمام، نرود و جامعیت مسجد را بر مدار امام جماعت قرار دادیم.

■ فرآیند ارائه محتوای دینی در کتب درسی شش سال ابتدایی

ما در بحث کتب درسی و انس با مسجد، براساس جدول اهداف و موضوعات دینی، محتوای موضوعات مختلف اعتقادی و اخلاقی و احکامی را برای دانش آموزان پایه دوم تا ششم ابتدایی ارائه می کنیم. جدول اهداف و موضوعات، در هشت موضوع کلی توحید، معاد، نبوت، امامت، قرآن و مفاهیم قرآنی، اخلاق، آداب اسلامی، احکام دینی و مراسم اسلامی به ارائه محتوای پرداخته شد. مسجد به عنوان یک ریزموضوع اشتراکی با سایر موضوعات، در اکثر محتوای تهیه شده برای کتب درسی، حضور پررنگ دارد. به عنوان مثال در بحث

■ مسجد در نگاه گروه قرآن و معارف دینی دفتر تألیف کتابهای درسی

در نگاه کلی برای ما، یعنی کارشناس گروه قرآن و معارف دینی دفتر تألیف کتابهای درسی، مسجد به عنوان یک پایگاه عظیم تربیتی مطرح است که موضوعیت آن در پیوند با عبادت، باید برای دانش آموزان نهادینه شود. ما مسجد را اغلب به عنوان یک چنین پایگاهی با محوریت امام جماعت، در کتب درسی ابتدایی قرار دادیم و مؤید این مطلب آخر، پررنگ شدن نقش امام جماعت، در تصاویر مختلف مورد استفاده در کتابها است. گروه قرآن و معارف دینی دفتر تألیف کتابهای درسی، مسجد را تنها برای عبادت نمی داند و از همین رو، کارکردهای دیگر آن را هم در ارائه محتوا، مدنظر قرار داده است. ما به این موضوع اعتقاد داشتیم و سعی کردیم که ذهن دانش آموز به هیچ عنوان سراغ اینکه مسجد جایی

دکتر طباطبائی
کارشناس گروه قرآن و معارف
دینی دفتر تألیف کتابهای
درسی



مسجد

پیوند

مسجدو

مدرسه

“

ما در پایه چهارم به صورت مجزا، یک درس تحت عنوان «ما به مسجد می رویم» را ارائه کرده ایم. این درس به طور کامل به موضوع مسجد، کارکردهای آن از قبیل احکام مسجد و نماز جماعت می پردازد

”

احکام، موضوع مسجد به خاطر جنبه‌های مختلفی که دارد، حضور پیدا می‌کند که یک بخش آن از جهت حضور بچه‌ها در مسجد و مراسم‌هایی که در مسجد برگزار می‌شود، جنبه‌ی مراسمی پیدا می‌کند و بخش دیگر نیز، جنبه‌ی احکامی پیدا می‌کند که احکام مسجد، آداب حضور در مسجد، نماز جماعت و... است.

■ نحوه‌ی جایگذاری و پردازش موضوع مسجد، مبتنی بر نهادینه کردن مسجد الف. پرداخت مستقیم

ما در پایه‌ی چهارم به صورت مجزا، یک درس تحت عنوان «ما به مسجد می‌رویم» را ارائه کرده‌ایم. این درس به طور کامل به موضوع مسجد، کار کرده‌ای آن از قبیل احکام مسجد و نماز جماعت می‌پردازد. ما به عنوان یک پیشنهاد اساسی از معلمان خواستیم که این درس را حتی المقدور به جهت تأثیرگذاری بیشتری که می‌تواند داشته باشد، در مسجد تدریس کنند.

در ابتدای این درس، مسجد قبا و مسجد النبی - که به عنوان اولین مساجد مسلمان هستند - معرفی شده‌اند و در ادامه آن به مباحث مختلف آداب و احکام پرداخته شده و تقریباً به این درس به طور مجزا از سایر دروس، توجه شده است. اگر به سایر درس‌ها نگاه کنید، می‌بینید بیشتر متن و داستان است و بخش نوشتاری درس، غالب بر بخش تصویری آن است؛ اما در این درس، بخش تصویری بر نوشتاری غلبه دارد و سعی کردیم در قالب تصویر، محتوا را منتقل کنیم؛ اعم از کارهایی که در مسجد انجام می‌شود، مثل خواندن نماز، حلقه‌های معرفتی که بچه‌ها می‌نشینند و با امام جماعت صحبت می‌کنند، خواندن قرآن و حتی غبارروبی مسجد.

در بخش بعدی هم که بیشتر رویکرد احکامی پیدا می‌کند، در قالب تصویر به بچه‌ها آموزش دادیم و به دلیل آنکه موضوع درس، کاملی یا موضوع مسجد است، حتی آیات قرآن، نظیر «خُدُوا زِيتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف: ۳۱: ۷) و شعر را به صورت مستقیم در معنای مسجد قرار داده شده است.

ما در این درس سعی کردیم به طور کامل آن محتوایی را که در خصوص دانسته‌های یک دانش‌آموز ابتدایی برای مسجد مورد نیاز است، ارائه کنیم؛ مباحثی چون احکام مسجد و کارکرد امروز مسجد و حتی کارکرد آن در عصر پیامبر، فوایدی که مسجد داشته از جنبه‌های اتحاد و رفع و رجوع مسائل مردم، مسلمانان و...

موضوع تحقیقی هم که در این درس دادیم، مهم‌ترین مساجد مسلمانان است. مباحثی چون آشنایی با برنامه‌های مسجد محله هم از دیگر مباحثی که به آن پرداخته شده است.

بنابر این به طور ویژه در پایه‌ی چهارم، درس سوم به موضوع مسجد پرداخته شده است. دلیلش هم این بود که در سیر موضوعاتی که داریم، این موضوع در پایه‌ی چهارم قرار گرفته بود؛ اما به خاطر اهمیت آن، در پایه‌های مختلف هم موضوع مسجد را به اشکال دیگر داریم.

ب. پرداخت غیر مستقیم

در خصوص انس با مسجد و موضوعاتی که باید در لوا و روح سایر دروس به آن پرداخته شود، یک سری مفاهیمی را در پایه‌های

مختلف داریم.

اول اینکه سعی کردیم در پایه‌های مختلف، هم‌نشینی صدای اذان با مناره‌های مسجد، تقریباً رعایت شود. یعنی می‌توانستیم بگوییم صدای اذان بلند شد، اما آورده‌ایم که صدای اذان از مسجد محله بلند شد که این تأثیر یا این هویتی که مسجد می‌تواند از این باب داشته باشد را در ذهن دانش‌آموز نهادینه کنیم. این موضوع هم در درس دوم و هفدهم پایه‌ی دوم و در درس نهم پایه‌ی سوم، آمده است.

یکی از جاهایی که سعی کردیم موضع مسجد را مطرح کنیم، در مباحث مربوط به سیره حضرت رسول بود که سعی کردیم ارتباط پیامبر با مسجد - آن ارتباط تنگاتنگی که حضرت داشتند - را به بچه‌ها نشان دهیم. مثلاً درس «سلام بچه‌ها» که در درس پانزدهم پایه‌ی دوم است، به عمد آوردیم که حضرت در راه رفتن به مسجد بود که با بچه‌ها روبه‌رو شد. باز در درس هجدهم همان پایه داریم که حضرت رسول با اصحاب‌شان در مسجد نشستند که یک صحابی وارد شد و یک سؤالی پرسید. یعنی اینکه حضرت و جمع اصحاب‌شان برای صحبت در مسجد می‌نشسته‌اند.

برای تأکید بر این مسئله که پیامبر یک مسجد را به عنوان پایگاه برای خودشان داشتند، در درس هفتم همین پایه آمده است که یک کودک فقیر که از مردم کمک می‌خواست، به مسجد آمد و آنجا خواسته‌اش را برای پیامبر مطرح کرد و پیامبر به او کمک کرد.

در موضعی هم احساس علاقه برای نماز خواندن در مسجد با پدر و مادر را از زبان دانش‌آموزان مطرح کردیم. به طور مثال در درس هفدهم پایه‌ی دوم و در درس هشتم پایه‌ی سوم، این موضوع را داریم که بچه‌ها احساس علاقه‌شان را از زبان خودشان بخوانند، چرا که همه آموزش‌ها به شکل مستقیم نمی‌تواند ارائه شود.

در ادامه طرح مسجد در سیره پیامبر، در درس نهم پایه‌ی سوم، نماز چهار رکعتی را آموزش می‌دهیم و به عنوان مقدمه و ورودی درس، تأکید کردیم که پیامبر با بهترین لباس و ظاهری آراسته در مسجد برای نماز آماده می‌شدند و این هم باز از تأکیدهای غیر مستقیم است. در همین پایه یعنی باز ارتباط مردم با مسجد در ماه رمضان بیان شده است. یعنی هدف درس ماه رمضان و احکام روزه بوده، ولی بسیار روی این مسئله تأکید کردیم که نقش مسجد برای مردم در ماه رمضان پررنگ‌تر است که شب‌ها تا صبح در مساجد عبادت می‌کنند و یک شعری را هم آنجا آوردیم که هر چند در خصوص ماه رمضان است، اما نقش مسجد در آن پررنگ است. آغاز شعر این چنین است:

پر می‌کشد دل من تا آسمان مسجد
پر کرده آسمان را بوی اذان مسجد
گلدسته‌های مسجد بوی جوانه دارد
گویای درون آنها گل آشیانه دارد

■ نکته‌ی پابانی

گروه قرآن و معارف دینی دفتر تألیف کتاب‌های درسی، تمام تلاش خود را برای سوق دادن دانش‌آموزان به مسجد انجام داده است، که امیدواریم در پذیرش کودکان به مسجد، ائمه جماعات مساجد نیز تشریک مساعی داشته باشند تا این زنجیره به موفقیت شکل گرفته و خداوند از ما راضی باشد.

۶۶

برای تأکید
بر این مسئله
که پیامبر یک
مسجد را به
عنوان پایگاه
برای خودشان
داشتند، در درس
هفتم همین پایه
آمده است که
یک کودک فقیر
که از مردم کمک
می‌خواست،
به مسجد آمد و
آنجا خواسته‌اش
را برای پیامبر
مطرح کرد و
پیامبر به او کمک
کرد

همه چیزهای خوب آنجاست

گزارشی از حضور مفهوم مسجد در کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه

در دوره دوم متوسطه بحث مسجد به صورت عام و موضوع انس با مسجد به صورت خاص در کتاب‌های «پیام‌های آسمان» که مربوط به پایه‌های هفتم، هشتم و نهم مقطع متوسطه اول است، گنجانده شده است. این مفاهیم متناسب با هر پایه، یک به یک در درس‌هایی که درباره مسجد و انس با مسجد آمده است.

یاسمین شکرانی
کارشناس گروه قرآن و معارف
دینی دفتر تألیف کتاب‌های
درسی



مسجد

پیوند
مسجد و
مدرسه

66

این سه‌م مسجد بود در این سه پایه؛ ولی کاری که در کتاب پیام‌های آسمانی انجام شده، این است که از لحاظ تصویری، مخاطب اگر تصویر تمام کتاب‌های پیام‌های آسمانی پایه هفتم، هشتم و نهم را نگاه کند، تصویر مسجد در آن گنجانده شده است. در هر پایه یکی از طرح‌ها چه طرح روی جلد و چه طرح پشت جلد، تصویر یک مسجد وجود دارد، مثل طرح مسجد شیراز یا مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان. این کار به این هدف بوده است که مسجد در ذهن کودک حضور داشته باشد.

باز در همین پایه هشتم درسی تحت عنوان «کلید گنج‌ها» آمده است که موضوع آن آداب دعا کردن است. در این آداب آمده است: «اگر می‌خواهید دعایتان مستجاب شود، طبق روایاتی که از معصومان به ما رسیده و طبق سنت امامان، خوب است انسان در مسجد دعا کند». باز در اینجا هم با اینکه موضوع دیگری مطرح است، به نوعی ارتباط آن با مسجد و برپا داشتن دعا در مسجد ذکر شده است.

پایه نهم

در پایه نهم اما درس مستقلی راجع به اقامه نماز در مسجد و جایگاه مسجد وجود ندارد؛ ولی درسی تحت عنوان «انفاق» آمده است که در آن به بحث وقف و اهمیت و جایگاه وقف در دین اسلام اشاره شده است. در این درس آمده است یکی از کارهای خوبی که می‌توانیم در وقف انجام دهیم، وقف مسجد است یا اینکه در کمک به ساخت مسجد، هر کس می‌تواند در حد توان مشارکت کند.

یک نکته

این سه‌م مسجد بود در این سه پایه؛ ولی کاری که در کتاب پیام‌های آسمانی انجام شده، این است که از لحاظ تصویری، مخاطب اگر تصویر تمام کتاب‌های پیام‌های آسمانی پایه هفتم، هشتم و نهم را نگاه کند، تصویر مسجد در آن گنجانده شده است. در هر پایه یکی از طرح‌ها چه طرح روی جلد و چه طرح پشت جلد، تصویر یک مسجد وجود دارد، مثل طرح مسجد شیراز یا مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان. این کار به این هدف بوده است که مسجد در ذهن کودک حضور داشته باشد.

پایه متوسطه دوم

درباره حضور موضوع «مسجد» در درس‌های متوسطه دوم، به علت اینکه کتاب‌ها در حال تغییرند، خیلی نمی‌توان صحبت کرد؛ ولی در همین حد گروه قرآن و معارف دینی دفتر تألیف کتاب‌های درسی می‌تواند خدمت مخاطبان نشریه مسجد عرض کند آنجا هم در پایه یازدهم و دوازدهم، به بحث «تمدن‌سازی در جامعه اسلامی» و جایگاه مسجد در بحث تمدن اسلامی اشاره شده است. چنان‌که گفته شد این کتاب‌ها در حال تغییرند و ممکن است مطالبی که در اینجا مطرح می‌شود، در آینده در این کتاب نباشند؛ بنابراین از پرداختن به آن صرف نظر می‌کنیم.

پایه هفتم

در سال هفتم، در درس یازدهم کتاب پیام‌های آسمان، مبحثی را تحت عنوان «نماز جماعت» مطرح کرده‌ایم که این درس و به طور کلی هویت آن راجع به اهمیت اقامه نماز جماعت در مسجد است. این درس با یک داستان شروع می‌شود که در آن پیرمرد نابینایی به پیامبر (ص) مراجعه می‌کند و می‌گوید من شخصی نابینا هستم و به همین دلیل سخت است که به مسجد بیایم. آیا شما به من این اجازه را می‌دهید که مسجد را ترک کنم و در خانه نماز بخوانم؟ چرا که پیر بودن هم مزید بر آن شده و آمدنم به مسجد را سخت کرده است. پیامبر (ص) در پاسخ او فرمود ریسمانی از خانه‌ات تا مسجد بکش و ریسمان را در دست بگیر و به مسجد بیا و نماز جماعت در مسجد را ترک نکن.

در ادامه این داستان، بحث فلسفه نماز جماعت و اهمیت آن اقامه آن در مسجد آمده و ثواب نماز جماعت بیان و احکام مربوط به اقامه آن در مسجد بیان شده است. با این درس، دانش آموز در پایه هفتم به صورت اجمالی با اهمیت این موضوع و احکام و نکات دیگر در مورد آداب اقامه نماز جماعت آشنا می‌شوند.

باز در همین پایه یعنی پایه هفتم در درس سیزدهم مبحثی تحت عنوان «بر بال فرشتگان» مطرح شده است که به اهمیت علم آموزی می‌پردازد. در داستانی که در این درس نقل شده، آمده است روزی پیامبر (ص) وارد مسجد شدند و دیدند گروهی از مردم مشغول عبادت‌اند و گروه دیگر، مشغول علم آموزی. حضرت فرمودند من به گروهی ملحق می‌شوم که به علم و علم آموزی می‌پردازند. در این درس نه تنها می‌خواهیم اهمیت علم آموزی را بیان کنیم، بلکه می‌خواهیم به دانش آموز بگوییم خوب است یادگیری علم در داخل مسجد باشد؛ یعنی اشاره‌ای به جایگاه مسجد شده است.

پایه هشتم

در پایه هشتم دانش‌آموزان درسی با عنوان «تردبان آسمان» دارند. در این درس به برخی از آداب نماز پرداخته‌ایم که یکی از این آداب، اقامه نماز در مسجد است. در این درس به صورت تفصیلی توضیح داده می‌شود که چه خوب است نماز گزاران نمازشان را در مسجد بخوانند. در ادامه روایاتی در خصوص اهمیت اقامه نماز در مسجد آمده است. دانش‌آموزان در این درس با اهمیت جایگاه مسجد آشنا می‌شوند.

برون داد مبهم

نبود نظر سنجی درباره تأثیر مطالب مرتبط با موضوع مسجد بر حضور دانش‌آموزان در مسجد

برای ارزیابی مطالب کتاب‌ها معمولاً نظر سنجی می‌شود، اینکه آیا دانش‌آموزان به محتوای کتاب علاقه‌ای داشته‌اند یا نه و اینکه دانش‌آموزان از کدام درس‌ها استقبال بهتری کرده‌اند. خوشبختانه طبق آماري که گروه قرآن و معارف دینی دفتر تألیف کتاب‌های درسی داشته، درس‌هایی که در آنها موضوع مسجد گنجانده شده، درس‌های موفق‌تری بوده‌اند و دانش‌آموزان به محتوای آنها ابراز علاقه کرده‌اند؛ اما اینکه در عرصه عمل تلاش ما چه مقدار تأثیر گذار بوده و باعث گرایش دانش‌آموز به مسجد شده، متأسفانه تحقیق مستقلی برای مسجد و گرایش دانش‌آموزان به مسجد انجام نشده است.

یک انتقاد یک پیشنهاد

درباب یکسان‌سازی تصویر مسجد در کتاب‌های درسی و در واقعیت موجود

باسمین شکرانی
کارشناس گروه قرآن و معارف
دینی دفتر تألیف کتاب‌های
درسی

پیش از آنکه هر کتابی در گروه قرآن و معارف دینی دفتر تألیف کتاب‌های درسی تألیف شود، یک راهنمای برنامه درسی در شورای عالی آموزش و پرورش که وزیر و کارگروه‌های ویژه‌ای در آن حضور دارند تصویب می‌شود و در اختیار مؤلف قرار می‌گیرد تا ایشان بر اساس این راهنما کتاب را تألیف و طراحی کنند. در این راهنما مشخص شود چه درس‌هایی در کتاب بیاید و به چه موضوعاتی به چه میزان پرداخته شود؛ برای مثال این راهنما به مؤلف می‌گوید درس مسجد باید در دوره متوسطه اول به گونه‌ای تدوین شود که دانش‌آموز با اهمیت مسجد و جایگاه آن آشنا شود و فلسفه وجودی آن را بشناسد و از این دست مطالب.

در این راهنما حتی به مؤلف توصیه می‌شود مکمل‌هایی را برای شناخت دانش‌آموز در نظر بگیرد تا او به مسجد مراجعه کند و با امام جماعت صحبت کند؛ البته باید این را اضافه کرد که ضمانت اجرای این بخش در دست معلم و آن مکملی است که در بحث مسجد، ما و امام جماعت و اهالی مسجد می‌خوانیم. شرط انجام این موضوع هم این است که در محله‌ای که این مدرسه در آن وجود دارد، مسجدی باشد و اگر مسجدی هست، این مسجد امام جماعتی داشته باشد. متأسفانه همکاران ما گاه می‌گویند این گونه نیست؛ یعنی یا مسجدی نیست که دانش‌آموز به آن مراجعه کنند یا اگر مسجدی هست، مسجد تعطیل است یا امام جماعت ندارد و از این دست مشکلات که ممکن است قسمتی از آنچه ما در بحث مسجد می‌خواهیم محقق نکنند.

در کل، گروه قرآن و معارف دینی دفتر تألیف کتاب‌های درسی تصویری بانشاط با معماری بسیار زیبایی را که برای ایجاد تعاون در حل مشکلات جامعه است، به دانش‌آموزان نشان می‌دهد؛ تصویری که مسجد را جایگاه حقیقی عبادت مؤمنان می‌داند و متناسب با هر مقطع سنی توانایی انس با آن وجود دارد؛ تصویر مسجدی که جای فعالیت و پرسش و علم‌آموزی و نزدیکی به خداست.

گروه قرآن و معارف دینی دفتر تألیف کتاب‌های درسی با چنین نگاهی به مسجد می‌نگرد و آن را به دانش‌آموزان منتقل می‌کند؛ ولی متأسفانه مشکلی در این میان وجود دارد و آن هم این است که تصویری که ما از مسجد ارائه می‌کنیم، به نظر ما همان تصویر درستی است که در دین باید داشته باشد؛ ولی در عمل وقتی دانش‌آموز وارد مساجد ما می‌شود، آن چیزی را که می‌بیند، بسیار متفاوت از آن چیزی می‌یابد که در کتاب‌ها خوانده است و این، مشکل اصلی ماست.

برای مثال ما امام جماعت را در کتاب‌ها کسی معرفی می‌کنیم که در مسجد از نوجوانان و کودکان استقبال می‌کند. در درس‌ها به بچه‌ها می‌گوییم سؤال‌هایتان را از روحانی مسجد بپرسید؛ اما زمانی که دانش‌آموز به مسجد می‌رود، می‌بیند روحانی نه تنها به او توجه نمی‌کند، بلکه سرسری جوابش را می‌دهد و دانش‌آموزی که با آن همه امید و انگیزه به مسجد رفته با روحانی‌ای مواجه می‌شود که بسیار خشک است و احترامی که او در این سن و سال انتظار آن را دارد به او نمی‌شود. چنین حادثه‌ای ممکن است موجب این شود که آن دانش‌آموز برای بار دوم دیگر پایش را به مسجد نگذارد. این انتظاری است که ما از ائمه جماعات داریم. ائمه جماعات باید واقعاً در این باره تدبیری بیندیشند.

مشکلی دیگری که در بخش مکمل‌ها داریم این است که دانش‌آموز وقتی وارد مسجد می‌شود، طبیعتاً همه آداب مسجد را دقیق نمی‌داند و ممکن است برای بار اول وارد مسجد می‌شود؛ بنابراین ممکن است قواعدی را رعایت نکنند، جایی که نباید بخندند می‌خندند و جایی که نباید صدایش را بلند بکنند، صدایش را بلند می‌کنند! متأسفانه اهالی مسجد و نمازگزاران ما به این مسئله توجه نمی‌کنند که با قواعد و ضوابط مسجد آشنا نیست و نباید با برخورد ناشایستی کرد. که اگر چنین برخوردی شود، برای همیشه پایش از مسجد قطع می‌شود. به نظر ما این وظیفه روحانی مسجد است که اهل مسجد و نمازگزاران را توجیه کند در برخورد با نوجوان و در برابر خطاهای او کوتاه بیایند تا نوجوانان معصوم کم‌کم جذب مسجد شوند و از مسجد دور نشوند. نکته آخر و مشکل آخر ما در بحث سوق دادن دانش‌آموز به مسجد، «فضای» مسجد است. به هر حال ما توصیفی از مسجد کرده‌ایم که دانش‌آموز احساس می‌کند مسجد باید فعال و پر نشاط باشد. تصویری که ما از مسجد ارائه کرده‌ایم، مسجد زمان پیامبر (ص) است؛ مسجدی که محل اجتماع دینداران برای امورات مختلف فرهنگی و اجتماعی است و در کنار آن به مسئله عبادت هم توجه می‌شود. دانش‌آموز این تصویر را با خودش به مسجد محل می‌برد و می‌بیند نمازگزاران سر ساعت می‌آیند و نمازی اقامه می‌شود و نیم ساعت بعد، در مسجد بسته می‌شود. این گونه آن ذهنیتی که ما ایجاد کرده بودیم، هدر می‌رود و دانش‌آموز احساس می‌کند این مسجد نه تنها جذاب نیست، بلکه با آن چیزی که شنیده زمین تا آسمان فاصله دارد. برای رفع چنین تناقضی روحانی مسجد می‌تواند حلقه‌هایی را تشکیل بدهد و همین نوجوانان را جذب کند که با هم هفته چند جلسه صحبت کنند. این کار می‌تواند در کنار کتاب درسی مکمل خوبی باشد که نوجوان را جذب مسجد کند.

“

در درس‌ها
به بچه‌ها
می‌گوییم
سؤال‌هایتان
را از روحانی
مسجد بپرسید

”

ایده ماه

تربیت نخبه در مسجد

طرح پرورش نخبگان از حدود پنج سال پیش و با هدف تربیت نخبگانی برای نظام جمهوری اسلامی و مسیر پیش روی انقلاب، در میان تعدادی از روحانیون و دغدغه‌مندان انقلاب اسلامی، در شهر پردیسان قم آغاز به کار کرد.

طرح در ابتدا، از مطالعات و بررسی‌های میدانی یک حسینیه فعال در همین زمینه در تهران الگو برداری شد. سبک کار حسینیه فوق این گونه بود که مجموعه‌ای از نوجوان‌های مستعد را - که بهترین معدل را در مدرسه داشتند - گردهم آورده و آنها تحت نظر اساتید ارزشی، دوره‌های آموزشی را به صورت حلقه‌هایی - معروف به حلقه صالحین - می‌گذراندند و وارد چرخه نیروهای انقلابی دانشگاه‌ها و دستگاه‌های علمی می‌شدند.

به کوشش: یوسف محمدی
فعال در عرصه مسجد

مسجد

پیوند
مسجد و
مدرسه

صورت چهره به چهره در مدارس با کسانی که می‌دانستند نخبه هستند و فکر و منش مثبت و سازنده‌ای دارند، ریزینی کردند و بچه‌ها را جذب مسجد و طرح پرورش نخبگان نمودند.

بستر اولیه جذب، از اهالی مسجد شروع شد و به مدرسه وارد شد و برگشت. در ابتدای طرح، استقبال نخبگان خوب نبود و مجموعاً هفت تا هشت نفر جذب این طرح شدند که این تعداد، تقریباً خودشان و خانواده‌هایشان جزء افراد نخبه بودند.

کلاس‌های طرح پرورش نخبگان، دو بعد دارد: یک، بحث‌های معرفتی و مهارتی و دو، بحث‌های آموزشی. هر فرد در سه فرآیند قرار می‌گرفت: مرحله جذب، مرحله تثبیت و مرحله رشد.

در مرحله جذب، بحث معارفی در پردیسان بستر آماده‌ای داشت و طرح توانست در ابتدا موفقیت بیشتری داشته باشد؛ اما در مرحله آموزش، موضوع زمان بیشتری نیاز داشت. در مرحله تثبیت، برنامه طرح این بود که نخبگان جذب شده، در مسیر حرکت مستمر و هدفمند قرار گیرند، لذا برنامه‌هایی متناسب برای آنها گذاشته شد. در مرحله رشد لازم بود که این نخبگان، به یک نبوغ خاصی از حیث فرهنگی برسند، لذا سرفصل‌های آموزشی اجمالی و تفصیلی برای کلاس‌های بصیرتی - به این معنا که فرد جامعه و جایگاه اجتماعی خود را بشناسد - تدوین و طراحی شد.

مجموعه پرورش نخبگان، تلفیقی از علم، تفریح و کارورزی است و اکنون بعد از پنج سال، پایگاه پرورش نخبگان، مجموعه‌ای تقریباً سی‌چهل نفری - که اکثرشان بچه‌های نابغه هستند - را در اختیار دارد که بعضی از آنها طلبه شده‌اند و تعدادی نیز در دانشگاه مشغول تحصیل هستند. طرح پرورش نخبگان، در واقع به دنبال این است که بچه‌های مستعد و متدین، در انقلاب و نظام صاحب منصب شوند. اگر روزی بتواند یک جوان مؤمن آموزش یافته مستعد را که باری از روی دوش انقلاب برمی‌دارد، به نظام معرفی کند، به هدف خود رسیده است.

طبق بررسی‌ها در آن مسجد، بالغ بر بیست حلقه در هر مقطع تحصیلی، تشکیل شده بود که به صورت تفکیک شده، آموزش می‌دیدند. نکته مهم و امیدوار کننده آنجا بود که از آن حسینیه، نفرت نخست‌المپیدها بیرون آمده بودند و این بدان معنا بود که از یک مجموعه بسیار محقر و کوچک، ولی بسیار بالنده، نیروهایی این چنین به جامعه انقلابی اعطا شده بود.

با چنین موفقیت‌ها و نگرشی، سبک کار آن مجموعه، ایده اول فکر طرح پرورش نخبگان مسجد امام صادق (ع) پردیسان شد. البته این تنها موردی نبود که مورد بررسی میدانی قرار گرفت؛ مجموعه‌های دیگری هم در این میان مورد مطالعه قرار گرفته و در تدوین یک طرح جامع استفاده شدند.

هدف مجموعه طرح پرورش نخبگان، جذب دانش‌آموزان مستعد از خانواده‌هایی با مایه‌های مذهبی و انقلابی بود؛ چرا که این‌ها زیرساخت فرهنگی لازم را در خود دارند و باعث می‌شود بخش عمده‌ای از کار، انجام شده باشد و مجموعه تنها به مسئله هدایت فکری و حمایت از این‌ها بپردازد.

در منطقه پردیسان قم - که تقریباً بستر آن طلبگی است - مجموعه طرح پرورش نخبگان، این بستر را فراهم دید و طرح آغاز به کار کرد. هر چند که پردیسان برای طرح پرورش نخبگان مشکلات مبنایی ایجاد می‌کرد (از آن جمله می‌توان به بحث مهاجرت‌پذیری پردیسان اشاره کرد که منجر به از دست رفتن نیروهای بعضاً آموزش دیده می‌شود) ولی در کل، طرح مثبتی به نظر آمد و اجرا شد.

در طرح پرورش نخبگان، دو روش جذب وجود دارد: یک، بحث شناخت شخصی، که مجریان طرح از طریق پدر و مادرهای مسجدی انجام می‌دهند، و دو، جذب در ارتباط با مدارس، که توسط فرهنگیان مسجد که در مدارس مشغول به کار بودند، انجام شد. فرم‌هایی برای این کار تهیه شد و در کنار آن، تبلیغات نیز جدی گرفته شد. فرهنگیان اهل مسجد، به

“هدف مجموعه طرح پرورش نخبگان، جذب دانش‌آموزان مستعد از خانواده‌هایی با مایه‌های مذهبی و انقلابی بود”

پیوند مسجد و مدرسه

ایده از باشگاه ایده پردازان مسجدی www.masjedidea.ir

■ مکان اجرای ایده

مسجد، مسجد است و اجرایی نمودن این ایده در هر قسمت آن امکان پذیر می‌باشد.

■ زمان اجرای ایده

در هر زمان و هر مکان باید از پتانسیل نوجوانان دختر و پسر استفاده کرد. آنها انرژی بسیاری دارند که هدر می‌رود. مسجد باید برای آنها جذابیت داشته باشد، نه دافعه. بنده کارشناس ارشد علوم تربیتی در حوزه خانواده و مسائل تربیتی هستیم. در این خصوص نیز ایده‌های فراوانی موجود است که بهتر است با مدیران مربوطه صحبت کرد.

■ باید‌ها

۱. تعامل جدی امام جماعت مسجد با مدیریت مدارس
۲. برگزاری برنامه‌های مشترک برای مسجد و مدرسه
۳. شروع ارتباط با یک مدرسه، به عنوان نمونه طرح
۴. گفت‌وگو با مدیر مدرسه و توافق در خصوص همکاری با مسجد
۵. مطرح نمودن موضوع با دانش‌آموزان از جانب مدرسه
۶. آماده کردن موضوعات تربیتی و اخلاقی مختلف در مسجد
۷. انتخاب موضوع دلخواه بر اساس سلیقه دانش‌آموزان
۸. حضور (روزانه، هفتگی و...) دانش‌آموزان با توافق مسجد و خانواده
۹. تهیه گواهی تأیید جهت کسب نمره پس از پایان طرح
۱۰. اطلاع‌رسانی مداوم به مدرسه از طریق مسجد، جهت پیشرفت دانش‌آموزان و تشویق دانش‌آموزان دیگر برای حضور در مسجد

■ مستحبات

۱. تقدیر از ممتازان مدارس
 ۲. حضور دسته‌جمعی مدارس در مسجد برای اقامه نماز
 ۳. میزبانی مسجد از مدارس برای برنامه‌ها و مراسمات مذهبی سابقه اجرای ایده
- پایان نامه خود را با موضوع آموزش خانواده و ایجاد نگرش در فرزندان در مدارس منطقه ۸ تهران و همزمان با آن در یک دبیرستان پسرانه انجام داده‌ام.

■ توضیح اجمالی

تعامل مسجد با مدرسه، جهت جذب نوجوانان به مسجد و تشویق برای حضور آنها در مسجد. مکان اجرای ایده: سازمان‌های مرتبط با مسجد. تقویم اجرای ایده: هفتگی نوع مناسبت: مجری: امام جماعت مخاطب: دانش‌آموز

■ توضیح تفصیلی

همان‌طور که می‌دانیم، نوجوانان همواره به دنبال ارزش و هویت هستند و ما نتوانستیم آنها را به ورود به مساجد تشویق نماییم. امور مساجد می‌تواند تعاملات خوبی با مدارس داشته باشد و مدارس نیز استقبال می‌کنند. مدرسه به راحتی می‌تواند پای دانش‌آموزان را به مساجد باز کند، به شرطی که در ازای حضور آنان، به هر نحوی و با هر فعالیتی، نمره تشویقی برای آنها منظور نماید. در آن صورت می‌بینیم که با دادن نمره، چه مسائل دیگری را می‌توانیم به فرزندان کشور عزیزمان انتقال دهیم و مانند یک میراث‌گران بها، نسل به نسل آن را تحویل دهیم. آیا این بهتر از ولگردی فرزندانمان در کوچه و خیابان نیست؟

■ مسئله

مسجد بایستی کمک کند تا مشکلات و بحران اخلاقی نوجوانان به حداقل برسد. آیا این ایده به حل مشکل مسجد باید بپردازد یا مسجد خود باید به حل مشکل افراد بپردازد؟

■ دستاورد ایده

۱. علاقمند نمودن فرزندان به مسجد
۲. استفاده از ایده‌های فرزندان
۳. حضور فرزندان در برنامه‌های مختلف مسجد

“
مدرسه به راحتی می‌تواند پای دانش‌آموزان را به مساجد باز کند، به شرطی که در ازای حضور آنان، به هر نحوی و با هر فعالیتی، نمره تشویقی برای آنها منظور نماید
”



مسجد

پیوند

مسجد و

مدرسه

مسجد و مدرسه برنامه مشترک داشته باشند

باور داشتن به این مهم که مسجد تنها برای اقامه نماز نیست، موجب خواهد شد تا به کارکردهای دیگر مسجد - که عامل پایداری و رونق آن خواهد بود - بپردازیم. در این میان، مسجد برای جذب مخاطبین خویش از سنین کودکی و نوجوانی، این ظرفیت را دارد که نقاط پیوند و تعامل خویش را با مدرسه بیابد و از طریق برنامه‌های مشترک تربیتی و فرهنگی، خانه و مدرسه دوم نوجوانان محل باشد.

۱. امام جماعت به مدرسه سر بزند

ارتباط امام جماعت مسجد در نماز جماعت مدارس هم‌جوار، حداقل هفته‌ای یک بار برای برقراری ارتباط با دانش‌آموزان بسیار کارآمد است. هم‌چنین مدیر مدرسه می‌تواند از امام جماعت برای حضور در جلسات ستاد نماز مدرسه، انجمن اولیا و مربیان و شورای معلمان، دعوت به عمل آورد و مباحث لازم را مطرح نماید. برای انس گرفتن با بچه‌ها، خوب است که امام جماعت در مناسبت‌های ملی و مذهبی مدارس، در مراسم‌های ویژه شرکت کند و در تقدیر از دانش‌آموزان نمونه و با اخلاق، همکاری نماید.

۲. مسجد میزبان فعالیت‌های فرهنگی مدرسه باشد

اجرای مراسم جشن‌ها و اعیاد و جلسات انجمن اولیا و مربیان در مساجد و حسینیه‌های محل

۳. خادم مسجد دوست بچه‌ها باشد

توجه خادمین محترم و اهالی مساجد برای برخورد خوب و مناسب با کودکان، نوجوانان و جوانان

۴. مسجد متعلق به دانش‌آموز باشد

دانش‌آموزی که خود را متعلق به مسجد و مسجد را متعلق به خود می‌داند، تمام تلاش خود را برای انجام وظیفه‌ای که به او سپرده می‌شود، به کار می‌بندد. برخی از مسئولیت‌ها که می‌توان به کودکان، نوجوانان و جوانان سپرد، عبارتند از: مسئولیت کتابخانه، اذان، اقامه، قرائت قرآن، ادعیه پس از نماز، کفش‌داری، پهن کردن سجاده‌ها، سیستم صوتی، برنامه‌ریزی و اجرای مناسبت‌ها، تزئینات، تبلیغات و زیباسازی مساجد و...

۵. تشویق گل‌ترین‌های مدرسه در مسجد

تجلیل از دانش‌آموزان ممتاز درسی و اخلاقی می‌تواند در مساجد انجام شود. بعضی از مدیران محترم مدارس، برای ایجاد پیوند دانش‌آموزان با مساجد، برنامه‌های تشویقی خود را در مساجد محل انجام می‌دهند که بسیار کار شایسته‌ای است.

۶. مؤذن مسجد از کودکان و نوجوانان باشد

اذان شعار اسلام و اعلام وقت نماز است و چه خوب است که مؤذنین مساجد از بین کودکان، نوجوانان و جوانانی که قبلاً تمرین مؤذنی کرده‌اند و اذان را زیبا و صحیح بیان می‌کنند، انتخاب شوند.

۷. امام جماعت دوست بچه‌ها باشد

ارتباط صمیمی امام جماعت مسجد با کودکان، نوجوانان و جوانان یکی از مهم‌ترین عوامل جذب و استحکام حضور آنان در مساجد است. اگر امام جماعت چند دقیقه‌ای پیش از اذان در مسجد حضور داشته باشد و گفت‌وگویی دوستانه، خیرخواهانه و پدرانانه با کودکان، نوجوانان و جوانان داشته باشد، در جذب و تداوم حضور آنان بسیار موثر است.

۸. ارتباط چهره به چهره امام با نوجوان

گاهی یک لبخند روحانی به جوان، یک گفت‌وگوی دوستانه، یک دست به شانه نوجوان زدن، یکی دو قدم با او هم‌قدم شدن و صحبت‌های نوجوان را شنیدن، مسیر زندگی او را تغییر می‌دهد. اگر امام جماعت مسجد حلقه‌هایی از گروه‌های مختلف علمی، مذهبی را تشکیل دهد و ارتباط چهره به چهره با کودکان، نوجوانان و جوانان داشته باشد، بسیار در جذب آنها مؤثر است.

۹. بسته مناسبی مسجد برای بچه‌های مدرسه

مساجدی که کمک‌هایی از موقوفات دارند، یا به نحوی می‌توانند نسبت به تهیه پذیرایی اقدام کنند، به منظور تبلیغ و جذب دانش‌آموزان می‌توانند در مناسبت‌های مختلف، بسته‌های پذیرایی تهیه و به اسم مسجد و با هماهنگی مدیران مدارس، بین دانش‌آموزان توزیع کنند.

۱۰. فرزندان مأمومین در کنار بچه‌های مدرسه

امام جماعت مسجد از فرزندان مأمومین برای شرکت در برنامه‌ها دعوت به عمل آورد.

۱۱. مسجد میزبان انجمن مدارس

گروه‌های همسال، به خصوص دانش‌آموزان عضو تشکل‌ها می‌توانند قرارهای ملاقات رسمی و غیررسمی خود را با هماهنگی مسئولین مدرسه، در محل مساجد بگذارند.

۱۲. مسجد بانی مسابقات مدرسه

برگزاری مسابقات مختلف از جمله احکام، قرآن، نهج البلاغه، حفظ حدیث، خطاطی، نقاشی، تهیه روزنامه دیواری و مسابقات ورزشی، از عوامل مؤثر بر جذب کودکان، نوجوانان و جوانان به مساجد است.

۱۳. تبلیغات مسجد در تابلوی مدرسه

یکی از مشکلات موجود، نحوه اطلاع‌رسانی فعالیت‌های مساجد به دانش‌آموزان است. متولیان امر، به خصوص امام جماعت مسجد و هیئت امنای می‌توانند برنامه‌های مسجد را با همکاری مدیران و مربیان مدارس، به اطلاع دانش‌آموزان برسانند و تبلیغات لازم در این خصوص انجام گیرد. استفاده از تابلوی اعلانات مدرسه برای اعلام برنامه‌های مسجد، یکی از روش‌های مؤثر تبلیغ است.

۱۴. همکاری مسجد در برگزاری اردوهای دانش‌آموزی

برگزاری اردوهای علمی، تفریحی، زیارتی و... برای نوجوانان و جوانان توسط هیئت امنای مساجد و با حضور امام جماعت و با همکاری مدارس، در جذب و تربیت دینی دانش‌آموزان بسیار مؤثر است.

۱۵. تقدیر از جوان مسجدی

برنامه‌ریزی برای تجلیل از کودکان، نوجوانان و جوانانی که در مساجد حضور می‌یابند، بر تداوم حضور آنها می‌افزاید.

۱۶. برنامه‌های مسجد به روز باشد

معمولاً در انجام تبلیغات به اولین چیزی که فکر می‌کنیم، سخنرانی است. هر چند که سخنرانی در جای خود با رعایت اصول آن، بسیار مؤثر است، اما با توجه به روحیه کودکان، نوجوانان و جوانان، آنان حوصله و علاقه‌ای برای شنیدن از خود نشان نمی‌دهند و باید از شیوه‌های تبلیغی جدید و به روز استفاده کرد.

۱۷. نماز جماعت طولانی نشود

طولانی نشدن نماز جماعت، از عوامل مؤثر جذب کودکان، نوجوانان و جوانان و حفظ و تداوم حضور آنها در مسجد است. چه خوب است که امام جماعت مسجد، به واجبات اکتفا کند و مستحبات را برای بعد از نماز بگذارد.

۱۸. کتابخانه مسجد در دسترس دانش‌آموزان باشد

تقویت کتابخانه مسجد، با استفاده از کتاب‌های مفید و ارائه فهرست کتاب‌های موجود در کتابخانه مسجد به مدراس از جمله راهکارهای جذب دانش‌آموزان است. اگر معلمین و مسئولین مدارس، از فهرست کتاب‌های موجود در کتابخانه مسجد مطلع باشند، می‌توانند تحقیقاتی که به دانش‌آموزان سپرده می‌شود را در راستای استفاده از امکانات موجود مساجد، قرار دهند.

۱۹. آموزش فلسفه نماز برای نوجوانان

تعداد زیادی از نوجوانان و جوانان، علت اینکه چرا باید نماز بخوانند را نمی‌دانند. باید به روش‌های مناسب و قابل درک، فلسفه نماز توسط معلمین، دبیران، مسئولین مدرسه و امام جماعت مسجد، بیان شود.

۲۰. خانواده در رفتن به مسجد پیش قدم باشد

نقش والدین در ترغیب فرزندان به نماز، بسیار مؤثر است. وقتی قول و عمل والدین در مورد نماز یکی باشد و نوجوان ببیند که والدین او به نماز بیش از هر چیزی اهمیت می‌دهد، او نیز به این امر الهی ترغیب می‌شود.

۶۶

طولانی نشدن نماز جماعت، از عوامل مؤثر جذب کودکان و نوجوانان و حفظ و تداوم حضور آنها در مسجد است. چه خوب است که امام جماعت مسجد، به واجبات اکتفا کند و مستحبات را برای بعد از نماز بگذارد

۶

ما رفتیم، نه اینکه مدرسه بیاید سمت ما

پیوند مسجد و مدرسه، امری است که تحقق آن نیازمند همتی مضاعف از جانب مسئولین هر دو نهاد است. هم مسجد و هم مدرسه از آنجا که تلاش می‌کنند تا آدمی را به سوی تکامل و تعالی راهنمایی کنند، مقدس و در کانون توجه هستند. در این میان، نقش روحانی مسجد، به دلیل مسئولیت ویژه و اصیل در مسجد، بسیار مهم و برجسته است و لازم است تا اولین گام‌ها برای ایجاد ارتباطی مؤثر و دوستانه با مدرسه، از جانب او صورت بگیرد.

سر زدن به مدرسه، مشارکت جدی در فعالیت‌های علمی و فرهنگی مدارس و پشتیبانی از امکانات مدارس، می‌تواند ساده‌ترین اقدامات در ایجاد این ارتباط مهم باشد. یکی از افرادی که توانسته در این عرصه به موفقیت ملموس برسد، حجت الاسلام عظیمی است که با ایده‌های عملی خود، در این زمینه گام‌های مهمی برداشته است.

عنوان روحانی آنجا، با مدرسه راهنمایی ابرار و هنرستانی که در همان کوچه بود، ارتباط برقرار کردم. در جلساتی برای بچه‌ها صحبت می‌کردم؛ در مورد مسجد می‌گفتم. فضای مسجد را طوری درست کرده بودیم که کتابخانه داشت.

طبق وصفی که حضرت علی (ع) در رابطه با پیامبر فرموده‌اند: «طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِيبَةٍ»، من هم احساس وظیفه کردم و رفتم مدرسه ابرار - که جزء مدارس خیلی خوب مشهد هم هست - و با مسئولین و دانش‌آموزان مرتبط شدم. به آنها اعلام کردیم که این مسجدی که کنار مدرسه است، کتابخانه هم دارد. دانش‌آموزان گاهی می‌آمدند و به منظور گرفتن کتاب و سؤال کردن، با کارهای فرهنگی مسجد مرتبط می‌شدند. نکته این است که ما رفتیم، نه اینکه مدرسه و آموزش و پرورش بیاید سمت ما. البته اگر آنها بیشتر زمینه‌سازی می‌کردند، بچه‌ها را سوق می‌دادند و تشویق می‌کردند، اثرش بیشتر بود.

■ در مسجد را باز گذاشتیم

ارتباط‌گیری ما با دانش‌آموزان خوب بود. الحمدلله هر وقت می‌خواستیم، در مدرسه به روی ما باز بود. یاد می‌آید جلسه‌ای را هم در مسجد ما برگزار کردند. ما گفته بودیم این مسجد در اختیار شماست، اگر خواستید کلاس و جلسه برگزار کنید. در مسجد را باز می‌گذاشتیم برای آنها. یعنی برای کار باید هم‌اژه جماعات و هیئت‌امنای باز نشان بدهند و هم مدارس. اگر یک همکاری بین مدیر مدرسه و آموزش و پرورش انجام بشود، کار زیبایی خواهد بود.

■ پیوند مسجد، مدرسه و منزل باید ماندگار بشود

شاید پنج سال پیش بود، زمانی که ما در مسجد فعالیت داشتیم، بعضی دوستان نیز در بلوار وکیل آباد جلسه‌ای داشتند که در آن طرح «سه میم» اجرا می‌شد. خیلی جالب بود، سه تا نهاد اصلی را شناسایی کردند: منزل، مسجد و مدرسه. وجه تسمیه‌اش نیز به خاطر حرف میمی بود که اول این سه نهاد قرار داشت. دغدغه‌شان این بود که این سه ارگان را به هم نزدیک کنند تا با هم مرتبط باشند، پدر خانواده با امام جماعت مرتبط باشد، امام جماعت با مدیر مدرسه و همین‌طور پدر خانواده با مدیر مدرسه؛ به همین صورت این‌ها با هم ارتباط صمیمی و نزدیک داشته باشند. اگر یک چنین اتفاقی صورت بگیرد، عالی می‌شود.

■ از نوجوانی با مسجد مأنوس شدم

مسجد جایگاه رفیعی در اسلام دارد. تمام حرکات مهم پیامبر در صدر اسلام، از مسجد آغاز می‌شد و در مسجد بود. حدیث هم داریم که کسی که با مسجد در ارتباط باشد، ده تا برکت برایش دارد؛ دوست خوب پیدا می‌کند، حکمت می‌آموزد و... به لطف خدامن از دوران نوجوانی با مسجد مأنوس شدم. فعالیت‌های جدیدم را نیز مدیون مسجد هستم. این فعالیت‌ها از مکبری آغاز شد و بعد همین‌طور با بچه‌های مسجدی آشنا شدم و در فعالیت‌هایی مثل سیاه‌پوش کردن و تزئین مسجد برای مناسبت‌های مختلف، همراهی در اردوها و... حضور یافتم.

■ قدیم طلبه‌ها در مساجد درس‌هایشان را می‌خواندند

با چهار صفحه نوشته‌نوشتن از نماز جماعت در کتب درسی، راه به جایی برده نمی‌شود. اگر آموزش و پرورش خواهان کار عمیق است، باید نسبت به این امر همت کند. می‌تواند همایش برگزار کنند و از مساجد بازدید داشته باشند. یعنی دانش‌آموزان در مساجد نزدیک مدرسه حضور پیدا کنند، تا حدی که در مسجد کلاس درس بگذارند تا دانش‌آموز با آن فضا آشنا شود. کلاس درس نیز با نماز جماعت ختم شود. قدیم طلبه‌ها در مسجد درس‌هایشان را می‌خواندند.

■ مسجد با نمازخانه فرق دارد

مسجد با نمازخانه فرق می‌کند. مسجد یعنی محل سجده و عبادت؛ محرابی دارد، امام جماعتی دارد که ولایت‌مداری را رشد می‌دهد؛ اما در نمازخانه فقط دانش‌آموزان مدرسه هستند. وارد مسجد که می‌شویم فضا، فضایی است که طیف‌های گوناگون مردم از کودک تا پیر را می‌بینیم، باقیافه‌های مختلف، از سطوح اجتماعی مختلف، همه در یک صف می‌ایستند و دانش‌آموز اتحاد را می‌بیند. مسجد خیلی پیام دارد. نمازخانه مدرسه با مسجد قابل مقایسه نیست.

■ ما رفتیم؛ نه اینکه مدرسه بیاید سمت ما

مدتی امام جماعت مسجد علی بن الحسین (ع) بودم؛ مسجدی کوچک در کوچه مسجد رانندگان. چند مدرسه در آن نزدیکی وجود دارد؛ راهنمایی نمونه دولتی ابرار، هنرستان باهنر و دبستان شهید فارسی. به



مسجد



پیوند
مسجد و
مدرسه

“

مسجد با نمازخانه فرق می‌کند. مسجد یعنی محل سجده و عبادت؛ محرابی دارد، امام جماعتی دارد که ولایت‌مداری را رشد می‌دهد؛ اما در نمازخانه فقط دانش‌آموزان مدرسه هستند

”

منبر

دهه‌های آسمانی توحید و ولایت

دهه‌های متعددی در فرهنگ اعتقادی شیعه وجود دارد؛ اما دهه اول ماه ذی‌الحجه به جرئت مهم‌ترین آنهاست. قرآن و روایات با عبارات فوق‌العاده‌ای از این دهه تجلیل کرده‌اند.

آیات «والفجر و لیل عشر» ۱ در زبان روایات به شب‌های دهه اول این ماه شریف تفسیر شده‌اند و این سوگند به خاطر عظمت آن است. همچنین از نظر معصومین، «ایام معدودات» در آیه شریفه «واذکروا لله فی ایام معدودات» ۲ دهه اول ماه ذی‌الحجه است. در روایتی از وجود مقدس حضرت ختمی مرتبت آمده است: «مَا مِنْ أَيَّامِ الْعَمَلِ الصَّالِحِ فِيهَا أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَيَّامِ الْعَشْرِ؛ ۳ هیچ روزی نیست که به جا آوردن عمل صالح در آن نزد خداوند محبوب‌تر از روزهای ده‌گانه [نخست ماه ذی‌الحجه] باشد».

طبق سخنان مرحوم آیت‌الله مجتهدی تهرانی، بجا است این دهه را «دهه توحید» نامید. ایشان می‌فرماید: «از این دعاها فهمیده می‌شود که مسئله توحید در این ایام محوریت داشته و باید بگوییم که این دهه، دهه توحید است».

در سال‌های اخیر، دهم تا بیست و پنجم ذی‌الحجه، «دهه ولایت» نامگذاری شده است. مناسبت‌های این دهه عبارتند از:

- ۱۰ ذی‌الحجه، عید قربان، روز حدیث ثقلین «کتاب الله و عترتی»؛

- ۱۴ ذی‌الحجه، روز بخشش فدک «وأت ذی‌القربی حقه»؛

- ۱۸ ذی‌الحجه، عید سعید غدیر خم، عید الله اکبر؛

- ۲۰ ذی‌الحجه، عذاب الهی بر منکر غدیر، حارث فهری (نزول آیه اول سوره معارج)؛

- ۲۴ ذی‌الحجه، روز مباحله و نزول آیه مباحله: «قل تعالوا نذع ابنائنا و ابنائکم و...» که امیر المؤمنین را نفس پیامبر (صلوات الله علیهما) خوانده است؛

- ۲۴ ذی‌الحجه، بخشش انگشتر توسط مولا امیر المؤمنین (علیه السلام) و نزول آیه ولایت: «انما ولیکم الله و...»؛

- ۲۴ ذی‌الحجه، حدیث کساء و نزول آیه تطهیر: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا»؛

- ۲۵ ذی‌الحجه، سه روز روزه امیر المؤمنین، حضرت فاطمه و حسنین (علیهم السلام) و بخشش افطار به مسکین و یتیم و اسیر و نزول سوره هل اتی: «و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیما و اسیرا».

امید است که مبلغان و ائمه جماعات محترم با مدد از دو بازوی توانمند «توحید» و «ولایت»، دل‌های دلدادگان اهل بیت عصمت و طهارت را برای ورود به ماه عزاداری سید و سالار شهیدان آماده سازند که به تعبیر حضرت امام راحل (ره)، هر چه داریم از محرم و صفر است.



غدیر با کودکان

سرگرمی‌هایی برای ارتباط کودکان با عید غدیر

دهه آخر ذی الحجه، «دهه ولایت» نام گذاری شده است. شایسته است نوجوانان را که بر اساس فطرت پاک الهی، قلبی آماده جهت پذیرش دستورهای دینی دارند، با شیوه‌های جذاب و کاربردی، با مسائل اساسی اسلام، به خصوص قرآن و ولایت آشنا نماییم.

بر این اساس مجموعه حاضر هدیه‌ای است به دانش آموزان تا با تلاش شما مربیان گرامی و یاری آنان، در طول این ایام با گوشه‌ای

از فضائل امام علی (علیه السلام) آشنا شوند و سطح آموزه‌های دینی‌شان با بهره‌گیری از مهارت‌های ارائه‌شده، ارتقا یابد. بازی‌ها و سرگرمی‌های زیر جهت برگزاری کلاس در رده سنی نوجوانان چهارم ابتدایی و متوسطه اول طراحی شده است.

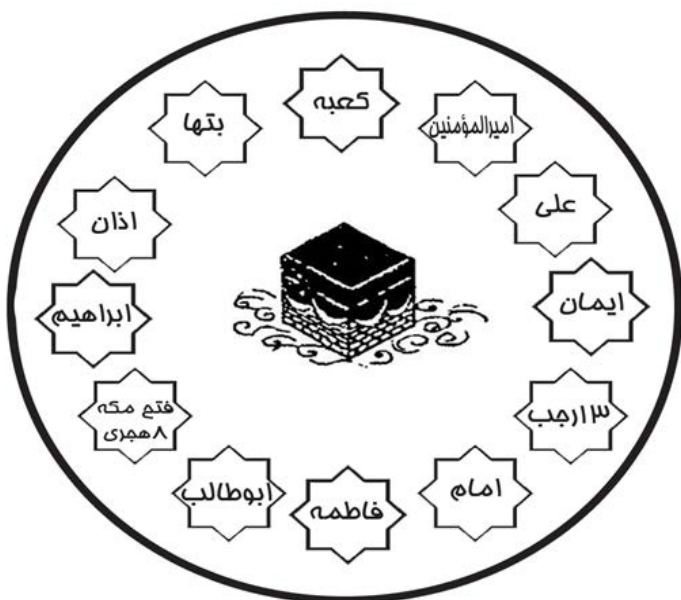
محمدرضا
عابدی



منبر

با توجه به کلمه‌های داده‌شده، متن زیر را کامل نمایید و به سؤال‌ها پاسخ دهید:

گروه زیادی از بنی هاشم روبه‌روی خانه نشسته بودند. ناگهان بنت اسد آمد و روبه‌روی آن خانه ایستاد. به آسمان نگاه کرد و گفت: «پروردگارا! من به خانه تو و به هر پیامبری که فرستاده‌ای و به هر کتابی که نازل نموده‌ای آوردم. گفته‌های جدم خلیل که خانه کعبه را بنا کرد، تصدیق نمودم. از تو به حق خانه‌ات و به حق کسی که آن را بنا نهاد، درخواست می‌کنم ولادت فرزندم را بر من آسان نما. عباس عموی پیامبر (ص) گوید: من فاطمه را در حال دعا دیدم. وقتی دعای او تمام شد، دیدم که دیوار عقب خانه شکافته شد و فاطمه از آن رخنه داخل شد و دوباره شکاف به هم پیوست. فاطمه سه روز در خانه کعبه بود. همه تعجب کردند. روز چهارم، همان جای دیوار باز شد و فاطمه با نوزادی در دست بیرون آمد و فرمود: ای مردم! به درستی که حق تعالی مرا از میان خلق خود برگزید. چون خواستم بیرون آییم، ندا رسید: ای فاطمه! این فرزند را نام بگذار. او اولین کسی است که روی خانه من خواهد گفت. او را خواهد شکست و از بالای کعبه به زیر خواهد انداخت. او و پیشوای بعد از برگزیده من است. خوشا به حال کسی که او را دوست بدارد و یاری‌اش کند.



بسته شکلات

از کودکان دبستانی دعوت کنیم که به کمک اعضاء خانواده هر

کدام ۱۰ بسته شکلات را تزئین کنند.

سپس بسته‌های شکلات را در بین صفوف نماز جماعت بین

مأمومین تعارف نمایند.

در آرزو کسانی که در این فعالیت مشارکت داشته‌اند تقدیر به

عمل آید.

حالا به این سؤال‌ها پاسخ دهید:

۱. امام علی (ع) در چه روزی به دنیا آمد؟
۲. امام علی (ع) نام پدر گرامی‌شان چیست؟
۳. امام علی (ع) کدام لقبشان به معنای پیشوای مؤمنان است؟
۴. امام علی (ع) در چه واقعه‌ای بت‌های خانه کعبه را شکستند؟

ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ض
ا	ز	ا	ن	چ	ه	ح	ن	ض
ر	ح	ح	ح	ت	ت	ح	م	ض
ر	ت	ت	ح	ت	ت	ح	ی	ض
ر	ح	ح	ح	ح	ح	ح	د	ض
ر	ت	ت	ت	ت	ت	ح	ا	ض
ر	ت	ت	ت	ت	ت	ح	ن	ض
ر	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ی	ض
ر	س	خ	ن	ن	گ	و	ض	ض

پند پدر

دوست عزیز! جدول را با رنگ‌های خواسته شده، با دقت رنگ آمیزی کن. از حروف باقی مانده، کلمه‌های مناسب بساز تا از ترکیب آنها «پیام» را به دست آوری و در طرح پایانی بنویسی.

(ح سبزی؛ ر نارنجی؛ ت زرد؛ ض آبی).

امام علی (ع) فرمود:

پاسخ سؤالها را با توجه به شماره‌های داده شده و مراجعه به فهرست قرآن پیدا کنید و در کنار شماره سوره‌ها بنویسید. پرسش‌ها:

۱. به آخر روز تا هنگام غروب آفتاب چه می گویند؟ ← ۱۰۳
 ۲. شب در عربی چه نامیده می شود؟ ← ۹۲
 ۳. کدام فرزند حضرت یعقوب (ع) به پیامبری رسید؟ ← ۱۲
 ۴. بزرگ‌ترین سوره قرآن چه نام دارد؟ ← ۲
 ۵. کدام پیامبر خدا به بت‌شکن معروف شد؟ ← ۱۴
 ۶. نام تنها سیارهای که دور زمین می چرخد، چیست؟ ← ۵۴
 ۷. به غرث ابر چه می گویند؟ ← ۱۳
 ۸. به خانواده حضرت موسی (ع) که نام پدرش عمران بود، چه می گفتند؟ ← ۳
 ۹. کدام پیامبر کشتی ساخت؟ ← ۷۱
 ۱۰. نام دیگر حادثه و پیشامد چیست؟ ← ۵۶
 ۱۱. به سپیده صبح، صبحگاه، صبحدم و پدیدار شدن صبح از درون تاریکی شب چه می گویند؟ ← ۱۱۳
 ۱۲. به روشنایی چه می گویند؟ ← ۲۴
 ۱۳. به سفر کردن در شب چه می گویند؟ ← ۱۷
 ۱۴. نام دیگر بشر و آدم چیست؟ ← ۷۶
 ۱۵. به گروهها در قرآن چه می گویند؟ ← ۳۳
 ۱۶. نام دیگر پیامبران چیست؟ ← ۲۱
 ۱۷. نام دیگر سوره نصر را با حروف: «ع و ت ی د» به معنای: وداع، بدرود و خداحافظی، مخالف «معارفه» بسازید؟
 ۱۸. به غنیمت به دست آمده در جنگ‌ها چه می گویند؟ ← ۸
 ۱۹. هنگام طلوع آفتاب چه زمانی است؟ ← ۹۳
- حالا اولین حرف از پاسخ‌ها را در خانه‌های شماره ۱ تا ۱۰، و آخرین حرف از پاسخ‌ها را در خانه‌های شماره ۱۱ تا ۱۹ جدول زیر قرار دهید.

است	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
-----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

اکنون پیامی را که از کنار هم قرار گرفتن حروف به دست می آید، در کادر زیر با خط زیبا بنویسید.

عکس یادگاری

نمادی از غدیر در قالب اثر تجسمی و یا حتی بنری با نقاشی غدیر در کنار محراب قرار گیرد و در روز عید غدیر خانواده‌ها به اتفاق کودکانشان با این نماد عکس یادگاری بگیرند. در آخر عکس یادگاری به عنوان هدیه به کودک تقدیم شود.



منبر



دنیای حلال

در فضیلت طلب رزق و توسعه روزی

خطیب ارجمند سید مرتضی صالحی خوانساری

■ ایجاد انگیزه

قرآن کریم و معارف اهل بیت (علیهم السلام) از مفهوم سعی و تلاش با عناوین مختلفی تعبیر کرده‌اند. مثلاً قرآن می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى * وَأَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يَرَى». ۱. هیچ کس و هیچ چیز برای من باقی نمی‌ماند، مگر سعی و کوشش من، و دیری نمی‌گذرد که نتیجه کار و تلاشم را می‌بینم. در آیه دیگری آمده است: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» ۲. من صرف نظر از بندگی برای خدا برای کار خلق شده‌ام. کار در این عالم جان زندگی بشر است؛ از این رو پیغمبر اکرم (ص) فرمود: «الدنيا مزرعة الآخرة». دنیا جای کشت و زرع و کار و تلاش است.

درباره عمل و عمل صالح، ۳۵۰ آیه در قرآن کریم وجود دارد. این آیات ما را به سوی کار حرکت می‌دهد. سی مرتبه مشتقات سعی در قرآن آمده است. در قرآن کریم مشتقات سَبَقَ - سبقت گرفتن و مسابقه دادن - ۳۴ مورد آمده که این مسابقه در انجام وظایف و کار است.

مشتقات سَرَعَ - سرعت گرفتن - در قرآن ۲۳ مورد آمده است. بنابراین می‌توانیم نتیجه بگیریم که جان و وظایفی که قرآن از طرف خدا برای ما مشخص کرده، عمل و سعی و سبقت و سرعت است که همه اینها ما را به سوی حرکت تحریر و تشویق می‌کند.

■ افناع اندیشه به روش بیان روایت

از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد: «عَلَى مَاذَا بُنِيَتْ أُمَّرُكُ؟» ۳. امرتان را بر چه پایه گذارده‌اید؟. امر یعنی زندگی و زیست. حضرت فرمود: «عَلَى أَرْبَعٍ» امر حیاتی‌ام را روی چهار ستون برقرار کردم. اول: «عَلِمْتُ أَنَّ عَمَلِي لَا يَعْمَلُهُ غَيْرِي فَاجْتَهَدْتُ» کار مرا دیگری انجام نمی‌دهد. امام نفرمود نباید کسی عمل مرا انجام دهد. نهی نفرمود، بلکه نفی فرمود. مسلمانی که پنجاه سال نماز نمی‌خوانده است، در وصیت‌نامه‌اش می‌نویسد که برایم پنجاه سال نماز اجیر بگیرد. در حالی که ما که همین امروز نمازمان را اول وقت و به جماعت در مسجد می‌خوانیم، نمی‌دانیم که آیا نمازمان قبول شده است یا نه؟ حالا آن اجیری که بعد از مرگ من نماز می‌خواند، نمازش چقدر می‌ارزد؟ البته خدا به خاطر رحمتش این حرکات نیایی را از ما می‌پذیرد. امام در ادامه فرمود: «فاجتهدت» به جد و جهد و زحمت افتادم و خودم کارهایم را انجام دادم. دولت و دولتمردان، بازاربان، تمام خانه‌ها و خانواده‌های ما باید به این اصل عمل کنند. امام صادق (علیه السلام) اول مسئله کار را مطرح می‌کند؛ برای اینکه کار جان زندگی دنیا است. بعد هم فرمود: «عَلِمْتُ أَنَّ اللَّهَ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ فَاسْتَحْيَيْتُ» دانستم خدا نظاره‌گر من است، پس با حیا زندگی کردم. در انجام وظیفه خیانت نمی‌کنم که خدا مج را بگیرد.

سوم هم فرمود: «عَلِمْتُ أَنَّ رِزْقِي لَا يَأْكُلُهُ غَيْرِي فَاطْمَأَنَنْتُ». با حفظ آن دو اصل به این حقیقت رسیده‌ام که روزی مرا غیر از من نخواهد خورد؛ پس در کسب روزی و انجام وظیفه و کار روزانه، نه دروغ می‌گویم، نه دغل بازی می‌کنم و نه خیانت. چون می‌دانم روزی من به دستم می‌رسد، پس خاطر من جمع هستم.

در آخر فرمود: «عَلِمْتُ أَنَّ آخِرَ أَمْرِي الْمَوْتُ فَاسْتَعَدَدْتُ» به این حقیقت رسیدم که سرانجام مرگ سراغ من می‌آید، لذا همیشه مستعد و آماده مرگ هستم. مؤمن در دنیا با مردم زندگی می‌کند، اما هنرش این است که طوری زندگی‌اش را تنظیم می‌کند که هر وقت مرگ آمد، مشکلی نداشته باشد.

ما از این روایت امام صادق (علیه السلام)، جز انجام وظیفه و کار و تلاش و سعی در کار خیر، چیز دیگری نمی‌آموزیم.

■ تحریک احساس

حضرت امام باقر (علیه السلام) هر روز در مزرعه کار و تلاش می‌کرد و عرق از تمام وجود و جبین حضرت می‌ریخت. یک نفر به امام باقر (ع) معترض شد که: شما با این سن بالا بتیان چرا باز هم کار می‌کنید و خودتان را به زحمت می‌اندازید؟ حضرت فرمود: شیوه ما اهل بیت این است که تا زنده‌ایم باید کار کنیم تا کل بر دیگران نباشیم.

شخصی به امام علی (علیه السلام) عرض کرد: برادر من شب و روز عبادت می‌کند و زن و بچه‌اش سر بار من هستند. حضرت عصبانی شد، فرمود: او را بیاورید. سپس به او فرمود: این چه کاری است که می‌کنی؟ گفت: اقتدا به تو کردم در کثرت عبادت و زهد و لباس نداشتن. حضرت فرمود: خیلی اشتباه می‌کنی. چرا زن و بچه‌ات را رها کردی که کل بر بردارت باشند؟ چرا به زن و بچه‌ات نمی‌رسی؟

در روایت داریم: «لَا كَادَ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ کسی که خود را برای روزی خانواده‌اش به زحمت می‌اندازد و کار می‌کند مانند رزمندگانی

۶۶ اگر ما طبق وظیفه‌ای که خدا مشخص کرده عمل کنیم، هم خدا دوست‌مان دارد و هم زندگی با کفایت خواهیم داشت. به دیگری نیاز نشان ندهیم که در نیاز نشان دادن، حقارت است و ضعف و ذلت

۶

تطهیر با ابتلائات الهی

آیت الله میرباقری: یکی از وسائل مهم تطهیر انسان، بلا یا و امتحانات خداوندی است. سنت الهی این است که به هر میزان که بر ایمان انسان اضافه شود، بلا یا او هم مضاعف گردد و البته، نتیجه این بلا، خلوص در محبت است؛ زیرا بلا یا، رشته تعلقات به غیر خدا را قطع می‌کند، ناخالصی‌ها را از بین می‌برد و انسان را از فتنه نفس و گرفتاری به آن، نجات می‌دهد.

چرا حضرت یعقوب (علیه السلام) بیست یا به نقلی، چهل سال به درد فراق یوسف (علیه السلام) مبتلا شد؟ زیرا - با وجود آنکه سفره‌اش، هر شب برای فقرا گسترده بود - یک شب، سائلی نزد او رفت، اما بر اثر شلوغی خانه، به او اعتنائی نکرد. به همین جهت، سائل از او به درگاه خدا شکایت کرد. خداوند نیز به یعقوب (علیه السلام) وحی کرد: «ای یعقوب! مگر نمی‌دانی که ترک اولی کردی و مجازات خواهی شد؟ پس آماده بلا باش». آنگاه او را به درد فراق یوسف (علیه السلام) دچار کرد.

بی‌شک، خداوند نمی‌خواهد انسان مؤمن را اذیت کند؛ بلکه قصد دارد او را به وسیله بلا مخلص نماید تا قلبش فقط متعلق به خدا باشد.

پی‌نوشت

۱. نجم: ۳۹ و ۳۰.

۲. زلزال: ۷-۸.

۳. محدث قمی، انوار البیبه.

۴. فیض کاشانی، وافی.

“

اقتصاد کشور ما جای تأسف دارد. اینکه رهبر معظم رشید و آینده‌نگر می‌گوید اقتصاد مقاومتی، معنای آن این است

که کار کنیم، تولیدات داخلی مصرف کنیم و بیکاری را ریشه‌کن سازیم

”

است که در راه خدا می‌جنگد».

بعد امام فرمود: من امیرالمؤمنین این مردم هستم، باید زندگی‌ام با فقیرترین افراد یکسان باشد. اما شما این وظیفه را ندارید. شما کارکن و به زندگی‌ات توسعه بده و مازاد آن را در جامعه مصرف کن.

اقتصاد کشور ما جای تأسف دارد. اینکه رهبر معظم رشید و آینده‌نگر می‌گوید اقتصاد مقاومتی، معنای آن این است که کار کنیم، تولیدات داخلی مصرف کنیم و بیکاری را ریشه‌کن سازیم؛ مثل مدرسه و مرحوم شیخ مرتضی انصاری. گذشتگان ما اینها را بهتر از ما می‌فهمیدند. کرباس تولید کشور خودمان را می‌پوشیدند و استفاده می‌کردند.

امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه) که ۲۵ سال حق او را گرفتند، در این مدت چه می‌کرد؟ حفر چاه، احداث نخلستان و... با این محصولات چه می‌کرد؟ هم خودش می‌خورد، هم انفاق می‌کرد و به فقرا و ایتام و بیوه‌زنان می‌داد؛ لذا ابوالرامل و ایتام لقب گرفت.

پیغمبر اکرم (ص) فرمود: «لَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنَ الْفَقْرِ وَلَكِنْ أَخَافُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُوءِ التَّدْبِيرِ وَفِجِ الْتَدْبِيرِ» ۴ برای امتم از فقر نمی‌ترسم، بلکه از سوء مدیریت می‌ترسم؛ همان چیزی که الان گرفتار آن هستیم.

کسی حضور پیغمبر آمد و گفت: «یا رسول الله عَلَّمَنِي شَيْئًا إِنَّ أَنَا عَمِلْتُهُ أَحَبَّتَنِي اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ وَأَحَبَّتَنِي النَّاسُ مِنَ الْأَرْضِ» یا رسول الله چیزی یاد من بده که اگر عمل کنم، خدا از بالا مرا دوست بدارد، خلق هم از زمین. پیامبر فرمود: «رَغَبَ فِي مَا عِنْدَ اللَّهِ يُحِبُّكَ اللَّهُ وَازْهَدْ مِمَّا عِنْدَ النَّاسِ يُحِبُّكَ النَّاسُ» رغبت نشان بده، ضعف و گدایی‌ات را به خدا نشان بده، خدا تو را کفایت می‌کند و دوست خواهد داشت. بی‌نیازی را نشان خلق بده، مردم تو را دوست دارند. نیابت را به مردم نشان دهی، از دست تو فرار خواهند کرد. پس اگر ما طبق وظیفه‌ای که خدا مشخص کرده عمل کنیم، هم خدا دوست‌مان دارد و هم زندگی با کفایت خواهیم داشت. به دیگری نیاز نشان ندهیم که در نیاز نشان دادن، حقارت است و ضعف و ذلت.

راه‌روزی، کسب و رنج است

شخصی با هیجان و اضطراب، حضور امام صادق (علیه السلام) آمد و گفت: درباره من دعایی بفرمایید تا خداوند به من وسعت رزقی دهد که خیلی فقیر و تنگدستم.

امام فرمودند: هرگز دعا نمی‌کنم. آن شخص گفت: چرا دعا نمی‌کنید؟ امام فرمودند: برای اینکه خداوند راهی برای این کار معین کرده است. خداوند امر کرده که روزی را پی‌جویی و طلب کنید؛ اما تو می‌خواهی در خانه خود بنشین و با دعا روزی را به خانه خود بکشانی.^۱

مولوی در همین باره در مثنوی معنوی می‌نویسد:

راه روزی کسب و رنج است و تعب

هرکسی را پیشه‌ای داد و طلب

اطلبوا الارزاق فی اسبابها

ادخلوا الاوطان من ابوابها

۱. داستان راستان، شهید مرتضی مطهری



لقمه‌های ایمان و کفر

آیت الله العظمی بهجت (ره) درباره نقش شگرف غذای حلال و حرام در سعادت و شقاوت انسان می‌فرمایند:

وای بر ما اگر در خصوص خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، از حرام اجتناب نکنیم؛ زیرا همین غذاها است که منشأ علم و ایمان یا کفر ما می‌شود و در یک وقت نگاه می‌کنیم و می‌بینیم که به یزید ایمان آورده‌ایم!

از آیه «وَلَا تَقْرَبُوا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونُوا مِنَ الظَّالِمِينَ»، استفاده می‌شود که همین اکل و تناول بود که در سلسله علل و معالیل هبوط آدم (علیه السلام) قرار گرفت. انسانی که قابلیت ملک و فرشته شدن را دارد - هر چند طرف مقابل آن در پستی اسفل السافلین می‌باشد - در اثر خوردن و آشامیدن است که نیروی آن در خون و بالاخره اثر آن در اعضاء بلکه در روح و مغز و فکر انسان ظاهر می‌شود.

علمای سابق که آن همه در علم و عمل موفق بودند و عمر بابرکت داشتند و از انحراف فکری سالم بودند، در اثر خوردن غذای حلال و اجتناب از غذاهاى شبهه‌ناک بوده است.^۱

۱. در محضر آیت الله العظمی بهجت، ج ۱، ص ۳۳۷.

سر بلندی در آزمایش الهی راز رسیدن به عبودیت حقیقی

به مناسبت عید قربان



منبر

■ ایجاد انگیزه (داستانی)

جواد
توحیدی منش

سلطان طغرل، وزیری داشت به نام خواجه ابومنصور، که مردی خداپرست، دانا و درستکار

بود.

وزیر معمولاً همواره پس از اقامه نماز صبح، مدتی روی سجاده می‌نشست و به دعا و راز و نیاز می‌پرداخت. او پس از طلوع آفتاب، لباس وزارت می‌پوشید و به دربار سلطان طغرل می‌رفت. روزی سلطان، وزیر را قبل از طلوع آفتاب احضار کرد. مأمورین به منزل او رفتند و او را در حال خواندن دعا دیدند. امر پادشاه را ابلاغ نمودند، ولی وزیر، به گفته آنان توجهی نکرد و همچنان به عبادت خود ادامه داد.

مأمورین سلطان، بی‌اعتنایی وزیر را بهانه کرده و به پادشاه خبر دادند که وزیر به دستور شما احترام نمی‌گذارد. سلطان طغرل از شنیدن این مطلب به شدت خشمگین شد. تا اینکه وزیر پس از اتمام عبادت، به دربار آمد و نزد سلطان رفت. شاه نگاه تندى به وزیر کرد و از او پرسید: چرا دیر آمدی؟

وزیر با آرامش و اطمینان خاطر عرض کرد:

ای پادشاه! من بنده خداوندم و چاکر سلطان طغرل! تا از بندگی خدا فارغ نشوم، نمی‌توانم به وظایف چاکری پادشاه قیام کنم. گفتار محکم و پر از حقیقت وزیر، شاه را سخت تحت تأثیر قرار داد، به گونه‌ای که اشک در چشمانش حلقه زد. آنگاه سلطان به وزیر آفرین گفت و سفارش کرد که همواره به این روش ادامه بده و بندگی خدا را بر چاکری ما مقدم بدار، تا از برکت آن امور، کشور همواره به درستی اداره شود.

■ متن و محتوا (افناع اندیشه)

مهم‌ترین و اولین وصف هر انسانی عبودیت او است. عبودیت تاجی است که حقارت انسان را در برابر خالق هستی نشان می‌دهد. این وصف در همه انسان‌ها وجود دارد و کد شناسایی است که هر فردی با توجه به رابطه ابتدایی‌اش با مولا و صاحب حقیقی عالم هستی دریافت کرده است. در قرآن کریم می‌خوانیم:

«إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا؛ هیچ موجودی در آسمان‌ها و زمین نیست؛ مگر اینکه با عبودیت و بنده‌وار به محضر خدای مهربان آمده است.»

خداوند متعال، عبودیت را غایت و هدف خلقت انسان معرفی کرده و

می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ». اما عبودیتی که فقط از بنده بودن انسان و مالک بودن خداوند حکایت دارد، پایین‌ترین مرتبه عبودیت می‌باشد که ممکن است کسانی همچون «بشر بن حارث حافی» نیز آن را فراموش کنند؛ از این رو باید تمام زندگی خود را برای رسیدن به مراتب بالای عبودیت پیش ببریم. مثلاً هنگام ازدواج باید رابطه و نسبت ازدواج را با عبودیت سنجید و توجه داشت که ازدواج تأمین‌کننده بخشی از عبودیت است. همچنین باید سایر امور زندگی مانند درس خواندن، کار و تلاش، احترام به دیگران و رعایت حقوق آنان، تولی و تبیری را با نگاه به عبودیت انجام داد تا به بالاترین مرتبه عبودیت برسد که «یقین» می‌باشد: «وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ».

بنده‌ای که به یقین می‌رسد، خود را مالک چیزهایی که خدا به وی عطا کرده نمی‌داند؛ بلکه اموالش را مال خدا می‌داند و در همان طریقی که خدا فرموده به مصرف می‌رساند. علاوه بر آن، خود را در تدبیر امور ناتوان دانسته و همواره خود را به انجام اوامر و ترک نواهی خدا مشغول می‌دارد و اینجاست که سعادت واقعی نصیب چنین بنده‌ای می‌گردد.

راه رسیدن به مراتب بالای عبودیت (رفتار سازی)

یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای رسیدن به مراتب بالای عبودیت، صبر و استقامت در برابر آزمایش و ابتلائات الهی است.

حضرت ابراهیم (ع) از جمله کسانی است که خداوند حکیم او را به ابتلائات و امتحانات زیادی از جمله: «قیام در مقابل بت پرستان»، «به آتش افتادن»، «گذاشتن زن و فرزند در سرزمین خشک و بی‌آب و گیاه مکه» و «قربانی نمودن فرزندش اسماعیل (ع) مبتلا



“ بنده‌ای که به یقین می‌رسد، خود را مالک چیزهایی که خدا به وی عطا کرده نمی‌داند؛ بلکه اموالش را مال خدا می‌داند و در همان طریقی که خدا فرموده به مصرف می‌رساند ”

ساخت.

قرآن در آیه زیر به این آزمایش‌ها و پاداش آنها اشاره کرده است: «وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا؛ (به خاطر آورد) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود. و او به خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد. خداوند به او فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم.»

حضرت ابراهیم (ع) با سربلندی از این آزمایش‌ها بیرون آمد و به مراتب بالای عبودیت رسید، خداوند درباره او می‌فرماید: «إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ؛ ما او را شکیبایافتیم. چه بنده خوبی که بسیار بازگشت‌کننده (به سوی خدا) بود.»

در یکی از این ابتلاها، خداوند ابراهیم (ع) را مأمور کرد تا به دست خود، اسماعیل سیزده‌ساله‌اش را قربانی نماید. این، امتحان و آزمایشی بود برای او، تا مقدار صبر و تحملش در برابر فرمان الهی معلوم گردد و عطای پروردگار به او، از روی استحقاق و شایستگی باشد.

■ تحریک احساس

حضرت ابراهیم (ع) به اسماعیل (ع) گفت: پسر جان! من در خواب دیده‌ام که تو را قربانی می‌کنم، نظر تو در این باره چیست؟ گفت: پدر جان! به هر چه مأمور شده‌ای، عمل کن که ان‌شاءالله مرا از صابران خواهی یافت. سپس اسماعیل (ع) پدر را به این کار ترغیب کرد و گفت:

اکنون که تصمیم به کشتن من داری، دست و پایم را محکم ببند تا آن هنگام که کار بر گلویم می‌رسد، دست و پا نزنم، و از اجر و ثوابم کاسته نشود؛ زیرا مرگ سخت است و ترس آن دارم که هنگام احساس آن مضطرب شوم. دیگر آنکه کاردت را تیز کن و به سرعت بر گلویم بکش تا زودتر آسوده شوم. هنگامی که مرا بر زمین خوابانیدی، صورت مرا بر زمین بگذار و به یک طرف صورت مرا بر زمین خوابان؛ زیرا می‌ترسم چون نگاهت به صورت من بیفتد، حالت دگرگون شده و مانع انجام فرمان الهی گردد.

پیراهنت را هنگام کشیدن کارد بیرون آر، مبادا که از خون من چیزی بر

بریزد و مادرم آن را ببیند.

اگر مانعی ندیدی پیراهن مرا برای مادرم ببر، شاید برای تسلی خاطرش، وسیله مؤثری باشد و آلام درونی‌اش کم‌تر گردد.

پس از این سخن‌ها بود که ابراهیم (ع) به او گفت: به راستی ای فرزندم! تو برای انجام فرمان خدا نیکو باور و مددکار هستی.

ابراهیم (ع) فرزند را به محل قربانگاه آورد و کار در تیز کرده و دست و پای اسماعیل را بست و روی او را بر خاک نهاد و نگاه خود را به سوی آسمان دوخت، آنگاه کار در را بر گلویش نهاد و به حرکت درآورد؛ اما لبه کار در گشت و کند شد. تا چند مرتبه این مسئله تکرار گشت که ندای آسمانی آمد: «ای ابراهیم! (ع) حقا که رؤیای خویش را انجام دادی و مأموریتت را جامه عمل پوشاندی.»

سپس جبرئیل امین، گوسفندی را به عنوان فدای اسماعیل آورد و ابراهیم آن را قربانی کرد و این سنت برای حاجیان به جای ماند که هر ساله در منی قربانی انجام دهند.

از آنجا که شیوه برخورد ابراهیم (ع) و صبر و استقامت ایشان در برابر این آزمایش‌ها درس آموز است، خداوند در ادامه نقل جریان ذبح اسماعیل (ع) می‌فرماید: «وَوَكُنَّا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ؛ و نام نیک ابراهیم را در امت‌های بعد باقی نهادیم.»

آری، خداوند حکیم، همهٔ انسان‌ها، حتی پیامبرانش را با نیکویی و نعمت‌ها و ناخوشی‌ها مبتلا می‌سازد تا به سوی او بازگردند و گوهر عبودیت را در خود کشف کنند و مورد بهره‌برداری قرار دهند و خطاب به همهٔ انسان‌ها می‌فرماید: «أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؛ آیا مردم گمان کردند به حال خود رها می‌گردند و آزمایش نمی‌شوند؟»

و در آیه دیگری می‌فرماید: «وَوَلَّوْنَاَهُم بِالْأَحْسَنَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ؛ آنان را با نیکویی‌ها و تلخی‌ها مبتلا می‌کنیم تا به سوی ما بازگردند.»

بنابر آیات پیشین، سنت آزمایش الهی از نظر زمان و مکان، مخصوص دوره و زمان خاصی نیست یا به منطقه و کشوری محدود نمی‌شود؛ بلکه ساکنان نقاط دیگر نیز مورد آزمایش و امتحان الهی قرار می‌گیرند و تا روزی که دنیا وجود دارد و در آن نوع بشر زندگی می‌کند، آزمایش الهی هم برقرار است. البته نوع امتحان‌ها مختلف می‌باشد و ممکن است فردی در جهتی آزمایش شود و دیگری در جهتی غیر از آن.

بنابراین رمز رسیدن به درجات بالای عبودیت، پیروزی و موفقیت در آزمایش و ابتلائات الهی است.

صلای عشق جانان بی‌بلان نیست

زمانی بی‌بلا بودن روان نیست

اگر صد تیر بر جان تو آید

چو تیر از شست او باشد خطا نیست

از آنجا هر چه آید راست آید

تو کژ منگر که کژ دیدن روان نیست

سر مویی نمی‌دانی از این سر

تو را گر در سر مویی رضای نیست

بلاکش تالقای دوست بینی

که مرد بی‌بلا مرد لقا نیست



۶۶
بنابر آیات
پیشین، سنت
آزمایش الهی
از نظر زمان و
مکان، مخصوص
دوره و زمان
خاصی نیست
یا به منطقه و
کشوری محدود
نمی‌شود؛ بلکه
ساکنان نقاط
دیگر نیز مورد
آزمایش و
امتحان الهی
قرار می‌گیرند

خانه‌ای سر مست از رایحه مهدوی

ملاک‌ها و معیارهای ایجاد خانواده مهدوی باور

توحید است: «يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا». هدف ظهور این است که همه، خدا را ببینند: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ» ظهور، رغبت به سوی خدا است. هر چه انسان توحیدی تر شود، پیوندش با خلق بیشتر می‌شود؛ چون وجود حق، رحمت و واسع است، و همین وصف را حضرت حجت نیز دارند؛ چه اینکه در زیارت آل یاسین می‌خوانیم: «و رحمة الواسعة». هر چه انسان به امام نزدیک‌تر باشد، می‌تواند دیگران را بهتر ببیند. برای همین بهترین افسراد، در خانواده مهدوی پرورش می‌یابند و عملاً فرد منتظر پیوند خانوادگی‌اش بسیار بالا است. پسری که عاشق امام زمان است، در کنار خانواده و جمع بودن، برای او رشد است. آسیب جدی مهدویت این است که ما مهدویت را در عزلت دیدیم. یکی از اولیا چله گرفت تا امام را ببیند، ولی موفق نشد. به آیت‌الله سید علی قاضی نامه نوشت و علت را جویا شد. ایشان در جواب نامه او نوشتند: با این اخلاقت می‌خواهی امام زمان را ببینی؟ آن شخص می‌گوید: یک موقعی هوا گرم بود و من خسته بودم. خوابیدم، بچه‌ها سر و صدا کردند. از خواب پریدم و سر بچه‌ها داد زدم. فهمیدم تندی من همه چله‌هایم را خراب کرد. از این قضیه نتیجه می‌گیریم که امام زمان در مسئله اخلاق در خانواده دقیق و حساس هستند. فردگرایی دور کننده انسان از امام است. شاخص اول زندگی مهدوی خودگرا نبودن در ارتباط با همه است.

■ مودت و رحمت در خانواده

در نظام زندگی باید مودت داشت. مودت محبتی است که همراه با عمل باشد. خدا در مورد خودش می‌گوید: «من رحمت هستم»، در مورد ارتباط با اهل بیت می‌گوید: «مودت داشته باشید»؛ اما در نظام زندگی بین زن و شوهر، هم مودت برقرار است و هم رحمت. جالب است که خدا بحث رحمت را در وصف خودش می‌آورد و مودت را در ارتباط ما با اهل بیت؛ ولی در نظام خانواده هر دو را مطرح می‌سازد: «مَوْمِنًا يَاتَهُ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً».

■ رحمت

رحمت یعنی توجه یک طرفه و بدون توقع. مودت نیز محبت همراه با عمل است. رحمت یعنی کسی به دیگری لطف کند و هیچ توقعی نداشته باشد. جالب است که این وصف در مورد خدا، امام زمان، و زن و شوهر آمده است؛ یعنی محبت در خانواده باید بدون توقع باشد. خدا می‌گوید من بدون هیچ توقعی به شما توجه می‌کنم، اگر هم می‌گوییم عبادت کنید، برای خودتان می‌گوییم. امام هم نور ساطعی است که هیچ توقعی ندارد. در نظام زندگی باید رحمت جاری باشد. زندگی مهدوی که صفات امام در آن حاکم است، یک زندگی پر از رحمت است؛ زیرا امام زمان تجلی رحمت خدا است. قرآن می‌گوید: «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ». امام زمان نیز می‌فرماید: «أنا تلك الرحمة». انسان مهدوی چون به امام زمان نزدیک است، وجودش مالا مال از رحمت است و از

■ زندگی مهدوی

سبک زندگی مهدوی یک روش پایدار در ساحت‌های نفسانی و تعاملات اجتماعی برای رسیدن به اهداف امام عصر است. یعنی فرد یک روش پایدار نسبت به خود و دیگران در پیش بگیرد برای اینکه بداند دغدغه امامش چیست. تفاوت زندگی مهدوی با بقیه زندگی‌ها در این است که در زندگی مهدوی دغدغه و هدف فرد، دغدغه و هدف امام می‌شود.

محمدصادق کفیل
معاون آموزش و پژوهش
بنیاد فرهنگی
مهدوی موعود (عج)

■ دغدغه و هدف امام چیست؟

دغدغه امام ایجاد جامعه توحیدی و تبدیل تمدن فردگرا و خودگرا به تمدن خداگرای است. غرض از زندگی سعادت است. دغدغه امام هم این است که این سعادت و پیشرفت و رشد برای عالم بشری رخ دهد. اگر کسی دغدغه‌اش دغدغه امام شد، به سعادت رسیده است. برای اینکه این اتفاق رخ دهد، باید چه کنیم؟ دغدغه امام دغدغه ظهور است، دغدغه ما هم باید دغدغه ظهور شود. مهم‌ترین خواسته امام در زندگی‌شان حرکت به سمت ظهور است. انسان منتظر هم چون با منتظر سنخیت پیدا می‌کند، دغدغه‌اش دغدغه ظهور می‌شود.

■ حذف خود

اولین گام انتظار، حذف خود است؛ یعنی کسی می‌تواند بر اساس یک دغدغه توحیدی حرکت کند که خودگرا نباشد. مشکل مادر نظام خانواده، در تعامل بین زن و شوهر، پدر و مادر و فرزند این است که همه خودگرا هستند و دنبال نفع شخصی می‌گردند و این همان الگو گرفتن از تمدن غرب است. شاخصه اول فرد منتظر، دگربینی و جامعه‌بینی است. مسجد جایگاه دگربینی است؛ چرا که انسان از ورود به مسجد تا خروج از آن، جمع را می‌بیند؛ لذا بهترین جایگاه برای ایجاد زندگی مهدوی مساجد است. زندگی مهدوی زندگی دسته‌جمعی است و مسجد بهترین مکان برای تمرین با هم بودن است. شاید بتوانیم بگوییم مهم‌ترین عامل تأخیر در فرج امام زمان، ناتوانی ما در تشکیل زندگی دسته‌جمعی مطلوب است. پویا نبودن در این موضوع موجب تأخیر در فرج است؛ چون امام می‌گویند: «بِنَا يُؤَلَّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِ الْعِبَادِ؛ به واسطه ما، خدا بین دل‌های پندگاران الفت ایجاد می‌کند». همچنین در دعای ندبه می‌گوییم: «أَيُّ مُؤَلَّفٍ شَمِلُ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا»؛ امام کسی است که همه پراکندی‌ها را جمع می‌کند. اصلاً زیبایی ظهور، به اجتماع مؤمنان است. در وصف ظهور آمده که در آن روز کینه از دل‌ها می‌رود؛ زیرا انسان‌ها دگربین می‌شوند و همه را می‌بینند، و نمی‌توانند با دیگری اختلاف داشته باشند.

■ خانواده مهدوی

شاخص اول خانواده مهدوی توحید است؛ زیرا هدف ظهور، فراگیر شدن



منبر

“ گام نخست در زندگی مهدوی جاری ساختن اهداف ظهور است. باید ببینیم امام زمان بعد از حکومت چه می‌کنند، ما هم همان کار را انجام دهیم ”



“
اگر بخواهیم
زندگی مان
زندگی مطلوبی
باشد، باید امید
داشته باشیم.
دغدغه مهم ما
در زندگی تغییر
است؛ یعنی هم
خودمان و هم
دیگران را عوض
کنیم
”

به خودمان می‌گوییم: من می‌توانم رهبر حکومت امام زمان شوم، من می‌توانم در حکومت زمان رهبری کنم.

■ جاری کردن اهداف حکومت مهدوی

گام نخست در زندگی مهدوی جاری ساختن اهداف ظهور است. باید ببینیم امام زمان بعد از حکومت چه می‌کنند، ما هم همان کار را انجام دهیم. در روایت داریم: «المهدی جواد بالمال؛ حضرت مهدی بخشنده است». وجود امام زمان بخشنده است و همه اهل بیت همین گونه بوده‌اند. انسان منتظر، بخشنده است و سیره مهدوی را در زندگی‌اش جاری می‌سازد. امام در مدل مدیریتی عدالت‌محور، دین‌مدار و امنیت‌گرا است. «شدید علی العمال و رحیم بالمساکین» است. کسی که می‌خواهد زندگی‌اش مهدوی باشد، باید سیره امام را در حکومتش بداند و همان صفات را در زندگی‌اش عملی سازد. انسانی که رزقش را به واسطه زن و فرزند جلب می‌کند، نسبت به آنها بخشنده می‌شود؛ پس انسان سخت‌گیر مهدوی نیست.

بر اساس آیه ۴۱ سوره حج، حکومت حضرت چهار شاخصه دارد: «الَّذِينَ
إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا
عَنِ الْمُنْكَرِ». این چهار وصف در وجود شخص منتظر، زنده است و محور
آنها دین‌مداری است.

کسی توقع ندارد. وقتی افراد جامعه از یکدیگر توقع نداشته باشند، با هم نزاع نمی‌کنند. توقعات ریشه تمام نزاع‌های خانوادگی است. وقتی این توقعات حذف شود، نزاع‌ها حل می‌شود.

■ نقش امید در خانواده

اگر بخواهیم زندگی مان زندگی مطلوبی باشد، باید امید داشته باشیم. دغدغه مهم مادر زندگی تغییر است؛ یعنی هم خودمان و هم دیگران را عوض کنیم. در زندگی مهدوی هر کسی که با دیگری برخورد می‌کند، دغدغه‌اش تغییر است و اصلاً نظام زندگی بر اساس تغییر است. انسان از رکود نگران می‌شود. برای حل رکود، باید پویا بود و امید رمز پویایی است؛ چنان‌که وجود نورانی امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «كُلُّ مَنْ رَجَا عُرْفَ رَجَاؤُهُ فِي عَمَلِهِ، هَر كَسْ كَهْ آمِيْد دَاشْتَه بَاشْد، آمِيْد اَو دَر عَمَلْش نَمَایَانِ اسْت». بهترین راهکار برای تغییر دیگران، ایجاد انرژی مثبت در وجود آنان است. اگر اعضای خانواده بخواهند همدیگر را عوض کنند و به هم امید دهند، ابتدا ویژگی‌های مثبت را بیان کنند، سپس نقد خود را بیان دارند. دیدن خوبی‌ها مقدمه رشد است. امام زمان این روحیه را به همه ما داده‌اند. در دعاها، علاوه بر فرج ایشان، برای خودمان هم دعا می‌کنیم و می‌گوییم: «وَجَعَلْنَا فِيهَا مِنَ الدَّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ». نقش مادر دوران ظهور، رهبری است. پس هر صبح



منبر

مَنْ كَانَ بَاتَ عَلَيَّ فِرَاشِ مُحَمَّدٍ؟

امیر مؤمنان در آینه شعر حسان

حسان بن ثابت

سید عباس
مرتضوی

خاندان حسان، خاندان شعر بودند؛ چنان که مرزبانی در معجم الشعراء از دعبیل و مبرد نقل می کند که گفته اند: ریشه دارترین مردم در شعر خاندان حسان بودند. حسان بن ثابت هشت سال قبل از ولادت پیامبر اکرم (ص) در چنین خاندانی دیده به جهان گشود.

در زمان پیامبر اکرم (ص) حسان شاعر اسلام و زبان گویای مسلمین بود. حضرت برای او در مسجد منبری قرار می داد و حسان بر آن ایستاده و مدح پیامبر می کرد. حضرت رسول (ص) می فرمودند: «همانا خداوند حسان را با روح القدس تأیید می کند تا هنگامی که از رسول خدا دفاع کند».

حسان بن ثابت عمر زیادی کرد و در سال ۵۵ هجری در ۱۲۰ سالگی چشم از جهان فرو بست.

حسان بن ثابت که اولین شاعر غدیر است، اشعار بسیاری در بیان فضائل و مدح امیرالمؤمنین (علیه السلام) سروده؛ چنان که مرحوم علامه امینی در کتاب الغدیر گفته است: دست تحریف دیوان ها و کتاب های شعر حسان را مورد هجوم قرار داده و بسیاری از اشعار حذف یا تحریف شده است.

با این حال با نگاهی به کتاب های معتبر اهل سنت، اشعاری که بیان گر فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام) است و بر زبان حسان جاری شده، به دست می آید. علامه امینی در جلد سوم الغدیر بعضی از آن اشعار را ذکر کرده است که یک مورد آن را بررسی می کنیم.



جَزَى اللَّهُ خَيْرًا وَالْجَزَاءُ بِكَفِّهِ
أَبَا حَسَنٍ عَنَا وَمَنْ كَأَبِي حَسَنٍ
خدا جزای خیر دهد و جزا دادن در دست او است
از ما ابا حسن را و چه کسی مانند ابا حسن است؟
سَبَقَتْ قَرِيْشًا بِالَّذِي أَنْتَ أَهْلُهُ
فَصَدْرُكَ مَشْرُوحٌ وَقَلْبُكَ مُمْتَحَنٌ
از قریش پیشی گرفتی در آن چیزی که تو اهل آن هستی
پس سینهات فراخ و قلب تو امتحان شده است

توضیح

جمله «فصدرک مشروح» اشاره است به آیه مبارکه: «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّنْ رَبِّهِ؛ أَيَا كَسَىٰ كَمَا خَدَا سِينَهُ أَوْ رَأَىٰ لِلْإِسْلَامِ غَشَادَةً وَرَأَىٰ نُورًا مِّنْ رَبِّهِ» (زمر: ۲۲) در منابع اهل سنت نیز وارد شده که این آیه در حق امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حضرت حمزه سید الشهداء نازل شده؛ چنان که محب الدین طبری در کتاب الریاض النضره، ج ۲، ص ۲۷۰، نقل کرده است.

جمله «قَلْبُكَ مُمْتَحَنٌ» اشاره است به روایت نبوی که در حق امیرالمؤمنین (علیه السلام) وارد شده: «إِنَّهُ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ بِالْإِيمَانِ؛ هَمَانَا خَدَاوَنَد قَلْبَ أَوْ رَأَىٰ إِيْمَانَ امْتِحَانٍ كَرْدٌ». عده زیادی از علمای عامه این حدیث را نقل کرده اند.

ابن جوزی حنفی در کتاب تذکرة الخواص این شعر حسان بن ثابت را در شأن امیر المؤمنین (علیه السلام) ذکر می‌کند:

مَنْ ذَا بِخَاتَمِهِ تَصَدَّقَ رَاكِعاً
وَأَسْرَهَا فِي نَفْسِهِ اسْرَاراً

چه کسی در حال رکوع انگشترش را صدقه داد و آن را نزد خود به عنوان راز نگاه داشت.

مَنْ كَانَ بَاتَ عَلَى فِرَاشِ مُحَمَّدٍ؟
وَمُحَمَّدٌ أُسْرَى يَوْمَ الْغَارَا

چه کسی بود که در بستر رسول خدا قرار گرفت

و پیامبر سیر کرد به سوی غار؟

مَنْ كَانَ فِي الْقُرْآنِ سَمَى مُؤْمِناً

فِي تِسْعِ آيَاتٍ تَلِينُ غَزَارَا

چه کسی در نه آیه از قرآن مؤمن نامیده شد؟

توضیح

در بیت اول شاعر به بخشیدن انگشتر توسط امیر المؤمنین (علیه السلام) در حال رکوع اشاره می‌کند. پس از این کار آیه ۵۵ سوره مائده در شأن ایشان نازل شد.

در بیت دوم حسان بن ثابت به ليله المبيت اشاره می‌کند که در مورد این جانفشانی امیر المؤمنین (علیه السلام) آیه ۲۰۷ سوره بقره نازل شد. در بیت سوم شاعر به آیاتی اشاره دارد که طبق تفسیر عامه نیز امیر المؤمنین (علیه السلام) در آن آیات مؤمن نامیده شده است. ما آن آیات را آورده و به طور مختصر منابع عامه را نیز ذکر می‌کنیم:

۱. «أفمن كان مؤمناً كمن كان فاسقاً لا يستون». سجده: ۱۸. - طبرسی، تفسیر جامع البیان، ج ۱۱ و ج ۲۱، ص ۱۰۷.
- الأغانی، ج ۵، ص ۱۵۳.
۲. «هو الذي أيدك بنصره وبالمؤمنين». أنفال: ۶۲. - ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۲، ص ۳۰۷.
- سیوطی، در الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۰۰.
۳. «يا أيها النبي حسبك الله ومن اتبعك من المؤمنين». أنفال: ۶۴. - علامه امینی در کتاب الغدیر، ج ۳، ص ۱۹۰ از کتاب فضائل الصحابه نوشته حافظ ابونعیم نقل کرده که این آیه در حق علی (علیه السلام) نازل شده است.
۴. «من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه ومنهم من ينتظر وما بدلوا تبديلاً». أحزاب: ۲۳. - خوارزمی، المناقب، ص ۲۷۹، ج ۲۷۰.
- ابن حجر، الصواعق المحرقة، ص ۱۳۴.
۵. «انما وليکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه و یؤتون الزکوة و هم راکعون». مائده: ۵۵. - جامع البیان، ج ۶، ص ۲۸۸.
- التفسیر الکبیر، ج ۱۲، ص ۲۶.
۶. «أجعلتم سقایة الحاج وعنارة المسجد الحرام کمن آمن بالله والیوم الآخر وجاهد فی سبیل الله لا یستون عند الله». توبه: ۱۹. - جامع البیان، ج ۱۰، ص ۹۵.
- التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۱۱.
۷. «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا». مریم: ۹۶. - الکشف والبیان، ص ۱۹.
- فرائد السمطین، ج ۱، ص ۷۹، ح ۵۰-۵۱.
۸. «أم حسب الذین اجترحو السینات أن نجعلهم کالذین آمنوا و عملوا الصالحات». جائیه: ۲۱. - تذکرة الخواص، ص ۱۷.
- کفایة الطالب، ص ۲۴۷، باب ۶۲.
۹. «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریة». بینه: ۷. - جامع البیان، ج ۳۰، ص ۲۶۴.
- مناقب الخوارزمی، ص ۱۱، ح ۱۲۰ و ص ۲۶۵، ج ۲۴۷.



أَلَسَتْ أَخَاهُ فِي الْهُدَى وَوَصِيَّهُ
وَأَعْلَمَ فِهْرَ بِالْكِتَابِ وَالسَّنَنِ
أَيَا تُوْنِيَسْتِي بَرَادِرِ رَسُوْلِ خُدَا
دِرْ هِدَايَتِكُرِّي وَوَصِيَّ او
دَانَا تَرِيْنِ اَزْ خَانْدَانِ فِهْرِ بَهْ كِتَابِ
وَ سَنْتِهَا (فِهْرِ نَامِ يَكِي اَزْ اَجْدَادِ
پِيَامْبِرِ وَ بَنِي هَاشِمِ اسْت).

توضیح
در مصرع اول شاعر به حدیث مواخات و برادری پیامبر و حضرت علی (علیهما السلام) اشاره می‌کند و در مصرع دوم به علم ایشان و اینکه اعلم از بقیه به کتاب و سنن هستند که در کتاب‌های حدیثی به طور وافر این مضمون یافت می‌شود؛ مانند:
گنجی در کتاب کفایة الطالب، ص ۳۳۲، باب ۹۴، نقل می‌کند که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «أَعْلَمُ أُمَّتِي بِالسُّنَّةِ وَالْقَضَاءِ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ؛ دَانَا تَرِيْنِ اَمْتِ مَن بَهْ سَنْتِ وَ قَضَاءِ بَعْدِ اَزْ مَن، عَلِي بِنِ ابِي طَالِبِ اسْت.»

برگرفته از کتاب نیایش در عرفات
اثر حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی

کَهفِ حَاصِن

برداشت‌هایی از دعای عرفه

کتاب «نیایش در عرفات» تألیف مرجع عالی‌قدر حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دام‌ظله) دارای نکات کلیدی در شرح دعای عرفه امام حسین (علیه السلام) است که برای اجرای مراسم دعای عرفه بسیار سودمند است. محور اصلی کتاب، پیرامون ده بخش از بخش‌های مشحون به معارف توحیدی نیایش سید الشهداء (علیه السلام) در روز عرفه است که با آن حال سراسر خلوص، توجه و چشم‌گریبان انشاء و قرائت فرمود.

تنظیم
حسین دهلان



«ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَأَغْفِرْهَا لِي أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ...
فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي».

از این جمله‌ها، پس از آنکه خدا را به اوصاف و اسمای حسنايش به وسیله جمله‌های مربوط به معرفه‌الله شناختیم، خود را می‌شناسیم و موضع و موقعیت خود را در برابر خدا و این همه نعمت‌ها زیر نظر قرار می‌دهیم. این خودشناسی اگر برای انسان خداشناس حاصل شود، اساس کمال، سیر و ترقی به سوی ملکوت‌اعلی و قرب باری تعالی است. در این سیر آگاهانه انسان متوجه است که همه توفیقات و خیرات، همه نعمت‌ها و هر چه دارد، همه از او است و باید از او مدد بخواهد و او را بپرستد. غیر از او همه به او محتاج و نیازمندند و او ستار العیوب و غفار الذنوب است.

ای مرهم سینه‌ها به صد غم‌خواری
از ما همه زلت و ز تو غفاری
رسوای دو عالم به یقین خواهیم بود
گر پرده لطفت نکند ستاری

«يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ...
يَا رَبِّ يَا رَبِّ».

این چند جمله را در حال تضرع با صدای بلند به درگاه خداوند سبحان عرض می‌کرد و سر و چشم مبارکش را به سوی آسمان بلند کرده بود و مانند دو مُشک از دیدگان مبارکش اشک جاری بود.

یکی از حالات بسیار مغتنم و ارزشمند در مقام دعا، گریه و زاری، و بی‌قراری به خاطر دوری از درگاه انس حضرت باری (عز اسمه) و محروم بودن از عنایات خاصه او است که هر چه بنده بیشتر نزدیک شود و قربش زیادتر باشد، بی‌قراری‌اش بیشتر و آتش شوق و اشتیاقش به حضور زیادتر و به تقرب افزون‌تر و روشن‌تر می‌شود. در عین وصال، باز هم خود را در فراق می‌بیند و در آتش آن می‌سوزد و از این احساس لذت می‌برد و وصال و اتصالش را بیشتر می‌سازد.

آن که به واسطه نداشتن معرفت از لذت سوختن در آتش فراق و گریه و زاری و اظهار شوق به وصال بیشتر محروم است، این معانی را نمی‌فهمد و بسا که به آن حالت رذیله بُعد و دوری - که از ذلّ حالات است - دل خوش کند و به این جهل بزرگ و بنیادی، خشنود باشد و نمی‌داند که:

اسیر لذت تن مانده‌ای و گرنه تو را
چه عیش‌هاست که در ملک جهان مهیا نیست

«لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ».

به قضا و قدر الهی باید ایمان داشت؛ چنان‌که به تأثیر دعا، صدقه، صلّه و رحم و امور دیگر نیز ایمان داریم؛ اگر چه تفصیل و ارتباطات کامل این امور و مخصوصاً قضا و قدر بر ما مخفی است. بشر در عین حالی که مختار است و اسباب و وسایل مادی را استخدام کرده و به کار می‌گیرد، باید به خدا اعتماد داشته باشد و همیشه از او کمک بخواهد و منصرف از او نباشد و به فراهم بودن اسباب مغرور نگردد و غافل از خدا نشود که در بسیاری از موارد با اینکه انسان اسباب امری را فراهم می‌نماید و در نظرش حصول نتیجه قطعی است، ناگهان وضع به هم می‌خورد و نتیجه حاصل نمی‌شود و همه زحمت‌هایی ثمر می‌گردد.

«يَا مَنْ عَفَا عَنِ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحَلْمِهِ يَا مَنْ اسْبَغَ النِّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ...».

در این بخش مطالب و معارف بسیار بیان شده که معرفت آنها در کمال روح و آرامش جان و تربیت انسان و رشد قوای فکری و ایمانی، بسیار مؤثر و آموزنده و در عین حال لذت‌بخش و روح‌پرور است. خدا را به اوصافی توصیف می‌نماید که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- با حلمش، از گناهان بزرگ عفو می‌فرماید.

- با فضلش، نعمت‌ها را تمام و کامل می‌کند.

- کَهِف و پناهگاه است؛ هر گاه که راه‌ها با همه وسعت بر انسان بسته شود و از سلوک آنها عاجز گردد و زمین با آن گستردگی بر او تنگ شود که اگر رحمتش نباشد، شخص از اهل هلاک خواهد بود.

«يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ... وَإِنْ تَعَفُّ عَنِّي فَبِحَلْمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ».

به این بخش از این لحاظ توجه می‌کنیم که متضمن بیان بعضی شئون الوهیت و ربوبیت خداوند متعال و بعضی حالات فقر و احتیاج بنده به او و عرض ذلت، حقارت و ضراحت به درگاه خداوند قادر قاهر بی‌نیاز، و تذکار نعمت‌های خدای رب العالمین بی‌نیاز، به این بنده محتاج است؛ تا حدی که هر چه لازم بوده و لازم داشته، به او عطا کرده و تادریه‌ای به او لیاقت داده که بتواند در عالم تکوین، تصرف نماید و عامل مشیة‌الله گردد و به شنوایی الهی بشنود، به بینایی حق ببیند و به گوئی خدا بگوید.

زبانش زبان حق، دستش دست حق، و چشمش چشم حق شود و مصداق آیه هفده سوره انفال گردد:

«وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى».

“ یکی از حالات بسیار مغتنم و ارزشمند در مقام دعا، گریه و زاری، و بی‌قراری به خاطر دوری از درگاه انس حضرت باری (عز اسمه) و محروم بودن از عنایات خاصه او است

ایده‌های تبلیغی در دهه ولایت

مجید
جعفریور

انسان، در پی هر فضیلتی که باشد، بهترین آن را در غدیر می‌یابد؛ از این رو تمام انسان‌های فضیلت‌جو، باید مبلغ غدیر باشند. مبلغ غدیر بودن، تکلیفی است که پیامبر خاتم بر دوش همه مسلمانان گذاشته است. آن حضرت در روز غدیر فرمودند: «فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ، وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ [این سخن را] حاضران به غایبان، و پدران به فرزندان تا بر پایی رستاخیز برسانند». در احادیث اهل بیت: دستورهای اجتماعی و فردی ویژه‌ای برای عید غدیر وارد شده است که می‌توان در آن فهرستی از ایده‌های تبلیغی را ارائه داد.

آداب اجتماعی بر اساس روایات

۱. جشن گرفتن؛ ۲. اظهار سُرور؛ ۳. تبریک گفتن به مؤمنان؛ ۴. هدیه دادن؛ ۵. دیدار با مؤمنان؛ ۶. صلح رحم و ملاقات بستگان؛ ۷. توسعه بر خانواده؛ ۸. انفاق در راه خدا؛ ۹. لباس نو پوشیدن؛ ۱۰. زینت کردن؛ ۱۱. اطعام دادن؛ ۱۲. افطار دادن؛ ۱۳. بر آوردن حاجات مؤمنین؛ ۱۴. عقد اخوت.

آداب فردی بر اساس روایات

۱. بسیار صلوات فرستادن؛ ۲. لعن بر دشمنان اهل بیت و پراشت از آنها؛ ۳. خواندن دعای ندبه؛ ۴. زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) از دور و نزدیک (مخصوصاً زیارت غدیریه)؛ ۵. شکر خداوند بر نعمت بزرگ ولایت؛ ۶. خواندن نماز مخصوص روز غدیر؛ ۷. خواندن دعاهاى مخصوص روز غدیر که در مفاتیح الجنان و کتاب‌های دیگر ذکر شده است؛ ۸. غسل؛ ۹. روزه گرفتن.

منابع

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق محمدباقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۲. علی بن موسی ابن طاووس، إقبال الأعمال، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۹ ق.
۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۴. تاج‌الدین محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، نجف: مطبعة الحیدریه، بی‌تا.
۵. محدث نورى، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ ق.
۶. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشده‌ای، قم: آیین دانش، ۱۳۸۷.

۲. قرائت زیارت غدیریه

زیارت غدیریه که از امام هادی (علیه السلام) نقل شده، یک دور امام‌علی‌شناسی است. در این زیارت ۱۳۵ فضیلت از فضائل امیرالمؤمنین آمده است. خواندن این زیارت و بیان فضائل مولا عامل مؤثری در آشنا کردن مردم با فضیلت‌های آن حضرت خواهد بود.

۳. برپایی سفره افطار غدیر

بر اساس سخنان امامان معصوم: که برای افطاری دادن روز غدیر ثواب زیادی نقل کرده‌اند، مناسب است ولایت‌مداران این سفره افطاری را برای مؤمنین در مسجد تهیه کنند.

۱. تشویق و اقامه نماز روز غدیر

نماز روز غدیر از جمله نمازهایی است که ثواب زیادی برای آن نقل شده است. جا دارد امامان جماعت، هر یک در مسجد خود این نماز را برپا کنند.

۵. مسابقات فرهنگی غدیر

یکی از راه‌های جذاب کردن مراسم جشن غدیر، برگزاری مسابقات فرهنگی است؛ مسابقاتی همچون: قرآن، تواشیح، مقاله‌نویسی، روزنامه‌دیواری، خطاطی، نقاشی، شعر و سرود. ناگفته نماند که موضوعات باید بر اساس مقاطع سنی افراد فرق کند.

۶. برپایی نمایشگاه غدیر

یکی دیگر از راه‌های زیبا بر پا کردن مراسم جشن غدیر، برگزاری نمایشگاه با موضوعات مرتبط با این عید است؛ موضوعاتی همچون: آیات غدیر، غدیر در آینه روایات، پاسخ به شبهات غدیر، کتب غدیر و کودکان غدیر.

۴. برپایی کاروان شادی غدیریان

همچنان که در ایام حزن و اندوه اهل بیت: دسته عزیزی برپا می‌شود، شایسته است در روز عید غدیر با در دست داشتن گل و خواندن سرود و مولودی، کاروان شادی برپا شود.

۸. قرائت خطبه غدیر

خطبه غدیر، سند گویای ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، به صورت حدیثی متواتر نقل شده است. خواندن متن و ترجمه آن، مردم را با معارف غدیر بیشتر آشنا می‌سازد. قابل ذکر است که از امیرالمؤمنین و امام رضا (علیهم السلام)، خطبه‌ای در روز غدیر نقل شده که دارای مباحثی بسیار عمیق و آموزنده است.

۷. بزرگداشت و احترام به سادات

رسول خدا فرمود: «چهار نفر در روز قیامت مورد شفاعت من هستند اگر چه گناهان اهل دنیا را آورده باشند: ۱. فرزندان (شایسته) من؛ ۲. برآورنده‌کننده حاجت‌های سادات؛ ۳. کسانی که در وقت اضطرار به یاری سادات می‌شتابند؛ ۴. دوست‌دارنده سادات به دل و زبان». روش بزرگان و علمائیز احترام فوق‌العاده به سادات و فرزندان پیامبر بوده است؛ به گونه‌ای که این احترام را گامی مؤثر و پیش‌برنده در سیر و سلوک معنوی خویش می‌دانستند.

سوژه‌های سخنرانی ماه ذی‌الحجه



منبر

امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً يُرِيدُ مَالَهَا الْجَاهُ اللَّهُ إِلَيَّ ذَلِكَ الْمَالُ».

کم‌صبری

علت توفیقات معنوی مرحوم حاج سید هاشم حداد که یک عارف و سالک بود، تحمل سختی‌ها و شکنجه‌هایی بود که خانواده و مادرزنش به او می‌دادند.

مرحوم آقای انصاری همدانی نیز چنین بودند. همسر ایشان سم خورد تا کشته شود و شوهرش رازندان بیندازند یا اعدام کنند؛ اما مرحوم آقای انصاری متوجه می‌شود و ایشان را مداوا می‌کنند. برادرزن‌هایش به ایشان گفتند: خواهرمان شما را خیلی شکنجه می‌دهد، اگر اجازه بدهید طلاق بگیریم. ایشان فرمودند: من خواهرتان را تحمل می‌کنم، اما شما او را تحمل نمی‌کنید، اذیتش می‌کنید و او را می‌زنید. نقل کرده‌اند که ایشان حتی بعد از مرگ همسرش برای او دعا می‌کرد که: خدایا عذابت را از خانم من بردار.

مناسبت: سالروز ازدواج امیرالمؤمنین و حضرت زهرا (علیهما السلام)

آیه: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَانِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ».

روایت:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نَصْفَ دِينِهِ». امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ أَسَاءَ بِاللَّهِ الظَّنَّ».

امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَشَكَأَ إِلَيْهِ الْحَاجَةَ فَقَالَ تَزَوَّجْ فَتَزَوَّجَ فَوَسَّعَ عَلَيْهِ».

آسیب‌های ازدواج

مهریه سنگین

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «خَيْرُ النِّكَاحِ أَيْسَرُهُ». **شغل و ثروت**

مناسبت: عید قربان

آثار قربانی

ابی بصیر از امام صادق (علیه السلام) درباره علت قربانی کردن پرسید. ایشان فرمودند: «إِنَّهُ يُغْفَرُ لِصَاحِبِهَا عِنْدَ أَوَّلِ قَطْرَةٍ تَقْطُرُ مِنْ دَمِهَا عَلَى الْأَرْضِ وَيَعْلَمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ يَتَّقِيهِ بِالْغَيْبِ».

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ إِطْعَامَ الطَّعَامِ وَإِرَاقَةَ الدَّمَاءِ».

قربانی در قرآن

دستور به قربانی: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحِرْ؛ پس نماز بخوان برای پروردگارت و ذبح کن».

پدیریش و عدم پذیرش قربانی: «وَأَنْتَلِ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ».

سیره علمادر قربانی کردن

آیت الله مسعودی می‌گوید: «دو سه مرتبه در بحبوحه نهضت ۴۱ یا ۴۲، آقای بهجت (رحمه الله علیه) به من فرمودند که: شما به آقای خمینی (رحمه الله علیه) بگویید فردا صبح ساعت فلان دور آس گوسفند قربانی کند. من می‌آدمم به امام (رحمه الله علیه) اطلاع می‌دادم، ایشان هم بلافاصله به من می‌گفت: شما به قصاب بگویید دور آس گوسفند از طرف ماقربانی کند، بعد پولشان را می‌دهیم. بار دیگر نیز آقای بهجت (رحمه الله علیه) به من پیغام داد که به امام بگوییم: سه رأس گوسفند قربانی کند، آقا هم بلافاصله دستور داد سه رأس قربانی کنند. این‌ها همه مسائلی بود که بین امام و آیت‌الله بهجت (رحمه الله علیه) بود و مافقط ظواهرش را می‌دیدیم و از باطنش اطلاع نداشتیم».

مناسبت روز خانواده

راهکارهای تحکیم خانواده

خوش اخلاقی

قرآن کریم می‌فرماید: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ».

امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ زَوْجَتِهِ».

رعایت احترام یکدیگر

همسر شهید مطهری (ره) می‌گوید: یک بار برای دیدن دخترم به اصفهان رفته بودم و بعد از چند روزی با یکی از دوستانم به تهران برگشتم. نزدیکی‌های سحر بود که به خانه رسیدم. وقتی وارد خانه شدم، دیدم همه بچه‌ها خواب هستند، ولی آقا بیدار است. جای حاضر کرده بودند، میوه و شیرینی چیده بودند و منتظر من بودند. دوستم از دیدن این منظره بسیار تعجب کرد و گفت: همه روحانیون این قدر خوب هستند! بعد از سلام و علیک، وقتی آقا دیدند بچه‌ها هنوز خواب‌اند، با تأثر به من گفتند: می‌ترسم یک وقت من نباشم و شما از سفر بیایید و کسی نباشد که به استقبالتان بیاید.

تغافل

امام علی (علیه السلام) در ضمن حدیثی فرمودند: «عَظُّمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّغَافُلِ عَنِ الدَّنِيِّ مِنَ الْأُمُورِ».



سودهای بانکی در قانون عملیات بانکداری بدون ربا

نظام بسیاری از بانک‌ها در دنیای امروز بر اساس بانکداری ربوی بنا شده است. بانک‌ها از یک‌سوز صاحبان سرمایه وام می‌گیرند و سودی به آنها می‌پردازند و از سویی دیگر همین سپرده‌ها را به دیگران وام داده و سود بیشتری دریافت می‌کنند. این عملکرد در شریعت اسلام تحت عنوان «رباخواری» شدیداً مورد مخالفت قرار گرفته است.

حجت‌الاسلام
والمسلمین حیدر بهرمن
استاد سطح عالی حوزه
علمیه قم

پس از انقلاب تلاش‌هایی به منظور تطهیر سیستم بانکی از ربا آغاز گردید که نتیجه آن، تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا و تأیید آن توسط شورای نگهبان در سال ۱۳۶۲ بود.

مطابق این قانون، بهره‌های بانکی نه در قالب بهره وام، بلکه به عنوان سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی دریافت یا اعطا می‌گردد.

توضیح اینکه بانک در مواردی به مشتریان خود سود می‌پردازد و در مواردی از آنان سود دریافت می‌نماید. در صورت اول مشتری پول خود را به ازای گرفتن سود به بانک وام نمی‌دهد، بلکه به بانک و کالت می‌دهد که سرمایه او را در یکی از فعالیت‌های مشروع به کار گیرد و سود حاصله را پس از کسر هزینه‌ها و حق الوکاله به او بپردازد.

در ماده ۳ قانون عملیات بانکداری بدون ربا آمده است: «بانک‌ها می‌توانند تحت هریک از عناوین ذیل به قبول سپرده مبادرت نمایند: الف) سپرده‌های قرض‌الحسنه: ۱. جاری ۲. پس‌انداز ب) سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار. تبصره: سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک در به کار گرفتن آنها و کیل است، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد.»

همچنین در صورت دوم، سودی که بانک از مشتریان خود دریافت می‌کند، به‌ازای وامی نیست که به مشتریان خود می‌دهد؛ زیرا اساساً در این گونه موارد وامی به مشتریان داده نمی‌شود، هر چند در زبان مردم به آن وام اطلاق شود. بلکه این سود، سود حاصل از قراردادهایی همچون مضاربه یا فروش اقساطی یا جعاله یا اجاره به شرط تملیک است که بین بانک و مشتریان منعقد می‌گردد. مواد ۷ تا ۱۷ قانون عملیات بانکی بدون ربا، متکفل بیان این گونه تسهیلات بانکی است. به منظور تبیین مطلب به توضیح دو نمونه از این قراردادهای می‌پردازیم:

نمونه اول: یکی از عقود رایج در بانک‌ها، فروش اقساطی کالاها یا مورد نیاز مشتریان است. مثلاً چنانچه

مناسبت: شب عرفه

موضوع: شرح فرازهای از دعای عرفه

فراز اول

«مَتَى غَبْتِ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ؛ كَى پنهان بوده‌ای، تا نیازمند دلیلی باشی که بر تو دلالت کند؟».

کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را
کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را
غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور
پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را
با صد هزار جلوه برون آمدی که من

با صد هزار دیده تماشا کنم تو را

«كَيْفَ تَخْفَى وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ أَمْ كَيْفَ تَغِيْبُ وَ أَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا».

فراز سوم

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ؛ خدایا چنانم کن که از تو بترسم، گویا که تو را می‌بینم».

از سفارش‌های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام): «الْخَوْفُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ كَأَنَّكَ تَرَاهُ».

امام صادق (علیه السلام) به اسحاق بن عمار فرمودند:

«يَا إِسْحَاقُ خَفِ اللَّهُ كَأَنَّكَ تَرَاهُ وَ إِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ وَ إِنْ كُنْتَ تَرَى أَنَّهُ لَا يَرَاكَ فَقَدْ كَفَرْتَ وَ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ يَرَاكَ ثُمَّ بَرَزْتَ لَهُ بِالْمَعْصِيَةِ فَقَدْ جَعَلْتَهُ مِنْ أَهْوَنِ النَّاطِرِينَ عَلَيْكَ؛ ای اسحاق! از خدا چنان بترس که گویا او را می‌بینی که اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند و اگر ببینداری که تو او را نمی‌بیند، کافری و اگر می‌دانی که او تو را می‌بیند و باز نافرمانی‌اش می‌کنی، او را از همهٔ بینندگان کوچک‌تر و بی‌ارزش‌تر قرار داده‌ای». تفاوت خشیت و خوف: خوف، ترس از عذاب است، در صورتی که خشیت ترس از عظمت خدا است. خشیت را ترس علمایی نیز گفته‌اند.



منبر

پی نوشت

۱. کافی، ج ۵، ص ۲۴۷.
۲. آیت الله العظمی مکارم شیرازی، ربا و بانکداری اسلامی، ص ۱۳۴.
۳. بانک دولتی در مقابل بانک خصوصی است که با سرمایه یک یا چند شخصیت حقیقی برپا شده است.
۴. برای اطلاع بیشتر در این زمینه ر.ک: آیت الله سید کاظم حائری، «مالکیت شخصیت‌های حقوقی»، مجله فقه اهل‌البیت، شماره ۲۱، ص ۱۷؛ آیت الله سید محمدحسن خرازی، «پژوهشی در اقسام بانک‌ها و احکام آن»، مجله فقه اهل‌البیت، شماره ۴۳، ص ۳.
۵. جهت اطلاع از نظر آیت الله سیستانی به توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۷۴۱ و ۷۵۰ و ۷۵۶، و بخش ملحقات رساله آیت الله سیستانی مسئله ۲ و ۲۴ و ۳۰ و ۳۱ مراجعه شود. ۶. بخش استفتاءات دفتر معظم له، جهت به دست آوردن نظر ایشان در خصوص راهکار قرض دادن و قرض نمودن از بانک‌ها به مسئله ۲۸۴۹ و ۲۸۵۰ رساله توضیح المسائل معظم له مراجعه شود.
۷. اجوبه الاستفتائات مقام معظم رهبری، پرسش ۱۹۱۲.

فاکتورهای جعلی تسهیلات پرداخت و دریافت شود، مشروعیت ندارد. چنان‌که بحث‌های اقتصادی مهم دیگری مانند واقعی بودن نرخ سودها و منطبق بودن آن با عدالت اسلامی، نظر کارشناسان را به خود معطوف ساخته که خارج از حوصله این نوشتار است. در اینجا نگاه خوانندگان محترم را به پرسش و پاسخی که در همین موضوع از حضرت آیت الله مکارم شیرازی ارائه شده است می‌اندازیم:

سؤال: از کجا بدانیم که بانک‌ها به عقود شرعیه عمل می‌کنند؟ در این صورت وظیفه ما چیست؟

پاسخ: اگر بانک‌ها تنها عقود شرعیه را روی کاغذ و در لفظ پیاده کنند، به یقین در گرداب خطرناک رباخواری و زبان‌های آن سقوط می‌کنند. ولی از نظر ظاهر شرع اگر شک کنیم که بانک‌ها به آیین‌نامه‌های عقود شرعیه عمل می‌کنند یا نه، باید حمل بر صحت کنیم و بگوییم در نظام جمهوری اسلامی، بانک‌هایی که مدعی عمل به وظیفه اسلامی خود هستند، ان‌شاءالله عمل می‌کنند و در این صورت مشکلی برای مشتریان نخواهد بود، و اگر خلافی در کار باشد، آنها مسئول‌اند.^۱

توجه فقهی قوانین بانکداری بدون ربا بر این اساس استوار است که ما برای شخصیت‌های حقوقی همچون بانک‌های دولتی آحق مالکیت قائل باشیم. این در حالی است که بعضی از فقهای معاصر این مبنا را خالی از اشکال نمی‌دانند. از نظر آنان ادله مالکیت در اسلام یا مربوط به اشخاص حقیقی است یا نهایتاً شامل بعضی از شخصیت‌های حقوقی می‌شود و دلیل عامی که اثبات‌کننده مالکیت برای همه شخصیت‌های حقوقی مانند بانک‌ها باشد، در دست نیست. از تبعات این نظریه آن است که هرگونه قرارداد با بانک‌های دولتی فاقد شرایط یک عقد کامل است. در نتیجه اموال مختلط در بانک‌ها که بخشی از آن متعلق به مشتریان و بخشی از آن متعلق به بانک است، به اموال مجهول‌المالک مبدل می‌گردند. مقلدین این دسته از فقها مکلفانند با اجازه از مرجع یا وکلای ایشان در اصل پول و سود دریافتی تصرف کنند و در بعضی موارد ملزم به پرداختن مقداری از سود به فقرامی باشند. مقلدین آیت الله سیستانی (مد ظله) باید این‌گونه عمل نمایند.^۵ مقلدین آیت الله وحید خراسانی (مد ظله) نیز بنا بر احتیاط واجب یک پنجم سود دریافتی را به سید فقیر بپردازند.^۶

همچنین از مقام معظم رهبری استفتاء شده: در صورتی که بانک‌ها برای دادن وام شرط کنند که وام‌گیرنده، مبلغی اضافی بپردازد، آیا مکلف برای گرفتن چنین وامی باید از حاکم شرع یا وکیل او اذن بگیرد؟ آیا گرفتن این وام در صورت عدم ضرورت و نیاز، جایز است؟ ایشان در پاسخ فرموده‌اند: اصل وام گرفتن مشروط به اذن حاکم شرع نیست، حتی اگر از بانک دولتی باشد و از نظر حکم وضعی صحیح است؛ هر چند ربوی باشد. ولی در صورت ربوی بودن، گرفتن آن از نظر تکلیفی حرام است؛ چه از مسلمان گرفته شود یا از غیر مسلمان و چه از دولت اسلامی بگیرد یا از دولت غیر اسلامی؛ مگر آنکه به حدی مضطر باشد که ارتکاب حرام را مجاز کند و گرفتن وام هم با اذن حاکم شرع حلال نمی‌شود، بلکه اذن او در این رابطه موردی ندارد. ولی شخص می‌تواند در این صورت برای اینکه مرتکب حرام نشود، پرداخت مبلغ اضافی را قصد نکند، هر چند بداند که آن را از او خواهند گرفت و جواز گرفتن وام در صورتی که ربوی نباشد، اختصاص به حالت ضرورت و نیاز ندارد.^۷

شخصی به دستگامی برای راه‌اندازی یا توسعه کارخانه یا کارگاه خود نیاز دارد یا نیازمند وسائل کشاورزی، منزل مسکونی یا اتومبیل است، اما سرمایه لازم برای خرید آن را در اختیار ندارد، بانک پس از تقاضای وی، اقدام به خرید نقدی آن کالاها برای خود نموده و به صورت اقساطی با قیمت گران‌تر به او می‌فروشد. این‌گونه خرید و فروش‌ها اگر واقعی باشد و صرفاً در حد یک قرارداد کاغذی نباشد، امری مشروع و موجب رونق اقتصاد و خروج از رکود است.

نمونه دوم: خانه‌ای به تعمیراتی با هزینه ده میلیون تومان نیاز دارد. صاحب‌خانه به دلیل در اختیار نداشتن این مبلغ به بانک مراجعه نموده و تحت عنوان وام تعمیرات، از بانک این مبلغ را دریافت می‌کند و در مقابل متعهد می‌شود که مبلغ دوازده میلیون تومان به صورت اقساطی به بانک برگرداند. ممکن است از عنوان «وام تعمیرات» این‌گونه برداشت شود که صرفاً وامی با سود مشخص دریافت شده که این همان رباي حرام است، اما در قانون عملیات بانکداری بدون ربا این مبلغ تحت عنوان جعاله به شخص پرداخت می‌شود. به این صورت که دو عقد جعاله متقابل بین بانک و مشتری بسته می‌شود. در عقد جعاله، اول مشتری به عنوان جاعل متعهد می‌شود در ازای تعمیر خانه توسط بانک مبلغ دوازده میلیون تومان به طور اقساطی بپردازد و بانک نیز به عنوان عامل، متعهد به تعمیر خانه این شخص می‌شود. در جعاله دوم بانک به عنوان جاعل متعهد می‌شود که مبلغ ده میلیون پول نقد به صاحب‌خانه بپردازد و در مقابل صاحب‌خانه متعهد به تعمیر خانه خود می‌شود. قطعاً این قرارداد اگر صوری باشد و تعمیر خانه‌ای در کار نباشد، پرداخت و دریافت آن حرام و غیر مشروع است؛ اما در صورت واقعی بودن مطابق با یکی از عقود اسلامی است.

چه‌بسا به ذهن افراد زیادی تداعی شود که این‌گونه توجیهاات چیزی جز کلاه شرعی گذاشتن نیست و این سودها همان ربا است که تغییر نام یافته است؛ اما باید توجه داشت که در اسلام هر سودبردنی مذموم نیست. آنچه مذموم است سودی است که از راه‌های نامشروع همچون رباخواری تحصیل شود. راه سود بردن‌های مشروع همچون خرید نقدی به قیمت ارزان‌تر و سپس فروش نسیه‌ای به قیمت گران‌تر باز است. پرهیز از راه نامشروع و انتفاع از راه مشروع مصداق این حدیث است که می‌فرماید: «تَعْمُ الشَّيْءُ الْفَرَاغُ مِنَ الْحَرَامِ إِلَى الْحَلَالِ»^۱. ناگفته نماند توضیحات گذشته در مقام تبیین فقهی قانون بانکداری بود، اما آنچه در بانک‌های ما در مقام اجرای قانون رخ می‌دهد، همواره مورد انتقادات جدی بوده و هست. بدون تردید اگر این قراردادها صوری و کاغذی باشد یا اینکه مشتری با بانک بر طبق قرارداد عمل نمایند و با

نگاه

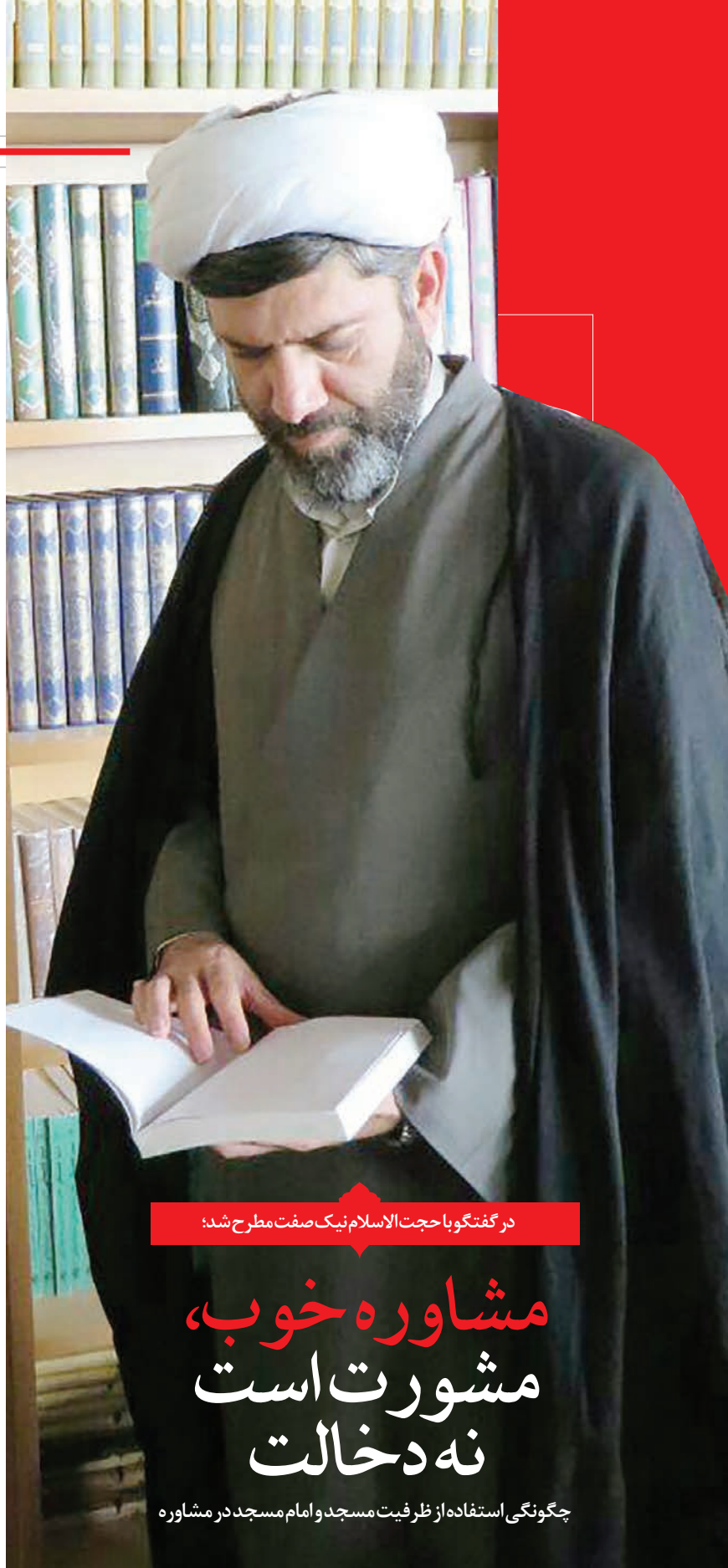
خشت خام جوان

با کمی جستجو در کلمات قرآن، می‌توان محوری‌ترین موضوع را مسئله اخلاق دانست؛ مسئله‌ای جدی و مهم که متفکران همه عالم در طول تاریخ به آن توجهی ویژه داشته و دارند.

اگر کلمات قرآن را به عنوان بن‌مایه اصلی علم تربیت پذیرفته باشیم، نمی‌توانیم به نسبت بین کلمات قرآن و بعضی از نقاط مثبت دانش تجربی تربیتی بی‌توجه باشیم. دین مسئله مشورت و مشاوره را پشتیبان عقلانیت و اخلاق معرفی می‌کند. بر این اساس جوامع کم‌تراکم گذشته با توجه به فرهنگ قبیلگی، جایگاهی از جمله ریش‌سفیدان را به عنوان راه‌رفتنگان زندگی برای این کار تعیین می‌کردند. اما در عصر حاضر پیچیدگی‌ها به اندازه تکثر انسان‌ها رو به افزایش است. بحران‌های اخلاقی در بعضی موارد چنان شرایط اجتماعی را ناامن کرده که کانون زندگی خانوادگی را دچار فروپاشی ساخته است.

در این میان تخصص‌ها تنها مأمّن جدی تربیتی در گره‌های اخلاقی و اجتماعی است. هر قدر فرهنگ رجوع به متخصص نهادینه شود، راهکارهای تربیتی متعالی‌تری را می‌توان کشف و تولید کرد.





در گفتگو با حجت الاسلام نیک صفت مطرح شد؛

مشاوره خوب، مشورت است نه دخالت

چگونگی استفاده از ظرفیت مسجد و امام مسجد در مشاوره

حتی با ثبات ترین افراد نیز گاهی از بحران‌های عاطفی مصون نیستند. تحولات و تغییراتی که در زندگی رخ می‌دهد مانند قبولی در دانشگاه، ازدواج، دور شدن از خانواده و دوستان، بیماری و از دست دادن آنها بی‌ی که دوستشان داریم گاهی انسان را دچار اضطراب، تردید، نگرانی، تعارض و حتی بحران می‌سازد.

به کوشش:
حسن علی آبادی

در این هنگام رجوع به مشاوره متخصص، دلسوز، منظم و مثبت می‌تواند راه‌گشا باشد. مشاوره رابطه‌ای بین دو فرد است که در آن یکی می‌کوشد تا دیگری را درک و در حل مسائل و مشکلات کمک کند. امام جماعت مسجد در صورت داشتن دانش و بینش مشاوره می‌تواند در این موضوع به عنوان مشاور، راهنما یا ناصح ورود داشته باشد. برای تشریح این موضوع با حجت الاسلام والمسلمین نیک صفت امام جماعت مسجد آیت‌الله کاشانی پامناز که خود متخصص مشاوره است به گفتگو نشسته‌ایم.

سؤال: درباره اقتضائات مشاوره زناشویی در جو فرهنگی تهران برای یک امام جماعت است. لطفا در مورد این نکاتی بفرمایید.

قبل از اینکه بخواهم این پرسش شما را جواب دهم، باید چند مطلب در مقدمه بگویم.

اولین مقدمه درباره نحوه مشاوره است. معنای اصلی مشاوره یاری خواستن برای استخراج یک رأی محکم و صحیح است. از لحاظ اصطلاحی به معنای رجوع به متخصص برای حل مشکلات زندگی است. مادر اموری که تخصص نداریم، به متخصص رجوع می‌کنیم؛ ولی تفاوت اینجا است که سایر متخصصان، اطلاعات خودشان از آن علم را بیان می‌کند، اما متخصص مشاوره آینه‌ای دستش می‌گیرد و مسئله یا مشکل را به خود فرد نشان می‌دهد و توجه و تمرکز فرد را به آن مسئله معطوف می‌سازد؛ یعنی کسی که مشکل را باید حل کند، خود فرد است. مشاور فقط تسهیل‌کننده است. به همین علت مشاوره یک امر تسهیل‌کننده است، نه تصمیم‌گیرنده.

مقدمه دوم اینکه مشاوره مانند هر چیز دیگری یک محتوا دارد و یک روش. محتوا مثل اینکه هر متخصصی در علم خودش تخصص دارد و مطالبی را بیان می‌کند. اما اینجا بحث «روش» اهمیت بیشتری دارد. بر این اساس مشاوره را یک فن و مهارت می‌دانند. پس بر خلاف معنای لغوی‌اش، نصیحت و پند و اندرز نیست؛ بلکه مسئله و مشکل را برای خود فرد روشن می‌سازد تا بتواند آن را حل کند.

مقدمه سوم اینکه همیشه زمانی فرد به یک مشاور مراجعه می‌کند که یک مسئله یا مشکلی انطباق سازگاری فرد را تحت الشعاع خود قرار داده باشد؛ یعنی آن فرد مغلوب آن مشکل شده باشد. مشاور کمک می‌کند فرد بر آن مشکل غلبه کند و بر آن سیطره یابد. زمانی که انسان مغلوب می‌شود، شرایط بر او حاکم می‌شود و نمی‌تواند تصمیم بگیرد. شاید اینجا بتوانیم فرق مشاوره با روان‌درمانی را هم توضیح دهیم که در روان‌درمانی یک اختلال روانی ایجاد می‌شود، ولی اینجا به صورت اختلال نیست؛ بلکه فرد برای حل مسئله به راهنمایی و کمک نیاز دارد.

قطب‌نمای شرعی

غالباً مبانی اعتقادی و فکری علم مشاوره و روان‌شناسی که زیربنای علم مشاوره است، دنیاگرایی است. بنابراین توصیه‌هایی که می‌شود، در عین حالی که کار تجربی و علمی انجام شده، بیشتر ظاهر گرایانه است و حالت مسکن دارد. یعنی در پی درمان عمیق مشکل نیستند. اما امام جماعت بر اساس مبانی اعتقادی، الهی و دینی مشاوره می‌دهد. ضمن اینکه باید اصول کلی مشاوره را - با توضیحاتی که عرض کردم - بر مبانی اعتقادی و شرعی منطبق سازد.

امام جماعت باید سعی کند که در حل مشکلات مردم، خدامحور و دین‌محور باشد و در این زمینه می‌تواند از آموزه‌های دینی خیلی کمک بگیرد و مسائل و مشکلات را با قطب‌نمای شرعی و مباحث دینی رصد کند تا بهتر بتواند آنها را برطرف سازد.

توصیه بنده به عنوان یک کارشناس این است که کسانی که با مباحث علم مشاوره آشنایی ندارند، بهتر است مشاوره ندهند؛ زیرا مشاوره یک علم تاکتیکی، فن و مهارت است که اگر کسی با آنها آشنا نباشد، توصیه‌هایی که می‌کند، مشکلات ایجاد می‌کند.

اتاق نشیبه‌ای

غالب کسانی که برای مشاوره مراجعه می‌کنند، خانم‌ها هستند. خود همین حساسیت کار را بالا می‌برد؛ به خصوص آنکه بحث ما مسائل زناشویی است. مکان مشاوره باید جایی باشد که این حرف‌ها توسط دیگران شنیده نشود. اما یک پنجره شیشه‌ای باشد تا افراد مشاهده شوند.

امام جماعت باید عادل باشد تا مردم به او اقتدا کنند؛ پس باید از مواضع تهمت اجتناب ورزد. اگر بنای مشاوره هست، لازم نیست حتماً در اتاق در بسته باشد. آسیب دوم اینکه دوستانی که جوان هستند، حتی اگر علمش را داشته باشند، کم‌تر وارد این مسائل شوند.

آسیب سوم اینکه افرادی که به مشاور مراجعه می‌کنند، مطمئناً آسیب‌هایی دارند؛ بنابراین دوستان ما از برچسب زدن پرهیز کنند. مثلاً نگویند: شما افسردگی دارید؛ چرا که در ذهن فرد می‌ماند. من بارها دیده‌ام افرادی که سالم هستند، اما وقتی به یک روان‌پزشک مراجعه کردند، به او گفتند: تو افسرده‌ای و همان در ذهن‌اش مانده است.

نکته دیگر اینکه اگر توصیه می‌کنند، خیر خواهانه باشند. مشاوره خیلی توصیه ندارد و اگر هم توصیه دارد، بیشتر به صورت غیر مستقیم است. باید سعی کنند عواقب کارها را از آینه‌ای که در اختیار گرفتند، به خود طرف نشان دهند.

یکی دیگر از مسائل همدلی است. منتها گاهی همدلی، به خصوص در مسائل زناشویی مشکل‌ساز می‌شود. باید جانب اعتدال را نگه داشت.

آخرین نکته رازی داری و حفظ اسرار مراجعه‌کننده است.

این سه مقدمه را عرض کردم تا برای جواب به سؤال‌های مصاحبه‌بتوانیم بهتر آنها را حل کنیم. اما اقتضات مشاوره، نخست آنکه فرد باید علم و تخصص این کار را داشته باشد تا توانایی شناخت مشکل و تجزیه و تحلیل آن را داشته باشد. برای اینکه شناخت پیدا کند، باید آن مسئله یا مشکل را ریشه‌یابی کند. به همین علت باید به کلمات و سخنان مراجع توجه کند.

ویژگی دیگر اینکه نباید سوگیری و پیش‌فرض داشته باشد و واکنش مثبت یا منفی نشان دهد. اگر مراجع خطایی کرده، نباید واکنش نشان بدهد؛ چون الان این فرد آسیب روانی دیده است. واکنش نشان دادن مشاور حالت و موضع دفاعی در مراجع ایجاد می‌کند.

ویژگی دیگر اینکه مشاور باید با تحلیل خود بفهمد که مراجع در چه شرایطی ترس دارد، در چه شرایطی امید دارد، در چه شرایطی مأیوس است.

علاوه بر این شرایط، امام جماعت برای مشاوره باید از سن قابل قبولی برخوردار باشد؛ یعنی تجربه زندگی و مشاوره را داشته باشد.

نکته دیگر اینکه خود را درگیر عاطفی نکند. مثلاً در نزاع زناشویی، خود را درگیر مسائل عاطفی نکند؛ چرا که در امر مشاوره مشکل‌ساز می‌شود.

ویژگی دیگر اینکه صرفاً مشورت دهد و دخالت نکند. چنانچه یک طرف مراجعه می‌کند - که غالباً هم خانم‌ها هستند - به گونه‌ای عمل نکند که همسرش تصور کند امام جماعت با مشاور در امور خانوادگی او دخالت کرده است.

نکته آخر اینکه مشاوره با حضور زوجین صورت گیرد. در روابط جنسی نیز بهتر است که به مشاوره خانواده ارجاع شود.

تفاوت می‌کند؟ تفاوت می‌کند؟

ریشه مشکلات گاهی اقتصادی است، گاهی فرهنگی و گاهی اجتماعی. به این ترتیب نوع مشکلات متفاوت می‌شود. آن‌گونه که خبر دارم، مراکز روان‌درمانی و مشاوره و مطب‌های درمانی، غالباً از خیابان انقلاب به بالا هستند. در مناطق پایین، وضعیت اقتصادی مردم اقتضا نمی‌کند یا مشکلات و اولویت‌شان این مسائل نیست. با این حال علل و عوامل مشکلات در بین همه تقریباً یکسان است که چند مورد را به صورت کلی برمی‌شمارم.

به نظر من امروزه علت بیشترین مشکلاتی که گریبان‌گیر خانواده‌ها در مسائل زناشویی شده، این است که بچه‌ها تا قبل از ازدواج در محیط خانواده مسئولیت‌پذیر بار نمی‌آیند.

خانواده‌ها در قدیم‌ها به فرزندان‌شان مسئولیت می‌دادند. از همان ابتدای درس نیز کار می‌کردند. به دلیل اینکه خانواده‌ها فرزندان زیاد و مشکلات اقتصادی فراوانی داشتند، از فرزندشان می‌خواستند که به آنها کمک کنند. اما الان که تعداد فرزندان کم شده،

تمکن مالی خانواده‌ها نسبت به گذشته خیلی بهتر شده و پدر و مادرها سعی می‌کنند همه کارهای بچه‌ها را خودشان انجام دهند؛ لذا نسل جدید مسئولیت‌پذیر نیست. این مسئله باعث می‌شود خانواده‌ها همان احساس مسئولیتی را در قبال فرزندشان بکنند که

در دوران مجردی داشتند؛ از این رو بعد از ازدواج نیز در امور زناشویی فرزندشان دخالت می‌کنند. آمار نشان می‌دهد که دخالت خانواده‌ها اولین عامل مشکلات زناشویی است.

این دخالت‌ها به دو دلیل صورت می‌گیرد: یکی اینکه بچه‌ها مسئولیت‌پذیر نیستند و نگاهشان به خانواده‌های‌شان است. دوم اینکه پدر و مادرها این طور بار آمده‌اند که همه کارهای بچه‌های‌شان را خودشان انجام دهند.

عامل دوم مشکلاتی که تصویر مناسبی از ازدواج ندارند. غالب بچه‌ها تحت تأثیر رابطه جنسی هستند؛ زیرا محرک‌های جنسی، همانند ماهواره‌ها، اینترنت و شبکه‌های مجازی

در جوامع زیاد است. تصویر مناسبی از اصل ازدواج ندارند و پیام آیه «جعل بینکم مودة و رحمة» را درک نکرده‌اند. بیشتر بحث‌های جنسی را می‌بینند و بعد از ازدواج می‌بینند

که توقعاتی که در ذهن‌شان بوده، برآورده نشده که همین باعث ناکامی، سرخوردگی و اختلاف می‌شود.



66
خیلی کم اتفاق می افتد که امام جماعت برای مشاوره به منزل کسی برود. لذا معمولاً مسجد ظرف مشاوره ظرف مشاوره است. یک سری ظرفیت‌هایی در مسجد است که امام جماعت می تواند از آنها برای حل مشکلات مردم بهره ببرد

عامل سوم، پایبند نبودن به قول و قرارهای ابتدای زندگی است. افراد بسیاری به دلیل جوی که در جامعه ایجاد شده، در محیط‌های خارج از خانواده، با همسرشان آشنا می‌شوند و به یکدیگر قول و قرارهایی می‌دهند. متأسفانه این قول‌ها در بسیاری از موارد با عدم صداقت همراه بوده و آمار نشان می‌دهد که پایبند نبودن به این قول و قرارها عامل مهمی در اختلافات زناشویی است.

اقتصاد، یکی دیگر از ریشه‌های مشکلات است. فقر اقتصادی و تمکن مالی، یکی دیگر از عوامل اختلافات زناشویی و بعضاً طلاق است. اعتیاد، عدم ارتباط مناسب همسران با یکدیگر، نزاع‌های خانوادگی، قهر کردن‌ها، اختلاف دیدگاه درباره تربیت فرزندان، سایر عوامل اختلافات زناشویی را تشکیل می‌دهد.

تشیخ مسجد و امام جماعت چه ظرفیت‌هایی در جهت ایجاد مشاوره برای همسران به خصوص در محله دارد؟

خیلی کم اتفاق می‌افتد که امام جماعت برای مشاوره به منزل کسی برود. لذا معمولاً مسجد ظرف مشاوره است. یک سری ظرفیت‌هایی در مسجد است که امام جماعت می‌تواند از آنها برای حل مشکلات مردم بهره ببرد. نخست آنکه کسانی که به مسجد و امام جماعت مراجعه می‌کنند، به امام جماعت، نسبت به مشاور دیگر، اعتماد بیشتری دارند.

دوم اینکه امام جماعت با مباحث دینی آشناست و این ظرفیت اعتماد را مضعف می‌کند.

نکته سوم اینکه مراجعینی که برای مشاوره به امام جماعت در مسجد مراجعه می‌کنند، طیف خاصی هستند. مثلاً بنده که در دانشگاه مشاوره می‌دهم، خیلی از مواردی که مراجعه می‌کنند، جهت دوست‌پسر یا دوست‌دخترشان است؛ ولی در مراجعان به امام جماعت از این جنس افراد کم‌تر دیده می‌شوند که این خود، ظرفیتی برای امام جماعت محسوب می‌شود؛ زیرا افراد و مشکلاتشان محدود می‌شوند و هر مشکلی مطرح نمی‌شود.

ظرفیت دیگری که مسجد و امام جماعت دارد، این است که می‌تواند با استفاده از آیات و روایات، توصیه‌های کلی کند. گاهی یک سری اختلافات مثل مسائل زناشویی نیاز به ریش سفیدی دارد که در این صورت امام جماعت می‌تواند خود این وظیفه را به عهده بگیرد یا از بزرگانی که در مسجد حضور دارند، استفاده کند. گاهی مشکلات، مسائل مالی است. در اینجا نیز این توانایی برای مسجد و امام جماعت، به نسبت جاهای دیگر وجود دارد که از نمازگزاران کمک بگیرد.

این‌ها ظرفیت‌های مضاعفی است که برای مسجد و امام جماعت هست که شاید دیگران از آن بی‌بهره باشد.

تشیخ مرکز رسیدگی به امور مساجد به عنوان متولی امور مساجد در مورد مشاوره همسران، چه تدابیری می‌تواند داشته باشد؟

مسائل و مشکلات در درون خانواده‌ها بسیار زیاد شده است. این موضوع برای کارگزاران از جمله مدیران تصمیم‌گیرنده مرکز رسیدگی به امور مساجد باید یک مسئله شود و اهمیت پیدا کند. طوری نشود که بگوییم ان شاء الله مشکلی نیست و چشمان‌مان را ببندیم. اولین گام این است که به این موضوع اهمیت بدهند.

نکته دوم اینکه خوشبختانه علم و این فناوری همه‌کاره است؛ ولی چاقویی است که دست رقیب افتاده است. در امر مشاوره احساس مسئولیت شود که آن‌هایی که روحانیت باید در این قضایا سرمدار شوند. یعنی اگر بخواهد بحث دینی بشود که باید بشود، هیچ کسی غیر از روحانیت استحقاق این کار را ندارد. البته نه همه روحانیت، بلکه بخشی از روحانیت. نکته سوم اینکه مشاوره هزینه‌های سنگینی دارد. لذا خیلی از خانواده‌ها به مشاور مراجعه نمی‌کنند؛ اما در مساجد هزینه‌ای ندارد. با توجه به ظرفیتی که وجود دارد، به این موضوع اهمیت بدهند.

در پایان چند راهکار مطرح می‌کنم: یکی شناسایی افرادی است که در این باره تحصیلات، باعلاقه و تجربه دارند. این افراد جمع‌آوری شوند و بر مبنای توانایی‌هایشان، مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

گاهی یک امام جماعت توانایی‌اش را دارد، اما ظرفیت مسجدش مناسب نیست. مسجد دیگری ظرفیت را دارد، اما امام جماعتش این توانایی را ندارد. این استعدادیابی‌ها کار مرکز است.

نکته دیگر اینکه کلاس‌ها و کارگاه‌هایی را برای افراد داوطلب مشاوره تشکیل دهند. مرکز برای ارتقای این افراد هزینه کند. کلاس بگذارند تا دور هم جمع شوند و تجربیاتشان را بیان کنند.

نکته دیگر اینکه یک گروه مشاوره را در مرکز تشکیل دهند و این گروه در نواحی مختلف زیر گروه‌هایی را تشکیل دهند، جلساتی داشته باشند و مهم‌تر از آن اینکه بر سایر مشاوره نظارت بکنند. اگر چنین گروهی نباشد، تمام کارهای خوب دیگر را هم از بین می‌برد.

بحث نظارت هم یک بحث مهم است؛ البته نظارت نظارت تخصصی. یعنی افرادی که متخصص این قضایا هستند، نظارت داشته باشند؛ نه اینکه یک کارمند را متصدی امر نظارت بکنند.

دوروی یک سکه

۳. مشاوره برای تسهیل رشد مراجع است؛ ولی عنصر روان‌درمانی، برای برطرف کردن تعارض‌های شخصیتی است.

۴. فرآیند درمانی مشاوره، مستلزم یک سلسله امکانات اولیه و عادی است؛ ولی روان‌درمانی نیازمند امکانات، تجهیزات، ابزارها و شرایط ویژه و تخصصی می‌باشد.

۵. در مشاوره، جلسات کم‌تر و محدودتری لازم است؛ ولی روان‌درمانی نیازمند جلسات بیشتر و متعدد و تخصصی است.

مشاوره و روان‌درمانی به لحاظ تخصصی بودن، با هم تفاوت‌هایی دارند: ۱. مشاوره برای حل مشکلات اولیه مردم است، یعنی مشکل روحی و روانی وجود ندارد؛ ولی روان‌درمانی، برای درمان افراد روان رنجور و روان‌پریش به کار گرفته می‌شود. ۲. مشاوره معمولاً در فضاهای آموزشی و تربیتی است؛ ولی روان‌درمانی عمدتاً در کلینیک‌ها، مطب‌های خصوصی و بیمارستان‌ها (تیمارستان‌ها) صورت می‌گیرد.



رگ رگ است این آب شیرین و آب شور

تأثیر تفاوت‌های جنسیتی در فرآیند مشاوره

توجه به جنسیت در مشاوره از دههٔ هفتاد آغاز شد. زنان بیشتر بین کسانی‌اند که به نزد مشاوران می‌روند. البته منظور آن نیست که زنان بیشتر به مشاوره نیاز دارند، بلکه باید گفت سخن گفتن دربارهٔ مشکلات، زنان را بیشتر آرام می‌کند. از این‌رو، مشاوران باید از مسائل تأثیرگذار در زنان آگاه شوند و به تفاوت‌های جنس زن با مرد آگاه باشند. برای نمونه، برخی مشکلات مانند سوءاستفاده‌های جنسی برای زنان بیشتر اتفاق می‌افتد. مشاوران باید از برخی تفاوت‌های دختران و پسران که در فرآیند مشاوره اثرگذار است آگاه باشند:

محمد مهدی
عباسی اغوی

۱. تفاوت در عملکرد اجتماعی

مردان بیشتر از زنان جاه‌طلب‌اند و به موفقیت شغلی کم‌تر اهمیت می‌دهند، ولی عمده‌ترین مسائل زندگی مردان موفقیت در شغل است. روحیهٔ اطاعت و فرمان‌برداری در زنان بیشتر از مردان است و روحیهٔ اطاعت در مردان خیلی کم‌تر از زنان است. روابط اجتماعی زنان بیشتر از مردان است. شکل ارتباطی زنان و مردان با هم تفاوت دارد. مردان بیشتر می‌خواهند در روابط اجتماعی مطرح باشند. زنان در روابط اجتماعی دوست دارند پسندیده شوند. مردان بیشتر به قدرت نیاز دارند، ولی زنان بیشتر به محبت و زیبایی نیاز دارند. مردان بیشتر می‌خواهند در محیط تغییر ایجاد کنند. مردان بیشتر نصیحت می‌کنند، ولی کم‌تر نصیحت می‌پذیرند. زنان بیشتر از مردان به نیازهای دیگران توجه می‌کنند. مردان در حل مشکلات بیشتر دنبال توانایی و قدرت هستند و نمی‌خواهند دربارهٔ حل مشکل شان سخن بگویند.

۲. تفاوت در شیوهٔ برخورد با استرس (فشار عصبی)

زنان در برخورد با موقعیت‌های ناراحت‌کننده، سعی می‌کنند دربارهٔ موضوع سخن بگویند؛ تنها از این راه است که به آرامش می‌رسند. بسیاری از اوقات هدف از سخن گفتن دربارهٔ مشکل چاره‌اندیشی نیست، بلکه یافتن گوشه شنوا و مونس و همدمی است که با تمام وجود افکار و احساسات او را درک کند، در حالی که مردان تاراه حلی برای مشکلات خود نیابند در افکار خود فرو می‌روند و پیرامون مشکل می‌اندیشند. در چنین حالتی برای مرد دشوار است تا توجه خود را به چیزی غیر از مسئله پیش آمده جلب کند. مردان در این مواقع

۶۶
روابط اجتماعی
زنان بیشتر از
مردان است.
شکل ارتباطی
زنان و مردان با
هم تفاوت دارد.
مردان بیشتر
می‌خواهند در
روابط اجتماعی
مطرح باشند



“ در فرآیند مشاوره به زنان بیشتر می توان آنها را با دین و اخلاقیات متقاعد و متأثر نمود؛ چون پیوندی قوی بین تدین و عواطف یعنی نقطه قوت زنان وجود دارد ”

بیشتر گوشه گیر می شوند و در خود فرو می روند، در صورتی که زنان به هیچان آمده مسئله را مطرح می کنند. برای دست یابی به آرامش و حالت عادی، مرد برای حل مسئله می کوشد و زمانی که مسئله حل شد از لاک خود بیرون می آید. ولی زن بیشتر نیاز به هم دردی دارد. زنان رابطه گرا هستند و مردان هدف گرا. از همین رو، زنان بیشتر به مشاوره مراجعه می کنند و صرف سخن گفتن برای آنان مطلوب است. پس در مشاوره به زنان خوب باید گوش کرد، ولی در مشاوره به آقایان حتماً از همان جلسه اول راه حل باید ارائه داد.

۳. شکل گیری هویت

هویت دختران تنها برای استقلال شخصیت شکل نمی گیرد، بلکه برای همکاری و صمیمیت و مراقبت از دیگران نیز هست، در حالی که هویت پسران از اساس برای استقلال و رقابت و فردیت شکل می گیرد. مشاور می تواند در شکل گیری صحیح هویت نوجوان به شرط ارتباط مداوم، مؤثر باشد.

۴. تفاوت در آسیب شناسی روانی و بیماری ها

انواع اختلالات روانی میان زنان و مردان مشاهده می شود که برخی از آنها در هر دو جنس مشترک است و شیوع دسته ای از آنها در زن و مرد فرق می کند.

زنان بیش از مردان افسرده می شوند و ظاهر افسرده پیدا می کنند، اما افسردگی آنان سطحی و موقتی است. مردان کم تر افسرده می شوند ولی افسردگی آنان عمیق و پایدار است، ولی همین افسردگی را هم نشان نمی دهند. آقایان به ندرت افسردگی را نشان می دهند. نمایش شدید آن نیز خودکشی است. آمار خودکشی در مردان بالاتر از زن هاست. پژوهش هایی انجام شده که نشان می دهد زنان سه برابر بیش از مردان به خودکشی اقدام می کنند، ولی مردان سه برابر بیش از زنان واقعاً خودکشی می کنند. رنج و عزا در جنس زن، بیشتر با گریه و افسردگی ظاهر می شود و برای آنان، موضوعات جزئی به اندازه موضوعات بزرگ مهم است.

۵. تفاوت انگیزه ها

فکر و انگیزه های مردان بیشتر شغلی و درآمدی است. مردان به شغل شان خیلی اهمیت می دهند، اما زنان کمتر به شغلشان و بیشتر به زندگی خانوادگی توجه نشان می دهند. زنان علاقه بیشتری به جنبه های خرافی دارند و بیشتر دنبال فال گیری آینه بین و... می روند و مردان به خرافات اعتقادی ندارند یا آن را سرگرمی می پندارند.

توجه به هیجانات زنان در مشاوره خیلی مهم است. زنان بسیار تلقین پذیرتر از مردان هستند و راحت تر متقاعد می شوند. بنابر این مشاور برای متقاعد کردن مردان بیشتر می کوشد. البته این مسئله در مورد همه صادق نیست؛ انسان ها بسیار متفاوتند.

بر اساس تحقیقات مک کلند انگیزه پیشرفت در زنان در شرایط خنثی بیش از مردان است. پسران به کارهایی علاقه دارند که با اشیای غیر انسانی و مادی سر و کار دارند، ولی دختران به کارهایی با تعامل با افراد. پسران به ماهیت خود کار و دختران به مقبولیت در

چشم دیگران توجه می کنند.

۶. تفاوت در پردازش اطلاعات

پسران در پردازش اطلاعات فضایی و ریاضیات، به ویژه در هندسه تجسمی موفق تر از دختران هستند و دختران در فراگیری زبان های خارجی و امور ظریف و هنری، توانمندتر از پسران اند. مردان در دریافت و شناخت مفاهیم انتزاعی و کلمات مجرد برتری دارند. بنابر این در پیشنهاد های کاری به دو جنس باید دقت کرد.

گستره منطقه ای از مغز که در هنگام درگیری زنان با خاطرات غم انگیز فعال می شود، هشت برابر مردان است و مغز مردان به گونه ای طراحی شده که اطلاعات را منظم تر و مرتب تر دسته بندی می کند. مغز پسران برای واکنش به اشیاء و اشکال و مغز دختران برای حساسیت در برابر انسان ها و چهره ها طراحی شده است.

۷. هوش، توان ذهنی و خلاقیت

هوش مرد و زن در کل تفاوتی با هم ندارند. ولی توزیع هوش در مردان و زنان با هم تفاوت دارند. زنان اغلب در حد میانگین از نظر توزیع هوش قرار دارند. در مردان هم عقب مانده ذهنی بیشتری و هم نابغه بیشتری دیده می شود. اما هوش واگرا یا همان خلاقیت در پسر ها بیشتر است و از دختر بچه ها کنجکاوی بیشتری دارند. پاسخ های پسر ها تقریباً دو برابر دختر هاست و در هر جامعه از میان مردان بیش از زنان افراد خلاق بیرون آمده است. البته شرایط اجتماعی در اینکه شرایط اکتشاف برای زنان کم تر است، اثر دارد. قدرت تخیل زنان بسیار بالاتر از مردان است. رؤیای زنان هیجانی تر و زنده تر از مردان است. مردان تجسم فضای قوی تری از زنان دارند. مردان راحت تر راه حل پیدا می کنند و برای حل مسائل از استدلال منطقی و استدلال ریاضی بیشتر کمک می گیرند. شواهدی وجود ندارد که نشان دهد هوش عمومی زنان بیش از مردان باشد.

۸. گرایش به معنویات و دین

گرایش قلبی به دین در میان زنان بیشتر از مردان مشاهده می شود. زن مسائل روحی و معنوی را با روان خود سازگار تر می یابد. بر اساس تحقیقات، مردان بیشتر از زنان به امور مادی و اقتصادی و مسائل دنیوی گرایش دارند.

اندیشه اخلاقی زنان به طور عمده به روابط بین فردی توجه دارد و با احساس مسئولیت به دیگران همراه است و جنبه از خود گذشتگی دارد. برای مردان خودمختاری و شایستگی مبنای قضاوت اخلاقی است و اخلاق پسران بیشتر بر مبنای عدالت شکل می گیرد. پسران بیشتر از دختران از سخنان رکیک لذت می برند و بیشتر از آنها از قوانین اخلاقی سر می پیچند. زنان احساسی ترند، ولی در مسائل اخلاقی سخت گیر ترند.

در فرآیند مشاوره به زنان بیشتر می توان آنها را با دین و اخلاقیات متقاعد و متأثر نمود؛ چون پیوندی قوی بین تدین و عواطف یعنی نقطه قوت زنان وجود دارد. البته تأکید می شود نباید این تفاوت های جنسیتی ما را دچار کلیشه های جنسیتی و پیش داوری کند و نباید از نقش تفاوت های فردی غافل ماند.

همه چیز درباره یک جلسه مشاوره

خانه دوست همین جاست

■ جایگاه مشاوره

بحث مشاوره یک مبحث جدید در مباحث اجتماعی و مطالعات اجتماعی است. با توجه به سابقه کوتاه مدت مشاوره در کشور ما، متأسفانه روش مشاوره، از جمله در حل مشکلات خانوادگی، بیشتر بر مبنای آموزه‌های غربی است؛ حال آنکه متفکران جامعه اسلامی می‌توانند روش‌های دقیق‌تر و عمیق‌تری را از آیات و روایات استخراج کنند. در سیره پیامبر گرامی اسلام مشاوره وجود دارد، اما بیشتر در جنگ‌ها و مسائل اجتماعی و زیست محیطی. با توجه به رشد و گسترش جامعه و الگوبرداری از جامعه اسلامی نبوی، می‌توان از بحث مشاوره در همه ابعاد زندگی استفاده کرد.



حجت‌الاسلام
امیر عباس عبداللهی
فقیه جفاقت‌پسند
سیدالشهدا (الاسجدی‌ها)

■ ملاحظات مشاوره

راهگشا است. ممکن است مشاور پیامی را به شخص بدهد، اما به دلیل عدم صداقت و اعتماد لازم، شخص آن را دریافت نکند.
۶. حفظ اسرار؛ مشاوره در امور خانواده به شدت رازگونه است. مشاور باید از بیان اسراری که ممکن است آتش اختلاف را شعله‌ور سازد، پرهیزد.
۷. اقناع درست، از ملاحظات مهم یک مشاوره خوب است. اقناع منطقی و درست باعث تسلیم مشاور شونده می‌شود.
۸. توجه به آشنایی کافی زوجین از ازدواج و آمادگی پیش از آن؛ با قرار گرفتن زوجین در کنار یکدیگر، کوچک‌ترین سلول اجتماعی تشکیل می‌گردد که باعث بقاء، تربیت و رشد اخلاقی یک نسل می‌شود. اگر این خانواده دچار اشکال باشد یا از هم گسسته باشد،

۱. آشنایی با برخی مشکلات مشاوره؛ از جمله فاصله نسل‌ها.
۲. رفتارشناسی مخاطب؛ ممکن است مخاطب افسرده یا پرخاشگر باشد.
۳. در نظر گرفتن فضای خانوادگی؛ بدیهی است که رفتار فردی که در خانواده کم جمعیت تربیت شده، با کسی که در خانواده پر جمعیت بوده، متفاوت است.
۴. در نظر گرفتن تحصیلات؛ چنین موردی نیازمند مباحث ذهنی و عقلانی است.
۵. رفتار و مشی صادقانه؛ صداقت و اعتماد طرفینی در مشاوره

“
در سیره پیامبر
گرامی اسلام
مشاوره وجود
دارد، اما بیشتر در
جنگ‌ها و مسائل
اجتماعی و
زیست محیطی.
با توجه به رشد و
گسترش جامعه
و الگوبرداری از
جامعه اسلامی
نبوی، می‌توان از
بحث مشاوره در
همه ابعاد زندگی
استفاده کرد
”





مشاور خوب باید مشکلات ناشی از تفاوت‌های قومی و عقیدتی را در نظر داشته باشد. در این چند سال مشکلات ناشی از تفاوت‌های قومی و عقیدتی رابه کرات دیده‌ام. زوجینی که از دو فرهنگ متفاوت هستند، نمی‌توانند به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند

6

مشکلاتی را برای اجتماع ایجاد می‌کند؛ مشکلاتی از قبیل کودکان طلاق، طلاق عاطفی و طلاق سفید.

۹. لحاظ کردن ارزش‌ها و باورهای اعتقادی و دینی خانواده؛ هر خانواده یک دسته عوامل ارزشی دارد که بنا به آنها، باید تحت مشاوره قرار گیرند.

۱۰. آمادگی ذهنی و روانی مشاوره‌شوندگان؛ گاهی زوجین از باب اجبار به مشاور مراجعه می‌کنند؛ با این ذهنیت که به یک روان‌شناس مراجعه کرده‌اند. در حالی که بحث روان‌شناسی با بحث مشاوره تفاوت دارد. با توجه به دید نادرستی که در جامعه نسبت به مسئله روان‌کاوی و روان‌شناسی وجود دارد، گاهی مراجعه‌کنندگان در برابر این مسئله مقاومت دارند.

۱۱. برگزاری جلسات متعدد و با شرایط مختلف؛ توصیه می‌شود حداقل تعداد جلسات سه یا چهار جلسه و هر جلسه حدود یک و نیم ساعت باشد.

۱۲. نوشتن مسائل زوجین و تشکیل یک پرونده خاص.

۱۳. در نظر گرفتن ملاحظات مکانی از جمله آرامش و عدم تردد.

۱۴. بررسی تناسب ویژگی‌های شخصی، روانی، فرهنگی، عقیدتی خانواده‌ها، باورها، و ارزش‌های طرفین و نیز هماهنگی زوجین در مسائل عاطفی و جنسی؛ بیشتر زوجین، در دو مسئله عاطفی و جنسی دچار مشکل هستند. لذا آموزش مهارت‌های تعامل با همسر، به‌ویژه نوع برخورد حضرت رسول با همسران‌شان، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

■ ویژگی‌های یک مشاور

یک مشاور باید گوش خوبی باشد؛ یعنی حرف طرفین را بشنود، حرف‌ها را قطع نکند و از قضاوت بپرهیزد. یکی از مشکلات مشاورین و ائمه جماعات ما، این است که پس از شنیدن حرف یک نفر، بلافاصله قضاوت می‌کنند؛ در صورتی که مشاور به هیچ وجه قضاوت نمی‌کند، فقط راه حل نشان می‌دهد.

نکته دیگر غنی‌سازی لذت‌های زندگی و ارتباط با خانواده و همسر است.

مشاور باید برای یک مشکل، چندین راه حل داشته باشد تا اگر یکی به نتیجه نرسید، از دیگری استفاده کند.

مشاور خوب باید مشکلات ناشی از تفاوت‌های قومی و عقیدتی را در نظر داشته باشد. در این چند سال مشکلات ناشی از تفاوت‌های قومی و عقیدتی رابه کرات دیده‌ام. زوجینی که از دو فرهنگ متفاوت هستند، نمی‌توانند به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. هنگامی که دختر و پسر با دو فرهنگ متفاوت در کنار هم قرار می‌گیرند، تا بخواهند فرهنگ همدیگر را بشناسند، با مشکلات و معضلات زیادی مواجه می‌شوند. اگر به این‌ها اطلاع‌رسانی نشود، کانون گرم خانواده‌شان فرو می‌پاشد.

مشاور فرد ثالثی است که هیچ نفعی جز حق مشاوره ندارد. نظر خانواده طرفین نباید روی مشاور اثر بگذارد. ضمناً باید تمام مراحل و متغیرها را ثبت کند، بتواند احتمال دروغ گفتن پسر یا دختر را تشخیص دهد و عشق دروغین را از حقیقی باز شناسد. در این صورت است که می‌تواند مراحل درست از دواج را به جوانان آموزش دهد؛

چون خیلی از خانواده‌ها از دواج را تلذذ جنسی می‌دانند و سایر مسائل را در نظر نمی‌گیرند. این وظیفه مشاور است که این موارد را به آنها آموزش دهد.

مشاور باید بیماری‌های روانی و جسمی مخفی و ناراحتی‌های روحی را تشخیص دهد و درصدد رفع آنها برآید.

نکته دیگر، بررسی سوابق طرفین بدون جهت‌گیری است.

در مشاوره خانوادگی، بحث خانواده از منظر تربیت کودک، نکته مهمی است که باید مد نظر قرار داد.

مشاوره خانواده سخت‌گیر، خانواده سهیل‌گیر و سالم با یکدیگر تفاوت دارد.

عزیزان مشاور باید به تجاربی که نشان‌دهنده یک رابطه موفق‌آمیز و مهم است، دقت کنند؛ چراکه خیلی مهم است.

■ مشاوره آنلاین «نوعروسی»

عزیزان مشاور باید بتوانند تفاوت عشق و هوس را در رابطه دختر و پسر تشخیص دهند.

نکته بعدی، سؤالاتی است که در جلسه خواستگاری پرسیده می‌شود. عزیزان مشاور باید به این منظور یک سری سؤالات را طراحی کنند و بانک سؤالی داشته باشند که بر اساس شأن خانوادگی، وضعیت مالی، شخصیتی و اعتقادی طرفین طراحی شده باشد.

گاهی برخی جوانان از روحانیون می‌پرسند: در خواستگاری چه سؤالاتی باید پرسید؟ اینجا روحانی عزیز ما باید سؤال کند: وضعیت مالی برای شما مهم است یا وضعیت عاطفی یا فرهنگی؟ بعد سؤالات را از بانک سؤال انتخاب کند و در اختیار عزیزان قرار دهد. سپس معنای دواج و رابطه عشق و ازدواج را برای مراجع کاملاً تنقیح کنند. من خودم برای این موضوع حدود هزار سؤال طراحی کرده‌ام! مشاور علاوه بر این موارد، باید روان‌شناسی عشق را خوب بداند و درباره اثر نیاز جنسی بر رفتار مطالعه داشته باشد.

ویژگی سایت نوعروس، پاسخگویی به همین مسائل مشاوره‌ای است. عزیزانی که به این سایت می‌آیند، می‌توانند با قسمت مشاوره‌اش ارتباط بگیرند و سؤالات خود را بپرسند. ما، جواب‌ها را از طریق ایمیل برای این عزیزان می‌فرستیم. این ابتکاری است که چند نفر از دوستان نوجوان و نخبه ما دور هم جمع شدند و سایتی را طراحی کردند که مسائل مربوط به بحث ازدواج را بررسی و سبک اسلامی را برای بازدیدکنندگان تبیین می‌کند، و اینکه هنگام خواندن صیغه عقد چه دعاهایی را بایسد خواند و چه مواردی را رعایت کرد. اگر عزیزان به این سایت مراجعه کنند، با مسائل متنوعی روبرو می‌شوند که می‌توانند از آنها بهره ببرند.

■ مسجد و مشاوره

مسجد ملجأ و پناه مؤمنین است و مسجد طراز اسلامی باید بتواند مشکلات جامعه مسلمانان را حل کند. اما متأسفانه به بحث مشاوره در مساجد ما بی‌توجهی می‌شود که می‌توان با تبلیغ و آموزش به افراد، مشاوره را در مساجد تقویت کرد.



در گفتگو با دکتر فرید براتی:

مشاوره ارشادی نیز نیازمند تخصص است

استفاده حداکثری از ظرفیت‌های مسجد، همواره دغدغه روحانیون و ائمه جماعات مساجد بوده و هست؛ چه اینکه ضرورت مشاوره‌های دینی و راهگشا در تمام طبقات جامعه احساس می‌شود. در این گفتگو بر آنیم که بایدهای مشاوره در فضای مسجد را از زبان عضو هیئت علمی، استاد یار گروه روانشناسی و مدیر گروه روانشناسی دانشگاه قرآن و حدیث، جناب آقای دکتر فرید براتی بدانیم.

به کوشش:
مهدی اکبری علویچه

مشاوره آیا مشاوره یک تخصص است؟

مشاوره به معنای یک حرفه یاورانه است که طبیعتاً به تخصص احتیاج دارد. یک مشاور لازم است از جنبه علمی با طلی نمودن تحصیلات و مدارج دانشگاهی و از جنبه عملی با شرکت در کارگاه‌ها و کارورزی‌ها و انجام مشاوره و تمرین زیر نظر یک استاد و پیشکسوت روان‌شناسی و مشاوره، دست به دانش‌افزایی و کسب تجربه بزند.

مشاوره وجود چه علوم و ابزارهایی در مسیر کسب

تخصص در امر مشاوره ضرورت دارد؟

در بُعد علمی می‌توان علوم آکادمیک در فضای روان‌شناسی و دانش‌شناختی رفتار انسان را مورد نظر قرار داد. در عین حال لازم است یک مشاور، از زمینه‌های فرهنگی و رسوم حاکم بر مراجعه‌کنندگان خود، آگاهی کافی داشته و قواعد حاکم بر رفتار انسان و منطق تعاملات بشری را به خوبی بداند. اصلی‌ترین ابزار یک مشاور، دانش روان‌شناسی یاورانه، توانایی برقراری ارتباط، توانایی ابراز همدلی و توان پذیرش بی‌قید و شرط انسان‌ها و صداقت با دیگران است.

۶۶
لازم است
یک مشاور،
از زمینه‌های
فرهنگی و
رسوم حاکم بر
مراجعه‌کنندگان
خود، آگاهی
کافی داشته و
قواعد حاکم بر
رفتار انسان و
منطق تعاملات
بشری را به
خوبی بداند
۶



یکی از اقتضائات مشاوره حرفه‌ای، مکان باید احساس آرامش و خلوت را به مراجع القا کند؛ یعنی مراجع از قرار گرفتن در فضا در یابد که اینجا جایی است که می‌تواند حرف و مسئله‌اش را به راحتی و بدون عوامل مخل و مزاحم بیان کند

مشاوره در فرض نبود تخصص در امر مشاوره، چه آسیب‌هایی در انتظار مشاور، مراجع و فرآیند مشاوره خواهد بود؟

در روان‌شناسی بحثی تحت عنوان روان‌درمان‌گری وحشیانه وجود دارد که ناظر به زمانی است که شخص درمان‌گر، صلاحیت و کفایت لازم را به دست نیاورده و مراتب علمی و کارورزی‌های تخصصی را طی ننموده باشد و در این حالت به ارائه خدمات مشاوره‌ای بپردازد. ناگفته پیداست که این چرخه معیوب، جز افزودن مشکلات مراجعه‌کننده و ناتمام‌گزاردن فرآیند درمان، راه به جایی نخواهد برد. می‌توان این موضوع را درباره مشاوره هم صادق دانست. به عبارتی درمان و مشاوره وحشیانه به مثابه باز شدن پنجره‌هایی بر روی ذهن و روان مراجع است که بستن آنها کار دشواری خواهد بود؛ چراکه روان‌شناس یا مشاور صلاحیت و کفایت لازم برای عمل مناسب را در این زمینه پیدا نکرده، اما به ارائه خدمات مبادرت ورزیده است. در واقع هدف از انجام مشاوره، حل مشکل و از بین بردن تنش‌های مراجع است که در صورت نبود تخصص کافی، منجر به تنش‌افزایی خواهد شد. در ساحت اجتماع نیز می‌توان به نارسایی شیوه درمانی، بروز مشکلات متعدد در کانون خانواده، خدشه‌دار شدن نظام راهگشای مشاوره و از دست دادن اعتماد عمومی اشاره کرد.

مشاوره آیا نوع مراجعاتی که به ائمه مساجد می‌شود، ذیل عنوان مشاوره قرار می‌گیرد؟

مشاوره انواع مختلفی دارد. یک نوع مشاوره که عنوان مشاوره ارشادی (pastoral) دارد و در ایران مسامحتاً معنوی نامگذاری می‌شود، می‌تواند فصل مشترک‌هایی با کار بعضی روحانیون داشته باشد. البته مشاوره ارشادی نیز نیازمند تخصص است و حتماً باید فردی که مدعی ارائه آن است، تخصص علمی و صلاحیت عملی لازم را داشته باشد. این نوع مشاوره در خارج از کشور توسط کشیش‌های مذهبی که از اصول و فنون مشاوره اطلاع کافی دارند، انجام می‌شود. اما آنچه از ناحیه ائمه مساجد ارائه می‌گردد، مشاوره ارشادی نیست؛ بلکه نوعی هدایت‌گری و راهنمایی است که تفاوت زیادی با مشاوره ارشادی دارد.

بنده با اطلاق عنوان مشاوره بر خدمات روحانیون در برخی اماکن عمومی مانند مترو، مخالفت جدی دارم. این قبیل خدمات بیشتر جنبه توصیه و موعظه دارد و به راهنمایی شبیه‌تر است تا مشاوره. البته این سخن به معنای آن نیست که توصیه یا موعظه‌ای در کار نباشد. توصیه و موعظه هم جایگاه رفیعی دارد و ضرورت آن در جامعه امروزی قابل انکار نیست؛ اما عنوان باید با محتوا تناسب داشته باشد.

مشاوره تا چه میزان معماری مسجد، با فرآیند اجرای صحیح مشاوره تناسب دارد؟

یکی از اقتضائات مشاوره حرفه‌ای، مکان است. مکان باید احساس آرامش و خلوت را به مراجع القاء کند؛ یعنی مراجع از قرار گرفتن

در فضا در یابد که اینجا جایی است که می‌تواند حرف و مسئله‌اش را به راحتی و بدون عوامل مخل و مزاحم بیان کند. در صورتی که در جمع مردم باشد و در خلال مشاوره تردد اهالی مسجد وجود داشته و صدای آنان به گوش برسد، با دو اصل اساسی در مشاوره، یعنی القاء آرامش به مراجع و حفظ و صیانت حریم خصوصی او در تراحم است. اما اگر امام جماعت دارای صلاحیت مشاوره، مکانی مخصوص دارد که افراد می‌توانند به صورت خصوصی به او مراجعه کرده و فضایش مانند یک مرکز یا کلینیک مشاوره با تمام ویژگی‌های آن باشد، می‌توان گفت که وضعیت برای مشاوره آماده است.

توصیه جدی من این است که دوستان روحانی که تحصیلات تخصصی دارند، تلاش کنند مشاوره و خدمات تخصصی خود را در بافت‌های تخصصی ارائه دهند. من با این دیدگاه خیلی موافق نیستم که هر چیزی را در موضعی غیر از مکان خاص خودش عرضه کنیم یا این توجیه که مسجد محل حل و فصل تمام مسائل مؤمنان است. موعظه و راهنمایی در مسجد موضوعیت دارد؛ ولی مگر روحانی‌ای که پزشکی هم خوانده - مثلاً تخصص جراحی دارد - امور پزشکی را در مسجد انجام می‌دهد که بگوییم روحانی متخصص در حیطه روان‌شناسی و مشاوره، در مسجد کار تخصصی انجام دهند؟ از نگاه بنده، روحانی‌های دارای صلاحیت باید حضور خود را در مراکز مشاوره و کلینیک‌های خدمات روان‌شناختی بیشتر کنند تا به این ترتیب هم حضورشان رسمیتی بیشتر یافته و هم مراجعان و مردم دریابند که از روحانیون دارای تخصص هم می‌توانند خدمات روان‌شناسی و کمک دریافت کنند. این شرایط موجب شود روحانی متخصص نیز در تیم مشاوره و خدمات روان‌شناختی دیده شود. این نوع جداسازی‌ها به بافت فرهنگی و فرهنگی شدن مشاوره و روان‌شناسی در کشور ما ضربه زده و خواهد زد.

مشاوره در صورت انجام مشاوره در فضای نامناسب و محقق نشدن شرایط اساسی مشاوره، چه آسیب‌ها و مشکلاتی به وجود خواهد آمد؟

اولین نکته احتمالاً مخدوش شدن محرمانگی است. چنانچه حفظ حریم خصوصی مراجع جدی گرفته نشود و دیگران خواسته یا ناخواسته در جریان مشکل او قرار گیرند، فرد ممکن است نتواند مشکلات واقعی‌اش را بازگوید. به این ترتیب مشاوره از مسیر واقعی خود خارج می‌شود. ممکن است حالت تجسس پیدا شود و مداخلات نابجا و مضر دیگران بر سر راه مراجع، به ایجاد مشکلات دیگر منتهی شود.

علاوه بر آن، در مشاوره حیا وجود ندارد و باید مراجع تمام آنچه را که برای پیش‌برد مسیر مشاوره لازم است، در اختیار مشاور قرار دهد و به اصطلاح، خودفاش‌سازی کند. حضور دیگران مانع از ابراز مکثات قلبی مراجع شده و به نتیجه‌بخش بودن عملیات مشاوره، آسیب جدی وارد می‌کند.



در گفتگو با حجت الاسلام حسین حقیری، امام جماعت سابق مسجد امام حسن مجتبی (ع) شهرری

برای مردم، دلسوز باش...

مهم‌ترین کار یک روحانی، مهارت جذب است و یکی از راه‌های جذب مردم به دین، مشاوره است که قواعد خاص خود را دارد. امروزه یک روحانی، به‌ویژه امام جماعت، باید همان‌طور که در مسائل شرعی توانمند است، توانایی برقراری ارتباط با مردم را داشته باشد. برای این منظور باید دو ویژگی مهم داشته باشد: ۱. ظرفیت؛ ۲. ظرافت. ظرفیت یعنی سنگ صبور باشد و شرح صدر داشته باشد. ظرافت، مهارت و جذابیت است؛ اینکه بدانی با چه کسی طرف هستی، افراد چه مشکلی دارند و چطور می‌شود مشکلاتشان را حل کرد. تا بتواند در مواجهه با افراد، شرایط آنان را درک، و متناسب با آنها به تبلیغ و وظیفه‌اش عمل کند.

به کوشش:
مهدی اکبری علویجه

البته موضوع مشاوره یک موضوع بسیار تخصصی است و معنای حرف من این نیست که همه در مشاوره به صورت تخصصی ورود کنند. منظور این است که حداقل اگر خودشان نمی‌توانند ورود کنند، افراد را به اهل فن ارجاع دهند. امروز حتی بیان مسائل شرعی باید با نگاه مشاوره‌ای صورت گیرد.

امروزه معضلات فراوانی مثل ناامیدی، بد رفتاری، بد اخلاقی و... گریبان جامعه را گرفته است. این وضعیت می‌طلبد که یک روحانی و امام جماعت، در امر مشاوره توانا و به‌روز باشد. کسانی که به روحانیون مراجعه می‌کنند، آنان را به عنوان نماد دین قبول دارند و اگر مشکلاتشان حل نشود، به اعتقادشان آسیب وارد می‌شود و به روحانیون بدبین می‌شوند.



■ آسیب‌شناسی مشاوره

برخی آسیب‌های اعتقادی، بُعد اجتماعی نیز پیدا می‌کند. به این صورت که وقتی شخص مراجع ناامید می‌شود، سراغ خرافات، جادو، عرفان‌های کاذب و مواردی می‌رود که به اسم دین، از او سوء استفاده مالی و غیر مالی می‌شود. این آسیب اجتماعی بزرگی است و وقتی این مسئله حل نشود، برای خود فرد، خانواده و اجتماع، مشکلات متعددی به وجود می‌آورد.

من گاهی در مراجعاتم مشکلات افرادی را حل و فصل می‌کنم که نزد مشاوران محترمی رفته‌اند، اما آن‌طور که باید و شاید، جواب مناسب نگرفته‌اند. ابتدا ذهن آن‌ها را از آن مشاوره پاک می‌کنیم. مثلاً در مشاوره ازدواج می‌گوییم برای رسیدن به یک انتخاب درست باید این فرآیند را طی کرد: اول، دیدن و شنیدن، دوم تحقیق و بررسی و سوم مشاوره با اهل فن. وقتی یک روحانی این مسئله را نمی‌داند یا به آن توجه ندارد، ابتدا سراغ استخاره می‌رود. خیلی از امور را می‌خواهیم با استخاره حل کنیم، اما به‌ویژه در امر ازدواج، اصلاً این کار معقول نیست. چنانچه این فرآیند طی شود، با شرایط خاص خود، نوبت به استخاره می‌رسد. یکی از آسیب‌های مشاوره نادرست همین است که ما اول باید شبهاتی را که در ذهن طرف ایجاد شده، برطرف سازیم، بعد روی موضوعات دیگر کار کنیم.

آسیب بزرگ دیگر، احساسی عمل کردن و به اصطلاح جو‌گرا شدن است که دقیقاً خلاف میانی دینی و عقلی است. رابطه بین احساس و منطق، مثل صفر و عدد است که منطق، عدد است و احساس، صفر. بی‌نهایت صفر قبل از عدد هیچ ارزشی ندارد. اما پس از عدد، هر چه صفر بیشتر باشد، به آن عدد ارزش می‌دهد.

یکی از آسیب‌های اجتماعی این است که روحانی یا امام جماعت به احساسات مردم دامن بزند. دین ما دین قوانین و ضوابط است. در بخش عمده دین دعا و توکل هست، اما هر کدام جایگاه خاص خود را دارد. روحانی یا امام جماعت، نباید به هیچ وجه تحت تأثیر این جو و احساس قرار بگیرد. گاهی در مشاوره، مراجع، تحت تأثیر جو، از والدین یا همسرش بدگویی می‌کند. ما نباید تحت تأثیر جو قرار بگیریم و باید حرف او را فقط به نیت ریشه‌یابی گوش کنیم.

مشاوره کار فنی‌ای است و مشاور شبیه یک جراح مغز و قلب است که با کم‌ترین خطایی ممکن است آسیبی به طرف بزند که غیرقابل جبران باشد یا خیلی سخت جبران شود. برای غلبه بر احساسی عمل کردن و در جو قرار گرفتن، دو ویژگی مهم ظرفیت و ظرافت به کار می‌آید.

■ ویژگی‌های مشاور

یک منظر مشاور باید دو کار اساسی انجام دهد: یکی اینکه طرف را تخلیه کند؛ یعنی سنگ صبورش باشد و تمام حرف‌هایش را گوش کند. یک روحانی، امام جماعت یا مشاور، باید شنونده خوبی باشد و شنودگی خودش مهارت است؛ یعنی زود تحت تأثیر جو قرار نگیرد، احساسی نشود و سریع قضاوت نکند.

نکته دوم اینکه پس از خوب گوش کردن، شروع کند به ارائه راهکارهای لازم. این دو بخش در مشاوره خیلی نمود دارد و واقعاً قابل توجه است و به هم ربط دارد. اگر در قسمت اول موفق نباشد، در قسمت دوم نمی‌تواند راهکارهای لازم را ارائه دهد. غیر از مواردی که اشاره کردم، یک روحانی و مشاور باید سه ویژگی مهم دیگر هم داشته باشد:

۱. صبور باشد. مهم‌ترین ویژگی مشاور صبر است.
۲. دلسوز باشد؛ یعنی با تمام وجود مراجع را درک کند.
۳. مهارت داشته باشد؛ چون در حل موضوعات خیلی مهم است. هر کدام از سه ضلع این مثلث، ابعاد شخصیت یک مشاور را تشکیل می‌دهد و اگر یکی از آنها کم باشد، مراجعه‌کننده به هدفش نمی‌رسد.

■ مهارت در مشاوره

با مهارت، یعنی تدبیر و مدیریت، می‌توان مرز مشخصی را ایجاد کرد و از ورود حاشیه‌ساز به مباحث و موضوعات مصون ماند. مهارت مشاور، این تشخیص را به او می‌دهد که چه میزان ورود پیدا کند و با چه اشخاصی، تا کجا همراهی کند. مثلاً دو نفر از مأمومین که هر دو متشرع هم هستند و در جماعت شرکت می‌کنند، به سمت امام جماعت می‌آیند تا مشکلاتشان را مطرح کنند. اینجا امام جماعت باید به گونه‌ای عمل کند که هر دو فکر کنند امام جماعت به آنها توجه دارد. این نکته خیلی دقیقی است که یک روحانی و مشاور باید رعایت کند. چنانچه در بحث جذابیت نتواند مدیریت کند، ممکن است به زعم خودش دارد تبلیغ می‌کند، ولی نه تنها مشکل کسی را حل نمی‌کند، بلکه دو طایفه یا گروهی را که در همان محل هستند، به جان هم می‌اندازد. مثلاً فرض کنید فرزندی مراجعه کرده و از پدرش بدگویی می‌کند. ظرافت یک روحانی و امام جماعت و مشاور این است که اصلاً به او اجازه ندهد چنین سخنانی را مطرح کند یا مسیر بحث را عوض کند یا پدر را به صرف اینکه به وظایفش عمل نکرده، پیش بچه خراب نکند. این دقت‌ها به ویژه در مسائل مشاوره باید بیشتر رعایت شود.

■ فراموش نشود:

۱. مشاوره، کار بسیار سخت و ظریف و دقیقی است. علی‌رغم همه سختی‌هایش، نعمتی است که خدا در اختیار ما قرار داده، لذا باید قدردان آن باشیم.
۲. لزومی ندارد هر کسی در هر موضوعی به امام جماعت مراجعه کرد، امام جماعت جوابش را بدهد. اگر نمی‌داند، به اهل فن ارجاع دهد.
۳. موضوعات دسته‌بندی شود؛ یعنی کسی که می‌تواند در مسائل تربیتی کار کند، به مسائل خانواده نپردازد. البته امام جماعت جنبه عمومی دارد و باید به علوم فراوانی در حد خودش احاطه داشته باشد؛ ولی اگر مسئله تخصصی پیش آمد، به مشاور تخصصی خود ارجاع دهد.

“مهارت مشاور، این تشخیص را به او می‌دهد که چه میزان ورود پیدا کند و با چه اشخاصی، تا کجا همراهی کند

6

بررسی اصول، روش‌ها، نشانه‌شناسی، طبقه‌بندی اختلالات و مشکلات در یک مشاوره

تشخیص درست دستاوردمصاحبه

تشخیص، مستقیم‌ترین و اساسی‌ترین کارکرد مصاحبه است. در یک جلسه مشاوره، مصاحبه صورت می‌گیرد تا امکان تشخیص دقیق، لازم و کافی درباره‌ی نوع و طبقه‌بندی، عوامل و راه‌کارهای رفع مشکل برای مشاور فراهم شود. چه بسا ورود به مصاحبه حرفه‌ای، مشاور را از پرداختن به امر تشخیص به طور مستقل و ویژه بی‌نیاز کند. با وجود این، بهتر است به منظور طبقه‌بندی بهتر و منظم‌تر، اصول تشخیص را از اصول مصاحبه جدا کرد تا جایگاه تشخیص در مشاوره برجسته‌تر و اهمیت آن روشن‌تر گردد.

حجت‌الاسلام والمسلمین
دکتر سید احمد رهنمایی
عضو هیأت علمی
مؤسسه آموزشی پژوهشی
امام خمینی

۶۶

مشاور همواره
نیازمند
بهره‌برداری از
ابزاری است که
در امر تشخیص
ناهنجاری و نوع
آن به وی کمک
می‌کند. برخی
از این ابزار را
مشاور به طور
نظام‌مند به کار
می‌بندد تا اساساً
مشاوره شکل
پیدا کند

مفرط از نقصان و کاستی، بدون اینکه واقعاً توجیه و دلیلی داشته باشد یا ترس مفرط از شکست، بدون اینکه عامل یا زمینه‌ی شکستی را بتوان شناسایی کرد از نمونه‌ی آفات و اختلالات روانی است که اسباب نگرانی، آشفتگی، اضطراب و بی‌قراری مراجع است. ترس افراط‌آمیز و در نتیجه اضطراب، علت بسیاری از ناهنجاری‌ها از جمله رفتارهای وسواسی مراجع می‌باشد. چرا که مراجع، برای جبران حالت ترس و تردید از کاستی یا شکست و در نتیجه به منظور حصول اطمینان از صحت و درستی کار خود یا اتقان و کمال آن، عملی را بارها انجام می‌دهد. در نتیجه، به تدریج به بیماری وسواس گرفتار می‌شود. این نوع حالت وسواسی را که در علت‌یابی به عوامل روان‌شناختی نظیر اضطراب نسبت می‌دهند، وسواس روانی و ناهنجاری‌های ناشی از آن را ناهنجاری‌های روان‌شناختی می‌نامند.

■ ناهنجاری‌های آموزشی - تربیتی

ناهنجاری‌های آموزشی - تربیتی شامل طبقه‌ی خاصی از مشکلات می‌شود که افراد بر اثر آموزش‌ها و تربیت‌های ناکافی و ناسالم یا بازآموزی و بازسازی رفتارهای ناهنجار بزرگ‌ترها گرفتار آن

■ ساختارها و متغیرهای اساسی تشخیص

به منظور بررسی و تبیین ساختار تشخیص، سه متغیر اساسی را باید در نظر گرفت: اولاً، باید بررسی کرد که مشکل مورد نظر از کدام یک از انواع مشکلات است و جایگاه و رمز تشخیص آن در طبقه‌بندی اختلالات رفتاری یا روانی چیست؟ ثانیاً، باید به بررسی و شناسایی عواملی پرداخت که به نوعی در ظهور و بروز مشکل نقش داشته‌اند. ثالثاً لازم است به دنبال بررسی طبقه‌بندی و شناخت عوامل مشکل، راه حل مناسب را تشخیص داد و به راه‌کارهای حل مشکل پرداخت. در باب مشاوره، ناهنجاری‌ها معمولاً در سه رده به شرح زیر قابل دسته‌بندی است:

۱. ناهنجاری‌های ناشی از عوامل روان‌شناختی؛
۲. ناهنجاری‌های ناشی از عوامل آموزشی - تربیتی؛
۳. ناهنجاری‌های ناشی از اختلال روان - تنی.

■ ناهنجاری‌های روان‌شناختی

آن دسته از مشکلاتی که روان و جنبه‌های روان‌شناختی مراجع را تحت تأثیر قرار داده، در طبقه‌ی اختلالات روانی جای می‌گیرد. ترس





سبب‌شناسی نابهنجاری

در سبب‌شناسی نابهنجاری، به سه طبقه اساسی از عوامل سبب‌ساز، زمینه‌ساز و برانگیزاننده می‌توان اشاره کرد. عاملی را سبب‌ساز گویند که تأثیر مستقیم و مباشر در ایجاد یک پدیده داشته باشد. برای مثال آتش عامل مستقیم و مباشر سوختن اشیای سوختنی است و بنابراین می‌تواند از اسباب اساسی سوختن به شمار رود. عاملی را زمینه‌ساز گویند که گرچه تأثیر مستقیم در ایجاد یک پدیده ندارد، می‌تواند زمینه این تأثیر را فراهم آورد. در فرض مثال، چنانچه کبریت یا هر نوع ابزار آتش‌زدن در اختیار کودک بازی‌گوش و ماجراجو باشد، زمینه برای ایجاد آتش فراهم است، هر چند صرف در اختیار داشتن ابزار آتش توسط کودک عامل مستقیم آتش‌زدایی نیست. عاملی را برانگیزاننده گویند که به نوعی اسباب جلب توجه فرد را فراهم می‌آورد و او را در راستای انجام یک عمل برمی‌انگیزاند. برای مثال، تعریف‌هایی که در مورد آتش‌بازی یا ابزار و وسایل اشتعال و آتش‌افروزی بر سر زبان‌ها جاری می‌شود ممکن است به گونه‌ای نوجوانان ماجراجو را برانگیزاند و آنان را به آتش‌بازی تشویق کند. صرف‌نظر از نقش عوامل سه‌گانه بالا، اکثر نابهنجاری‌ها و اختلالاتی که مراجعان برای رفع و درمان آنها جویای مشاوره هستند می‌توانند جنبه روان-تنی داشته باشند.

ابزار تشخیص

مشاور همواره نیازمند بهره‌برداری از ابزاری است که در امر تشخیص نابهنجاری و نوع آن به وی کمک می‌کند. برخی از این ابزار را مشاور به طور نظام‌مند به کار می‌بندد تا اساساً مشاوره شکل بپذیرد. مصاحبه مشاوره‌ای و آزمون‌های تشخیصی از جمله این ابزار است. ۲ مشاهده رفتار، حالات، حرکات و اشارات مراجع نیز می‌تواند برای تشخیص نابهنجاری از ابعاد گوناگون مفید و مؤثر باشد. هم‌چنین نوشته‌ها، توصیف‌ها، رسم‌ها و نقاشی‌های مراجعان ابزار کارآمد و مناسبی برای تشخیص به شمار می‌روند.

می‌شوند. این موضوع، به خصوص در شرایطی که افراد دارای وابستگی خاصی به دیگر بزرگ‌ترها باشند، نمایان‌تر است. معمولاً والدین پرخاش‌گر، کودکان پرخاش‌گر و ماجراجو و فتنه‌انگیز پرورش می‌دهند یا پدر و مادر مبتلا به وسواس، فرزندان وسواسی تربیت می‌کنند. برعکس، معمولاً والدین صالح و شایسته، فرزندان نیکوکار و شایسته پرورش می‌دهند یا والدین پرخوردار از اعتماد به نفس قوی، فرزندان دارای اعتماد به نفس قوی تربیت می‌کنند. در هر صورت، مشکلات آموزشی-تربیتی ناشی از جریان‌های آموزشی-تربیتی خاصی است که در گذر زمان نسبتاً طولانی و تحت شرایط ویژه، از جانب بزرگ‌ترها در مورد فراگیران و مترجمان اعمال می‌گردد. مشکلات تربیتی چنانچه به حال خود رها شوند، به تدریج به مشکلات روانی یا حتی مرضی تبدیل خواهند شد. اما چنانچه این قبیل نابهنجاری در زمان مناسب اصلاح گردند، از بروز مشکلات حادث‌تر پیش‌گیری به عمل خواهد آمد.

ناهنجاری‌های روان-تنی

آن دسته از مشکلات روانی و رفتاری که ناشی از نارسایی‌ها و بیماری‌های جسمانی است در گروه نابهنجاری‌های روان-تنی قابل‌ارزیابی و تشخیص است. برای مثال، کسی که به هنگام شستن صورت برای وضو به طور مرتب و بیش از اندازه به صورت و محاسن خود دست می‌کشد، چنانچه عامل اصلی این عمل وسواسی‌اش، خارش یا احساس خارش در پوست صورت باشد، به تدریج بر اثر خاراندن زیاد صورت و احیاناً لذت بردن از این عمل عادت می‌کند به هنگام شستن صورت بیش از حد معمول و متعارف به صورت خود دست بکشد. چه بسا ابتدا بر اثر خاراندن نوعی احساس آرامش به وی دست می‌دهد که به تدریج این احساس آرامش انگیزه و مشوق خوبی برای شستن غیرمتعارف به حساب آمده است. در این قبیل موارد، لازم است برای درمان و رفع مشکل ابتدا اقدامات ایمنی و سالم‌سازی در ناحیه اعضا و جوارح صورت پذیرد تا به تدریج مشکل روانی و رفتاری برطرف شود.

منابع:

۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: کاپلان و ساروک، خلاصه روان‌پزشکی علوم رفتاری، ج ۲، فصل ۲۸، ص ۵۱۱-۵۱۸، ترجمه دکتر پورافکاری.
۲. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: دکتر کرمی، آشنایی با آزمون‌سازی و آزمون‌های روانی، فصل ۱۳، ص ۲۵۹-۱۹۰.

درمان‌شناسی

مداخلات تربیتی شامل فعالیت‌هایی نظیر توصیه‌های تربیتی و اخلاقی، راه‌نمایانیدن، رهبری کردن، اعطای بینش، آگاهانیدن، تشویق، تمجید، توبیخ، ملامت و... است. در رویکرد تربیتی، انتظار می‌رود مربی پای‌بندی خود را در گرفتار و عمل نسبت به آنچه از مراجع انتظار دارد نشان دهد، حتی اگر گفتار و رفتار او از نگاه مراجع و دیگران احیاناً مخفی مانده باشد. به همان اندازه که بی‌توجهی به ملاحظات تربیتی آفت‌زا و آسیب‌رسان است، مراعات اصول تعلیم و تربیت و توجه به زیر و بم‌ها و ظرافت‌های تربیتی، سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده است. در استفاده از رویکرد تربیتی، حضور و غیبت مربی، کلام و سکوت مربی، ویژگی‌های ظاهری و روانی مربی، اخلاق و آداب مربی و حرکات و اشارات او مفهوم می‌یابد و به تربیت جهت و معنا می‌بخشد.

الف) رویکردهای روان‌بهداشتی

مشاوران می‌توانند به کمک کارشناسان روانی اقدامات پیش‌گیرانه را تنظیم کنند و آنها را متناسب با شرایط و احوال مراجعان به کار بندند. در بهداشت یا روان‌شناسی سلامتی، تلاش‌ها و فعالیت‌های پیش‌گیرانه در سه رده زیر طبقه‌بندی می‌شود:

۱. پیش‌گیری‌های اولیه (primary prevention) که مشتمل بر تغییر یا نابودی عوامل نابهنجاری قبل از بروز آن است.
 ۲. پیش‌گیری ثانویه (secondary prevention) که بر اقداماتی جهت جلوگیری از پیشرفت بیماری اطلاق می‌گردد.
 ۳. پیش‌گیری‌های نوع سوم (tertiary prevention) که اقداماتی نظیر توان‌بخشی و درمان نابهنجاری را برای متوقف کردن پیشرفت یک بیماری در برمی‌گیرد. (۳)
- ب) رویکردهای تربیتی درمانی

هشدار! با احتیاط مشاوره دهید

دائمی
نعمی

با گسترش جوامع انسانی و تغییر سبک زندگی مردم، روابط و تعاملات جدیدی شکل می‌گیرند که به مرور زمان تبدیل به جزئی از ضرورت‌های زندگی برخی انسان‌ها می‌شوند. به مقتضای مدنیت جوامع، با شکل‌گیری هر رابطه دو طرفه، مباحث مربوط به حقوق و تکالیف هر یک از طرفین به میان می‌آید؛ اینکه هر فرد در رابطه جدید چه حقوقی دارد و باید به چه تکالیفی عمل کند تا این تعامل به نحوی استاندارد و بدون هرگونه ریسک و آسیب، به سمت رسیدن به اهداف مطلوب پیش رود.

۶۶

مشاوره در دنیای امروز ماهیتی عینی‌تر یافته و به عنوان تخصص و حرفه‌ای مستقل شناخته می‌شود؛ بنابراین برای ایفای نقش مشاوره یک سری حقوق و هنجارها نمودار می‌شود که به سلامت و ثمره‌بخشی رابطه با مشاوره‌گیرنده کمک خواهد نمود



و هفتم فروردین سال هشتاد و دو، قانونی تحت عنوان «قانون تشکیل سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره»، مشتمل بر بیست و چهار ماده و نوزده تبصره تصویب نمود که در تاریخ نهم اردیبهشت همان سال به تأیید شورای نگهبان رسید. این قانون به مسائل کلان در این زمینه می‌پردازد و بیشتر مربوط به ساختار سازمانی جهت اداره امور این حرفه است.

البته این قانون در ماده ۲، حمایت از حقوق مراجعان و حقوق صنفی روان‌شناسان و مشاوران را از جمله اهداف سازمان دانسته است و در ماده ۱۲ یکی از وظایف شورای مرکزی را تشکیل هیئت رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای در این زمینه بر شمرده و در تبصره یک ماده ۱۹ نیز یکی از تخلفاتی را که موجب محکومیت اعضای سازمان می‌شود، تخلف از شئون حرفه‌ای و صنفی؛ به معنای عدول از اصول نظام‌نامه اخلاق حرفه‌ای روان‌شناسی و

بحث مشاوره و استفاده از آن در زندگی اجتماعی با وجود قدمتی به اندازه عمر آدمی، چند زمانی است که صورتی جدید پیدا کرده و به نوعی تعامل خاص تبدیل شده است؛ رابطه‌ای که در آن فردی به عنوان درخواست‌کننده مشاوره نزد شخصی دیگر به عنوان مشاور می‌رود و با رفت و آمدها و گفت‌و‌شنودها به سمت حل مشکل یا برطرف‌شدن نیازی پیش می‌رود.

مشاوره در دنیای امروز ماهیتی عینی‌تر یافته و به عنوان تخصص و حرفه‌ای مستقل شناخته می‌شود؛ بنابراین برای ایفای نقش مشاوره یک سری حقوق و هنجارها نمودار می‌شود که به سلامت و ثمره‌بخشی رابطه با مشاوره‌گیرنده کمک خواهد نمود. این هنجارها در قالب اخلاق و مسئولیت‌های حرفه‌ای تعریف می‌شود و بر قانون‌گذار است که نوع و حدود آن را معین کند. در این زمینه و در ایران مجلس شورای اسلامی در تاریخ بیست



۶۶

مشاوره و راهنمایی باید در فضا و مکان رسمی صورت گیرد؛ بنابراین باید از صحبت در مکان‌هایی مانند کافی‌شاپ، پارک یا مکان‌های خصوصی متعلق به مشاور و مراجعه‌کننده به شدت پرهیز کرد

۶

مشاوره قلمداد نموده است.

شئون حرفه‌ای و صنفی، همان هنجارهایی است که رعایت آن بر هر مشاوره واجب است و مشاور و مراجعه‌کننده‌اش را از آسیب‌های مخاطره‌آمیز و رفتارهای خارج از استاندارد ایمن می‌سازد.

سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره ایران، منشوری با عنوان نظام‌نامه اخلاق حرفه‌ای روان‌شناسان و مشاوران تدوین نموده است که به این موارد اشاره دارد.

برخی از مواد این نظام‌نامه شامل محتوای حقوقی هستند که عدم رعایت آنها موجب بروز مسئولیت کیفری می‌شود چه شخص مشاور حرفه‌اش مشاوره باشد یا در مقام فردی امین قرار دارد که طرف مشورت قرار گرفته است.

اهم این مواد عبارتند از:

* ارائه خدمات حرفه‌ای، پژوهشی و آموزشی توسط مشاور فقط در زمینه‌هایی که صلاحیت لازم برای انجام دادن آنها را دارد.

* استفاده از روش‌های درمانی و مشاوره‌ای که مشاور برای انجام آنها آموزش دیده و در آنها تجربه پیدا کرده است.

* توجه به نقش و تأثیر عوامل فرهنگی، قومی، نژادی، جنسیتی، دینی و مذهبی در چارچوبی که با کار مشاور ارتباط پیدا می‌کند.

* تلاش برای رعایت استانداردها و قبول مسئولیت در قبال رفتار و گفتار.

* اجتناب مشاور از ایجاد هرگونه مزاحمت‌های اخلاقی و رفتاری برای مراجعه‌کننده.

* اجتناب اکید مشاور از ایجاد هرگونه ارتباط غیر حرفه‌ای با مراجعان و دوری از درگیر شدن در هرگونه رابطه جنسی با آنها و عدم اقدام به پیوند زناشویی تا دو سال پس از قطع رابطه مشاوره.

* کسب موافقت آگاهانه مشاوره‌گیرنده برای اجرای پژوهش، سنجش، درمان، راهنمایی و مشاوره، و توضیح روند امور برای مراجعه‌کننده با استفاده از زبانی که برای وی قابل درک باشد. در مواردی که کسب چنین رضایتی از خود شخص به علت وضعیت حاد روانی یا صغر سن ممکن نیست، باید رضایت قیم قانونی یا ولی وی با حفظ شأن و منزلت وی اخذ شود.

* حفاظت مشاور از اطلاعات محرمانه به‌دست آمده در حوزه فعالیت‌های حرفه‌ای.

* اجتناب از جستجو، کنجکاوی و پرسش از مسائل غیر مرتبط با مشکلی که مراجعه‌کننده برای آن نزد مشاور حاضر شده است.

* دریافت رضایت‌نامه کتبی از مراجعه‌کننده یا نمایندگان قانونی وی قبل از ضبط هرگونه صوت یا تصویر.

* استفاده از آزمون‌های روان‌شناختی به صورت هدف‌مند و متناسب با نیاز و صرفاً در چارچوب تشخیص، درمان، راهنمایی، مشاوره و تحقیق.

* مشاور نتایج آزمون‌ها را فقط به درخواست کتبی مراجعه‌کننده، قیم قانونی یا دادگاه و با رعایت منافع و مصلحت وی، در اختیار آنها قرار می‌دهد، و اگر تشخیص دهد انجام این کار باعث آسیب

به مراجع با سوءاستفاده از نتایج آزمون‌ها می‌شود، می‌تواند از آن خودداری نماید.

تمامی این موارد در «نظام‌نامه اخلاق حرفه‌ای روان‌شناسان و مشاوران» سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره ذکر شده و رعایت آن بنا بر تبصره یک ماده ۱۹ قانون «تشکیل سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران»، بر همه مشاوران لازم است.

برخی افرادی حرفه‌شان مشاوره نیست، بلکه به عنوان شخصی امین برای مشاوره به آنان مراجعه می‌شود. مشاهده شده است که بعضی نکات و اصول مهم در این گونه روابط توسط این افراد نادیده گرفته می‌شود، که این امر باعث بروز مشکلاتی برای آنان می‌گردد. تأکید موارد ذیل بر آنها لازم است:

۱. مشاوره و راهنمایی باید در فضا و مکان رسمی صورت گیرد؛ بنابراین باید از صحبت در مکان‌هایی مانند کافی‌شاپ، پارک یا مکان‌های خصوصی متعلق به مشاور و مراجعه‌کننده به شدت پرهیز کرد تا هرگونه شائبه و اتهام بر طرف گردد. بهتر است در فضای مجازی از مشاوره امتناع شود. ولی در صورت اقدام به این کار ابتدا باید هویت طرفین مشاوره کاملاً و به هر شکل ممکن احراز شود. معمولاً مشاوره‌های اینترنتی در سایت‌های رسمی صورت می‌گیرد.

۲. محتوای صحبت‌های مشاور و مراجع باید هماهنگ با فرآیند مشاوره باشد و مشاور نباید بدون توجه علمی و منطقی و صرفاً جهت کنجکاوی وارد حریم شخصی و خصوصی افراد شود. به عنوان نمونه وقتی در خصوص راهنمایی شغلی صحبت می‌شود، نیازی به ورود به تجارب شخصی، عاطفی یا جنسی نیست. البته در بررسی مشکلات زناشویی و خانوادگی و در برخی مشکلات دیگر شاید نیاز باشد که مشاور برای بررسی دقیق‌تر وارد این حوزه‌ها شود که این کار با کسب رضایت مشاوره‌گیرنده مانعی ندارد.

۳. در صورت نیاز به تماس و پیگیری کار مراجعه‌کننده، مشاور نباید شخصاً و با استفاده از تلفن شخصی خود اقدام به برقراری تماس با مراجع نماید. این کار ممکن است تبعات نامطلوبی برای هر یک از طرفین مشاوره داشته باشد.

۴. تأکید دوباره بر عدم برقراری ارتباط عاطفی یا جسمی و جنسی بین مشاور و مراجعه‌کننده ضروری به نظر می‌رسد.

۵. مشاور نباید به مراجع‌کننده هدیه دهد (عطر، گل و مانند آن).

مراجعه‌کننده نیز باید از انجام این کار پرهیزد. اگر قرار است در برابر مشاوره وجهی دریافت شود، بهتر است در انتقال پول ملاحظات حقوقی رعایت شود تا در آینده مشکلی بروز ننماید.

در پایان لازم است تأکید شود اگر فردی به امر خطیر مشاوره در هر زمینه‌ای مشغول است، باید تمامی امور فوق را علاوه بر دیگر اصول حاکم بر این پیشه مطالعه کند تا برای خود و دیگران آسیب ایجاد ننماید.